

اهل سُنّت ایران

فرصت‌ها و چالش‌ها

■ دکتر عبدالظاهر سلطانی

با مقدمه‌ی اساتید بزرگوار جناب آقایان:

■ مصطفی اربابی ـ خراسان رضوی، تربت‌جام

■ دکتر جلال جلالی‌زاده ـ تهران و سنندج

اهل سنت ایران

فرصت‌ها و چالش‌ها

نویسنده:

دکتر عبدالظاهر سلطانی

با مقدمه‌ی اساتید بزرگوار جناب آقایان:

مصطفی اربابی ـ خراسان رضوی، تربت‌جام

دکتر جلال جلالی‌زاده ـ تهران و سنندج

سرشناسه	:	سلطانی، عبدالظاهر، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور	:	اهل سنت ایران فرصت‌ها و چالش‌ها/ نویسنده عبدالظاهر سلطانی.
مشخصات نشر	:	سنندج: آراس، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	:	۴۰۰ ص.؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ سم.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۷۶۸۲-۳۵-۷
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۴۰۲ - ۴۳۵.
موضوع	:	اهل سنت -- ایران
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۴ ۹الف۸س/۵/BP۲۰۶
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۴۱۴
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۱۶۸۸۸۴

انتشارات آراس

اهل سنت ایران فرصت‌ها و چالش‌ها

مؤلف: عبدالظاهر سلطانی

صفحه آرایی: امیر نحوی(۰۹۱۸۱۷۰۰۰۴۲)

طراح جلد: شعیب مکتبداری

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۹۵

ناشر: آراس - حافظ ابرو

تیراژ: ۳۰۰۰

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۸۲-۳۵-۷

مراکز پخش:

۱) تایباد میدان سعدی کتابفروشی سنَت

تلفن: ۰۵۱-۵۴۵۳۵۳۱۰

۲) سنندج پاساژ عزتی انتشارات آراس

تلفن: ۰۸۷-۳۳۱۲۸۳۴۱

بسم الله الرحمن الرحیم

«هرکه کتابی سازد و یا چیزی بر جایی نویسد، لابد در دل کند که این سخن را قومی فراستانند و قومی رد کنند و اگر نه چنین کند، رنجور گردد و جمله کارها هم‌چنین است؛ حق و باطل از هر نوعی که باشد، قومی فراستانند و قومی رد کنند. پس دل از گفتِ مردمان فارغ می‌باید داشت و حق می‌باید گفت آن‌چه دانی تا رستگار باشی».
(شیخ احمد جامی، روضة المذنبین)

اصل این کتاب پایان‌نامه‌ی دکترای نویسنده است که به زبان عربی نگاشته شده و در رشته‌ی مطالعات اسلامی به دانشگاه امام اَوزاعی لبنان تقدیم شده است.

تقدیم ...

به روح پدر بزرگوارم،
که به ملکوت اعلی پیوست،
او که نخستین آموزگار و مشوّقم در راه دانش‌اندوزی بود،
به مادر مهربان و صبورم،
﴿رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾[1]
به برادران و خواهرانم، و همسران و فرزندان‌شان،
به همسر وفادار و بردبارم، و به پدر، مادر، برادران و خواهرانش و نیز همسران‌شان،
به دخترانم، خداوند آنان را مسلمان، مؤمن، عالم و رستگار گرداند،
به همه‌ی اساتید، دوستان، همکاران، شاگردان، و برادران و خواهران فکری و ایمانی‌ام،
به هر کس که حقیقت‌جو، حقیقت‌گو و حقیقت‌پرور است،
و به همه‌ی دوستداران دانش و پژوهش.

۱. اسراء/ ۲۴.

فهرست مطالب

عنوان صفحه

سپاس

الحمد والشکر لله تعالی أولا وآخرا علی ما أنعم وأعطی،
والصلاة والسلام علی رسول‌الله وعلی آله وصحبه وأتباعه إلی یوم الدین.

سپاس از دانشگاه امام اوزاعی(لبنان) و اساتید و دانشجویانش، بویژه استاد دکتر بسام عبدالحمید که در تنظیم طرح و پروپوزال یاری نمود.

واستاد بزرگوار دکتر محمد علی القوزی که راهنما و دلسوز بود. و دیگر اساتید حاضر در کمیته‌ی دفاع؛ جناب آقایان دکتر حسان حلاق، خضر القرق و نایف معروف.

و دیگر اساتید وکارکنان اداری دانشگاه بخصوص جناب آقایان سعد جمیل و بدرالدین نوار.

هم‌چنین تشکر فراوان از جناب آقای دکتر مرتضی اکبرزاده و دکتر مهدی هاشمی که در ایران و لبنان با این‌جانب همکاری فکری و اداری داشته‌اند.

از استاد دکتر ایمن و همکارانش در کلیة الدعوة الاسلامیة در بیروت به سبب همکاری‌شان متشکرم.

نیز تشکر دارم از شیخ احمد العمری و شیخ ابراهیم ابراهیم و همکاران محترم‌شان در مرکز جماعت اسلامی لبنان.

از مدیر محترم مجتمع دینی سلطان العلماء ـ بندرلنگه بویژه مدیر محترم جناب شیخ محمدعلی امینی و شیخ سیدمحمد زارعی و دیگر اساتید، همکاران و طلاب برادر و خواهر بخصوص برادر محترم جناب آقای عبدالله باقری که در تنظیم نقشه‌ها مرا یاری کرده‌اند، سپاسگزارم.

تشکر مخصوص دارم از اساتید، دوستان و عزیزانی که در تهیه و تدوین این اثر با من همکاری داشته‌اند بویژه شیخ عبدالکریم محمدی، مفتی محمد قاسم قاسمی، استاد مصطفی اربابی، ماموستا احمد بهرامی، دکتر جلال جلالی‌زاده، ماموستا حسین تیباش و دیگر کسانی که در پاسخگویی به پرسش‌نامه‌ها، تهیه‌ی عکس، جمع‌آوری آمار، ترسیم نقشه‌ها و... متحمل زحمت شده‌اند، از جمله آقایان دکتر علی صارمی، ابراهیم و اسماعیل کاظمیان، مولوی ثناءالله شهنواز، عابدحسین بارک‌زهی، عارف سپاهیان، قاسم نوری، بشیر تیباش، ایوب پوزش، ، بهرام برجی، نادر اویسی، ابوطالب محمدپور و ... .

سپاس دارم تلاش‌ها و زحمات دوستان و دانشجویان ایرانی را در دانشگاه الجنان طرابلس ـ لبنان مخصوصا آقایان فؤاد رسا، عبدالصمد مولایی و همسرش، سید عبدالرحیم موسوی، فرزان خاموشی، محمد رحمانپور و دیگر سروران.

چکیده

این کتاب شامل دو بخش اصلی است: بخش نخست با عنوان بافت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اهل‌سنت که سه فصل دارد، فصل اول شامل مناطق سنی‌نشین ایران در استان‌های شمالی، جنوبی، شرقی، غربی و مرکزی است. در فصل دوم مؤسسات و مراکز دینی و فرهنگی نام برده می‌شود که شامل مدارس، مساجد، انجمن‌های خیریه، انتشاراتی‌ها وکتاب‌خانه‌هاست. در فصل سوم مهم‌ترین احزاب و جنبش‌های فکری و سیاسی اهل‌سنت مانند جماعت تبلیغ، جماعت دعوت و اصلاح، سلفیه، صوفیه، مکتب قرآن و دیگر طیف‌های فکری و قومی ذکر می‌گردد.

بخش دوم تحت عنوان «نقش اهل‌سنت در نظام سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور» در شش فصل آن موضوعات زیر بررسی می‌شود: فصل اول: ارتباط اهل‌سنت با گروه‌ها و مذاهب ایرانی، که از چگونگی روابط اهل‌سنت با پیروان ادیانی مانند مسیحیت، زرتشتی، یهودیت، بهائیت، صابئین، سیک و...، و مذاهبی چون شیعه‌ی اثناعشری، اسماعیلی، نعمت‌اللهی و... سخن به میان می‌آید. در فصل دوم نقش اهل‌سنت در نظام سیاسی مورد کندوکاو قرار می‌گیرد. در فصل

سوم جایگاه فرهنگی وفکری اهل‌سنت و در فصل چهارم وضعیت اقتصادی اهل‌سنت بررسی می‌گردد. در دو فصل پنجم و ششم به مهم‌ترین فرصت‌ها و چالش‌های اهل‌سنت اشاره می‌شود.

این کتاب بر وضعیت کنونی اهل‌سنت تمرکز دارد، یعنی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳هـ‌ش که این اثر نگاشته شده است.

یادداشتی بر کتاب «اهل‌سنت ایران؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»

استاد مصطفی اربابی

خدای متعال انسان را از استعدادها و توانایی‌های فراوان فکری و جسمی بهره‌مند فرموده است تا بار امانتی را که بر دوش دارد به مقصد برساند. بدیهی است استعدادها و توان‌های فکری و جسمی اشخاص متفاوت است، و هر کس در حد وسع خویش می‌کوشد تا مقصد را تشخیص دهد و در آن راستا تلاش نماید.

خدای تعالی پس از آن که مراحل مختلف آفرینش انسان را یادآوری می‌کند، می‌فرماید:

﴿فَتَبَارَكَ ٱللَّهُ أَحْسَنُ ٱلْخَٰلِقِينَ ﴿١٤﴾﴾[1] **(بزرگ است خدا، بهترین آفرینندگان)**.

به عبارتی به علت بخشیدن ویژگی‌های خاص به انسان، به خود به عنوان خالق او تبریک می‌گوید. و چون انسان اهل اندیشه و فکر است، بدیهی است که رویکردهای متفاوتی دارد، به طوری که خدای تعالی بر این حقیقت صحه گذاشته است:

---

۱. مؤمنون/۱٤.

﴿وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٤٨﴾﴾[1] **(و هر کس را جهتی است که رو به آن دارد. پس به نیکی‌ها بشتابید. هر کجا که باشید، خداوند همه‌ی شما را خواهد آورد، که خدا بر هر کاری تواناست).**

آن یکی کفر را انتخاب می‌کند و دیگری ایمان را: ﴿وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِن وَمَن شَاءَ فَلْيَكْفُرْ﴾[2] **(بگو: حق از سوی پروردگارتان است! پس هر کس خواست، باید ایمان بیاورد و هر کس خواست، باید کافر گردد).** در میان مؤمنان نیز رویکردهای متفاوتی متناسب با شرایط و اوضاع و احوال پیرامونی آنان رخ می‌نماید، به طوری که در تصور نخست گمان می‌رود مجموعه‌های مؤمنان از هم‌دیگر جدا هستند، و هیچ پیوندی میان آنان وجود ندارد، اما انسان اندیشمند ضمن توجه به تفاوت‌های فکری و انسانی و اخلاقی و سیرت و صورت، در میان این تفاوت‌ها نوعی پیوند استوار و محکم را نیز مشاهده می‌کند، زیرا که خالق هستی جوهر انسان را متحد و به بهترین شیوه آفریده است:

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿٤﴾﴾[3] **(به یقین انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم).**

اگر چه برخی به «اسفل السافلین» باز می‌گردند، اما اهل ایمان و عمل صالح همواره به سوی کمال پر می‌کشند و حرکت می‌کنند.

برای رسیدن به کمال لازم است که آدمی از هر چیزی شناخت و معرفت حاصل نماید. آری، شناخت این حقیقت، که این تفاوت‌ها در

---

۱. بقره/ ۱۴۸.
۲. کهف/ ۲۹.
۳. تین/ ۴.

فطرت و سرشت انسان ریشه دارد و غرض اوج گرفتن به سوی کمال است. ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَـٰكُم مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَـٰكُمْ شُعُوبًا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓا۟ ۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ ٱللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿١٣﴾﴾[1] **(ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌هایی قرار دادیم تا یک‌دیگر را بشناسید. به یقین گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست. حقا که خدا دانا و آگاه است).**

اگر خدا می‌خواست همه را «امت واحد» قرار می‌داد، اما برای تلاش و فعالیت بیش‌تر در میدان علم و معرفت چنین مقرر فرمود که آدمی مورد آزمون قرار گیرد و از ورای آن بر علم و معرفت خویش بیفزاید و... ﴿وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَٰحِدَةً وَلَـٰكِن لِّيَبْلُوَكُمْ فِى مَآ ءَاتَىٰكُمْ ۖ فَٱسْتَبِقُوا۟ ٱلْخَيْرَٰتِ ۚ إِلَى ٱللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٤٨﴾﴾[2] **(و اگر خدا می‌خواست شما را یک امّت قرار می‌داد ولی، تا شما را در آن‌چه به شما داده است، بیازماید. پس به نیکی‌ها بشتابید، بازگشت همه‌ی شما به سوی خداوند است، آن‌گاه شما را از آن‌چه در آن اختلاف می‌ورزیدید، خبر می‌دهد).**

مردم‌شناسی از دیرباز یکی از مهم‌ترین رشته‌های علم و معرفت است، شناخت فرصت‌ها و تهدیدها، عقاید، افکار، مذاهب و... همه و همه بخشی از معرفتی است که رسیدن به آن‌ها امری بس ضروری است، چه برای آنان که در پی وحدت اهل ایمان هستند، و چه کسانی که در پی وحدت بشری تلاش می‌کنند.

برادر ارجمند و سرور گرامی استاد عبدالظاهر سلطانی(حفظه الله تعالی) در حقیقت به منظور ارائه‌ی رساله‌ی دکترای‌شان قدم به

---

۱. حجرات/ ۱۳.
۲. مائده/ ۴۸.

این میدان نهاده و حقا که از عهده‌ی آن خوب برآمده است. ایشان رساله‌اش را که در حقیقت دایره المعارف اهل‌سنت ایران به شمار می‌آید با عنوان «اهل‌سنت ایران؛ فرصت‌ها و چالش‌ها» نام گذاشته است.

از پیشگاه خدای متعال مسئلت دارم بر توفیقات ایشان بیفزاید، و این کتاب را بهانه‌ای برای تحقیق بیش‌تر اهل پژوهش قرار دهد و آن را برای همگان سودمند گرداند.

در خاتمه بر این نکته پای می‌فشارد که غرض مؤلف محترم مظلوم‌نمایی اهل‌سنت ایران نبوده و خواننده از لابه‌لای صفحات کتاب به این حقیقت پی خواهد برد، بل‌که غرض، بیان قوت‌ها و کاستی‌هایی است که در هر جامعه‌ای رخ می‌نماید و اهل فن و مسؤولان امور موظف به تقویت بیش‌تر قوت‌ها و از میان برداشتن و یا کاهش دادن کاستی‌ها هستند، و صد البته که تغییری در هیچ قومی ایجاد نمی‌شود تا که خود آنان در خود تغییر به وجود آورند.
﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوۡمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنفُسِهِمۡۗ﴾[1] **(به یقین خدا آن‌چه را در ملتی است دگرگون نمی سازد تا خود دگرگون سازند آن‌چه را در ایشان است).**

والله ولی التوفیق

۲۲ذیحجه‌ی ۱٤۳۵ه.ق تربت‌جام ـ مصطفی اربابی

۱. رعد/ ۱۱.

مقدمه‌ی دکتر جلال جلالی‌زاده

الحمدلله رب العالمین والصلاة والسلام علی سیدنا محمد و علی آله وصحبه اجمعین.

همان‌گونه که گفته‌اند هر ملتی اگر نتواند تاریخ خود را بنویسد، مرده است. می‌توان گفت اگر صاحبان عقیده و مکتبی نتوانند درباره‌ی گذشته و وضعیت حاضر و آینده‌ی خود بنویسند و میراث غنی و فرهنگ ارزشمند خود را حفظ نکنند و به صورت مکتوب در نیاورند، در راه نابود کردن هویت خود گام برداشته‌اند. و چه بد است اگر پیروان مذهبی درباره‌ی عالمان و تاریخ و جغرافیای زیستگاه خود در کمال بی‌خبری به سر برند و خود را نشناسند و از حوادث و رخدادهای اتفاقی برای هم‌مسلکان خود ناآگاه باشند.

لذا می‌طلبد قبل از این‌که مستشرقان و خاورشناسان کتابی درباره‌ی ما چه صحیح یا ناصحیح بنویسند، ما خود دست به کار شویم و خودمان را آن‌گونه که هستیم، معرفی کنیم و در انتظارِ دیگران نباشیم. در این راستا یکی از فرزندان دردآشنا و اندیشمند ایرانی اهل‌سنت توسن قلم را به جولان در آورده و آفاق ایران را گشته و در مناطق مختلف با مردمانی اصیل و نجیب لحظاتی به سر برده و با درد و رنج و مطالبات آنان مأنوس و هم‌دم شده و با همدلی و هم‌فکری با آنان

به معرفی مناطق و اماکن و تاریخ و شخصیت‌های آنان اقدام نموده است. که کاری است در خور و یادگاری است ماندنی و سترگ که هم اهل تحقیق و پژوهش را به کار آید و هم دیگر طبقات را از خاصه و عامه در آشنایی با این گروه مفید فایده افتد.

بدون شک با ورود اسلام به ایران اکثریت ایرانیان پذیرای این دین شدند. تا این‌که از میان نوادگان شیخ صفی‌الدین اردبیلی افرادی پیدا شدند و با برافراشتن پرچم تشیع با همکاری و حمایت قزلباشان و به بهانه‌ی اتحاد ایرانیان و مبارزه با عثمانیان با گسترانیدن تشیع، عرصه را بر دیگر ایرانیان اهل‌سنت تنگ کردند، به گونه‌ای که خیلی از شاعران و اندیشمندان راهی دیار غربت شدند و آنانی که ماندند در برخی از مناطق دوردست و یا در مرزها ابقا شدند. زندگی ملوک الطوایفی و خانمانی و عدم وجود یک حکومت مقتدر مرکزی و یا وجود پادشاهانی مانند نادرشاه افشار که شخصی وحدت‌طلب بود، موجب شد که فشارهای دوره‌ی صفویه کم‌تر شود. اما عدم ارتباط و آشنایی قاطبه‌ی اهل‌سنت با یک‌دیگر یکی از ضعف‌های این جمعیت بزرگ بود که جزیره‌وار در داخل مرزهای ایران به زندگی مشغول بودند. هر چند در برخی از مناطق مانند ترکمن صحرا و تالش رفت و آمدهای محدودی از سوی طلاب و برخی از متصوفه انجام می‌گرفت، اما تأثیر چندانی نداشت.

قبل از پیروزی انقلاب می‌توان گفت روابط، بسیار محدود و ناچیز بوده است، اما پس از پیروزی انقلاب به سبب هشیاری انقلابی و وجود برخی از افراد و شخصیت‌های انقلابی در میان اهل‌سنت و پی‌گیری مطالبات و حضور در محافل و مراسم و جشن‌های مذهبی و کنفرانس‌های وحدت و غیره، رفت و آمد علما و دانشجویان موجب آشنایی بیش‌تر اهل‌سنت با یک‌دیگر شد.

هر چند افزایش سواد و معلومات و وجود افراد تحصیل‌کرده در رشته‌های مختلف و افزایش مدارس دینی موجب آشنایی بیش‌تر اهل‌سنت با وضعیت و شرایط خویش گشته و امروز نیز در پرتو رشد و افزایش مراکز اطلاع‌رسانی و استفاده از فضای مجازی زمینه‌ی آشنایی بیش‌تر اهل‌سنت را فراهم کرده است، اما کاری جامع و شامل و تلاشی مجدانه و محققانه به صورت آکادمیک در مورد وضعیت اهل‌سنت تا کنون انجام نشده که بتواند به صورت مرجع و منبعی معتبر مورد استفاده‌ی محققان و مراجعان باشد.

بنابراین می‌توان گفت کتاب حاضر که حاصل زحمت و تلاش‌های جناب دکتر عبدالظاهر سلطانی است تا حدی توانسته خلأ موجود را پر نماید و با بررسی دقیق ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مناطق اهل‌سنت و توضیح موقعیت سیاسی و اجتماعی آنان، احزاب، مدارس، مساجد و... ، منبع قابل اطمینانی را در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد.

می‌توان گفت تا کنون چنین کتابی در این باره تألیف و منتشر نشده و باید زحمات نگارنده‌ی آن را ارج نهاد و به ایشان دست‌مریزاد گفت و برای امثال آقای سلطانی از خداوند منان طلب مزید توفیق و تن‌درستی و توان بیش‌تر در خدمت به هم‌کیشان وهم‌وطنان نمود.

امید است این کار ارزشمند ایشان به عنوان الگو و سرمشقی برای دیگر علاقه‌مندان قرار گیرد تا نسبت به ایفای مسؤولیت و وظیفه‌ی خود در مقابل گذشتگان و آیندگان بیش‌تر احساس مسؤولیت نمایند و به شاعر عرب اقتدا نمایند که گفت آثار ما بر شخصیت ما دلالت می‌کنند و پس از ما به آثارمان بنگرید.

جلال جلالی زاده

مقدمه‌ی مؤلف

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب‌العالمین. والصلاة والسلام علی سیدالمرسلین محمد وعلی آله واصحابه اجمعین.

اما بعد:

الف ـ اهمیت موضوع:

شناخت اوضاع اقلیت‌ها بویژه مسلمانان در سرزمین‌های اسلامی یکی از جاذبه‌های علمی و فرهنگی برای پژوهشگران است. در این راستا لازم است اهل‌سنت ایران هم از امکانات وتوانایی‌های‌شان آگاهی یابند وآن‌ها را به دیگران بشناسانند تا بتوانند بیش‌تر به دین و مذهب‌شان پای‌بند بمانند، چون در ایران یک اقلیت هستند. این کتاب می‌کوشد به مجموعه‌ای از پرسش‌ها پیرامون ماهیت وظرفیت اهل‌سنت در ایران پاسخ دهد.

یکی از راه‌های رسیدن به اهداف، برنامه‌ریزی دقیق است و این مهم هنگامی فراهم می‌شود که شناخت از امکانات، فرصت‌ها و چالش‌ها به خوبی انجام گیرد. بنابراین آگاهی از اماکن محل سکونت

اهل‌سنت در ایران و اطلاع از فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی آنان، باعث می‌شود این اقلیت خود را بهتر شناخته و بتوانند برای آینده‌ی خویش برنامه‌ریزی نمایند.

ب ـ انگیزه‌ی انتخاب موضوع:

۱. شناختِ اقلیت سنی‌مذهب در ایران از زوایای گوناگون تاریخی و مذهبی.

۲. آگاهی از اماکن محل سکونت اهل‌سنت در ایران و نیز ریشه‌های نژادی و قومی ایشان.

۳. پی‌بردن به نقش مدارس دینی، گرایش‌های فکری و طیف‌های اجتماعی اهل‌سنت در توسعه‌ی مذهب و گسترش افکار و باورها.

٤. آگاهی از میزان روابط اهل‌سنت با پیروان ادیان و مذاهب موجود در ایران.

٥. اطلاع از نقش سیاسی و اقتصادی اهل‌سنت در ایران.

٦. شناخت فعالیت‌های فرهنگی و علمی آنان.

۷. شناخت مهمترین چالشها و مشکلات اهلسنت در ایران.

۸. اطلاع از مهمترین فرصتهای رشدشان.

۹. ارتباط این موضوع با برخی از تحقیقات پیشین من.

ج ـ پرسش‌های تحقیق:

۱. آیا اهل سنت در ایران وجود دارند؟

۲. اهل‌سنت ایران در چه استان‌هایی زندگی می‌کنند؟

۳. جمعیت اهل‌سنت در ایران چه‌قدر است؟

٤. اهل‌سنت در ایران از چه تعداد مؤسسه، مدرسه‌ی دینی، انجمن خیریه و مسجد برخوردارند؟

۵. آیا احزاب مذهبی و طیف‌های فکری در میان‌شان فعال‌اند؟
٦. آیا مؤسسات فرهنگی، انتشارات، مجله و... دارند؟
۷. اهل‌سنت از چه فرصت‌ها و امکاناتی برخوردارند؟
۸. آیا تداوم زندگی فکری و فرهنگی برای اهلسنت فراهم است؟
۹. اهل‌سنت با چه مشکلات و چالش‌هایی روبه‌رو هستند؟

د ـ فرضیات تحقیق:

۱. عموم اهل‌سنت در استان‌های مرزی شمالی، جنوبی، شرقی و غربی زندگی می‌کنند، و اقلیتی هم در استان‌های مرکزی وجود دارند.
۲. جمعیت اهل‌سنت طبق آمارهای غیر رسمی و مختلف حدود ۷ تا ۲۵ میلیون برآورد می‌شود.
۳. اهل‌سنت از حوزه‌های علمیه، انجمن‌های خیریه و مساجد بسیاری برخوردارند.
٤. در بین اهل‌سنت احزاب فکری و دینی متعددی همانند اخوان‌المسلمین، سلفی‌ها، جماعت تبلیغ، مکتب‌قرآن وصوفیه فعالیت می‌کنند.
۵. آنان انتشاراتی‌های گوناگونی همانند نشر احسان، صدیقی، آراس، حسینی، شیخ الاسلام، آوای اسلام، گُورِبام، حرمین، فاروق اعظم، ندوی، کردستان، ایلاف، حافظ ابرو، محراب فکر و... دارند.
٦. اهل‌سنت در ایران از فرصت‌های علمی، فرهَنگی، سیاسی، اقتصادی وطبیعی بسیاری برخوردارند و از ارتباطات اندک، نداشتن امکانات رسانه‌ای، شورای رهبری، مرزنشینی، خشک‌سالی، ، کم‌سوادی و بی‌سوادی، و... رنج می‌برند.

هـ روش تحقیق:

این تحقیق به روش توصیفی ـ تحلیلی ارائه شده و در عین حال از جوانب آماری چشم‌پوشی نکرده است، چون موضوع بدان نیازمند می‌باشد.

اصل این موضوع، پایان‌نامه‌ی دکترای نگارنده بوده است، و اهل تحقیق نیک می‌دانند که در چنین سطحی پرداختن به مسائل آماری وگزارش‌گونه جایگاه چندانی ندارد. پس کوشیده‌ام از جزئی‌نویسی و توصیف‌آوریِ زیاد، بپرهیزم و چنین بحث‌هایی را به مجالی دیگر واگذارم. چون هر فصل این کتاب شایسته است به طور مفصل بررسی شود.

و ـ تحقیقات پیشین:

تاکنون ـ در حد اطلاع من ـ هیچ کتاب، پژوهش یا مقاله‌ای مرتبط با اهل‌سنت ایران بدین شیوه و در این سطح در عصر حاضر نوشته نشده است. همان اندکی که در این‌باره نوشته شده، یا بسیار محدود وکم حجم است یا مخصوص یک منطقه و شخصیت‌های آن است، یا زندگی و احوال گذشتگان را بررسی کرده است. همانند کتاب‌های زیر که اسامی آن‌ها بیانگر محتوا و مطالب و موضوعاتش است:

۱. کردستان و مناطق اهل‌سنت؛ محمد قدمی.
۲. زندگی‌نامه‌ی مولانا عبدالعزیز؛ عبدالباسط بزرگ‌زاده.
۳. بلوچ و بلوچستان؛ عبدالصمد سربازی.
٤. اجداد ونیاکان خود را بازشناسیم(جناح ـ هرمزگان)؛ محمد ابراهیم عباسی.
۵. گله‌دار درگذر تاریخ؛ ایوب محمودی لاری.

۶. مشاهیر خُنج؛ محمد امین خنجی.
۷. مزار شیخ احمد جامی؛ فرامرز صابر مقدم.
۸. مجله‌ی جاده‌ی ابریشم. که در یکی از شماره‌هایش به معرفی تربت جام پرداخته است.
۹. خواف در گذر تاریخ؛ عبدالکریم احراری رودی.
۱۰. تاریخ رجال شرق خراسان؛ ابراهیم زنگنه. (خواف، تربت جام، سرخس، باخَرز، زُوزن، و...)
۱۱. آشنایی با فرق تسنن؛ مهدی فرمانیان.
۱۲. مجله‌ی ندای اسلام؛ دارالعلوم زاهدان.
۱۳. پایگاه سنی‌آنلاین؛ دارالعلوم زاهدان.
۱۴. پایگاه اصلاح وب؛ جماعت دعوت واصلاح.
۱۵. خلاصه‌ی تاریخ کرد وکردستان؛ زکی بیک محمد امین.
۱۶. کُرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او؛ غلام رضا رشید یاسمی.
۱۷. دیوان مختوم‌قلی فراغی؛ اراز محمد سارلی.
۱۸. نقد و تحلیل آثار واحوال مخدوم‌قلی فراغی؛ نورقلیچ فداکار.
۱۹. تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن‌ها؛ امین گلی.
۲۰. کُردها و اسلام؛ ستیز یا سازش؛ دانا مهرنوس.
۲۱. بندرلنگه بر ساحل خلیج فارس؛ حسین نوربخش.
۲۲. کرد وکردستان؛ نیکمتین واسیلی.

و هم‌چنین کتاب‌های عربی زیر:

۲۳. کتاب «المسبار» که به توسط «مرکز المسبار للدراسات والبحوث» در دوبی تدوین گشته است. در اصل این کتاب حاوی

یازده مقاله است که در کنفرانسی به نام «اهل‌سنت در ایران» ارائه شده است. این مقالات در شماره‌ی ٤٦ این کتاب به چاپ رسیده است. نویسندگان عبارت‌اند از:

دکتر طلال عتریسی؛ «ایران التاریخ والواقع المعاصر»

دکتر ادریس لکَرینی؛ «تدبیر التنوع المجتمعی فی ایران و وضع السنة»

رضوان زیاده؛ «أزمة الأقلیات السنیة فی الجمهوریة الإسلامیة الإیرانیة»

علی لاقی؛ «أهل السنة والجماعة فی ایران قبل ثورة الخمینی»

عمران نزال؛ «موجز حاضر أهل السنة فی إیران»

علی الحسینی؛ سنة إیران ـ دراسة سوسیوسیاسیة فی أحوال تشکل الوعی الجماعی للطائفة»

علی المرشد؛ «شخصیات الفکر السنی فی إیران المعاصرة»

و... .

۲۴. تحول الفکر الإسلامی فی إیران من السنة إلی الشیعة خلال العهد الصفوی؛ عبدالرحیم ملازاده. (پایان‌نامه‌ی دکتری).

۲۵. أحوال أهل السنة فی إیران؛ عبدالحق الأصفهانی.

۲۶. أحوال أهل السنة فی إیران؛ عبدالله محمد الغریب.

دو کتاب فوق بسیار مختصر بوده و در مجموع قضاوت‌ها و آمارهای‌شان به دور از واقعیت است.

۲۷. تاریخ بندرلنجة؛ کاملة بنت عبدالله بن علی قاسمی.

۲۸. کردستان إیران؛ عبدالرحمن قاسملو.

۲۹. کردستان ودورها فی التاریخ الإسلامی؛ محمد صالح کریمی.

۳۰. تاریخ الأکراد؛ دراسة فی العلاقات العراقیة الإیرانیة الکویتیة؛ مجید کمال.

ز ـ طرح تحقیق:

اهل‌سنت ایران؛ فرصت‌ها و چالش‌ها

مباحث مقدماتی:

یک ـ نگاهی گذرا به جغرافیا وتاریخ ایران

دو ـ جمعیت، ادیان و زبان ایرانیان و تقسیمات اداری کشور

سه ـ معرفی تاریخی و مذهبی اهل‌سنت

چهار ـ اهل‌سنت ایران از گذشته تاکنون

بخش نخست:

بافت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اهل‌سنت ایران

فصل اول: اهل‌سنت واماکن سکونت

یک ـ استان‌های شمالی

دو ـ استان‌های جنوبی

سه ـ استان‌های شرقی

چهار ـ استان‌های غربی

پنج ـ استان‌های مرکزی

فصل دوم: مراکز دینی و فرهنگی اهل‌سنت ایران

مطلب اول: مراکز دینی:

یک ـ مدارس دینی

دو ـ انجمن‌های خیریه

سه ـ مهم‌ترین مساجد

مطلب دوم: مراکز فرهنگی:

یک ـ انتشارات

دو ـ مجلات و ماهنامه‌ها

ح ـ روش نگارش:

به امید و توفیق خداوند می‌کوشم مقررات وآیین‌نامه‌های علمی و پژوهشی را در زمینه‌ی نگارش و ویرایش رعایت کنم و چون در این باره اختلاف‌نظرهایی میان مراکز علمی و دانشگاهیِ و شیوه‌های تنظیم رساله وجود دارد، تلاشم بر این بوده تا تابع دستورکار دانشگاه امام اوزاعی لبنان و راهنمایی‌های اساتیدم باشم. ذکر نکات زیر به خواننده کمک خواهد کرد:

۱. آیات را طبق رسم‌خط عثمانی به روایت حفص از عاصم، منقول به طریقه‌ی شاطبیه و خط زیبا و جهانی عثمان طه آورده و میان دو پرانتز ستاره‌دار گنجانده‌ام و آدرس سوره و آیه را در پاورقی ثبت کرده‌ام.

۲. احادیث و روایات را داخل گیومه گذاشته و منابع آن را در پاورقی ذکر نموده‌ام، ولی میزان صحت و سقم آن را نیاورده و بر آن حکم نداده‌ام، چون بیش‌ترشان از کتاب‌های صحیح نقل شده است. و آن‌چه از کتاب‌های درجه‌ی دو و سه نقل شده، به مسائل اصلی ارتباط ندارد و تنها هنگام استناد به موضوعات فرعی و جزئی است.

۳. نقل قول‌ها را در گیومه گذاشته و منابعش را به روش پیشنهادی دانشگاه امام اوزاعی ذکر کرده‌ام، و اگر چیزی از لابه‌لای آن حذف کردم، به جایش نقطه‌چین گذاشتم.

٤. مختصری از زندگی‌نامه‌ی افراد و شخصیت‌های یادشده در متن را با ذکر مرجع آن آورده‌ام، به جز پیامبران و اسامی مؤلفان مذکور در مقدمه یا پاورقی‌ها.

۵. نام‌های اماکنی را که کاربرد زیادی ندارد یا به چندگونه تلفظ می‌شود، حرکت‌گذاری کردم.

٦. نقشه‌ی استان‌های محل سکونت اهل‌سنت و نیز تصاویر برخی از مساجد، مدارس و پوشش‌های آنان را در پایان کتاب گنجانده‌ام.

۷. فهرست آیات و احادیث را در پایان آورده‌ام.

۹. موضوعات اهل‌سنت در ایران فراوان است و شامل موارد

کوچک و بزرگ بسیاری می‌شود، لذا به سلیقه‌ی خود و راهنمایی برخی از اساتید، چندان به موضوعات جزئی یا آماری نپرداخته‌ام و همین عناوین را به علت فراگیری برگزیده‌ام، تا سخن به درازا نکشد.

۱۰. در پایان‌نامه‌ها و مباحث تحقیقی به طور معمول از اینترنت، روزنامه، مجلات غیرپژوهشی و عادی، نشریات خبری، گزارشی و... نقل قول پذیرفته نمی‌شود، ولی من به علت ماهیت موضوع و نداشتن منابع علمی و تحقیقی کافی، مجبور بودم از این‌گونه منابع نقل داشته باشم، بویژه در بخش‌های خبری و آماری، زیرا اصل خبر یا آمار در این نوع منابع و مآخذ ثبت شده بود. اما تا از صحت و دقت آن به قناعت نرسیدم، نقل نکردم.

۱۱. اساس کارم بر واقع‌نگری است؛ لذا کوشیده‌ام بدون افراط و تفریط موضوعات اهل‌سنت را بنگارم. زیرا گاهی آن‌قدر در گزارش اوضاع این اقلیت مظلوم‌نمایی می‌شود که انگار همگان در زندان و خفقان کامل به سر می‌برند و هیچ حرکت، فعالیت، حیات و تکاپویی ندارند، و بر عکس، گاهی آن‌گونه تفریط می‌شود که گویا اهل‌سنت در یک مدینه‌ی فاضله یا آرمان‌شهر زندگی می‌کنند و اوضاع‌شان بسیار بهتر از سایر هم‌وطنان‌شان است واز هیچ مشکلی رنج نمی‌برند.

عبدالظاهرسلطانی خراسان جنوبی ـ بیرجند

ایمیل: azsoltani@yahoo.com

ایمیل: azsoltani50@gmail.com

واتس‌اپ و تلگرام: ۰۹۱۵ ۳۲۸ ۶۸ ۲۲

همراه: ۰۹۱۵ ۳۲۸ ۶۸ ۲۲

مباحث مقدماتی

یک ـ نگاهی گذرا به جغرافیا و تاریخ ایران
دو ـ جمعیت، ادیان و زبان ایرانیان و تقسیمات اداری کشور
سه ـ معرفی تاریخی و مذهبی اهل‌سنت
چهار ـ اهل‌سنت ایران از گذشته تاکنون

یک ـ نگاهی گذرا به جغرافیا و تاریخ ایران:

جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا و در خاورمیانه واقع شده است که از شمال با کشورهای آذربایجان، ارمنستان، دریای خزر و ترکمنستان، و از جنوب با خلیج فارس، دریای عمان وکشورهای عربی، و از شرق با افغانستان وپاکستان، و از غرب با ترکیه و عراق همسایه است.[1]

«کشور ایران در قسمت غربی فلات وسیعی به همین نام از جنوب غربی آسیاست که بین ۰۰ دقیقه و ۲۵ درجه تا ٤٠ دقیقه و ۳۹ درجه‌ی عرض شمالی از خط استوا و ١٤ دقیقه و ٤٤ درجه تا ۲۰ دقیقه و ٦٣ درجه‌ی طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد».[2]

«مساحت ایران ١٦٤٨٠٠٠ کیلومتر مربع است که از این میزان ١٦٣٦٠٠٠ کیلومتر مربع را خشکی و باقی‌مانده را آب‌های داخلی تشکیل می‌دهد».[3]

«نام ایران که در فارسی به صورت(اران) بوده، برگرفته از صورت قدیمی(آریانا)؛ یعنی سرزمین آریایی است. آریا به معنای آزاده بوده که ایرانیان در روزگاران کهن، خود را به این نام می‌خواندند».[4]

«۳۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، در جنوب شرقی ایران، تمدن عظیمی که آن را تمدن (ناشناخته) هم‌زمان با تمدن میان النهرین نامیده‌اند، وجود داشته است. این آمار از اکتشافات (تپه‌یحیی) در ۲۵۰ کیلومتری جنوب استان کرمان به دست آمده است. هم‌چنین

---

۱. نگاه: مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن۱۳۹۰، ۲۹.
۲. همان.
۳. فلاح زاده، محمد هادی، جمهوری اسلامی ایران، ۲۷.
۴. همان، ۱۶۳.

کتیبه‌هایی به شکل خط میخی در ویرانه‌های شوش که متعلق به دوران پادشاهی ایلامیان بوده، به دست آمده است... . ایرانیان نه تنها در فرهنگ و تمدن، بلکه در مسائل دینی نیز دارای پیشینه‌ی درخشان بوده‌اند. از دوره‌ی هخامنشیان تا کنون که تقریبا ۲۵۰۰سال می‌گذرد، نزدیک به چهارده قرن آن را ایرانیان با دین اسلام زندگی کرده‌اند و این دین به صورت مستمر در زندگی ایشان نقش مؤثر داشته است».[۱]

«پیشینه‌ی دخالت ایرانیان در مسائل علمی به دوران هخامنشیان باز می‌گردد، ولی در عهد ساسانیان بر اثر آمیختگی‌ای که میان اطلاعات ایرانیان و یونانیان و هندوان و ملت‌های خاور نزدیک صورت گرفت، دامنه‌ی علوم و پیشرفت علم، بویژه در رشته‌های طب و نجوم و ریاضیات توسعه‌ی فراوانی یافت».[۲]

اوج قدرت تمدنی و سیاسی ایرانیان در زمان هخامنشیان بوده است که آثار باستانی نشانگر این مطلب است. حکومت‌های گوناگونی پیش از اسلام و پس از آن، بر این سرزمین پهناور حکومت کرده‌اند.

امروزه طبق آمارهای رسمی از لحاظ توسعه‌ی انسانی در بین ۱۸۷ کشور، ایران جایگاه ۸۸ را داراست.[۳] قابل ذکر است که «شاخص توسعه‌ی انسانی، شاخصی ترکیبی است برای سنجیدن موفقیت در هر کشور، در سه معیار پایه از توسعه‌ی انسانی شامل: زندگی طولانی وسالم، دست‌رسی به دانش ومعرفت و سطح زندگی مناسب».[۴]

جایگاه اول تا دهم از آن کشورهای نروژ، استرالیا، هلند، آمریکا، نیوزیلند، کانادا، ایرلند، لیختن اشتاین، آلمان و سوئد است. پایین

۱. همان.
۲. همان، ۱۶۴.
۳. نگاه: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور ۱۳۹۰، ۹۱۴ .
۴. همان، ۹۱۲.

ترین رتبه (۱۸۷) از آن کنگو است که پیش از آن هم کشورهای نیجر، بوروندی، موزامبیک، چاد، لیبیریا، و... قرار دارند.[۱]

دو ـ جمعیت، ادیان و زبان ایرانیان، و تقسیمات اداری کشور

براساس سرشماری رسمی سال ۱۳۹۰هـ‍.ش جمعیت کشور از مرز ۷۵ میلیون نفر گذشت.[۲] و طبق گزارش لحظه‌ای سایت مرکز آمار این عدد به ۷۸ میلیون رسیده است.[۳] اکثر جمعیت کشور را مسلمانان تشکیل می‌دهند، ولی اقلیت‌های بهایی، صابئین، زرتشتی، کلیمی(یهودی) و ارمنی(مسیحی) هم در ایران زندگی می‌کنند. هر چند اکثریت ایرانیان فارس هستند و زبان رسمی کشور فارسی است، ولی اقلیت قابل توجهی از زبان‌ها و لهجه‌های دیگر نیز وجود دارند، همانند ترکی، کردی، بلوچی، عربی، ترکمنی، لری، گیلکی، تالشی، بندری، سیستانی، و... .

تقسیمات اداری در ایران به قرار زیر است: استان، شهرستان، بخش، دهستان، روستا. این کشور طبق آمار سال ۱۳۹۰هـ‍.ش دارای ۳۱ استان، ۳۹۷ شهرستان، ۹۸۲ بخش، ۲٤۹۷ دهستان، ۱۱۳۹ شهر، و ٦۱۷۲٤ آبادی دارای سکنه بوده است.[۴]

استان‌ها به ترتیب حروف الفبا عبارت‌اند از: آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، البرز، ایلام، بوشهر، تهران، چهارمحال وبختیاری، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، خوزستان، زنجان، سمنان، سیستان وبلوچستان، فارس،

۱. همان، ۹۱۴، ۹۲۸ و... .
۲. نگاه: مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری ۱۳۹۰، ۳۰.
۳. نگاه: www.amar.org.ir در آغاز خردادماه ۱۳۹۵ش جمعیت کشور به ۸۰ میلیون نفر رسید.
۴. نگاه: مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری ۱۳۹۰، ۲۹.

قزوین، قم، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویر احمد، گلستان، گیلان، لرستان، مازندران، مرکزی، هرمزگان، همدان و یزد.[۱]

سه ـ معرفی تاریخی و مذهبی اهل‌سنت:

الف ـ نگاهی کوتاه به تاریخ اهل‌سنت:

اهل‌سنت و جماعت بزرگ‌ترین مذهب اسلامی است. منابع قانون‌گذاری نزدشان در گام نخست، قرآن کریم و سنت رسول‌الله ﷺ است که در احادیث گهربارش منعکس می‌باشد. فقه را از امامان چهارگانه گرفته و شیوه‌ی خلفای راشدین را قبول دارند.[۲]

نخستین موضع‌گیری سنی‌گرایانه، پذیرش ابوبکرصدیق رضی الله عنه[۳] به عنوان جانشین پیامبر ﷺ و اولین خلیفه‌ی مسلمانان است که در سقیفه‌ی بنی‌ساعده انتخاب شد و اهل‌سنت او را بجا و شایسته می‌دانند. هم‌چنین سه خلیفه‌ی بعدی را قبول دارند. در حالی که شیعیان دوازده امامی اننخاب ابوبکرصدیق را در سقیفه، غصب جانشینی و امامت، و خلاف وصیت پیامبر ﷺ می‌دانند.

دومین گامی که باعث جدایی و بروز تفکر سنی‌گرایانه می‌شود، تعامل با بروز خوارج[۴] است که در برابر خلیفه‌ی راشد؛ علی ابن

۱. همان، ۲۹.
۲. نگاه: جهنی، مانع بن حماد، الموسوعة المیسرة فی الأدیان والمذاهب والأحزاب المعاصرة، ۳۶/۱- ۴۵.
۳. نامش عبدالله ابن ابوقحافه(عثمان) ابن عامر بن کعب تیمی قریشی است که در سال ۵۱ ق.هـ در مکه به دنیا آمد و در۱۳هـ در مدینه وفات یافت. او از میان مردان، نخستین کسی است که به رسول‌الله ﷺ ایمان آورد. یکی از بزرگان عرب بود. نخستین جانشین پیامبر لقب گرفت. (نگاه: خیرالدین زرکلی، الأعلام؛ قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین والمستشرقین، ۱۰۲/۴).
۴. «هرکس بر امامی حقیقی که عموم او را پذیرفته‌اند، شورش وخروج کند، خارجی نامیده می‌شود. خواه این خروج در زمان صحابه وخلفای راشدین باشد، خواه پس از آنان». (شهرستانی، ابوالفتح محمدبن عبدالکریم(ت۵۴۸هـ)، الملل والنحل، ۹۱).

ابی‌طالب رضی الله عنه[1] صف کشیدند. عموم مسلمانان آنان را تأیید نکرده و خلیفه را بر حق دانستند. سومین و اساسی‌ترین گام در بروز اهل‌سنت وجماعت هنگام صلح نوه‌ی گرامی رسول‌الله ﷺ؛ حسن بن علی رضی الله عنه[2] با معاویه ابن ابوسفیان رضی الله عنه[3] هویدا گشت که عموم مسلمانان موضع‌گیری خود را بر حق دانسته و از این آشتی بزرگ حمایت کردند. در برابر، کسانی بودند که از این وضعیت خشنود نبودند و به فرقه‌های تشیع معروف شدند. اما هنوز هم فاصله‌ها شفاف نبود، تا دوران خلافت بنی‌امیه[4] که به علت رواج قوم‌گرایی، نژادپرستی ونژادستیزی، ستم بر خاندان علوی، ستم اجتماعی، تبعیض و... این شکاف بیش‌تر و بیش‌تر شد.[5]

اختلافات فقهی، عقیدتی و کلامی نیز اندک اندک بر نگرش‌های سیاسی افزوده شد و به جدایی شیعه و سنی انجامید.

---

۱. علی ابن ابی‌طالب ابن عبدالمطلب هاشمی قریشی به سال ۲۳ق.هـ در مکه زاده شد. چهارمین خلیفه‌ی راشد، امیرالمؤمنین است. پسر عمو و داماد پیامبر و یکی از افراد شجاع و قهرمان بود. در سخن‌وری، دانش و قضاوت پیشگام بود. در کوفه، پایگاه خلافتش، به دست عبدالرحمان بن ملجم مرادی در سال ۴۰هـ به شهادت رسید.(نگاه: زرکلی، الأعلام، ۲۹۵/۴).

۲. حسن بن علی ابن ابی‌طالب هاشمی قریشی در سال سوم هجری در مدینه زاده شد. نخستین و بزرگ‌ترین فرزند فاطمه‌ی زهرا رضی الله عنها است. پنجمین خلیفه‌ی راشد نزد اهل‌سنت و دومین امام نزد تشیع است. در ۵۰ هـ درگذشت. (نگاه: زرکلی، الأعلام، ۱۹۹/۲).

۳. معاویه بن صخر(ابوسفیان) بن حرب قریشی اموی در سال ۲۰ق.هـ در مکه زاده شد. بنیان‌گذار حکومت اموی در شام و یکی از بزرگان و تیزهوشان عرب بود. در فصاحت، وقار و بردباری سرآمد بود. (نگاه: زرکلی، الأعلام، ۲۶۱/۷).

۴. این حکومت پس از صلح حسن بن علی با معاویه در سال ۴۰هـ به دست معاویه که امیر منطقه‌ی شام بود، بنیان گذاشته شد و تا سال ۱۳۲هـ استمرار داشت، ولی به توسط عباسیان سقوط کرد.(نگاه: محمود شاکر، التاریخ الإسلامی، ۵۳/۴).

۵. نگاه: فرمانیان، مهدی، آشنایی با فرق تسنن، ۳۵- ۳۷.

ب ـ مذاهب فقهی اهل‌سنت:

«منظور از مذاهب فقهی همان نگرش‌های اجتهادی در مسائل فرعی شریعت اسلامی است. آنان در اصول شرعی، حتی در یک مورد جزئی هم با یک‌دیگر اختلاف ندارند. اصل بر نبودن مذهب است، اما به خاطر رسیدن آسان و راحت به راهکارهای عملی و راه‌حل مشکلات و نیز ضرورت، از مکاتب و اجتهادات فقهی پیروی می‌کنیم».[1]

سرچشمه‌ی مذاهب فقهی اهل‌سنت به دوران آغاز اسلام، بویژه پس از وفات پیامبرﷺ برمی‌گردد؛ آن‌جا که صحابه و تابعین و دیگر مسلمانان در اجرا و تطبیق گفتار وکردارش می‌کوشیدند. یکی از مبانی فقهی و اصولی نزد اهل‌سنت وجماعت، برگرفتن عقیده، عبادات و معاملات از منابع تشریع مورد توافق امت، یعنی کتاب، سنت، اجماع و قیاس است. در بین امامان گذشته هیچ اختلافی در امور اعتقادی نبوده است؛ و تنها در احکام تشریعی با یک‌دیگر اختلاف‌نظر داشتند. آن هم، یا به سبب نبودن دلیل صریحی از کتاب وسنت بود، یا به علت وجود ضعف در روایتی که قابل احتجاج نبود، یا دیگر عوامل اختلاف‌زا.[2]

با گسترش اسلام و رویارویی با قضایا و مسائل نوین دینی و شرعی، نیاز به اجتهادات تازه و پاسخ‌گویی به مسائل نوین و مشکلات جدید ضرورتی اجتناب‌ناپذیر شد. بنا بر این، گروهی از فقها و علمای دینی در همه‌ی مناطق به آموزش مردم پرداختند. توسعه‌ی جغرافیای

۱. جهنی، مانع بن حماد، الموسوعة المیسرة فی الأدیان والمذاهب والأحزاب المعاصرة، ۱/۱۰۷.
۲. همان، ۱/۱۰۷- ۱۱۰.

اسلامی و فراوانی مناطق جدید، و نیز اجتهادپذیری بسیاری از متون و نصوص شرعی و متغیربودن شرایط و حالات مردم، به ایجاد مدارس فقهی و مکاتب شرعی منجر شد. در نتیجه، هر دانشمند دینی دارای پیروانی گردید که به رواج دیدگاه‌هایش و حتی عمل به قواعد مقرر از سوی او در مسائل نوین پرداختند.

سرانجام در بین اهل‌سنت، چهار مذهب فقهی از دیگر دیدگاه‌ها پیشی گرفت و میان مردم و جامعه رواج بیش‌تری یافت و رسمی شد. این مذاهب به ترتیب تاریخ پیدایش عبارت‌اند از: مذهب حنفی منسوب به ابوحنیفه رحمه‌الله،[1] مذهب مالکی به پیروی از مالک بن انس رحمه‌الله،[2] مذهب شافعی منتسب به محمد بن ادریس رحمه‌الله[3]، و مذهب حنبلی منسوب به احمد بن محمد رحمه‌الله[4]. این‌ها مکاتبی فقهی‌اند که در اصول و مبانی توافق دارند ولی در فروع دارای اختلافاتی هستند. در عقیده اختلاف ندارند. باید توجه داشت که مذاهب فقهی دیگری نیز بودند

۱. نعمان بن ثابت کوفی ملقب به ابوحنیفه(۸۰ـ ۱۵۰هـ) فقیهی مجتهد و امامی محقق بود که نزد اهل‌سنت یکی از فقهای چهارگانه فقهی است.گفته‌اند ایرانی‌الاصل بوده است. در کوفه زاده و بزرگ شد. پارچه فروش بود که در کودکی پی دانش رفت، اما در بزرگی به تدریس و فتوا پرداخت. (نگاه: زرکلی، الأعلام، ۳۶/۸).

۲. مالک بن انس بن مالک اصبحی حمیری (۹۳ـ ۱۷۹هـ) امام مدینه و یکی از فقهای چهارگانه است. مذهب مالکی به او منسوب است. درمدینه تولد و وفات یافت. به دانش اشتغال داشت و از دربار امرا و شاهان دوری گزید. (همان، ۲۵۷/۵).

۳. محمدبن ادریس بن عباس بن عثمان بن شافع هاشمی قریشی مطلبی(۱۵۰ ـ ۲۰۴ هـ) در غزه‌ی فلسطین زاده شد و در دو سالگی به مکه برده شد. دو بار به بغداد رفت وسرانجام در مصر اقامت گزید وهمان‌جا درگذشت. مرقدش در قاهره است. (همان، ۲۶/۶)

۴. ابوعبدالله احمد بن محمد بن حنبل (۱۶۴ ـ ۲۴۱هـ) پیشوای مذهب حنبلی و یکی از ائمه‌ی چهارگانه است. در اصل از مرو است که پدرش والی سرخس بود. در بغداد زاده شد. در راه دانش‌اندوزی به کوفه، بصره، مکه، مدینه، یمن، شام، الجزائر، خراسان، و... سفر کرد.(همان، ۲۰۳/۱)

که همانند این چهارتا رواج نیافته و به شهرت نرسیدند.[1] دامنه‌ی گسترش و تعداد پیروان مذاهب اهل‌سنت از دیگر مذاهب بیش‌تر است، به گونه‌ای که حدود ۹۰٪ مسلمانان پیرو آن هستند. مذهب رسمی اکثر کشورهای اسلامی سنی است. در گذشته در شرق و غرب جهان اسلام مذهب رسمی، اهل‌سنت بود. در مثال، حکومت عثمانی[2] مذهبِ کلامیِ ماتریدی[3]، و مذهبِ فقهیِ حنفی را مذهب رسمی دولت و مبنای قوانین مدنی اعلام کرده بود. در عین پذیرش مذاهب دیگر و تعیین قاضیان و والیانی از آن‌ها در مناطق خودشان. می‌توان گفت که اکثریت قاطع و مطلق مسلمانان در بیش از پنجاه کشور اسلامی پیرو مذاهب سنی هستند. در حالی که در کشورهای ایران، آذربایجان و عراق شیعه‌ی دوازده امامی[4] اکثریت دارد. در عمان هم غالب مردم پیرو مذهب اِباضی[5] می‌باشند.[6]

ج ـ تعداد پیروان اهل‌سنت در جهان:

طبق آمار «دانشنامه‌ی جهانی مسیحیت»، در سال ۲۰۰۰م آمار اهل‌سنت حدودا یک میلیارد و دویست میلیون نفر برآورد شده است،

---

۱. نگاه: جهنی، الموسوعة المیسرة، ۱/ ۱۰۷ ـ ۱۱۰.

۲. حکومتی که به دست عثمان پسر اورخان در سال ۶۵۶هـ ق در مناطق شرقی ترکیه‌ی امروزی بنا شد و تا ۱۹۳۲م در جهان اسلام ادامه داشت. (نگاه: صلابی، علی محمد، الدولة العثمانیة عوامل النهوض و اسباب السقوط، ۴۴ و ۵۱۵).

۳. در صفحات بعدی معرفی خواهد شد.

۴. به پیروان فقهی امام جعفر صادق گویند که به امامت منصوص علی و خاندانش باور دارند. (نگاه: جهنی، الموسوعة المیسرة، ۱۳۳/۱).

۵. اباضیه به یکی از فرقه‌های خوارج گویند که به فردی به نام عبدالله بن اباض تمیمی منسوب‌اند. آنان خود را از خوارج نمی‌دانند. در حقیقت جزو تندروهای خوارج نیستند، ولی در مسائل متعددی با آنان هم‌سو و هم‌عقیده‌اند. (جهنی، همان، ۵۸/۱).

۶. نگاه: مذاهب اسلامی در پایگاه www.ar.wikepedia.org.

در حالی که پیروان مذهب کاتولیک[1] در همین سال حدود یک میلیارد و پنجاه و هفت میلیون بوده است. در نتیجه طبق این دانشنامه تفاوت اهل‌سنت و کاتولیک از لحاظ تعداد پیرو در حد ۱۵۰ میلیون است. دانشنامه می‌افزاید: روزانه حدود ۳٤۰ هزار نفر به دنیا می‌آیند که ٦۸ هزارشان مسلمان‌اند.[2]

در تازه‌ترین پژوهش‌ها که خبرگزاری «الأنباء العالمية» منتشر کرده است تعداد مسلمانان در سال ۲۰۰۹م از مرز ۱/۵ میلیارد نفر گذشته است. بر اساس همین تحقیق اهل‌سنت به حدود ۸۷٪ تا ۹۰٪ کل مسلمانان رسیده‌اند.[3]

قابل ذکر است که طبق برخی آمارها و گزارش‌ها تعداد مسلمانان و پیروان مذاهب، بیش‌تر و یا کم‌تر از این هم برآورد شده است.[4]

د ـ مکاتب فکری وکلامی اهل‌سنت:

اهل‌سنت و جماعت در دوران گذشته در اثبات مباحث کلامی و عقیدتی دارای چهار مدرسه بوده‌اند که برخی فقط بر نصوص شرعی بسنده کردند و برخی بر متن و عقل. در این راستا از علم کلام بهره جسته‌اند. امروزه در بطن جامعه این واژگان کاربردی نداشته و تنها در کتاب‌ها و مقالات یا نزد بعضی از افراد و گرایش‌ها به کار می‌رود. هر چند نمی‌توان وجود این گونه اندیشه‌ها و نظرات را در پاره‌ای از اذهان انکار کرد. این مدارس عبارت‌اند از:

---

۱. به پیروان بزرگ‌ترین کلیساهای دنیا گفته می‌شود که طبق باورشان بنیان‌گذارش پترس رسول، شاگرد عیسی ﷺ بوده است. رهبری پاپ رم را قبول دارند. بیش‌تر در غرب نفوذ و رواج دارند. (نگاه: جهنی، الموسوعة المیسرة، ۲/۶۰۰).
۲. این دانشنامه را نیافتم و از www.ar.wikipedia.org نقل کرده‌ام.
۳. نگاه: www.ar.wikipedia.org .
۴. نگاه: وزارت امور خارجه، مباحث کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، ۴/۱.

۱. اَشاعِره: «این فرقه‌ی کلامی اسلامی به ابوالحسن اَشعَری[۱] منسوب است که پس از اعتراض بر معتزله به وجود آمد. اشاعره هنگام مباحثه و مناظره با معتزله و فلاسفه و دیگران برای اثبات حقایق دینی و عقیده‌ی اسلامی از دلایل و برهان‌های عقلی و کلامی بهره می‌بردند».[۲]

«منبع استدلال نزد اشعری‌ها همان کتاب و سنت طبق قوانین علم کلام است. ... از احادیث آحاد در عقیده استفاده نمی‌کنند، چون به علم یقینی نمی‌رساند. البته می‌توان از آن‌ها در مسائل دیگر و سمعی بهره برد. ... آنان اصول عقیدتی را از نظر منبع استدلال به سه گروه تقسیم می‌کنند: بخشی که منبعش فقط عقل است ... و بخشی که منبعش هم عقل و هم نقل است، ... و پاره‌ای که مصدرش تنها نقل است...».[۳]

۲. ماتریدیه: فرقه‌ای کلامی است منسوب به ابومنصور ماتریدی[۴] که در قرن چهارم هجری در سمرقند پدیدار شد. آنان در مبارزه با مخالفان معتزلی و... هنگام اثبات حقایق دینی و عقاید اسلامی از دلایل و براهین عقلی و کلامی بهره می‌بردند. خواستند میان مذاهب اعتقادی اهل‌سنت و جماعت و دیگر مذاهب کلامی راه میانه‌ای برقرارکنند، لذا منزلت عقل را در برابر نقل بالا بردند و اصول

---

۱. او ابوالحسن علی بن اسماعیل از نسل ابوموسی اشعری رضی الله عنه است که در بصره به سال ۲۷۰هـ‍ـق زاده شد. در علم کلام تبحر و شهرت یافت. (نگاه: جهنی، همان، ۸۲/۱).

۲. همان، ۸۳/۱.

۳. همان، ۸۷.

۴. محمد بن محمد بن محمود ماتریدی سمرقندی منسوب به «ماترید» از اماکن نزدیک به سمرقند در ماوراءالنهر. در آن‌جا زاده شد و در علوم کلامی و فکری شهرت و تبحر یافت. (نگاه: جهنی، همان، ۹۵/۱).

دین را به عقلی و نقلی تقسیم کردند.[1]

ماتریدی‌ها در اصول کلامی به اشاعره نزدیک‌اند، ولی مهم‌ترین ویژگی‌شان اعتقاد به ازلیت تکوین است که این صفت به مشیت ربوبی تعلق ندارد و ماتریدیه آن را بر صفات هفتگانه نزد اشعری‌ها(حیات، علم، قدرت، اراده، سمع، بصر، وکلام) می‌افزایند. تفاوت دیگر در این است که حسن و قبح نزد اشاعره شرعی است، ولی نزد ماتریدیه عقلی.[2]

۳. معتزله: «فرقه‌ای است اسلامی که در اواخر دوره‌ی اموی به وجود آمد و در عصر عباسی شکوفا شد. آنان متأثر از فلسفه‌های نوین آن روزگار، در فهم عقیده‌ی اسلامی بر عقل مجرد تکیه داشتند. ... مذهب معتزله در پنج اصل خلاصه می‌شود: توحید، عدل، وعد و وعید، منزلت بین منزلتین، و امر به معروف و نهی از منکر».[3]

در انتساب معتزله به اهل‌سنت بین پژوهشگران اختلاف است؛ برخی آنان را در برابر اهل‌سنت، اهل بدعت می‌نامند، چون در اعتقادات‌شان تناقضات و انحرافاتی از مذهب اهل‌سنت دیده‌اند.[4] برخی آنان را در مقایسه‌ی با شیعه، به اهل‌سنت منسوب کرده‌اند، به علت وجود شباهت‌های زیادی که بین آنان از نظر تاریخی، عقیدتی و فکری با اهل‌سنت هست، مانند باور نداشتن به امامت منصوص علی و خاندانش علیهم‌السلام، معصوم نبودن آنان، اعتقاد به سه تا بودن اصول دین، و... .[5]

۱. همان، ۱/۱۰۴.
۲. همان، ۱/۸۶ و ۱۰۱.
۳. همان، ۱/ ۶۴ و ۶۸.
۴. نگاه: شهرستانی، الملل والنحل، ۱/۴۲.
۵. نگاه: فرمانیان، مهدی، آشنایی با فرق تسنن، ۶۵ و ۸۴.

٤. سلفیه: «باور به اجتهاد وعدم تعصب مذهبی، نگرشی است که تقلید از مذاهب فقهی معین را مردود دانسته و می‌گوید باید از مذاهب چهارگانه و غیر آنان بر مبنای قوت دلیل، مسائل را گرفت».[1]

اهداف دعوت سلفیت در چند نقطه‌ی اساسی خلاصه می‌شود: «بازگشت به کتاب و سنت صحیح و فهم آن بر همان شیوه‌ی سلف صالح رحمهم الله، شناساندن دین حقیقی به مسلمانان و فراخواندن آنان برای عمل به تعالیم و احکام اسلام. ....، بیم دادن مسلمانان از انواع شرک و بدعت، و افکار وارداتی و دخیل، رهایی از احادیث منکر و جعلی و...، احیای تفکر آزاد اسلامی در محدوده‌ی قواعد اسلامی، و...».[2]

سلفیه، اندیشه‌ها و افکار اشاعره، ماتریدیه و معتزله را مردود دانسته و آن را بدعتی فکری می‌دانند. سلفیه نظرات کلامی و فلسفی دیگران را باور ندارند، چون آن را با روش فکری و نظری سلف متضاد می‌بینند. بر این پایه، بسیاری از اندیشمندان، سلفیه را مدرسه یا مکتبی کلامی نمی‌دانند. این خواسته‌ی سلفیه است. اما از آن‌جا که نوعی تفکر متفاوت با افکار رایج کلامی بویژه در مسائل عقیدتی است، در ذیل مدارس فکری و کلامی اهل‌سنت ذکر شده‌اند. در عین حال که در برخی کتب و مراجع هم در شمار مدارس کلامی سنی قلمداد شده است.[3] ناگفته نماند که در فصل سوم نیز سلفیه به عنوان یک حرکت و جنبش فعال در بین اهل‌سنت ایران معرفی خواهد شد.

۱. جهنی، همان، ۱۳۹/۱.
۲. همان، ۱۴۷.
۳. نگاه: فرمانیان، همان، ۹۱ و ۱۵۱.

چهار ـ اهل‌سنت ایران از گذشته تاکنون

الف ـ اهل‌سنت ایران در گذشته:

از روزی که سرزمین‌های فارس، با آن مفهوم گسترده‌اش که شامل مناطق بسیَاری همانند ایران، افغانستان، پاکستان، ترکمنستان، آذربایجان، تاجیکستان و... می‌شد، توسط مجاهدان مسلمان در زمان دو خلیفه‌ی راشد عمر فاروق رضی الله عنه[1] و عثمان بن عفان رضی الله عنه[2] فتح شد، مردم مسلمان در این سرزمین همانند دیگر مناطق اسلامی پیرو مذهب خاصی نبودند. پس از خلفای راشدین هم انتساب مذهبی و فکری رایج نبود، چون اسلام در همه‌ی مناطق و اقلیم‌ها جاری و ساری بود. اما به سبب پاره‌ای از گرایش‌های نژادی و قومی از سوی برخی از خلفا و امیران اموی، و برتری دادن قومیت عربی بر دیگر ملت‌ها، و نیز ستم بر مردم، در مقابل، نگرش‌های ملی‌گرایانه به‌پاخاست. یکی از دلایل همکاری ایرانیان، بویژه خراسانیان با عباسیان در راه سرنگونی بنی‌امیه همین نکته بود.

در آغاز حکومت عباسی و تا مدتی پس از آن، سرزمین ایران در تصرف این خاندان و تابع مذهب اهل‌سنت بود. ولی با گسترش ستم و بی‌عدالتی امیران و خلفا، زمزمه‌های جدایی‌طلبی و استقلال‌خواهی در مناطق گوناگونی از جهان اسلام پدیدار گشت. و در عمل هم

---

۱. عمر بن خطاب بن نفیل قریشی عدوی(۴۰ق.هـ ـ ۲۳هـ)، دومین خلیفه‌ی راشد و نخستین کسی است که به «امیرالمؤمنین» ملقب شد. شجاع و عادل و فاتح بود. در دوره‌ی جاهلیت از سران و قهرمانان قریش بود. (زرکلی، همان، ۴۵/۵).

۲. عثمان بن عفان ابن ابی‌العاص (۴۷ق.هـ ـ ۳۵هـ)، امیرالمؤمنین، ذی‌النورین و سومین خلیفه‌ی راشد است که در مکه زاده شد و پس از مدت کوتاهی از بعثت، به اسلام گروید. (همان، ۲۱۰/۴).

در برخی از سرزمین‌ها حکومت‌هایی پیدا شد، همانند حکومت ادریسی[۱]، خُرّمی[۲]، یَعفُری[۳]، قَرمَطی[۴]، آل‌بویه[۵]، سلجوقی[۶] و... .

بنابر این در طول دوره‌ی اموی، عباسی، عثمانی، ایلخانی و... مردم ایران تابع مذهب اهل‌سنت بوده‌اند. پسوند فامیلی و اسامی بسیاری از عالمان و شاعران سنی‌مذهبِ معروف و مطرح جهان اسلام در گذشته،

۱. این حکومت به ادریس بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی منسوب است که پس از قیام بر ضد عباسیان به سال ۱۷۲هـ‌ق در مغرب افریقا تشکیل شد و با بسیاری از چالش‌ها و جنگ‌ها تا قرن چهارم هجری استمرار داشت. (نگاه: محمود شاکر، التاریخ الاسلامی، ۱۶۲/۵).

۲. گروهی از پارسیان در شمال ایران بودند که با زعامت بابک خرمی یا خرمدین خواهان بازگشت باورهای کهن فارسی شدند و در سال ۲۲۱هـ‌ق بر مأمون عباسی شوریدند و سرانجام در ۲۳۱هـ‌ق شکست خوردند. (نگاه: همان، ۱۹۰/۵).

۳. این حکومت در دوران متوکل عباسی در صنعا آغاز شد. بنیان‌گذار آن یعفر بن عبدالرحیم بن ابراهیم است که به سال ۲۴۷هـ‌ق قیام کرده و تا ۳۸۷هـ در یمن بر مسند قدرت بودند. (نگاه: محمد بک خضری، الدولة العباسیة، ۲۵۳).

۴. گروهی از شیعیان کوفه و بحرین و... هستند که در حواشی خلیج فارس بر بنی‌عباس بارها قیام کردند، بویژه در زمان معتضد، مقتدر و راضی. ولی معمولا به علت عدم برنامه‌ریزی درست و وجود آشفتگی و هیاهو نمی‌توانستند بر عباسیان غلبه کنند. (همان، ۳۰۴ و ۳۳۴).

۵. آنان فرزندان بویه بودند که پس از چیرگی بر شمال، مرکز و غرب ایران به سمت بغداد رفته و بر مستکفی؛ خلیفه‌ی عباسی غلبه کردند. ولی نتوانستند آنان را به طورکلی از خلافت خلع نمایند. و تنها به در اختیار داشتن قدرت بسنده کردند. از ۳۳۴هـ‌ق تا ۴۴۷هـ‌ق قدرت را در دست داشتند. (نگاه: ابوالحسن علی ابن ابی‌الکرم محمد عزالدین ابن الاثیر(۶۳۰هـ‌ق)، الکامل فی التاریخ، ۴۴۹).

۶. به فرزندان سلجوق بن تقاق از عشایر ترکستان قدیم گفته می‌شود که بر دولت سامانیان؛ هم‌پیمان عباسیان در ایران غلبه کرده و به سوی عراق و پیرامونش گام نهادند. از اوایل قرن پنجم هجری قمری تا اواخر قرن ششم با چیرگی بر بنی‌عباس قدرت واقعی در دست‌شان بودند، ولی روابط‌شان با عباسیان نیکو بود. ۱۴۳ سال حکومت کردند.
(نگاه: همان، ۴۷۳/۹ و...).

بهترین دلیل بر این مدعاست، همانند اصفهانی، رازی(ری)، شیرازی، بیضاوی،گرگانی یا جرجانی،گیلانی یا جیلانی، نیشابوری، سیستانی یا سجستانی، خراسانی، جامی، باخَرزی، سَرَخسی، قزوینی، توسی یا طوسی، قهستانی، مراغی، ...ـُویه، کرمانی، کاشانی، فیروزآبادی، تبریزی، زُوزنی، طَبَری، همدانی، آملی، استخری، بوزجانی، اسفرایینی و... . قابل ذکر است که بسیاری از این نام‌ها هنوز با همان اسامی پیشین در مرزهای امروزی ایران وجود دارند. و این، غیر نام‌هایی است که منسوب به اماکنی بیرون از مرزهای امروزی ایران است و در گذشته بخشی از ایران یا خراسان بوده‌اند، همانند بخارا، سمرقند، کاسان و ترمذ که در ازبکستان‌اند، یا نساء که در ترکمنستان است، یا بلخ، هرات و کابل که در افغانستان‌اند، یا شاش (چاچ) که در چِین واقع شده است.

روشن است که در دوره‌هایی این امر دگرگون شد، همانند حکومت خاندان بویه و زیدی[1] که در مناطقی باعث رواج تشیع شدند. سرانجام در قرن دهم هجری قمری مطابق با قرن شانزدهم میلادی با روی‌کارآمدن حکومت صفوی[2]، اندک‌اندک این روند تغییر کرد و بیش‌تر مردم ایران مذهب تشیع را پذیرفتند. در حکومت‌های بعدی

---

۱. به زید بن علی بن حسین بن علی ابن ابی‌طالب نسبت داده می‌شوند که در بخش‌هایی از شمال ایران و سرانجام در یمن به حکومت رسیده‌اند. هم اکنون نیز در یمن وجود دارند. (نگاه: محمود شاکر، همان، ۳۷۲/۵).

۲. این خاندان به صفی‌الدین اردبیلی منسوب‌اند که فرزندانش با متحد ساختن قبایل ترک‌زبان توانستند بر کل ایران چیره شوند. (نگاه: علی محمد صلابی، الدولة العثمانیة عوامل النهوض وأسباب السقوط، ۱۹۰– ۱۹۱).

مثل افشاری[۱]، زندی[۲]، قاجاری[۳] و پهلوی[۴] نیز اکثریت با مذهب شیعه بود تا زمان انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ش که همین امر ادامه داشته و دارد. اما اهل‌سنت به طور کلی از صحنه حذف نشدند و تا امروز با گرایش‌ها و مذاهب فقهی خود در ایران زندگی می‌کنند. هم اکنون مذاهب شافعی و حنفی و اندکی هم حنبلی با اقلیت‌های نژادی و قومی گوناگون مثل کُرد، بلوچ، فارس، ترکمن، عرب و ترک در این کشور به حیات خود ادامه می‌دهند.

ب ـ اهل‌سنت در حال حاضر:

این پژوهش در حد توان به دنبال معرفی اهل‌سنت ایران در حال حاضر است؛ یعنی سال‌هایی که این تحقیق نوشته و ارایه می‌شود (از ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ش). و می‌کوشد آنان را از زوایای گوناگون مذکور در مقدمه معرفی کند. وقتی نویسنده می‌گوید «ایران» منظورش ایران امروز با همان مرزهای جغرافیایی و بین‌المللی و رسمی‌اش است، نه سرزمین فارس یا خراسان یا عراق عجم که در گذشته متداول بوده و مناطق گسترده‌ای، از جمله افغانستان، پاکستان، تاجیکستان،

---

۱. این حکومت به نادرشاه افشار نسبت داده می‌شود که در کلات نادر از توابع مشهد قیام کرد و توانست بر بخش‌های زیادی از ایران بخصوص خراسان و پس از آن افغانستان و هندوستان چیره شود. اکثر مورخان او را سنی‌مذهب دانسته‌اند. (نگاه: افشاریان، در پایگاه:www.wikipedia.fa.org).

۲. بنیان‌گذار این حکومت کریم خان زند در شیراز است که از سال ۱۷۵۰م تا ۱۷۹۴م قدرت را در دست داشتند. (نگاه: زندیان، همان).

۳. از سلاله‌ی ترکمن‌ها بودند که با کوشش آغامحمدخان قاجار دَر تهران در سال ۱۷۷۹م تا ۱۹۲۵م به قدرت رسیدند و تا قبل از پهلوی بر حکومت چیره بودند. (نگاه: قاجاریه، همان).

۴. حکومت پهلوی آخرین سلسله‌ی سلطنتی در ایران است که پیش از انقلاب اسلامی به دست رضاشاه پهلوی به قدرت رسید. تا این که سرانجام در سال ۱۳۵۷ش سقوط کرد. (نگاه: پهلویان، همان).

ترکمنستان، آذربایجان، ازبکستان، و... را گاهی شامل می‌شده است.

پس وجود اهل‌سنت در ایران امری انکار ناپذیر است و کسی در این موضوع تردید ندارد، بویژه که در قانون اساسی کشور در موادی از آنان یاد شده است. هرگاه کسی در مناطق سنی‌نشین ایران گذری داشته باشد، از مساجد، مدارس دینی، انجمن‌های خیریه، انتشاراتی‌ها ودیگر امور به سنی‌بودن آنان پی‌می‌برد. (نگاه: پیوست شماره‌ی۱) و بسا هیچ استانی در کشور از وجود اهل‌سنت خالی نباشد، همانند دانشجویان، کارمندان، کارگران و...، ولی ثبت و ضبط ایشان بسی دشوار است، چون ممکن است مسجد یا مرکزی خاص نداشته باشند. اختلاف اساسی در تعداد اهل‌سنت و میزان توان و امکانات اقتصادی و سیاسی‌شان است. زیرا در سرشماری‌های رسمی نفوس و مسکن و... گزینه‌ای برای معرفی مذهب افراد نیست. در نتیجه روی تعداد جمعیت اهل‌سنت همواره اختلاف نظر وجود دارد؛ از ٤ میلیون تا ٦، ٨، ١٠، ١٢، ١٥ و حتی ٢٠، ٢٥ و ٣٠ میلیون هم گفته شده است. که همین باعث اختلاف در تحلیل‌ها، توصیف‌ها و گزارش‌ها می‌شود.

ج ـ نژاد و زبان اهل‌سنت:

اهل‌سنت ایران از نژادهای گوناگونی تشکیل شده و زبان وگویش‌های متنوعی دارند. مهم‌ترین آنان عبارت‌اند از:

۱. کُردها: اکثرشان در استان‌های غربی یعنی آذربایجان غربی، کردستان وکرمانشاه سکونت دارند. برخی از آنان به آذربایجان شرقی، زنجان، همدان، تهران و ... مهاجرت کرده‌اند. زبان کردی از اصیل‌ترین زبان‌های ایران است. کردزبانان به قوم «ماد» یکی از شاخه‌های آریایی منسوب‌اند که در دوران باستان از سیبری به فلات ایران کوچیده‌اند. در کشورهای عراق، ترکیه، سوریه و... نیز کردها

سکونت دارند.[1] در فصل اول گفته خواهد شد که جمعیت کردهای اهل‌سنت ایران حدود ٤/٥ میلیون نفر است.

۲. بلوچ‌ها: این بخش از اهل‌سنت در استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان، گلستان، و خراسان‌های رضوی و جنوبی سکونت دارند. زبان خاصی به همین نام دارند که با فارسی قرابت زیادی دارد. در کتاب‌های قدیمی و تاریخی این منطقه «مَکران» نامیده شده است.[2] شجاعت، جوانمردی، احساسات مذهبی و دینی از ویژگی‌های بارز این ملت است. تعداد بلوچ‌های اهل‌سنت به ۲/۵ میلیون تن می‌رسد.

۳. فارس‌ها: اهل‌سنت پارسی‌گوی در استان‌های خراسان رضوی و جنوبی، بلوچستان، هرمزگان، فارس، بوشهر، تهران و... زندگی می‌کنند. تعدادشان حدود ۱/۷م تن تخمین زده می‌شود. در فارسی گویش‌ها و لهجه‌های گوناگونی رایج است. و در هر منطقه پوشش، آداب، و فرهنگ خاصی رواج دارد.

٤. ترکمن‌ها: از قبایل ترک‌زبان کهن هستند که از ترکستان، چین و ماوراءالنهر به سرزمین‌های اسلامی مهاجرت کردند. امروزه کشوری به نام «ترکمنستان» پایگاه اصلی این قوم است. گفته شده اصل واژه‌ی «ترکمن» ترک ایمان یا ترک‌مانند بوده است.[3] اکثریت قاطع ترکمن‌های اهل‌سنت ایران در استان‌های گلستان و خراسان شمالی و رضوی سکونت دارند. تعدادشان حدود یک میلیون نفر تخمین زده می‌شود.

---

۱. نگاه: علی اکبر دهخدا، لغت نامه، واژه‌ی «کُرد».

۲. نگاه: عبدالصمد سربازی، بلوچ و بلوچستان، ترجمه: محمد سلیم آزاد، ۴۰ و ۴۱.

۳. نگاه: علی اکبر دهخدا، همان، لفظ «ترکمان».

۵. تالشی‌ها: اهل‌سنت تالشی از نژادهای کهن و اصیلی هستند که در سواحل شمالی دریای خزر در استان گیلان سکونت دارند. آثار و ابزار باستانی در این منطقه گویای اصالت تاریخی‌شان است. زبان، نطق، صامت و مصوت‌های گفتاری این قوم شباهت زیادی به الفاظ پارسی باستانی و پهلوی دارد که در کتیبه‌ها و کتاب‌های کهن به جا مانده و کارشناسان تلفظ می‌کنند. تعداد تالشی‌ها حدود ۲۵۰هزار نفر تخمین زده می‌شود.

٦. عرب‌ها: بیش‌تر قبایل عربی مستقر در سواحل خلیج فارس و سواحل عربی آن با تمام گرایش‌ها و شاخه‌های‌شان از نوادگان اعراب بنی‌تمیم‌اند.[1] اعراب سنی در استان‌های خوزستان، بوشهر و هرمزگان سکونت دارند. برخی در قرون گذشته به خراسان جنوبی و رضوی مهاجرت کرده‌اند. تعداد عرب‌های سنی‌مذهب حدود ۱۲۰هزار تن برآورد می‌شوند. البته این آمار شامل عرب‌های تازه سنی‌شده در خوزستان نمی‌شود، چون هنوز از ایشان عدد دقیقی در دست نیست.

۷. ترک‌ها: از قبایلی هستند که از سرزمین ترکستان قدیم و مرزهای چین امروز به مناطق اسلامی آمده و در جاهای مختلفی سکنی گزیده‌اند. ترک‌های سنی‌مذهب در استان‌های اردبیل، آذربایجان غربی و خراسان رضوی سکونت دارند. تعدادشان تقریبا ۵۰هزار نفر است.

د ـ اهل‌سنت و قانون اساسی‌کشور:

از آن‌جا که اسلام مبنای قانون اساسی در ایران است، پس بسیاری از حقوق اهل‌سنت به طور طبیعی طبق ظاهر و متن قانون محقق شده است، چون سنی و شیعه در مبانی و اصول فراوانی متفق و

۱. نگاه: خمیس بن احمد العبیدلی، تاریخ القبائل العربیة فی السواحل الفارسیة، ۱۰.

مشترک‌اند، هر چند در پاره‌ای از اصول و فروع با هم اختلاف دارند. در این قسمت موادی از قانون[1] نقل می‌شود که بیانگر رعایت حقوق اهل‌سنت و دیگر اقلیت‌هاست:

اصل چهارم ـ کلیه‌ی قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه‌ی اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر برعهده‌ی فقهای شورای نگهبان است.

اصل ششم ـ در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای‌عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر این‌ها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.

اصل نهم ـ در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یک‌دیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه‌ی دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کم‌ترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

اصل یازدهم ـ به حکم آیه‌ی کریمه‌ی ﴿إِنَّ هَٰذِهِۦٓ أُمَّتُكُمۡ أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ وَأَنَا۠ رَبُّكُمۡ فَٱعۡبُدُونِ ۝٩٢﴾[2] همه‌ی مسلمانان یک امت‌اند و

۱. منصور، جهانگیر، متن کامل قانون اساسی.
۲. انبیاء،۹۲. ترجمه: (این است امّت شما که امّتی یگانه است و من خدای‌تان هستم، پس مرا بپرستید).

دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه‌ی ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پی‌گیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

اصل دوازدهم ـ دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثناعشری است و این اصل الی الابد غیرقابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها برطبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.

اصل نوزدهم ـ مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود.

اصل بیستم ـ همه‌ی افراد ملت اعم از زن و مرد یک‌سان در حمایت قانون قرار دارند و از همه‌ی حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

اصل بیست و دوم ـ حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

اصل بیست و سوم ـ تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

اصل بیست و ششم ـ احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و

صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی واساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت.

اصل پنجاه و ششم ـ حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند.

بخش نخست

بافت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اهل‌سنت ایران

فصل اول: اهل‌سنت و اماکن سکونت
فصل دوم: مراکز دینی و فرهنگی اهل‌سنت ایران
فصل سوم: گروه‌ها و جنبش‌های فکری و مذهبی اهل‌سنت

فصل اول

اهل‌سنت و اماکن سکونت

یک ـ استان‌های شمالی
دو ـ استان‌های جنوبی
سه ـ استان‌های شرقی
چهار ـ استان‌های غربی
پنج ـ استان‌های مرکزی

پیش گفتار:

آن‌گونه که در مباحث مقدماتی ذکر شد، پیرامون جمعیت اهل‌سنت اختلاف نظر فراوانی وجود دارد که گمان می‌رود عامل اصلی آن هم عدم اعلام رسمیِ دولت در این زمینه است. با این‌که هیچ‌کس در وجود کلی اهل‌سنت در ایران تردید ندارد. برخی از این نظرات نقل می‌شود:

اهل‌سنت در ایران ٤٪ از کل ٧٠ میلیون جمعیت کشور در سال ١٣٨٥ش بوده‌اند.[1] یعنی کم‌تر از ٣میلیون.

اهل‌سنت ایران حدود ٦/٥ میلیون نفرند.[2]

اهل‌سنت در ایران ٧/٥ میلیون هستند.[3]

اهل‌سنت ٧ میلیون می‌باشند.[4]

هم اکنون جمعیت ایران به ٧٥ میلیون رسیده که ٩٩٪ مسلمان‌اند؛ حدود ٦٠ میلیون شیعه‌ی جعفری و ١٥ میلیون اهل‌سنت.[5]

١٠٪ از ساکنان کشور از برادران اهل‌تسنن می‌باشند.[6] یعنی حدود ٧/٥ میلیون.

جمعیت اهل‌سنت در حدود ٢٠٪ از کل ساکنان کشور است.[7]

---

١. نگاه: فلاح زاده، جمهوری اسلامی ایران، ١٩ و ٢٩٩.
٢. نگاه: عرب‌نیا، محمدصادق (دبیر شورای برنامه‌ریزی مدارس اهل‌سنت کشور)، سایت تابناک (tabnak.ir)، ١٣٩٢/١٠/٢٨ش، کد خبر ٣٧١٨٨١ .
٣. نگاه: نشریه‌ی مدارس علوم دینی اهل‌سنت کشور(١٣٨٩ش)، ٢٩.
۴. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، در گفت‌وگو با یوسف قرضاوی در شبکه‌ی الجزیره در سال ١٣٨٥ش.
۵. نگاه: وهبه توفیق علی، سفر به ایران، ٢٠ و ٢٢.
۶. نگاه: تاج زاده، سید مصطفی، مجله‌ی ندای اسلام، شماره‌ی ١٠/۶٧.
٧. همان، پاورقی مجله در تصحیح سخن تاج زاده.

یعنی حدود ۱۵ میلیون.

اهل‌سنت ایران حدود ۱۵ میلیون نفرند.[1]

اهل‌سنت تردیدی ندارند که تعدادشان از ۱۰میلیون کم‌تر نیست، اما در میان‌شان نیز روی عدد خاصی توافق نیست؛ بین ۱۰ تا ۲۵ میلیون گفته‌اند. نویسنده کوشیده است از لابه‌لای سفر به استان‌ها و گفت‌وگو با بسیاری از صاحب‌نظران و پژوهشگران یا ارسال پرسش‌نامه‌هایی به افراد مختلف به عددی نزدیک به واقعیت برسد. هر چند پیشاپیش اعتراف دارد که نتوانسته به آمار دقیق و مطمئنی دست یابد. چون دقت در آمارهای رسمی بیش‌تر است.

شایسته است اهل‌سنت فراموش نکنند که ۱۰ میلیون، یعنی همان کم‌ترین عددی که بر آن اتفاق نظر دارند، از جمعیت بسیاری از کشورهای جهان بیش‌تر است! زیرا بیش از ۱٦۰ کشور در جهان کم‌تر از ۱۰ میلیون نفر جمعیت دارند! به عنوان مثال به جمعیت کشورهای زیر توجه کنید:

کویت(۳میلیون‌نفر)، قطر(۲م)، بحرین(۱/۳م)، لبنان(٤/۵م)، اسرائیل(۷/۵م)، اردن(٦/۵م)، عمان(۳م)، امارات(۸م)، تاجیکستان(۷م)، ترکمنستان(۵م)، پرتغال(۱۰م)، نروژ(۵م)، سوید(۹/۵م)، دانمارک(۵/۵م)، موریتانی(۳/۵م)، اتریش(۸/۵م)، سوییس(۸م)، بلژیک(۱۰م)، اسلواکی(۵م)، بلغارستان(۷/۵م)، مجارستان(۱۰م)، ایرلند(٤/۵م)، فنلاند(۵/۵م)، بوسنی و هرزگوین(۳/۵م)، لیتوانی(۳/۵م)، کرواسی(٤/۵م)، کاستاریکا(٤/۵م)، السالوادور(٦م)، اروگوئه(۳/۵م)، پاراگوئه(٦/۵م)، نیوزیلند(٤/۵م) و... .

---

۱. سروش، عبدالکریم، در نامه به حسن روحانی، دی‌ماه ۱۳۹۲ش.

این فصل شامل پنج قسمت است:

یک ـ استان‌های شمالی، دو ـ استان‌های جنوبی، سه ـ استان‌های شرقی، چهار ـ استان‌های غربی، پنج ـ استان‌های مرکزی.

تقسیم فوق بر این پایه برگزیده شده است که اکثریت قاطع اهل‌سنت در این استان‌ها زندگی می‌کنند.(نگاه: پیوست شماره‌ی ۱). همین تقسیم‌بندی ـ به یاری و خواست خداوند ـ در فصل‌ها و مطالب بعدی نیز رعایت خواهد شد.

یک ـ استان‌های شمالی:

هدف از استان‌های شمالی، طبق تقسیمات کشوری و رسمی، پنج استان است که در آن‌ها اهل‌سنت زندگی می‌کنند: اردبیل، خراسان شمالی، گلستان، گیلان و مازندران. در این‌جا به طور گذرا به نژاد و زبان آنان نیز اشاره می‌شود.

۱. اردبیل(زبان‌های ترکی و تالشی):

الف ـ موقعیت جغرافیایی استان:

واژه‌ی «اردبیل» از دو کلمه‌ی «آرتا: پاک و مقدس» و «ویل: شهر» تشکیل شده است. یعنی شهر پاک و مقدس. در این استان جاذبه‌های فرهنگی، اجتماعی، طبیعی و تاریخی بسیاری وجود دارد. جای مناسبی برای کشاورزی و دام‌پروری است و منابع معدنی و غنی فراوانی دارد. قله‌ی «سَبَلان» که از کوه‌های زیبا و جالب کشور است در این استان واقع شده است. چشمه‌های آب‌گرم سَرعَین شهرت جهانی دارد.[1]

«این استان در مدار عرضی ۳۹ درجه و۴۲ دقیقه تا ۳۷ درجه و٦

---

۱. نگاه: مرکز گردشگری، علمی و فرهنگی دانشجویان ایران، سایت www.istta.ir .

دقیقه‌ی شمالی، و ٤٨ درجه و٥٥ دقیقه تا ٤٧ درجه و ١٧ دقیقه‌ی شرقی واقع است».[1]

استان اردبیل در شمال غربی ایران واقع است که از جهت شمال با رود اَرَس، دشت مُغان و بالهارود در کشور آذربایجان، از جهت شرق با سلسله کوه‌های تالش، و بُغرو در استان گیلان، و از جنوب با دشت‌ها، دره‌ها، و کوه‌های زنجان، و از جهت غرب هم با استان آذربایجان شرقی همسایه است.[2]

بر اساس آمارهای رسمی وآخرین تقسیمات کشوری، این استان دارای ۱۰ شهرستان و تعداد زیادی شهر و روستاست از جمله شهر اردبیل، پیله‌سوار، پارس‌آباد، خَلخال، سرعین، کوثر(کیوی)، گرمی، مشکین‌شهر، نَمین، و نیر. طبق سرشماری سال ۱۳۹۰ش جمعیت کل استان به ١٢٤٨٤٨٨ نفر رسیده است.[3] اکثر مردم استان به زبان ترکی سخن می‌گویند، ولی اقلیت‌های تالشی، کردی، فارسی و... هم در آن وجود دارند.

ب ـ اهل‌سنت در مرکز استان:

در مرکز استان یعنی شهر اردبیل، اهل‌سنت زیادی ساکن نیستند. حدود ۵۰ خانواده در این شهر به صورت پراکنده زندگی می‌کنند. ولی از مسجد یا مرکز خاصی برخوردار نمی‌باشند.[4]

۱. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور ۱۳۹۰، ۵۳.
۲. نگاه: www.istta.ir .
۳. نگاه: مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری ۱۳۹۰، ۶۲.
۴. آن‌چه نگارنده در بخش‌های «ب» و«ج» در این قسمت و دیگر بخش‌های مشابه درباره‌ی آمار اهل‌سنت و یا امکانات‌شان می‌گوید، نتیجه‌ی تحقیقات شخصی، ارسال پرسش‌نامه، ملاقات حضوری، بررسی آمارها، مراجعه به سایت‌ها،کتاب‌ها و نوشته‌های محلی، و یا گفت‌وگو با خبرگان منطقه‌ای است. البته ممکن است در برخی موارد دقیق نباشد که با همکاری و تذکرات شما خوانندگان گرامی در چاپ‌های بعدی اصلاح خواهد شد.

ج ـ اهل‌سنت در شهرستان‌ها:

اهل‌سنت در سه شهرستان وجود دارند: خلخال، کوثر(کیوی) و نمین. در شهرستان خلخال، در شهر هشتجین و بسیاری از روستاهایش مانند کَجِل، شمس‌آباد، دیز، کَزِج، مزرعه و...، و در شهرستان کوثر در روستاهای هشین، علاءالدین و... و نیز در روستای هَنبان مجاور این روستاها که تابع شهرستان میانه در استان آذربایجان شرقی است، اهل‌سنت زندگی می‌کنند. بیش‌ترین تعداد اهل‌سنت منطقه در شهرستان نمین و بسیاری از شهرها و روستاهایش مانند عَنبران، امین‌جان، گُلِش، میناباد، جید و... سکنی گزیده‌اند. زبان مردم ترکی، تالشی و اندکی هم کردی است.

جمعیت اهل‌سنت این استان در حدود ۳۰ تا ۴۰هزار تخمین زده می‌شود. بر پایه‌ی برخی آمارها تا ۱۵۰ هزار هم برآورد شده که درست به نظر نمی‌آید. مذهب رایج مردم، براساس فقه شافعی است. (نگاه:پیوست شماره‌ی۲).

۲. خراسان شمالی (زبان ترکمنی):

الف ـ موقعیت جغرافیایی استان:

خراسان شمالی یکی از استان‌های جدید کشور است که پس از تقسیم خراسان بزرگ تشکیل شد. این استان دارای هفت شهر به نام‌های بُجنورد، جاجَرم، اِسفَراین، فاروج، شیروان، گَرمه، و مانه‌وسَمَلقان(آشخانه) است. بجنورد مرکز استان است. کشاورزی در این منطقه رونق دارد و از جاذبه‌های طبیعی و تاریخی ارزشمند و متعددی برخوردار است که اکثرشان در شهرستان اسفراین وجود دارد، همانند قلعه‌ها، گورستان‌ها، و دیگر مناطق تاریخی.[۱]

۱. نگاه: وزارت آموزش و پرورش، جغرافیای خراسان شمالی، ۵.

«این استان در فاصله‌ی بین عرض ۳۸ درجه و ۱۷ دقیقه تا ۳۶ درجه و۳۷ دقیقه‌ی شمالی، و ۵۸ درجه و ۲۰ دقیقه تا ۵۵ درجه و ۵۳ دقیقه‌ی شرقی واقع است».[1]

این منطقه از جوی شبه‌معتدل و مرطوب برخوردار است که در زمستان سرد و در تابستان گرم می‌باشد. میانگین بارندگی ۲۵۰ میلی‌متر است. طبق سرشماری سال ۱۳۹۰ش ۸٦٧٧٢٧ نفر جمعیت داشته است.[2]

ب ـ اهل‌سنت در مرکز استان:

در مرکز استان اهل‌سنت اندکی زندگی می‌کنند، ولی پنج مسجد دارند که به طور عموم در مناطق توسعه نیافته واقع شده‌اند، همانند مسجد حنفیه، خاتم‌الانبیاء، ابوحنیفه و ... . ششمین مسجد هم به نام مسجدالنبی در حال ساخت است. حدوداً ۱۰٪ جمعیت این شهر اهل‌سنت می‌باشند، یعنی ۲۰۰۰۰ نفر.

ج ـ اهل‌سنت در شهرستان‌ها:

تمرکز اهل‌سنت در این استان در مناطق شمال غربی و ترکمن‌نشین مجاور با استان گلستان است. در عین حال که خودشان هم ترکمن هستند و عموما در مانه‌وسملقان و شهرها و روستاهای آن، هم‌چنین در منطقه‌ی مرزی راز وجَرگَلان که همسایه‌ی ترکمنستان است، سکونت دارند. «جمعیت اهل‌سنت در حدود ۱۰٪ کل استان تخمین زده می‌شود».[3] در نتیجه کل جمعیت اهل‌سنت در این شهرها و روستاها ۸۰۰۰۰ تن است. مذهب فقهی رایج در بین ترکمن‌ها حنفی

۱. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور ۱۳۹۰، ۵۳.
۲. نگاه: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری ۱۳۹۰، ۷۴.
۳. وحیدی، بهنام (خبرنگار افتخاری)، نشریه‌ی وفاق، شماره‌ی ۱، ۴۴.

است. (نگاه: پیوست شماره‌ی۳).

۳. گلستان (زبان‌های ترکمنی، بلوچی وکردی)

الف ـ موقعیت جغرافیایی استان:

نام گلستان بر این منطقه گذاشته شد تا بیانگر سرسبزی و زیبایی طبیعی آن باشد. این استان محل سکونت قوم ترکمن است که دارای پیشینه‌ی ژرفی در این اقلیم هستند. واژه‌ی «ترکمن» از دو واژه‌ی ترک و ایمان گرفته شده است، یعنی ترکان مؤمن. این استان در سمت شمال شرقی ایران و جنوب شرقی دریای خزر واقع است. این منطقه از مراکز مهم اقتصادی ایران است که در آن کشاورزی، دامپروری و صنایع مرتبط با آن‌ها و نیز معادن باارزش رونق دارد.

پارک ملی «گلستان» از بزرگ‌ترین و باارزش‌ترین بوستان‌های طبیعی استان وکشور است، که پیرامون و درون آن از طبیعت زیبا، رودخانه‌های سرشار، سواحل و جنگل‌های گران‌بها بهره‌مند است. جاذبه‌های گردشگری فراوانی در این استان یافت می‌شود. مراسم و آداب محلی ترکمن‌ها و کوچ عشایر از آن جمله است.[۱]

«این استان در فاصله‌ی بین عرض ۳۸ درجه و ۸ دقیقه تا ۳٦ درجه و ۳۰ دقیقه‌ی شمالی، و ٥٦ درجه و ۱۹ دقیقه تا ۵۳ درجه و ٥۱ دقیقه‌ی شرقی قرار دارد».[۲]

این استان از سمت شمال به دریای خزر، از شرق به خراسان شمالی، و از غرب به مازندران و از جنوب به سمنان منتهی می‌شود. شهرهای گرگان، گنبدکاووس، آق‌قَلا، بندرترکمن، آزادشهر، مینودشت، گلوگاه و... در این استان است. طبق سرشماری ۱۳۹۰ش

---

۱. نگاه: www.istta.ir

۲. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۵۳.

جمعیت استان به ۱۷۷۷۰۱٤ نفر رسیده است.[۱]

ب ـ اهل‌سنت در مرکز استان:

در مرکز استان(گرگان) کل جمعیت ۳۲۹۵۳٦ نفر است. اهل‌سنت تقریبا ۱۰۰۰۰ نفرند و در این شهر دو مسجد دارند. یکی از مناطقی که اهل‌سنت در آن تمرکز دارند به محله‌ی «قَزّاق‌ها» معروف است که مسجد جامع خوجه احمد یسوی در آن قرار دارد. اکثریت قاطع اهل‌سنت در این شهر ترکمن می‌باشند.

ج ـ اهل‌سنت در شهرستان‌ها:

اهل‌سنت در شهرهای آزادشهر، آق‌قلا، بندرترکمن، علی‌آباد، کَلاله، گالیکِش، گُمیشان، گنبدکاووس، مَراوه‌تپه، مینودشت، و بسیاری از شهرها وروستاهای تابعه جمعیت قابل توجهی دارند. در این شهرها مساجد و حوزه‌های علمیه‌ی فراوانی دارند که در بخش‌های بعدی به آن پرداخته خواهد شد. در مجموع جمعیت اهل‌سنت در این استان حدود ۸۰۰۰۰۰ نفر تخمین زده شده است. ترکمن‌ها پیرو مذهب حنفی هستند. اقلیتی از شافعیه نیز در شهر گنبد سکونت دارند که از مسجدی هم به نام «امام‌شافعی» برخوردارند. هم‌چنین اقلیتی بلوچ حنفی مذهب در روستاها وشهرهای ترکمنی زندگی می‌کنند. لباس‌ها وآداب و رسوم ترکمنی مشخصه‌ی اصلی این منطقه است. (نگاه: پیوست شماره‌ی٤و٥).

٤. گیلان (زبان‌های تالشی و ترکی):

الف ـ موقعیت جغرافیایی استان:

نام گیلان از مردمی به همین نام (گیل یا گیلک) گرفته شده که با دیلمیان از دیرباز در این‌جا سکونت داشته‌اند. این استان در

۱. نگاه: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری ۱۳۹۰، ۸۹.

سواحل جنوبی دریای خزر واقع است که بسیار سرسبز وخرم می‌باشد و از جاذبه‌های گردشگری، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی فراوانی برخوردار است. در کشاورزی و دام‌داری پیشینه‌ای گسترده دارد. بزرگ‌ترین تالاب کشور(انزلی) در این استان است. رودخانه‌ها، جنگل‌ها، بوستان‌ها، مزارع برنج، قلعه‌ها و خانه‌های کهن برای گردشگران چشم‌نواز است. از سمت غرب به اردبیل، از شرق به مازندران، از جنوب به زنجان و از شمال به دریای خزر وکشور آذربایجان ختم می‌شود. شهرهای رشت، صَومعه‌سَرا، اَسالم، فُومَن، تالِش، لاهیجان، بندرانزلی، رضوان‌شهر و... در این استان‌اند.[۱] طبق آخرین سرشماری ۲٤۸۰۸۷٤ نفر جمعیت دارد.[۲]

«این استان در فاصله‌ی بین عرض ۳۸ درجه و ۲۷ دقیقه تا ۳٦ درجه و ۳٤ دقیقه‌ی شمالی، و ۵۰ درجه و ۳٦ دقیقه تا ٤۸ درجه و ۳٤ دقیقه‌ی شرقی واقع است».[۳]

ب ـ اهل‌سنت در مرکز استان:

وجود اهل‌سنت در مرکز استان (رشت) بسیار ضعیف است و هیچ مسجد یا مرکزی ندارند و در مناطق مختلف پراکنده‌اند. جمعیت شهر در آخرین سرشماری ٦۳۹۹۵۱ نفر بوده است که اهل‌سنت کم‌تر از ۲۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شوند.

ج ـ اهل‌سنت در شهرستان‌ها:

تالشی‌ها طایفه‌ای از اهل‌سنت‌اند که در شهرهای تالش(هَشتپَر)، اسالم، رضوان‌شهر، آستارا، ماسال و دیگر شهرها و روستاهای مجاور

---

۱. نگاه: وزارت آموزش و پرورش، جغرافیای استان گیلان، ۶.
۲. نگاه: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری ۱۳۹۰، ۹۱.
۳. مرکز آمار ایران، سالنامه‌ی آماری کشور، ۵۳.

سکونت دارند. اقلیت‌هایی از ترک‌ها، کردها و فارس‌ها نیز در میان‌شان زندگی می‌کنند. در این منطقه اهل‌سنت مدارس ومساجدی دارند که در بخش‌های مربوط ذکر خواهد شد. در مجموع جمعیت اهل‌سنت حدود ۲۵۰۰۰۰ نفر برآورد می‌شود. مذهب رایج، فقه شافعی است. (نگاه: پیوست شماره‌ی٦).

٥. مازندران (زبان های فارسی، بلوچی و ترکمنی):

الف ـ موقعیت جغرافیایی استان:

استان مازندران بر سواحل دریای خزر واقع است که حدود ٦٠٠ کیلومتر مرز ساحلی دارد. از هوای معتدل و مرطوب بهره می‌برد که به سبب باران‌های فراوان بسیار سرسبز و خرم است. دریاچه‌ی خزر؛ بزرگ‌ترین دریاچه‌ی جهان در شمال آن واقع است. با این‌که رشته‌کوه البرز بخش‌های زیادی از این استان را فراگرفته است، ولی نوار ساحلی بسیار حاصل‌خیز و مناسبی میان دریا وکوه قرار دارد. قله‌ی دماوند بزرگ‌ترین قله و سقف ایران در اوراسیا و غرب هیمالیاست که ارتفاعش به ٥٦٧١ متر می‌رسد. شهرهای ساری، بابلسر، آمل، چالوس، رامسر، قائم‌شهر، محمودآباد، نِکا، نور، نوشهر، بابل، بِهشهر، تُنکابُن و... در این استان واقع شده‌اند.[1]

«این استان در عرض ٣٦ درجه و ٥٨ دقیقه تا ٣٥ درجه و ٤٦ دقیقه‌ی شمالی، و ٥٤ درجه و٨ دقیقه تا ٥٠ درجه و ٢١ دقیقه‌ی شرقی واقع شده است».[2]

جمعیت استان ٣٠٧٣٩٤٣ نفر است.[3]

---

۱. نگاه: وزارت آموزش و پرورش، جغرافیای استان مازندران، ۳.
۲. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور،۵۳.
۳. نگاه: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری ۱۳۹۰، ۹۴.

ب ـ اهل‌سنت در مرکز استان:

حضور اهل‌سنت در ساری(مرکز استان) قابل توجه نیست و مسجد یا مرکزی دینی ندارند. اما اقلیتی از اهل‌سنت در کارگاه‌ها، باغ‌ها، مزارع ودیگر امور خدماتی و اندکی هم در کارهای اداری وآموزشی مشغول هستند. حدود ۲۰۰۰ نفر تخمین زده شده‌اند. اهل‌سنت در برخی از سال‌ها توانسته‌اند در کارگاه‌ها و خانه‌های شخصی به برگزاری نمازهای تراویح و عید همت بگمارند و حتی گاهی با اجاره‌کردن مساجد شیعه این مهم را انجام داده‌اند!

ج ـ اهل‌سنت در شهرستان‌ها:

در شهرهای استان، اهل‌سنت وجود ندارد، جز در برخی از روستاهای مجاور گلستان و توابع بهشهر به نام‌های قَره‌تپه، یَکّه‌توت، نمک‌چال و یعقوب‌لنگه، که اکثریت سنی‌مذهب هستند و نمازهای پنجگانه و جمعه و عید در آن‌ها برگزار می‌شود. قره‌تپه بزرگ‌ترین روستای این منطقه است که یک دارالقرآن به نام «بلال» دارند. جمعیت اهل‌سنت حدود ۵۰۰۰ نفر است. مذهب رایج، حنفی و زبان مردم بلوچی، فارسی و ترکمنی است. (نگاه: پیوست شماره‌ی۷).

دو ـ استان‌های جنوبی:

منظور از استان‌های جنوبی، بر اساس تقسیمات جغرافیایی رسمی، چهار استان است که در آن اهل‌سنت زندگی می‌کنند: بوشهر، خوزستان، فارس و هرمزگان.

۱. بوشهر(زبان‌های فارسی و عربی):

الف ـ موقعیت جغرافیایی استان:

نام نخست این منطقه «رام اردشیر» بوده است که بنای اولیه‌ی آن

به اردشیر ساسانی نسبت داده می‌شود. «این استان میان عرض ۳۰ درجه و ۱۸ دقیقه تا ۲۷ درجه و ۱٦ دقیقه‌ی شمالی، و ۵۲ درجه و٥٦ دقیقه تا ۵۰ درجه و ٦ دقیقه‌ی شرقی قرار دارد».[1] بوشهر یکی از استان‌های مهم کشور است که دارای منابع فراوان تاریخی، طبیعی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است. به علت بندر بودن بسیاری از شهرها و روستاهایش صیادی رواج خوبی دارد. مرداب «حِله» و منطقه‌ی حفاظت شده‌ی «نای‌بند» نقش مهمی در جذب گردشگر و اقتصاد دارد.

استان‌های خوزستان،کهکیلویه و بویراحمد، هرمزگان و فارس با بوشهر همسایه‌اند. استان‌های جنوبی معمولا هوایی گرم و مرطوب دارند.[2]

«شهرستان‌های گِناوه، تَنگستان(اَهرُم)، دشتستان(بُرازجان)، دشتی(خُورمُوج)، دَیِّر، وکَنگان در این استان واقع شده‌اند. جمعیت استان ۱۰۳۲۹٤۹ نفر می‌باشد».[3]

ب ـ اهل‌سنت در مرکز استان:

بندربوشهر مرکز استان است که جمعیت آن در سرشماری ۱۳۹۰ش به ۱۹۵۲۲۲ نفر رسید. در این شهر حدود ۳۰۰۰ نفر اهل‌سنت زندگی می‌کنند که یک مسجد دارند و در آن نمازهای پنجگانه و جمعه و عید برگزار می‌شود. اما مرکز دیگری برای امور دینی ندارند، جز برخی از جوانان که در همین مسجد به فعالیت‌های فکری و فرهنگی مشغول‌اند.

۱. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۵۳.
۲. نگاه: وزارت آموزش و پرورش، جغرافیای استان بوشهر، ۶.
۳. نگاه: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری ۱۳۹۰، ۶۴.

ج ـ اهل‌سنت در شهرستان‌ها:

اهل‌سنت در شهرهای کنگان، گناوه، عسلویه، نخل‌تقی و بسیاری از شهرها و روستاهای آن‌ها سکونت دارند و در برخی از آن‌ها دارای مدارس دینی و انجمن‌های خیریه می‌باشند. جمعیت آنان در حدود ۵۰۰۰۰ نفر برآورد می‌شود. مذهب رایج، شافعی است. نژاد و زبان اهل‌سنت این استان عربی و فارسی است. (نگاه: پیوست شماره‌ی۸).

۲. خوزستان (زبان عربی):

الف ـ موقعیت جغرافیایی استان:

این استان در طول تاریخ نام‌های متعددی داشته است. مورخان بر این باورند که در روزگاران کهن قومی به نام «اوکسی» در شرق شهر اهواز کنونی می‌زیسته‌اند. این واژه از اصل یونانی «اوژ» گرفته شده که در پارسی پهلوی به شکل«هووج» و سپس «هوژ» ثبت شده است. بنا بر این واژگان «خوزستان و اهواز» از دو کلمه‌ی «خوز و اوز» به دست آمده‌اند. در سنگ‌نوشته‌های هخامنشی کلمات «هووجه و هووجیه» نیز مشاهده شده است. بعدها به «هوز» و جمعش «اهواز» تبدیل شده است.[۱]

خوزستان یکی از بزرگ‌ترین استان‌های جنوبی کشور است که از جاذبه‌های طبیعی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و گردشگری منحصر به فردی برخوردار می‌باشد. به آن زرخیز گفته‌اند تا بیانگر اصالت تمدنی‌اش در منطقه باشد. موقعیت مناسبی برای کشاورزی دارد. معادن زیرزمینی ارزشمندش همانند نفت، گاز، نمک و... زبان‌زد خاص و عام است.

این استان از شمال به لرستان، از شمال شرق به اصفهان، از شمال

۱. نگاه: www.istta.ir

شرق و شرق به چهارمحال و بختیاری، از شمال غربی به ایلام، از شرق و جنوب شرقی به کهکیلویه و بویراحمد، از جنوب به خلیج فارس و از غرب به عراق پایان می‌یابد.[1]

«این استان بین ۳۳ درجه و ۰۰ دقیقه تا ۲۹ درجه و ۵۷ دقیقه‌ی عرض شمالی، و ۵۰ درجه و ۳۳ دقیقه تا ٤۷ درجه و ٤۰ دقیقه‌ی شرقی واقع است».[2]

شهرهای آبادان، امیدیه، اَندیکا، اندیمشک، اهواز، ایذه، باغ‌ملک، ماهشهر، بِهبهان، خرمشهر، دزفول، رامشیر، شوش، شوشتر، مسجدسلیمان، هُوَیزه و... در این استان قرار دارند. جمعیت به ٤۵۳۱۷۲۰ نفر رسیده است.[3]

ب ـ اهل‌سنت در مرکز استان و شهرستان:

تا چند دهه پیش اهل‌سنت حضور پررنگی در این استان نداشته‌اند، مگر همانند دیگر مناطق که در سده‌های پیش‌تر و قبل از دوره‌ی صفوی پیرو مذهب سنی بوده‌اند. اما در سال‌های اخیر بسیاری از شیعیان در این استان به اهل‌سنت پیوسته‌اند. آمارها و گزارش‌های غیررسمی حاکی از این امرند که تعداد سنی‌شدگان بویژه در شهر اهواز به صدها هزار رسیده است. حتی طبق برخی گزارش‌ها به ۵۰٪ ساکنان شهر رسیده‌اند. البته من نتوانستم به تعداد مشخص و متقنی دست یابم. شکی نیست که اهل‌سنت از دیرباز در شهرهای آبادان و مناطق مجاورش سکونت داشته و دارند، اما دارای مسجد یا مرکز دینی و فرهنگی نیستند تا دال بر سنی‌بودنشان باشد. تا چند

---

۱. نگاه: همان.
۲. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۵۳.
۳. نگاه: نتایج سرشماری ۱۳۹۰، ۷۴.

سال پیش در منطقه‌ی قصبه در آبادان مسجدی به نام «امام‌شافعی» و نیز در شرکت نفت مسجدی به نام «رنگونی» وجود داشته است که به دلایل نامعلومی از طرف مسؤولان شهری تعطیل شده‌اند. (نگاه: پیوست شماره‌ی۹).

۳. فارس (زبانَ فارسی):

الف ـ موقعیت جغرافیایی استان:

واژه‌ی «فارس» در کتیبه‌های هخامنشی به نام «پارسه» و در نوشته‌های یونانی به شکل «پرسیس» ثبت شده است. از دیرباز این‌جا محل سکونت قوم عیلامی و ایل‌های بختیاری و ... بوده است. این استان دربردارنده‌ی آثار باستانی و تاریخی مهمی است که از پایگاه‌های ارزشمند تمدن ایران به شمار می‌آید، همانند تخت جمشید، نقش رستم، شهر استخر، باغ‌های گوناگون، و نیز آرامگاه‌های بزرگانی چون حافظ[۱]، سعدی[۲] و... . نقش اقتصادی فارس بویژه در کشاورزی، صنعت و گردشگری انکارناپذیر است.[۳]

«فارس در فاصله‌ی بین ۳۱ درجه و ٤۰ دقیقه تا ۲۷ درجه و ۳ دقیقه‌ی عرض شمالی، و۵۵ درجه و ۳۵ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳۶

---

۱. خواجه شمس‌الدین محمد بن محمد ملقب به حافظ شیرازی از شاعران قرن هشتم هجری قمری. ولادت و وفاتش در شیراز بوده است. آرامگاه وی هنوز از جاذبه‌های گردشگری مهم استان و کشور است. دیوانی به نام خودش دارد. (نگاه: حافظ شیرازی، دیوان حافظ، تعلیق: سیدعبدالهادی قضایی، ۲۰ و ۲۱).

۲. شیخ مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله معروف به سعدی شیرازی، از شعرای سده‌ی هفتم هجری قمری در سرزمین فارس. در شیراز زاده شد و در همان شهر جان سپرد. آرامگاه‌اش از اماکن تاریخی و دیدنی کشور است. کتاب‌های بوستان، گلستان، کلیات و... از آثار اوست. (نگاه: سعدی شیرازی، بوستان سعدی، تعلیق: محمدعلی فروغی، ۳).

۳. نگاه: وزارت آموزش و پرورش، جغرافیای استان فارس، ۵.

دقیقه‌ی شرقی واقع شده است».[۱]

شهرهای لارستان، اِوَز، خُنج، فیروزآباد، کازرون، جَهرُم، مَرودشت، فَسا، لامِرد، کارزین، گله‌دار، داراب، سَروستان، اِقلید، آباده و... در این استان قرار دارند. جمعیت استان در سال ۱۳۹۰ش، ۴۵۹۶۶۵۸تن بوده است.[۲]

ب ـ اهل‌سنت در مرکز استان:

مرکز استان شهر شیراز است که جمعیتش در سال ۱۳۹۰ش ۱۴۶۰۶۶۵ نفر بوده است. اهل‌سنت در این شهر حضور داشته و مسجدی به نام «رسول اکرم» دارند. نخستین مسجدی که در عصر حاضر برای اهل‌سنت بنا شد، نمازخانه‌ای به نام «حَسَنَین» بود که توسط دکتر علی مظفریان و همیاری مردم ایجاد گردید

اهل‌سنت در این شهر یک مرکز قرآنی به نام «محمد بن جزری» راه‌اندازی کرده‌اند که به آموزش قرآن و مسائل دینی مشغول است. هم‌چنین مسؤولان انتشارات «ایلاف» از اهل‌سنت‌اند. جمعیت آنان در حدود ۲۵۰۰۰ برآورد می‌شود. بیش‌تر اهل‌سنت از شهرهای مجاور آمده‌اند و به بازرگانی، تحصیل، کارمندی و... اشتغال دارند. مذهب فقهی رایج، شافعی است، جز تعداد اندکی که از مناطق حنفی آمده‌اند.

ج ـ اهل‌سنت در شهرستان‌ها:

تمرکز اهل‌سنت در جنوب فارس و در شهرهای مجاور با هرمزگان است، همانند اِوَز، خُنج، گله‌دار و لارستان. از مساجِد و مراکز دینی متعددی برخوردارند که در بخش بعدی به آن پرداخته خواهد شد. در این شهرها و روستاهای توابع، جمعیت اهل‌سنت ۱۴۰۰۰۰ نفر

۱. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۵۳.
۲. نگاه: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری ۱۳۹۰، ۸۹.

تخمین زده می‌شود. فقه شافعی رایج است. پوشش مذهبی اهل‌سنت در این منطقه بویژه در روستاها، لباس عربی است.(نگاه: پیوست شماره‌ی ۱۰و ۱۱).

٤. هرمزگان (زبان‌های فارسی، عربی و بلوچی):

الف ـ موقعیت جغرافیایی استان:

نام «هرمز» در کتب تاریخی و جغرافیایی باستانی «هرموز، هرموج یا اُرموس» نوشته شده است و از نام تنگه‌ی هرمز یا جزیره‌ی هرمز گرفته شده که در اصل «اُرمزد یا هورمزد یا اهورا مزدا» به معنای خدای یکتا یا سرور جهان بوده است.

این استان گرم‌سیر در جنوب ایران و بر سواحل آب‌های گرم خلیج فارس و دریای عمان قرار دارد که در آن ١٤ جزیره‌ی کوچک و بزرگ جای گرفته است. این منطقه نقش مهمی در عرصه‌های گردشگری، اقتصادی، سیاسی و استراتژیکی دارد. امواج دریا، ماهی‌های ارزشمند، پرندگان دریایی، جزایر دیدنی، بازارهای لوکس و سنتی و هوای معتدل در زمستان وپاییز از مهم‌ترین جاذبه‌های گردشگری استان است.

این استان از شمال و شرق به کرمان، از شرق به بلوچستان، از غرب به فارس و بوشهر، و از جنوب به دریای عمان و خلیج فارس منتهی است. تنگه‌ی هرمز با طول ۱۸۷ کیلومتر نقشی اساسی در این دریا دارد. جزایر مهم ابوموسی، تُنب بزرگ وکوچک، سیری، کیش، قشم، لاوان، هرمز، هندورابی و... در این استان قرار دارند.[1] «هرمزگان در میان ۲۸ درجه و ۵۳ دقیقه تا ۲۵ درجه و ٢٤ دقیقه‌ی عرض شمالی و۵۹ درجه و ١٤ دقیقه تا ۵۲ درجه و ٤٤ دقیقه‌ی شرقی قرار

۱. نگاه: وزارت آموزش و پرورش، جغرافیای استان هرمزگان، ۴.

دارد».[1] مهم‌ترین شهرها عبارت‌اند از: بندرعباس، بندرلنگه، میناب، قشم، کیش، حاجی‌آباد، رودان، بَستَک، پارسیان‌و... . ۱۵۷۸۱۸۳ نفر در این استان زندگی می‌کنند.[2]

ب ـ اهل‌سنت در مرکز استان:

بندرعباس مرکز استان است که بالغ بر ٤٣٥٧٥١ نفر جمعیت دارد. اهل‌سنت با داشتن حدود ۲۰ مسجد و نمازخانه و نیز یک مدرسه‌ی دینی و چند انجمن خیریه در این شهر حضور دارند. روستاها و شهرهای کوچکی همانند سُورو، قَلات، بُستانو، گچین و... که در فاصله‌ی بسیار اندکی از شهر بندرعباس واقع شده‌اند، دارای اکثریت سنی می‌باشند. جمعیت اهل‌سنت در بندرعباس و توابع آن و برخی از جزایر بسیار نزدیک مثل هرمز، حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر است.

ج ـ اهل‌سنت در شهرستان‌ها:

اکثریت ساکنان شهرستان‌های غربی استان، مثل بندرلنگه، پارسیان، بندرخمیر، بستک، و نیز جزیره‌ی قشم و دیگر جزایر، اهل‌سنت می‌باشند. این از مساجد فراوان و مدارس دینی متعدد و انجمن‌های خیریه‌ی ایشان هویداست. در شهرهای شرقی استان نیز اهل‌سنت سکونت دارند، همانند شهرهای سیریک، جاسک، و روستاهای میناب و... تعدادی مسجد و مدرسه‌ی دینی در این مناطق وجود دارد.

جمعیت اهل‌سنت در این شهرستان‌ها حدودا ٤۰۰۰۰۰ نفر است. مذهب رایج، فقه شافعی است، به جز چند روستا در محدوده‌ی بندرلنگه، مثل چاه مسلم، حَسینه، مُغُویه و... که در آن اقلیتی حنبلی وجود دارد. اهل‌سنت ساکن در شرق هرمزگان (جاسک، سیریک و...)

---

۱. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۵۳.

۲. نگاه: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری ۱۳۹۰، ۹۷.

اکثریت بلوچ هستند، در حالی که در غرب استان اقلیتی عرب نیز یافت می‌شود. در مجموع اکثریت ساکنان استان فارسی‌زبان هستند. (نگاه: پیوست شماره‌ی ۱۱و۱۲)

سه ـ استان‌های شرقی:

منظور از استان‌های شرقی، طبق تقسیمات رسمی و سیاسی، چهار استان خراسان جنوبی، خراسان رضوی، سیستان و بلوچستان و کرمان است که در آن اهل‌سنت سکونت دارند.

۱. خراسان جنوبی (زبان‌های فارسی، عربی و بلوچی):

الف ـ موقعیت جغرافیایی استان:

خراسان جنوبی پس از تقسیم خراسان بزرگ تشکیل شد و شهرهای بیرجَند، دَرمیان، قایِن، سَربیشه، فردوس، نِهبَندان و... تابع آن شدند. به علت کویری بودن و شرایط نامناسب جوی، کشاورزی و دام‌پروری در آن چندان رایج نیست. «این استان بین ۳۴ درجه و ۳۷ دقیقه تا ۳۰ درجه و ۳۲ دقیقه‌ی عرض شمالی، و ۶۰ درجه و ۵۶ دقیقه تا ۵۷ درجه و ۱ دقیقه‌ی شرقی قرار دارد».[۱]

شهر بیرجند مرکز استان است که جمعیت آن در سال ۱۳۹۰ش، ۱۷۸۰۲۰ نفر بوده است. کل استان در همین سال ۶۶۲۵۳۴ نفر جمعیت داشته است.[۲]

ب ـ اهل‌سنت در مرکز استان:

در مرکز استان حدود ۳۰۰۰۰ نفر پیرو مذهب اهل‌سنت می‌باشند که یک حوزه‌ی علمیه به نام «الصدیق» و چند مسجد و تعدادی نمازخانه دارند. مهم‌ترین مسجدشان «مسجدالنبی» است.

۱. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۵۳.
۲. نگاه: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری ۱۳۹۰، ۷۰ و ۱۱۱.

ج ـ اهل‌سنت در شهرستان‌ها:

بیش‌تر اهل‌سنت استان در شهرها و روستاهای تابع بیرجند، همانند دَرمیان، گَزیک، اَسدیه، طَبَس مَسینا و... ساکن‌اند. در روستای سنی‌نشین«ماخونیک» از توابع شهرستان سربیشه، که یکی از چهار روستای شگفت‌انگیز کشور است،[۱] اهل‌سنت یک مدرسه‌ی دینی دارند. اقلیتی هم در سربیشه زندگی می‌کنند که یک مسجد دارند. هم‌چنین در روستاهای تابع قاین. در مجموع اهل‌سنت در شهرهای تابعه حدود ۷۰۰۰۰ نفرند. مذهب حنفی در این استان رایج است. هرچند اکثریت، فارسی‌زبان می‌باشند، اما اقلیتی هم در روستاهای خَلَف، سَراب، دَرّه‌چَرم، محمدیه و... عرب‌زبان هستند. در نهبندان و توابع آن، و... اقلیتی نیز بلوچ سکونت دارند. (نگاه: پیوست شماره‌ی ۱۳و۱٤).

۲. خراسان رضوی(زبان‌های فارسی، بلوچی، ترکی، ترکمنی و عربی):

الف ـ موقعیت جغرافیایی استان:

کلمه‌ی خراسان از دو واژه‌ی «خور» مخفف خورشید و «آسان»

---

۱. سه روستای دیگر عبارت‌اند از: کَندُوَان در آذربایجان شرقی؛ به علت وجود خانه در دل کوه سنگی، ماسوله در گیلان؛ به علت طبقاتی و پله‌ای بودن منازل‌شان، و مَیمَند؛ در شهر بابک استان کرمان به سبب وجود خانه‌های غارگونه در دل کوه. شگفتی ماخونیک هم به دلیل کوتوله بودن نیمی از مردم می‌باشد و نیز خانه‌های کوچکی که نیمی از آن در زمین حفر شده است. هم‌چنین کوچَک بودن زمین‌های کشاورزی‌شان که گاهی در حد یک متر است، نداشتن سگ در روستا و ... . لازم به ذکر است که در برخی منابع، ماخونیک در لیست هفت روستای شگفت‌انگیز جهان ثبت شده است. البته در این لیست‌ها اختلاف‌نظر هم وجود دارد. هرچند متأسفانه بافت روستا و نکات شگفت‌انگیزش در حال تغییر است. (نگاه: www.topnaz.com و www.wikiroosta.ir).

به معنای «آمد» تشکیل شده است. واژه‌ی «رضوی» هم به وجود آرامگاه علی بن موسی الرضا[1] در مرکز استان اشاره دارد. این استان از سمت شمال به خراسان شمالی و کشور ترکمنستان، از شرق به افغانستان، از جنوب به خراسان جنوبی، از غرب به سمنان، و از جنوب غربی به اَستان یزد خاتمه می‌یابد.[2]

«خراسان بین ۳۷ درجه و ٤٥ دقیقه تا ٣٤ درجه و ٥١ دقیقه‌ی عرض شمالی، و ٦٧ درجه و ١٧ دقیقه تا ٥٦ درجه و ٤٥ دقیقه‌ی شرقی است».[3]

شهرهای مشهد، تایباد، تربت‌جام، تربت‌حیدریه، رُشتخوار، خواف، سَرَخس، دَرگز، سَبزوار، نیشابور، باخَرز، چناران، قوچان، فَریمان، کاشمر و... در این استان قرار دارند. ٥٩٩٤٤٠٠ نفر در خراسان زندگی می‌کنند.[4]

ب ـ اهل‌سنت در مرکز استان:

طبق آخرین سرشماری، جمعیت مشهد به ٢٧٦٦٢٥٨ نفر رسید که اهل‌سنت در آن با احتساب روستاهای مجاور حدود ١٠٠٠٠٠ تن می‌باشند. البته بر اساس برخی آمارها تا ٥٠٠٠٠٠ هم برآورد شده است که صحیح به نظر نمی‌رسد. اهل‌سنت در شهر مشهد و شهرک‌های حومه و نیز روستاهای بسیار نزدیک و چسبیده به آن، تعدادی مسجد و نمازخانه دارند که ذکر خواهد شد. در گذشته

---

۱. علی بن موسی‌کاظم بن جعفر صادق(ت۲۰۳هـ)، ملقب به رضا، هشتمین امام شیعیان اثناعشری، و از بزرگان اهل بیت است که در مدینه زاده شد و در توس درگذشت. (زرکلی، الأعلام، ۲۶/۵).

۲. نگاه: وزارت آموزش و پرورش، جغرافیای خراسان رضوی، ۴.

۳. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۵۳.

۴. نگاه: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری۱۳۹۰، ۷۱.

مسجدی به نام «شیخ‌فیض‌محمد» در نزدیکی آرامگاه امام رضا داشتند که در سال ۱۳۷۲ش به دستور شهرداری تخریب شد و به جای آن فضای سبز بنا گردید.

در منطقه‌ی مهرآباد اقلیتی ترکمن سکونت دارند، همان‌گونه که در روستای اسماعیل‌آباد متصل به مشهد اقلیتی بلوچ زندگی می‌کنند. اکثریت قاطع اهل‌سنت مشهد فارسی‌زبان بوده و از مذهب حنفی تبعیت می‌نمایند.

ج ـ اهل‌سنت در شهرستان‌ها:

اکثریت اهل‌سنت خراسانی در شهرهای تربت جام، تایباد، خواف و صالح آباد سکونت دارند. هرچند اقلیت‌هایی هم در فریمان، سرخس، بینالود و درگز زندگی می‌کنند. در شهر سرخس و درگز مسجد دارند. در روستاهای بینالود و فریمان اهل‌سنت سکونت دارند. در تربت جام حدود ٦٥٪، در تایباد ۹۰٪، و در خواف ۹۵٪ اهل‌سنت هستند. در شهرها و روستاهای خراسان، اهل‌سنت از حدود بیست مدرسه‌ی دینی و مرکز حفظ قرآن پسرانه و دخترانه بهره می‌برند. در مجموع حدودا ٦۰۰۰۰۰ نفر جمعیت اهل‌سنت در شهرستان‌های خراسان رضوی برآورد می‌شود. مذهب رایج، حنفی است.

بلوچ‌های خراسانی در شهرهای تربت جام، صالح آباد و سرخس سکونت دارند. در تربت جام اقلیتی از عرب‌ها و ترکمن‌ها نیز زندگی می‌کنند. اکثریت خراسانی‌ها فارسی‌زبان بوده و دارای پوشش محلی خاصی می باشند. (نگاه: پیوست شماره‌ی ١٤و ١٥).

۳. سیستان و بلوچستان (بلوچی و فارسی):

الف ـ موقعیت جغرافیایی استان:

درگذشته سیستان «زرنگا» یا «زرنگ» نامیده می‌شده است که پس

از مهاجرت مردمی به نام «سکاها» در دوره‌ی اشکانیان و پیش از اسلام به این منطقه، نام «سَکِستان» بر آن گذاشته شد. امروزه شهر «زرنگ» در افغانستان است.[1] پسوند و نام خانوادگی «سجستانی» در اسامی برخی از علمای پیشین به سبب انتساب به این منطقه است. هم اکنون سیستان به شهر زابل و پیرامون آن گفته می‌شود که نیمی از جمعیتش شیعه می‌باشند. اما بلوچستان منسوب به قوم بلوچ است که از دیرباز در نیمه‌ی جنوبی استان سکونت داشته و دارند. بلوچ‌ها دارای پوشش محلی مخصوص به خود هستند. (نگاه: پیوست شماره‌ی ١٦).

«این استان در فاصله‌ی ٣١ درجه و٢٩ دقیقه تا ٢٥ درجه و ٤ دقیقه‌ی عرض شمالی، و ٦٣ درجه و ٢٠ دقیقه تا ٥٨ درجه و٥٥ دقیقه‌ی شرقی قرار دارد».[2]

این استان پهناور از شرق به پاکستان و افغانستان، از غرب به کرمان و هرمزگان، از جنوب به دریای عمان و از شمال و شمال غرب به خراسان پایان می‌یابد. سیستان منطقه‌ای مسطح در شمال استان و بلوچستان بیش‌تر کوهستانی است که با کویر لوت مجاورت دارد. آتش‌فشان معروف «تَفتان» در این منطقه واقع شده است.[3]

شهرهای زاهدان، ایرانشهر، خاش، چابهار، سراوان، زابل، سرباز، سیب و سوران، کُنارَک، نیک‌شهر، و... در این استان قرار دارند. جمعیت استان در سال ١٣٩٠ش به ٢٥٣٤٣٢٧ نفر رسیده است.[4]

ب ـ اهل سنت در مرکز استان:

١. نگاه: www.istta.ir

٢. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ٥٣.

٣. نگاه: www.istta.ir

۴. نگاه: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری ١٣٩٠، ٧۴.

شهر زاهدان، مرکز استان، از شهرهای بزرگ کشور است که جمعیت آن طبق سرشماری رسمی سال ۱۳۹۰ش به ۵٦۰۷۲۵ نفر رسید.[۱] با ساکنان حومه، بیش از ٦٦۰۰۰۰ تن در شهرستان زاهدان سکونت دارند که حدود ۷۵٪ آنان، یعنی حدود نیم میلیون اهل‌سنت می‌باشند. هرچند اهل‌سنت بر این باورند که تعدادشان بسی بیش‌تر از این است، چون بسیاری از آنان در ادارات رسمی و ثبت احوال مشخصات نداشته و یا اصلاً شناسنامه ندارند و در آمارها هم ثبت نمی‌شوند! به هر ترتیب این شهر از مراکز بزرگ و مهم اهل‌سنت ایران است که با وجود حوزه‌های علمیه و مساجد بزرگ، بویژه دارالعلوم مکی، نقش گسترده‌ای در رونق مذهب سنی دارد. قابل ذکر است که سالانه در این شهر بزرگ‌ترین اجتماع مذهبی اهل‌سنت به عنوان جشن فارغ التحصیلی گروهی از طلاب دارالعلوم، با حضور شکوهمند و چشم‌گیر مردم از سراسر کشور، و حتی برخی کشورهای عربی، پاکستان، تاجیکستان، افغانستان و... برگزار می‌گردد.

ج ـ اهل‌سنت در شهرستان‌ها:

شهرستان‌های بلوچ‌نشین، مثل خاش، ایرانشهر، سراوان، چابهار، سرباز و... که اکثریت در نیمه‌ی جنوبی استان قرار دارند، بیش از ۹۰٪ ساکنان‌شان پیرو مذهب اهل‌سنت می‌باشند و در این شهرها مساجد، حوزه‌های علمیه، و مراکز قرآنی و دینی فراوانی به فعالیت مشغول‌اند. بسا هیچ شهر یا حتی روستای بزرگی از وجود مدرسه دینی تهی نباشد.

نیمه‌ی شمالی که با مرکزیت زابل است، هر چند به محل سکونت شیعیان شهرت دارد، اما طبق برخی آمارها حدود ۵۰٪ جمعیت،

۱. نگاه: همان.

بخصوص در شهرهای کوچک و روستاها، اهل‌سنت هستند و مدارس و مساجد متعددی دارند. در مجموع جمعیت اهل‌سنت در کل شهرهای استان ۸۰٪ یعنی تقریبا ۱۶۰۰۰۰۰ نفر برآورد می‌شود. مذهب رایج در این منطقه، حنفی است. در مجموع در این استان حدود ۲۱۰۰۰۰۰ تن اهل‌سنت می‌باشند. (نگاه: پیوست شماره‌ی۱۷).

٤. کرمان(بلوچی):

الف ـ موقعیت جغرافیایی استان:

پیش از اسلام، این منطقه «بوتیا» یا «کارامانیا» نام داشته است. ساکنان بومی بر این باورند که در آغاز واژه‌ی کرمان، «کریمان» جمع کریم بوده است. پژوهشگران معتقدند که در اصل همان کارامانیا به معنای قهرمانان یا زادگاه قهرمانی و دلاوری بوده است. در برخی از اسناد تاریخی کرمان نام یکی از فرزندان نوح ﷺ ذکر شده است. این استان با سیستان و بلوچستان، یزد، خراسان جنوبی، هرمزگان و فارس همسایه است و وسیع‌ترین استان کشور با مساحتی حدود ۱۱٪ کل ایران می‌باشد.[۱]

«کرمان بین ۳۱ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۲٦ درجه و ۲۹ دقیقه‌ی عرض شمالی، و ۵۹ درجه و ۳٤ دقیقه تا ٥٤ درجه و ۲۱ دقیقه‌ی شرقی است».[۲]

شهرهای کرمان(مرکز استان)، انار، جیرفت، بَم، راوَر، سیرجان، ماهان، زَرَند، رفسنجان، بافت، کَهنوج، فَهرَج، مَنُوجان، نرماشیر، و... در این استان قرار دارند. جمعیت استان ۲۹۳۸۹۸۸ نفر است.[۳]

---

۱. نگاه: www.istta.ir

۲. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۵۳.

۳. نگاه: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری ۱۳۹۰، ۸۵.

ب ـ اهل‌سنت در مرکز استان و شهرستان‌ها:

اهل‌سنت در این استان حضور چشم‌گیری ندارند، جز عده‌ی اندکی که در شهرهایی مثل کرمان، بم، منوجان، کهنوج، فهرج، نرماشیر، جیرفت، و... پراکنده‌اند، و دارای حوزه‌ی علمیه یا مرکز دینی نیستند. تعداد اندکی مسجد و نمازخانه در شهرهای منوجان، بم، بروات وکهنوج وجود دارد. حدود ۲۰۰۰۰ نفر جمعیت اهل‌سنت در کل استان برآورد می‌شود.

چهار ـ استان‌های غربی:

هدف از استان‌های غربی سه استان آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه است که جمعیت قابل توجهی از اهل‌سنت در آن‌ها سکونت دارند. تمرکز عمده‌ی اهل‌سنت ایران در این استان‌هاست.

۱. آذربایجان غربی(کردی و ترکی):

الف ـ موقعیت جغرافیایی استان:

«این استان میان ۳۹ درجه و ٤۷ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۵۸ دقیقه‌ی عرض شمالی، و ٤۷ درجه و۲۳ دقیقه تا ٤٤ درجه و ۲ دقیقه‌ی شرقی قرار دارد».[1]

آذربایجان در شمال غربی ایران است که از سمت شمال به نَخجَوان و ارمنستان، از غرب به ترکیه و عراق، از جنوب به کردستان و از شرق به آذربایجان شرقی و زنجان پایان می‌یابد. در این استان به علت وجود آب فراوان و رودخانه‌های دایمی،کشاورزی و دام‌داری رونق بسیاری دارد و از استان‌های کوهستانی و سرسبز است. در سمت شرقی استان، دریاچه‌ی ارومیه قرار دارد که بزرگ‌ترین

---

۱. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۵۳.

دریاچه‌ی داخلی کشور است.[1]

شهرهای ارومیه(مرکز استان)، مَهاباد، میاندوآب، نَقَده، اُشنَویّه، سَلماس، ماکو، بوکان، سردشت، پُلدشت، پیرانشهر، چالدران، تَکاب و... در این منطقه واقع شده‌اند. جمعیت استان در سال ۱۳۹۰ش به ۳۰۸۰۵۷۶ نفر رَسیده است.[2] اکثریت جمعیت را کردها و ترک‌ها تشکیل می‌دهند. اقلیتی از ترک‌زبان‌ها در کنار اکثریت کردزبان، اهل‌سنت را تشکیل می‌دهند. آمار اهل‌سنت ۱۷۰۰۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شود.

ب ـ اهل‌سنت در مرکز استان:

مرکز استان شهر ارومیه است که طبق آخرین سرشماری ٦٦٧٤٩٩ نفر جمعیت داشته است. اهل‌سنت در این شهر به سبب داشتن مساجد متعدد و مدارس و مراکز دینی، فرهنگی و اجتماعی، و نیز یک نماینده در مجلس شورای اسلامی حضور پر رنگی دارند. مساجد امام شافعی، نور و قدس و نیز مدارس دینی فعال در آن‌ها، نقش مهمی در ترویج علم و فرهنگ مردم به عهده دارند. حدود ٤٥٪ ساکنان این شهر از اهل‌سنت می‌باشند.

ج ـ اهل‌سنت در شهرستان‌ها:

هیچ کدام از شهرهای استان خالی از اهل‌سنت نیست، بویژه شهرهای مجاور با کردستان که کردنشین هستند. شهرهای مهاباد، بوکان، سردشت، اشنویه و... از اماکن مهم و پرجمعیت اهل‌سنت‌اند. مهاباد مرکز دوم کردها به شمار می‌آید، زیرا در دوره‌هایی پایتخت

---

۱. نگاه: وزارت آموزش و پرورش، جغرافیای آذربایجان غربی، ۴.
۲. نگاه: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری ۱۳۹۰، ۶۰.

کردستان بوده است.[1] در شهرهای ماکو، چالدران، سلماس، نقده، خوی، میاندوآب، تکاب، شاهین‌دژ و... هم که اکثریت با تشیع است، اهل‌سنت حضور دارند. مذهب فقهی رایج، شافعی است، به جز اقلیتی ترک‌زبان که پیرو مذهب حنفی می‌باشند.(نگاه: پیوست شماره‌ی۱۸و۱۹).

۲. کردستان (کردی):

الف ـ موقعیت جغرافیایی استان:

این استان از مراکز مهم سکونت کردهاست که پیش از میلاد مسیح به این‌جا مهاجرت کرده‌اند و از لحاظ فرهنگی، اقتصادی، کشاورزی نقش مهمی در این منطقه دارد. در شهرها و روستاهای استان، پوشش خاص کردی جلب توجه می‌کند. (نگاه: پیوست شماره‌ی۱۹).

اماکن تاریخی، طبیعی، فرهنگی، و آداب محلی از مهم‌ترین جاذبه‌های گردشگری است. جنگل‌های بلوط، آبشارها، جویبارها، چشمه‌ها و کوه‌های مرتفع و استوار در این استان چشم‌نوازی می‌کند. کردستان در شرق عراق و در دشت‌ها و کوهپایه‌های زاگرس واقع شده است که از سمت شمال به آذربایجان غربی و زنجان، از شرق به همدان و زنجان، از جنوب به کرمانشاه و از غرب به کشور عراق منتهی می‌گردد.[2]

«کردستان در ۳۶ درجه و ۲۸ دقیقه تا ۳۴ درجه و ٤٤ دقیقه‌ی عرض شمالی، و ٤٨ درجه و ۱۵ دقیقه تا ٤٥ درجه و ۳۳ دقیقه‌ی شرقی واقع شده است».[3]

---

۱. نگاه: ویلیام، ایگلتن، جمهوریة مهاباد؛ جمهوریة ۱۹۳۶الکردیة.
۲. نگاه: وزارت آموزش و پرورش، جغرافیای استان کردستان، ۳.
۳. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۵۳.

شهرهای سَنَندج (مرکز استان)، مَریوان، بانه، بیجار، دیواندره، سَقِز، دِهگلان، سروآباد، قُروه، کامیاران و... در این استان قرار دارند. در سال ۱۳۹۰ش کل جمعیت استان ۱٤۹۳٦٤٥ نفر بوده است.[۱]

ب ـ اهل‌سنت در مرکز استان:

اکثریت قاطع ساکنان سنندج (سنه‌دژ) که در سال ۱۳۹۰ش به ۳۷۳۹۸۷ نفر رسیده است، از اهل‌سنت می‌باشند. ۸۵٪ آنان سنی‌مذهب هستند، یعنی حدودا ۳۰۰۰۰۰ تن. در این شهر مساجد، مدارس و مراکز دینی، انجمن‌های خیریه، و انتشاراتی‌های فراوانی از آن اهل‌سنت است.

ج ـ اهل‌سنت در شهرستان‌ها:

ساکنان همه‌ی شهرهای استان، به جز قروه و بیجار پیرو مذهب اهل‌سنت هستند که در آن‌ها از مساجد و مراکز دینی متعددی برخوردارند. در قروه و بیجار نیز اهل‌سنت حضور پررنگ و قابل توجهی دارند. آموزش دینی عموما به شکل سنتی است که در حجره‌ها و مساجد صورت می‌گیرد. اهل‌سنت در شهرستان‌ها تقریبا یک میلیون نفرند که پیرو مذهب شافعی می‌باشند. (نگاه: پیوست شماره‌ی ۲۰).

۳. کرمانشاه(کردی):

الف ـ موقعیت جغرافیایی استان:

نام کرمانشاه به شاهان ساسانی منسوب است که در قرون گذشته در این مناطق می‌زیسته اند. این استان دارای اماکن فراوان فرهنگی، تفریحی، گردشگری و... است، همانند کتیبه‌ی «بیستون» و دیگر نقوش تاریخی ارزشمند. از شمال به کردستان، از جنوب به لرستان و ایلام، از

۱. نگاه: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری ۱۳۹۰، ۸۴.

شرق به همدان، و از غرب به عراق ختم می‌شود.[1] «کرمانشاه در حد فاصل ۳۵ درجه و ۱۷ دقیقه تا ۳۳ درجه و ١٤ دقیقه‌ی عرض شمالی، و ٤٨ درجه و ٦ دقیقه تا ٤٥ درجه و ٢٤ دقیقه‌ی شرقی قرار دارد».[2]

شهرهای کرمانشاه (مرکز استان)، اسلام آباد غرب، ثلاث باباجانی، دالاهو، سُنقُر، صَحنه، کَنگاور، گیلان‌غرب، هِرسین، روانسَر، جوانرود، پاوه، قصرشیرین، سرپل‌ذهاب، و... در این استان واقع شده‌اند. جمعیت استان به ١٩٤٥٢٢٧ نفر در سال ١٣٩٠ش رسیده است.[3]

ب ـ اهل‌سنت در مرکز استان:

اهل‌سنت در مرکز استان حضور داشته و از چهار مسجد و تعدادی حجره و مرکز دینی برخوردارند. اکثریت ساکنان شهر پیرو مذهب تشیع می‌باشند. کل جمعیت شهر کرمانشاه در سال ١٣٩٠ش، ٨٥١٤٠٠ نفر بوده است که حدودا ٣٠٠٠٠٠ تن اهل‌سنت تخمین زده می‌شوند.

ج ـ اهل‌سنت در شهرستان‌ها:

بیش‌تر اهل‌سنت در شهرهای پاوه، جوانرود، روانسر، سرپل‌ذهاب، قصرشیرین، ثلاث باباجانی، و برخی شهرهای کوچک مانند نَوسود، بایِنگان و... سکونت دارند و از مساجد و مدارس متعددی بهره می‌برند. «اهل‌سنت در استان کرمانشاه حدود ۵۳۰ مسجد، ۳ مدرسه‌ی دینی رسمی و ۱۰ مدرسه‌ی دینی غیر رسمی دارند».[4] جمعیت اهل‌سنت در این شهرها ٤٠٠٠٠٠ نفر برآورد می‌شود. (نگاه: پیوست شماره‌ی ۲۱).

---

۱. نگاه: وزارت آموزش و پرورش، جغرافیای استان کرمانشاه، ۶.
۲. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۵۳.
۳. نگاه: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری ۱۳۹۰، ۸۷.
۴. کرمی، جواد(مسؤول دفتر نمایندگی ولی فقیه در کرمانشاه)، www.mehrnews.ir (خبرگزاری مهر).

پنج ـ استان‌های مرکزی:

منظور از استان‌های مرکزی، شهرها و اماکنی است که در آن‌ها اهل‌سنت سکونت دارند، اما در استان‌های مرزی نیستند، همانند تهران، سمنان، قزوین، اراک، همدان، اصفهان و... . استانی مثل آذربایجان شرقی با این‌که در مرزهای کشور است در ضمن استان‌های مرکزی ذکر شده است، زیرا اهل‌سنت در آن در اقلیت‌اند. وجه مشترک همه‌ی این‌گونه شهرها، نداشتن مسجد یا مراکز دینی رسمی و علنی است. پس مطالب این بخش زیر دو عنوان بیان می‌شود:

۱. استان تهران:

الف ـ موقعیت جغرافیایی استان:

برخی از پژوهشگران معتقدند که واژه‌ی «تهران» از «ته‌ران» به معنای زیرزمین گرفته شده است، چون مردمانش هنگام هجوم دشمن به زیرزمین‌ها و مخفی‌گاه‌ها پناه می‌بردند. برخی بر این باورند که تهران بخشی از شهر «قصران» و «ری» بوده است. این شهر نام‌های دیگری چون تارم، کهران، کهرام و جهرم داشته که همگی به معنای سرزمین گرم است. و گروهی پنداشته‌اند طَهران از طُهر به معنای نظافت و طهارت مشتق شده که به سبب فراوانی آب و طراوت آن، این نام بر آن اطلاق شده است. تهران از سمت شمال به مازندران، از جنوب به قم، از شرق به سمنان، و از غرب به قزوین پایان می‌یابد. مرکز استان شهر تهران بزرگ است که در عرض شمالی ۳۴ درجه تا ۳۶/۵ و عرض شرقی ۵۰ درجه تا ۵۳ درجه واقع گردیده است.[۱]

شهرهای اسلام شهر، بهارستان، پاکدشت، پیشوا، دماوند، شمیرانات، شهریار، قدس، ری، فیروزکوه، ورامین، رباط کریم و...

---

۱. نگاه: www.istta.ir

در این استان قرار دارند. جمعیت استان به ۱۲۱۸۳۳۹۱ نفر رسیده است.[1] (نگاه: پیوست شماره‌ی ۲۲).

ب ـ اهل‌سنت در مرکز استان و شهرستان‌ها:

تهران پایتخت کشور است و از لحاظ جمعیت، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین شهر ایران است که ساکنانش به ۸۱۵۴۰۵۱ نفر رسیده است. در آن امکانات بسیاری یافت می‌شود که به طور معمول در شهرها و استان‌های دیگر کم‌پیدا یا اندک است. پس مهاجرت و سفر به تهران برای دست‌یافتن به کار، تحصیل، امکانات اداری و پزشکی و... برای ایرانیان امری عادی است. بسیاری از اهل‌سنت هم به همین دلایل، بویژه از استان‌های شمالی و غربی راهی تهران شده‌اند. در این‌که در این شهر جمعیت انبوهی از اهل‌سنت سکونت دارند، اختلافی نیست، اما بحث اصلی روی تعداد آنان است؛ برخی دو میلیون، بعضی یک میلیون و گروهی هم آنان را یک و نیم میلیون برآورد می‌کنند. تا کنون از طرف مسؤولین عدد خاصی در این باره اعلام نشده است و همه‌ی این ارقام تخمین خود اهل‌سنت است. به هرحال همه‌ی سنیان بر این باورند که تعدادشان از یک میلیون کم‌تر نیست.

اهل‌سنت در تهران تاکنون هیچ مسجد یا مدرسه یا حوزه‌ی علمیه‌ای ندارند، هرچند در این شهر و شهرهای حومه حدود ۲۵ نمازخانه دارند که در آن‌ها نمازهای جمعه و عید برگزار می‌شود. به جز در پاره‌ای از سال‌ها که از سوی مسؤولین از برگزاری نماز عید جلوگیری شده است. در برخی نیز نمازهای پنج‌گانه برپاست. البته این غیر از سفارتخانه‌های برخی از کشورها مانند عربستان، افغانستان و پاکستان است که در آن‌ها نمازهای جمعه اقامه می‌شود. دفتر «جماعت

---

۱. نگاه: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری ۱۳۹۰، ۶۸.

دعوت و اصلاح» در شهر تهران از مهم‌ترین مراکز اهل‌سنت است که تا حدودی مدیریت امور دینی و مذهبی را بر عهده دارد.

در این تحقیق، استان البرز که به تازگی از تهران جدا شده است، جزو تهران قلمداد گردیده است، چون ارتباط تنگاتنگی دارد و هنوز در بسیاری از تحقیقات و مباحث با تهران محاسبه می‌گردد. پس آمار و ارقام در این کتاب به تهران وکرج، و شهرها و بخش‌های مجاورشان تعلق دارد. شایسته‌ی یادآوری است که طبق آمار رسمی، جمعیت البرز به ۲٤۱۲٥۱۳ نفر بالغ شده است. (نگاه: پیوست شماره‌ی ۲۳).

۲. سایر استان‌ها:

اهل‌سنت در استان‌های دیگر هم حضور دارند، مثل سمنان، بخصوص در شاهرود، و نیز قزوین که در بازارش مشغول به‌کارند و نمازخانه هم دارند. در همدان اقلیتی از آنان وجود دارند که بیش‌ترشان از کردهای کرمانشاه و کردستان و... می‌باشند. در استان مرکزی بویژه در شهر اراک و ساوه نیز سکونت دارند. هم‌چنین در شهرهای اصفهان، قم، زنجان، یزد، آذربایجان شرقی و خصوصا شهر تبریز و... زندگی می‌کنند. در مجموع در همه‌ی این استان‌ها جمعیت اهل‌سنت حدودا ٥۰۰۰۰۰ نفر برآورد می‌شود. ویژگی مشترک همه‌ی این استان‌ها برای اهل‌سنت، نداشتن مسجد یا مرکزی دینی است تا بتوانند در آن گرد هم آمده یا به چشم آیند. مگر گاهی که در برخی از این شهرها در جلساتی قرآنی و دینی، یا نمازهای تراویح، یا جمع‌آوری کمک، یا مشارکت در شادی و اندوه یک‌دیگر، و... با هم آشنا گردیده و از تعدادشان باخبر می‌گردند.

چکیده‌ی فصل:

پس از این آمارها و تحقیقات شخصی و میدانی، نگارنده به این نتیجه رسید که جمعیت اهل‌سنت در ایران حدود ده‌ونیم میلیون نفر است. البته این غیر از کسانی است که به تازگی به اهل‌سنت پیوسته‌اند، چون هیچ آماری فعلا از ایشان در دسترس نیست. از نگاه نژادی، زبانی و مکانی هم می‌توان چنین نتیجه گرفت:

کردها: ٤/٥میلیون (در استان‌های غربی سه‌گانه، تهران، زنجان، گلستان، همدان، اصفهان، مرکزی و...).

بلوچ‌ها: ٢/٥م (در بلوچستان، هرمزگان، کرمان، خراسان‌ها، گلستان، مازندران، تهران و...).

فارس‌ها: ١/٧م (در خراسان‌ها، هرمزگان، فارس، تهران، بلوچستان، بوشهر، مازندران و...).

ترکمن‌ها: ١م (در گلستان، خراسان‌ها، مازندران، تهران و...).

تالش‌ها: ٢٥٠٠٠٠ (در گیلان، اردبیل،تهران و...).

عرب‌ها: ١٢٠٠٠٠ (بوشهر،خوزستان،هرمزگان،فارس،خراسان‌ها و...).

ترک‌ها: ٥٠٠٠٠ (در اردبیل، گیلان، تهران، خراسان رضوی، آذربایجان غربی و...).

فصل دوم

مراکز دینی و فرهنگی اهل‌سنت ایران

مطلب اول: مراکز دینی
یک ـ مدارس دینی
دو ـ انجمن‌های خیریه
سه ـ مهم‌ترین مساجد

مطلب دوم: مراکز فرهنگی
یک ـ انتشارات
دو ـ مجلات و ماهنامه‌ها
سه ـ مراکز قرآنی و انجمن‌های فرهنگی

مطلب اول: مراکز دینی

یک ـ مدارس دینی

اهل‌سنت در بیش‌تر استان‌های محل سکونت خود مدارس دینی و مراکزی آموزشی دارند که اکثرشان در بلوچستان و گلستان است. در غالب این مدارس و حوزه‌ها، محل‌هایی برای حفظ قرآن نیز وجود دارد. بنا بر این، در این تحقیق دارالتحفیظ‌ها و اماکن قرآنی جدا از مدارس و حوزه‌ها ذکر نخواهد شد. در حقیقت مدارس و مراکز دینی، نقش مهمی در رساندن اطلاعات دینی و مذهبی به اهل‌سنت ایران، و فرهنگ‌سازی و آموزش فکری و عقیدتی دارند. طبق اعلان رسمی از سوی برخی مسؤولان حکومتی «اهل‌سنت ۳۳۰ مدرسه‌ی دینی، ۳۰ هزار طلبه و ۲۵۰۰ مدرّس حوزوی در کشور دارند».[1] و بر اساس سخن یکی دیگر از مسؤولان حوزوی، ۳۴۰ مدرسه و ۳۷۰۰۰ طلبه دارند.[2] در جمع‌بندی یادآوری خواهد شد که تعدادشان بیش از این است. در این فصل به روال گذشته، بر اساس استان‌ها مطلب تقسیم‌بندی می‌شود.

۱. مدارس دینی در استان‌های شمالی:

الف ـ مدارس ترکمن‌ها:

اهل‌سنت ترکمن در خراسان شمالی و گلستان سکونت دارند، که در مجموع در این دو استان جمعیت‌شان حدود ۹۰۰۰۰۰ نفر است. در خراسان شمالی مدارسی هم‌چون دشتک علیا در مانه‌وسملقان،

---

۱. فرازی، عباس(مدیر کل شورای برنامه‌ریزی مدارس اهل‌سنت ـ دفتر رهبری)، www.irna.ir (خبرگزاری ایرنا).

۲. عرب نیا، محمد صادق، سایت تابناک: tabnak.ir، ۱۳۹۲/۱۰/۲۸ش.

علی ابن ابی‌طالب در بجنورد، الأظهر در روستای باغلق در منطقه‌ی مرزی راز و جَرگلان، رحیمی در سنگسار جرگلان، ربانیه در تازیاب، خادمیه در امانلی جرگلان، الهادی در مانه‌وسملقان، و... به فعالیت دینی و مذهبی مشغول‌اند.

طبق اعلان رسمی برخی از مسؤولان، مدارس دینی اهل‌سنت در گلستان بیش از ۹۰ حوزه است.[۱] در مثال: حوزه‌ی علمیه‌ی عرفانیه در عرفان‌آباد ـ علی‌آبادکتول، حوزه‌ی علمیه‌ی عرفانیه در قره‌بولاغ، حوزه‌ی علمیه‌ی عرفانیه در آق‌قلا، حوزه‌ی علمیه‌ی سیفیه در قلندرآباد ـ گنبدکاووس، حوزه‌ی علمیه‌ی حنفیه در گنبدکاووس، حوزه‌ی علمیه‌ی احمدیه در گنبدکاووس، حوزه‌ی علمیه‌ی رحمانیه در گنبدکاووس، حوزه‌ی علمیه‌ی علویه در گنبدکاووس، حوزه‌ی خاتم الانبیاء در گمیشان، حوزه‌ی علمیه‌ی قبا در بندرترکمن، حوزه‌ی علمیه‌ی اعظمیه در بندرترکمن، حوزه‌ی فاروقیه در گالیکش، حوزه‌ی احمدیه‌ی قوجمز در کلاله، حوزه‌ی علمیه‌ی گلی‌داغ در کلاله، حوزه‌ی علمیه‌ی قوجمز در آقسو، حوزه‌ی علمیه‌ی کریم‌ایشان در مراوه تپه، حوزه‌ی اسلامیه‌ی میرزاعلی در یلقی، حوزه‌ی علمیه‌ی عظیمی در قارقی، مدرسه‌ی دینی نور در سیمین‌شهر، حوزه‌ی علمیه‌ی نعمانی در گمش‌دیه در گمیشان، حوزه‌ی علمیه‌ی حنفیه در انبارالوم، حوزه‌ی محمدیه در نگین‌شهر، حوزه‌ی علمیه‌ی حامد در قره‌تپه، حوزه‌ی علمیه‌ی قرناوه، حوزه‌ی علمیه‌ی چنارلی، و... . (نگاه: تصاویری از آن‌ها در پیوست شماره‌ی ۲٤).

مهم‌ترین این‌ها، همان حوزه‌های عرفان‌آباد، قره‌بولاغ، آق‌قلا و

---

۱. ولی‌نژاد، نورالله، www. taghrib.urd.ac.ir (پایگاه رسمی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی).

برخی از مدارس گنبد و کلاله است که فعالیت و طلاب بیش‌تری دارند.

برنامه‌ی درسی در این مدارس شبیه یک‌دیگر است که بر کتب سنتی فقه حنفیِ و مقداری گرایش‌های صوفیانه و عرفانی تمرکز دارد. مواد مهم درسی عبارت است از: قرائت، تفسیر و تجوید قرآن، ادبیات عربی، فقه و اصول، منطق، فلسفه، کلام، حدیث وعلوم آن، تاریخ، اخلاق و عرفان، رد شبهات و... . کل طلاب برادر و خواهر در مدارس رسمی وغیررسمی این دو استان حدود ۱۰۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شود.

ب ـ مدارس تالشی‌ها:

مهم‌ترین مرکز دینی اهل‌سنت تالشی‌زبان، حوزه‌ی علمیه‌ی محمدیه در شهر هشتپر(تالش) است که طلاب برادر و خواهر در آن به تحصیل اشتغال دارند. البته به صورت فصلی و گذرا در مساجد، آموزش علوم دینی و قرآنی برگزار می‌شود. در مجموع تقریبا ۱۰۰طلبه‌ی دینی در شهرها و روستاهای تالشی‌زبان به شکل پراکنده در پی کسب علوم حوزوی می‌باشند.

۲. مدارس دینی در استان‌های جنوبی:

اهل‌سنت در استان‌های سه‌گانه‌ی جنوب ایران(بوشهر، فارس وهرمزگان) دارای مدارس و مجتمع‌های دینی بسیاری هستند که تعدادشان به ۵۰ مدرسه‌ی بزرگ وکوچک، و رسمی و غیررسمی می‌رسد و برای آموزش پسران و دختران در شهرهای گوناگونی مانند بندرعباس، بندرلنگه، بستک، اوز، لارستان، خنج، کنگان، قشم، بندرخمیر، پارسیان، سیریک و... به فعالیت مشغول‌اند.

برنامه‌ی درسی در همه‌ی این مدارس یکی است که در ادامه

به کلیات این برنامه و تعدادی از مدارس و مراکز اشاره می‌گردد.
تحصیل حوزوی و دینی در جنوب به سه مرحله تقسیم می‌شود:

دوره‌ی مقدمات: دانش‌آموز پس از دست‌یابی به مدرک سوم راهنمایی یا معادل آن در نظام نوین آموزشی، یعنی پس از ۹ سال تحصیل در مدارس دولتی، به شرط برخورداری از استعداد مناسب و اخلاق نیکو در مدرسه‌ی دینی ثبت‌نام می‌شود. این دوره دو سال است تا فرد کلیاتی از علوم را کسب کند.

دوره‌ی متوسطه: این مرحله سه سال طول می‌کشد تا طلبه بر مسائل مهمی از دروس دینی همانند فقه، تفسیر، حدیث، صرف، نحو، بلاغت و... حاصل آید.

دوره‌ی عالی: تحصیل در دوره‌ی عالی در مدارس جنوب به پنج بخش تقسیم می‌شود: تفسیر در بندرلنگه، فقه و شریعت در اوز(برادران) و خنج(خواهران)، دعوت و اصول دین در بندرعباس، فوق لیسانس فقه و شریعت، و نیز دعوت در خنج، و قرائات در لارستان(لطیفی). نام هر رشته دال بر مواد درسی آن است. در رأس همه‌ی این بخش‌ها «المعهد العالی للدراسات الاسلامیة» قرار دارد که مدیریت و برنامه‌ریزی برعهده‌ی آن است.

مهم‌ترین مدارس دینی اهل‌سنت جنوب عبارت‌اند از: مجتمع علمی و فرهنگی سلطان العلماء بندرلنگه، مدرسه‌ی دینی اهل‌سنت بندرعباس، مدرسه‌ی امام شافعی اوز، مدرسه‌ی احمدیه‌ی اوز، مدرسه‌ی علوم دینی خنج، مجتمع دینی بستک، مدرسه‌ی امام شاطبی لطیفی ـ لارستان، مدرسه‌ی صدرالاسلام بندرخمیر، مدرسه‌ی سلطان العلماء و مدرسه‌ی کمالیه و نیز مدرسه‌ی اسماعیلیه در جزیره‌ی قشم، مدرسه‌ی نور جناح ـ بستک، مدرسه‌ی خلفای راشدین دشتی

ـ پارسیان، مدرسه‌ی امام شافعی سیریک، مجتمع علمی فرهنگی امام شافعی درکنگان، و... . تعداد کل طلاب برادر و خواهر در همه‌ی این مدارس و شعبه‌های وابسته تقریبا ۳۵۰۰ نفر است. (نگاه: تصاویری از این مدارس در پیوست شماره‌ی ۲۵).

۳. مدارس دینی در استان‌های شرقی:

الف ـ حوزه‌های علمیه‌ی بلوچستان:

اهل‌سنت در سیستان و بلوچستان مدارس فراوانی دارند و از آن‌جا که اکثریت قاطع مدارس‌شان از یک برنامه‌ی مشترک و مورد توافق در شورای عالی، پیروی می‌کنند، مراحل تحصیلی، سنوات آموزشی و مواد درسی در همه‌ی مدارسِ عضو یکی است که دوازده سال به طول می‌انجامد. نظام آموزشی شش مرحله دارد: اِعدادی، ثانَوی عام، ثانوی خاص، عالی، عالَمی و تخصص.

دوره‌ی اِعدادی: دانش‌آموز پس از گذراندن دوره‌ی ابتدایی در مدارس دولتی، و با برخورداری از اخلاق نیکو و استعداد کافی به این مرحله می‌پیوندد. این دوره دو ساله است تا طالب‌العلم با مقدمات علوم آشنا گردد.

دوره‌ی ثانَوی عام: این دوره سه ساله است تا فرد کلیات دروس دینی، همانند فقه، تفسیر، حدیث، صرف، نحو و... را بیاموزد.

دوره‌ی ثانوی خاص: این دوره نیز سه ساله است و در واقع نقشی کلیدی دارد تا طالب با تحصیل علوم دینی در این مقطع، بتواند به مراحل بالاتر گام گذارد، چون نقطه‌ی اتصال دو مرحله است.

دوره‌ی عالی: دو سال عالی برای ژرف‌اندیشی در علوم شرعی، بویژه آشنایی با منابع اساسی و شاخه‌های گوناگون علوم دینی، تدارک دیده شده است.

دوره‌ی عالمی: این دوره دو سال است که بر منابع و کتب ششگانه‌ی حدیث تمرکز می‌شود.

پس از این دوره‌ها طالب‌العلم طبق اصطلاح رایج «مولوی» می‌شود و بر مدرک معادل لیسانس دست می‌یابد.

دوره‌ی تخصص(فتوا): این دوره برای تحقیقات میدانی و تمرین عملی و علمی سه سال به طول می‌انجامد و دارای تخصص‌های فقهی، حدیثی، تفسیری، دعوی و تبلیغی است.

بزرگ‌ترین و مهم‌ترین حوزه‌های علمیه در سیستان و بلوچستان به عنوان مثال عبارت‌اند از: در زاهدان دارالعلوم مکی ـ که در واقع بزرگ‌ترین حوزه‌ی علمیه‌ی اهل‌سنت در کل کشور است و حدود ۳۰۰۰ طلبه‌ی برادر و خواهر در سطوح گوناگون دارد ـ و نیز حوزه‌ی علمیه‌ی حمادیه، اشاعة التوحید، و ترتیل‌القرآن. در سراوان عین‌العلوم گشت، حوزه‌ی علمیه‌ی زنگیان، دارالحدیث امام بخاری، و دارالتحفیظ دزک. در ایرانشهر دارالعلوم حقانیه و شمس‌العلوم، در خاش مدینة العلوم و مخزن‌العلوم، در نیک شهر فاروقیه و عایشه‌ی صدیقه، در چابهار جامعة الحرمین والعربیة الاسلامیة، در زابل امام ابوحنیفه، حوزه‌ی اسلام‌آباد لوتک، و دارالعلوم زهک، در راسک دارالعلوم، وصدها حوزه‌ی کوچک و بزرگ دیگر که در شهرها و روستاها به فعالیت مشغول‌اند. (نگاه: تصاویری از این مدارس در پیوست شماره‌ی۲۶).

در مدارس سیستان و بلوچستان حدودا ۲۲۰۰۰ طلبه‌ی برادر و خواهر در بیش از ۲۲۰ حوزه‌ی علمیه و دارالتحفیظ قرآن کریم و دیگر مراکز وابسته به این مدارس به تحصیل مشغول هستند. «اهل‌سنت در استان سیستان و بلوچستان ۵۰۰۰ مسجد، ۲۲۰ مدرسه‌ی دینی

پسرانه و دخترانه، ۱۳۰۰ مکتب‌خانه، ۲۲۰۰۰ طلبه‌ی برادر و خواهر، ۷۳۳ مدرّس مرد، ۵۰۰ مدرس زن، ۳۱۳ مسجد جامع، ۲۳٤ امام جمعه‌ی دایمی و ۲۷۲ امام جمعه‌ی موقت و... دارند».[۱] طبق برخی از آمارها طلاب این استان، به حدود ۱۵۰۰۰۰ نفر می‌رسد که در ۷۰۰ مدرسه و مرکز به کسب دانش اشتغال دارند. البته این آمار بسیاری از دانش‌آموزان مکتب‌خانه‌ها و مساجد و مراکزی را شامل می‌شود که به طور پاره وقت در مراحل مختلف تحصیلی بویژه علوم مقدماتی دانش می‌اندوزند.

ب ـ حوزه‌های علمیه‌ی خراسان:

هدف از خراسان در این قسمت، اهل‌سنت ساکن در دو استان خراسان جنوبی و رضوی است، نه خراسان شمالی، چون آنان جزو اهل‌سنت ترکمن هستند که پیش‌تر ذکر شد. اهل‌سنت حنفی مذهب در این دو خراسان، از تعدادی مدرسه‌ی دینی برخوردارند و تقریبا از یک برنامه‌ی درسی مشترک پیروی می‌کنند و مراحل تحصیلی و مواد علمی یکی است. این مدارس سه دوره‌ی تحصیلی به نام‌های «مقدماتی، سطح و عالی» دارند:

دوره‌ی مقدمات: دانش‌آموز پس از گذراندن دوره‌ی ابتدایی و راهنمایی در مدارس دولتی، و با برخورداری از اخلاق نیکو و استعداد کافی به این مرحله می‌پیوندد. این دوره، دو ساله است تا طالب‌العلم با مقدمات علوم آشنا گردد.

دوره‌ی سطح: این دوره، چهارساله است تا فرد با کلیات دروس دینی همانند فقه، تفسیر، حدیث، و علوم لغت عربی آشنا گردد.

---

۱. حمیدی، ابراهیم(رئیس کل دادگستری استان سیستان و بلوچستان)، www.dadgostari-sb.ir (سایت رسمی دادگستری استان)، ۱۳۹۲/۱۲/۱۹ش .

دوره‌ی عالی: در این مرحله‌ی سه‌ساله طالب‌العلم با مروری بر کتاب‌ها و منابع علم حدیث، همانند صحیح بخاری، صحیح مسلم و... و برخی از شروح آن‌ها، و نیز دیگر کتب فقهی و تفسیری تحصیلش را به پایان می‌برد.

در خراسان دوره‌های تخصصی و تمرکز بر رشته‌های خاص وجود ندارد.

به برخی از مدارس اهل‌سنت خراسان اشاره می‌گردد:

در خراسان جنوبی: حوزه‌ی علمیه‌ی الصدیق در بیرجند، حوزه‌ی علمیه‌ی ماخونیک از توابع سربیشه، دارالتحفیظ گزیک، مدرسه‌ی علی ابن ابی‌طالب در طبس، حوزه‌ی علمیه‌ی امام ندوی در آبگرم و چند مدرسه و مرکز قرآنی کوچک‌تر که در روستاها وجود دارد.

در خراسان رضوی: حدود ۲۰ حوزه وجود دارد؛ در تربت جام حوزه‌ی علمیه‌ی احمدیه که بیش از ۹۰۰ سال در جوار آرامگاه شیخ احمد جامی رحمه‌الله[1] پیشینه‌ی فعالیت دینی دارد، و نیز حوزه‌های علمیه‌ی فخرالمدارس و صدیقیه، و دارالتحفیظ امام ابوحنیفه رحمه‌الله. در تایباد حوزه‌های علمیه‌ی احناف، انوارالعلوم خیرآباد، مظهرالتوحید و مولانا ابوبکر. در خواف حوزه‌ی علمیه‌ی احناف، دارالعلوم الاسلامیه در خلیل‌آباد، و تعلیم‌القرآن نشتیفان. در مشهد سنت نبوی مسجد

---

۱. احمد بن ابوالحسن معروف به شیخ احمد جامی از سلاله‌ی جریر بن عبدالله بجلی صحابی، در سال ۴۴۱هـ‍.ق در خراسان رضوی ـ در روستای نامق از توابع کاشمر امروزی زاده شد و به سال ۵۳۶هـ‍.ق در تربت جام کنونی درگذشت و به خاک سپرده شد.از جمله آثارش سراج السائرین، روضة المذنبین، جنة المشتاقین، مفتاح النجاة، بحارالحقیقة، انس التائبین و... است و دیوانی به نام خودش دارد. حافظ شیرازی در بیتی در وصف او سروده است:

حافظ مرید جام می است ای صبا برو   وز بنده بندگی برسان شیخ جام را

(نگاه: فرامرز صابر مقدم، مجموعه‌ی معماری آرامگاهی مزار شیخ احمد جام، ۱۸ و ۲۲).

نور، و دارالعلوم تعلیم‌القرآن والسنه در شورک ملکی. هم‌چنین حوزه‌های علمیه‌ی صالح‌آباد و محمودآباد از توابع تربت جام، و برخی از روستاها و شهرهای کوچک در حومه‌ی تایباد، مثل اُستای و مشهدریزه.

در مجموع حدود ۴۰۰۰ طلبه در مدارس برادران و خواهران خراسانی به تحصیل علوم دینی مشغول‌اند. (نگاه: تصاویری از این مدارس در پیوست شماره‌ی ۲۷).

۴. مدارس دینی در استان‌های غربی:

منظور از استان‌های غربی سه استان آذربایجان غربی، کردستان وکرمانشاه است که در آن‌جا اهل‌سنت زندگی می‌کنند و آموزش‌های دینی ومذهبی در آن‌ها برقرار است، ولی از لحاظ سبک تحصیل با دیگر استان‌ها متفاوت است، چون روش‌های سنتی بیش از آکادمیک و امروزی رایج است و اغلب، «نظام حجره» رواج دارد که ویژگی شاخص آن حضور در اتاق‌های مجاور یا درون مسجد و طلاب اندک می‌باشد. در بیش‌تر حالات این طلاب اندک بیرون از مسجد به کسب وکار و امور معیشتی خویش مشغول‌اند و در ساعات مشخصی از شبانه‌روز برای تحصیل به حضور استاد و مدرس می‌آیند. البته گاهی نیز عده‌ای همیشه در مسجد سکونت دارند و هزینه‌های زندگی‌شان توسط مردم و خیرین محلی فراهم می‌شود.

«درکردستان بیش از ۱۰۰ حجره‌ی سنتی وجود دارد».[۱] هم‌چنین در استان‌های آذربایجان و کرمانشاه نیز قریب به همین تعداد حجره و مدرسه‌ی سنتی یافت می‌شود. آموزش آکادمیک و امروزی هم در

---

۱. ناصری، فریدون(کارشناس علوم دینی در مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور)، www.isna.ir (خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا).

برخی از شهرها وجود دارد، «در استان کرمانشاه ۱۲ مدرسه‌ی دینی است»[۱] و «در کردستان ۷ مدرسه از آن اهل‌سنت است».[۲] همانند مدرسه‌ی امام شافعی و نیز مرکز بزرگ اسلامی در مریوان، مدرسه‌ی امام شافعی در سقز، مدرسه‌ی خدیجه‌ی‌کبری در سنندج، مدرسه‌ی خدیجه‌ی‌کبری در بانه، مدرسه‌ی امام غزالی در روانسر و... .

در آذربایجان غربی همانند مدرسه‌ی نور، صلاح‌الدین و امام شافعی در شهر ارومیه، بدیع‌الزمان نورسی در سلماس، صلاح‌الدین در پیرانشهر، امام غزالی در اشنویه، و نیز مدارس دیگری که در مهاباد، سردشت و... فعالیت دارند. در کل حدود ۳۰۰۰ طلبه‌ی پسر و دختر در مدارس و حجره‌های مختلف این سه استان به تحصیل مشغول می‌باشند.

برنامه‌ی درسی در نظام حجره‌ای به طور معمول بر سلیقه‌های فردی و اجتهادات شخصی استوار است که ویژگی مشترک آن‌ها تکیه بر سنت تدریج، تعمق در علوم لغوی وکلامی، تبحر در فقه و اصول، و توجه اندک به تفسیر و حدیث و سایر علوم نوین می‌باشد. در حالی که در مدارس جدید برنامه‌ها مشابه مناهج دانشگاهی و حوزوی رایج در کشورهای اسلامی است. (نگاه: تصاویری از این مدارس در پیوست شماره‌ی۲۸).

۵. مدارس دینی در استان‌های مرکزی:

اهل‌سنت در این استان‌ها از هیچ مدرسه‌ی دینی و مِرکز حوزوی برخوردار نیستند، اما در تهران یک مرکز قرآنی به نام «دارالقرآن

---

۱. کرمی، جواد(مسؤول دفتر نمایندگی ولی فقیه در کرمانشاه)، در مصاحبه با خبرگزاری مهر www.mehrnews.ir
۲. ناصری، فریدون، همان.

مصطفی» دارند که به فعالیت‌های دینی و قرآنی محدود مشغول است.

در مجموع اهل‌سنت ایران در کل استان‌ها حدود ۴۲۰۰۰ طلبه‌ی برادر و خواهر، ۵۰۰ مدرسه‌ی دینی و حوزه‌ی علمیه و ۳۰۰۰ مدرس حوزوی دارند.

دو ـ انجمن‌های خیریه:

انجمن‌های خیریه نقش مهمی در تقویت روابط جامعه دارند و سهم بسزایی در شناخت نیازها و امکانات و نیز رساندن کمک‌های عمومی و خصوصی به نیازمندان برعهده دارند. که از این طریق می‌توان زودتر و درست‌تر زیان‌دیدگان، تهی‌دستان و مستمندان را شناسایی کرد. از آن‌جا که ایرانیان، ملتی بافرهنگ و ریشه‌دار و مسلمان بوده و هستند، انجمن‌های خیریه‌ی بسیاری در میان آنان فعالیت می‌کنند. بیش از ۱۹۵۰۰ مؤسسه‌ی خیریه و مرکز عمومی قانونی و رسمی در کشور وجود دارد که با مجوز سازمان بهزیستی به امور مربوطه رسیدگی می‌کنند. همانند انجمن‌های خیریه، مهدکودک‌ها، خانه‌های سالمندان، دارالایتام‌ها، مراکز نگهداری معلولان و... . که از این بین ۱۸۰۰۰ مرکز، دولتی است و ۱۵۰۰ مرکز هم به طور خصوصی اداره می‌شوند. در تهران حدود ۵۰۰ انجمن خیریه وجود دارد.[۱]

معمولا انجمن‌های خیریه بر پایه‌ی مذهب، دین، نژاد، قومیت و... تأسیس نمی‌شود، زیرا با اهداف این‌گونه مراکز که چادر حمایتی آنان تمام بشریت را در برمی‌گیرد، تناسبی ندارد. ولی در ایران انجمن‌های خیریه، مهدکودک‌ها و مراکز حمایت از یتیمان، سالمندان و معلولانی وجود دارد که توسط اهل‌سنت یا با مشارکت دیگران بنیان‌گذاشته شده است.

---

۱. نگاه: خیرخواه، محمد حسن(رئیس اداره‌ی توسعه و نظارت بر مؤسسات غیر دولتی)، در مصاحبه با www.irna.ir و www.yjc.ir .

مهم‌ترین اهداف این‌گونه انجمن‌ها عبارت است از:

۱. کمک به نیازمندان، مستمندان و تهی‌دستان.
۲. کمک به دانش‌آموزان و دانشجویان بی‌بضاعت.
۳. ساخت یا تجهیز مدارس و مراکز آموزشی.
٤. ساخت بیمارستان و اماکن بهداشتی و پرستاری.
٥. یاری خانواده‌ها در مسیر زندگی سالم.
٦. همکاری در امور فرهنگی و تربیتی.
۷. و ... .

از آن‌جا که موضوع بحث درباره‌ی انجمن‌های خیریه است، پس طبق تقسیم‌بندی در مباحث پیشین برخی از این مؤسسات ذکر می‌شود و مراکزی مانند مهدکودک‌ها، دارالایتام‌ها و اماکن حمایت از سالمندان و معلولان نگاشته نمی‌شود.

۱. انجمن‌های خیریه در استان‌های شمالی:

اهل‌سنت در شمال کشور انجمن‌های خیریه‌ی بسیاری ندارند، با این‌که جمعیت انبوهی در این مناطق سکونت داشته و نیاز به وجود چنین مراکزی به شدت احساس می‌شود، به چند دلیل:

۱. عدم درخواست از مراکز اداری و دولتی برای صدور مجوز.
۲. ندادن مجوز از سوی برخی مسؤولین حکومتی.
۳. بی‌توجهی به اهمیت این‌گونه مراکز خیریه و اجتماعی.
٤. و... .

البته نباید کوشش‌های فراوان برخی از افراد نیکوکار را فراموش کرد که در مناسبت‌های خاصی مانند رمضان یا هنگام بروز حوادث و سوانح به کمک هم‌نوعان خویش می‌شتابند یا صندوق‌های خیریه‌ی غیررسمی دارند که دایمی یا گذرا به جمع‌آوری و توزیع صدقات و زکوات

مردم می‌پردازند. کاش این‌گونه خدمات خداپسندانه سازماندهی گردد و هدفمند و مرتب به فعالیت رسمی و قانونی مشغول شوند!

از این جمله است: انجمن خیریه‌ی احسان گلستان، مؤسسه‌ی خیریه و خانواده‌ی توفیق وصال در گنبد کاووس، انجمن تلاش مهر در مراوه‌تپه، انجمن معلولان جسمی حرکتی امید در مینودشت، محسنین گیلان و... .

۲. انجمن‌های خیریه در استان‌های جنوبی:

بیش‌تر انجمن‌های خیریه‌ی اهل‌سنت در استان‌های جنوبی بویژه هرمزگان، قرار دارد که عبارت‌اند از:

انجمن‌های خیریه‌ی اهل‌سنت بندرعباس و حومه مثل سورو، قلات و...، صدیقین شیراز، ابرار بندرلنگه، انجمن خیریه‌ی اِوز، احسان و صابرین خُنج، خیریه‌ی بستک با شعبه‌های متعددش در روستاها، انجمن خیریه‌ی بندرخمیر، ابرار گله‌دار- فارس، خیریه‌ی رویدَر- بندرخمیر، احسان کوخِرد ـ بستک، رحمان کَنَخ ـ بندرلنگه، انصار انجیره ـ بندرلنگه، صدیقین پُدُل ـ بندرلنگه، توحید بندرعباس، صابرین خور ـ لارستان، عمار بن یاسر میناب، سلمان فارسی فرامرزان ـ بستک، صابرین دشتی ـ پارسیان، عین‌الشمس بِهده ـ پارسیان، محسنین گِزیر- بندرلنگه، مؤسسه‌ی فرهنگی، علمی و اجتماعی نخل خلفان ـ چارک، احسان چارک، دارالایتام معراج گروک ـ سیریک، واحة ساحل تَمبو- پارسیان، وهم‌چنین دیگر مراکزی که در قشم، بوشهر، و روستاها و شهرهای حومه فعالیت می‌کنند.

برخی از این مؤسسات و صندوق‌های خیریه مجوز رسمی دارند و برخی به طور غیررسمی فعالیت دارند، همان‌گونه که بعضی بسیار فعال و پاره‌ای با خدمات کم‌تر به کار خویش ادامه می‌دهند.

۳. انجمن‌های خیریه در استان‌های شرقی:

در این استان‌ها نیز با وجود تراکم جمعیت اهل‌سنت و با همان دلایل مذکور در استان‌های شمالی، انجمن‌های زیادی یافت نمی‌شود. هرچند فعالیت‌های خیریه‌ی فردی وگروهی بسیاری وجود دارد و زمینه‌ی مناسبی برای خدمات اجتماعی و انسانی پیدا می‌گردد.

در بلوچستان، انجمن خیریه‌ی محسنین و صندوق خیریه‌ی عزیزیه در زاهدان. انجمن خاتم‌الانبیاء، خدیجه‌ی‌کبری و اکرام در ایرانشهر. صابرین در سراوان. نور در خاش. احسان در سوران، و... فعال می‌باشند. طبق برخی آمارها در این استان حدود ۲۰ انجمن خیریه و بیش از ۵۰ صندوق قرض الحسنه‌ی رسمی و غیر رسمی فعالیت می‌کنند.

در خراسان جنوبی، انجمن خیریه‌ی صدیقین در بیرجند و اکرام در روستای بجد و چند صندوق و انجمن غیر رسمی در سایر روستاها بویژه در شهرستان درمیان فعالیت دارند.

در خراسان رضوی، انجمن خیریه‌ی صالحین و هم‌چنین صندوق قرض الحسنه حکمت در شهرستان خواف، و صندوق قرض الحسنه‌ی محمدرسول‌الله در تربت جام فعالیت‌های اجتماعی و خیریه دارند.

٤. انجمن‌های خیریه در استان‌های غربی:

داستان این استان‌ها همانند ماجرای استان‌های شمالی و شرقی است؛ کمبود انجمن خیریه، نیاز شدید، عدم مجوز و...، گرچه از وجود مراکز خیریه بی‌نصیب نیستند: در سنندج دارالاحسان، هیوای ژیان، روجیار، سراج، ئاسوی بی‌نیازی، و برکات‌المحسنین. در ارومیه صندوق خواهران خیر. در مهاباد انجمن امین، نورافزا و زین. در بوکان خیریه‌ی توحید، احسان‌کاران وکوثر. در پیرانشهر نور، کوثر

و مصباح. در روانسر رسول اکرم. در پاوه صلاح‌الدین ایوبی. در دهگلان زیانه‌وه. در اشنویه خیریه‌ی امین. و... به فعالیت نیکوکارانه همت گماشته‌اند. در همه‌ی این شهرها و غیر آن‌ها مؤسسات و مراکزی یافت می‌شوند که به حمایت از بیماران، معلولان، نابینایان، ناشنوایان و ... می‌پردازند.

۵. انجمن‌های خیریه در استان‌های مرکزی:

در این استان‌ها اهل‌سنت هیچ مؤسسه و انجمن خیریه‌ی رسمی ندارند و عموم فعالیت‌های خیریه و خدمات انسانی و بشری‌شان به صورت گذرا و موقت است که در مناسبت‌های خاصی مثل رمضان یا هنگام بروز حوادث و... صورت می‌گیرد.

سه ـ مهم‌ترین مساجد:

نخستین نماد هر منطقه که دلیل مسلمان بودنش است، مسجد می‌باشد؛ هرگاه به سرزمینی پا می‌گذاری، با دیدن مسجد یا مناره می‌دانی که مسلمان‌نشین است. از دیرباز مسلمانان برای ساخت مساجد آزمند بودند تا به پاداش فراوان آن دست یابند. در آیات و احادیث بسیاری بر این ثواب تأکید شده است، در مثال:

﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْـَٔاخِرِ وَأَقَامَ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَى ٱلزَّكَوٰةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا ٱللَّهَ ۖ فَعَسَىٰٓ أُو۟لَٰٓئِكَ أَن يَكُونُوا۟ مِنَ ٱلْمُهْتَدِينَ ۝١٨﴾ **(صرفاً کسی مساجد خدا را آباد می‌کند که به خداوند و روز واپسین ایمان دارد، و نماز را برپای‌داشته و زکات را آورده است و از کسی جز خدا نهراسیده است. شاید آنان از ره‌یافتگان باشند).**[1]

﴿لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا ۚ لَّمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى ٱلتَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ

---

۱. توبه/۱۸.

أَن تَقُومَ فِيهِۚ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَن يَتَطَهَّرُواْۚ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلْمُطَّهِّرِينَ ﴿١٠٨﴾[1] **(در آن هرگز نایست. هرآینه مسجدی که از روز نخست بر تقوا پایه‌ریزی شده است، شایسته‌تر است که در آن به قیام بپردازی. در آن مردانی‌اند که دوست دارند تا پاکیزه شوند. و خداوند پاکیزه‌شدگان را دوست دارد).**

و رسول‌الله ﷺ فرمود: «من بَنی مسجداً لله، بنی‌الله له فی الجنة مثلَه».[2] **(هرکه برای خدا مسجدی بسازد، خدا برایش در بهشت همانندش را می‌سازد).**

اهل‌سنت ایران تاکنون مساجد بسیاری ساخته‌اند که بر اساس برخی گزارش‌ها تعدادشان به بیش از ده‌هزار رسیده است؛ ٣٥٤٦ مسجد در بلوچستان، ١٧٦٨ مسجد در کردستان، ١٤٦٥ مسجد در آذربایجان غربی، ۱۰۳۲ مسجد در هرمزگان، ١٠١٧ مسجد در گلستان، ٧٤٦ مسجد در خراسان‌های جنوبی، رضوی و شمالی، ٣٤١ مسجد در کرمانشاه، ١٠٦ مسجد در بوشهر، ٨٩ مسجد در گیلان و چند مسجد هم در کرمان و خوزستان.[3]

اگر مساجد اهل‌سنت در اردبیل، مازندران، فارس و نیز نمازخانه‌های تهران، البرز، همدان، سمنان و... را بیفزاییم، تعداد فراتر می‌رود.

براساس گفته‌ی یکی از مسؤولان حوزوی، اهل‌سنت ١٣٠٠٠

١. توبه/١٠٨.

٢. ابوحسین مسلم بن حجاج نیشابوری قشیری(۲۶۱هـ/۸۷۴م)، الجامع الصحیح بشرح النووی، محقق: عصام الصبابطی و دیگران، کتاب المساجد(۵)، باب فضل بناءالمساجد(۴)، حدیث: ۵۳۳، ۱۷/۳.

٣. نگاه: نشریه‌ی مدارس دینی اهل‌سنت(شورای برنامه‌ریزی مدارس دینی اهل‌سنت کشور)، شماره‌ی اول، آبان ١٣٨٩ش.

مسجد دارند.[1] طبق نظر یکی دیگر از مسؤولان بلندپایه‌ی کشور این آمار به ۱۵۰۰۰ مسجد رسیده است.[2] در ادامه‌ی بحث، در بخش مهم‌ترین مساجد در استان‌های شرقی، از قول یکی از مسؤولان سازمان تبلیغات اسلامی در بلوچستان نقل خواهد شد که تعداد مساجد در این استان بیش از ۵۰۰۰ تاست.

یعنی در آمار اعلام شده از سوی مسؤولان حکومتی اختلافاتی وجود دارد. به نظر می‌آید عدد ۱۵۰۰۰ به واقعیت نزدیک‌تر باشد، چون فرد اعلام‌کننده از مسؤولان مهم و کلیدی کشور است، بویژه که در یک دوره وزیر اطلاعات بوده است و بسا بر اخبار و حقایقی اطلاع یافته که دیگران از آن بی‌خبرند.

منظور از مساجد مهم در این قسمت، آن اماکن مقدسی است که به علت قرار گرفتن در یک موقعیت جغرافیایی و مذهبی، نقش مهمی در ترویج دیدگاه‌های اهل‌سنت و حفظ کیان مذهبی برعهده دارند. مساحت مسجد، تعداد نمازگزاران، امکانات و... چندان مورد توجه نبوده است. در مثال گاهی از یک نمازخانه‌ی کوچک نام برده شده است، زیرا در مکانی واقع است که قابل توجه و اهمیت می‌باشد یا بیانگر یک وضعیت از اوضاع و نیازهای اهل‌سنت است.

۱. مهم‌ترین مساجد در استان‌های شمالی:

در خراسان شمالی می‌توان از مساجد خاتم‌الأنبیاء، محمدرسول‌الله،

---

۱. گوینده‌ی این سخن، محمد صادق عرب نیا(دبیر شورای برنامه‌ریزی مدارس اهل‌سنت کشور) است، در مصاحبه با سایت تابناک (tabnak.ir)، ۱۳۹۲/۱۰/۲۸ش، کد خبر: ۳۷۱۸۸۱.

۲. منظور علی یونسی وزیر پیشین اطلاعات در دوره‌ی سیدمحمد خاتمی است که هم اکنون مشاور روحانی رئیس جمهور در امور اقلیت‌های قومی و مذهبی می‌باشد. نگاه: javanonline.ir مورخ ۱۳۹۲/۹/۱۸ش، شماره‌ی خبر ۶۲۵۲۹۸ .

ابوحنیفه، حنفیه، و سعادتی در شهر بجنورد، و نیز مساجد جامع دشتک علیا، تازیاب، اینچه‌ی علیا و اینچه‌ی سفلی، و دیگر روستاهای موجود در منطقه‌ی راز و جَرگَلان به عنوان مهم‌ترین مساجد اهل‌سنت نام برد.

در گلستان مهم‌ترین مساجد عبارت‌اند از: مسجد جامع خوجه احمد یَسَوی و نیز مسجد حنفیه در شهر گرگان. مسجد جامع بزرگ و پنج مسجد جامع دیگر در گنبد کاووس. مساجد قبا، ابوبکرصدیق، بلال، ابوحنیفه، علی ابن ابی‌طالب، ابوذر، قیاسی و ... در بندرترکمن. هم‌چنین مساجد جامع و بزرگ شهرهای کلاله، گمیشان، گالیکش، آزادشهر، مراوه‌تپه، و دیگر شهرها و روستاهای مهم منطقه.(نگاه: تصاویری از این مساجد در پیوست شماره‌ی۲۹).

در مازندران ـ همان‌گونه که در فصل پیشین گفته شد ـ اهل‌سنت در چهار روستا به نام‌های قَره‌تپه، یکه‌توت، نمک‌چال، و یعقوب‌لنگه سکونت دارند و بزرگ‌ترین‌شان همان قره‌تپه است. در همه‌ی این روستاها اهل‌سنت دارای مسجدند و نمازهای پنجگانه، عیدین و جمعه‌ها در آن‌ها برگزار می‌شود. اهل‌سنت در شهر ساری (مرکز استان) مسجد ندارند.

در استان گیلان مهم‌ترین مساجد عبارت‌اند از: محمدیه در تالش، فاروق اعظم در اسالم، ابوبکرصدیق در خرجگیل، سیدمحمود شرفی و ابوبکرصدیق در شهرک عباس‌آباد شهر آستارا، رسول اکرم جولندان(تالش)، نبی اکرم شهر تی‌تک و... . در مجموع در استان گیلان اهل‌سنت بیش از یکصد مسجد دارند. (نگاه: تصاویری از این مساجد در پیوست شماره‌ی ۳۰).

در استان اردبیل مساجد نمین و روستاهای تابعه مانند عنبران، امین‌جان، گلش، میناباد، جید و... و هم‌چنین شهر هشتجین و

روستاهای حومه مانند کجل، شمس‌آباد، دیز، کَزِج، مزرعه و... از مهم‌ترین مساجد اهل‌سنت در این مناطق است.

۲. مهم‌ترین مساجد در استان‌های جنوبی:

در استان‌های جنوبی اهل‌سنت مساجد بسیاری دارند و در همه‌ی شهرها و روستاهای‌شان نمازجمعه و جماعات برگزار می‌شود. مهم‌ترین‌ها عبارت‌اند از: مسجد جامع بندرعباس که حدود ۶۰۰۰ نمازگزار ظرفیت دارد، و نیز مساجد گله‌داری، حمزه، شافعی، بلال، خوری، امیرآباد و... در شهر بندرعباس. مسجد رسول اکرم در شیراز و مسجد جامع بوشهر. اهل‌سنت در شهر بوشهر فقط یک مسجد دارند. هرچند در بندرگناوه و جزایر شیف و خارک از توابع بوشهر مساجدی دارند.

هم‌چنین مساجد سلطان العلماء، افغان، هاشمی، خوری، شیخ، گرگ، نجارباشی، و... در بندرلنگه. مساجد مصلی، نامور، حاج احمد، شیخ، فتح، نور، نبی، محمدی، ابوبکرصدیق، ثریانژاد، علی ابن ابی‌طالب، قاسمی، سلمان و...در اوز. مساجد عمر بن خطاب، علی مرتضی، عمار بن یاسر، صدرالاسلام، ابوبکرصدیق، قبا، حسنین، بلال، ومسجد جامع النبی و... در بندرخمیر.

و نیز مساجد جامع، خان، اوزی، عمربن خطاب، شافعی، بندگی، بلغانی و... در بستک. مساجد جامع، حاج هاشم، کاکافخرالدین، ابوبکرصدیق، عثمان ذی‌النورین، و... در خنج. مساجد جامع، الحسنین، مدادی، و جامع احشام و... در پارسیان. مساجد جامع جزیره‌ی قشم وتوابع آن مانند گیاهدان، هلر، لافت و... . مساجد صفین، نور و... در کیش. مساجد ابوبکرصدیق، جاشویی، اسکله و... در چارک. مساجد الرسول، شافعی، بلال، سعد ابن ابی‌وقاص، عمر بن خطاب، امام

حسین، زین العابدین و ... در روستاهای میناب، و مسجد اوزی در شهر میناب. مساجد جامع نور و خلفای راشدین، نبی، ابوبکرصدیق، وشافعی در کنگان، و نیز مساجد عسلویه، سیریک و غیره. (نگاه: تصاویری از این‌ها در پیوست شماره‌ی ۳۱).

افزون بر این‌ها مساجد مهم دیگری هم در روستاها و حومه‌ی این شهرها وجود دارد.

۳. مهم‌ترین مساجد در استان‌های شرقی:

بی‌گمان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مسجد اهل‌سنت در ایران، مسجد جامع مکی در شهر زاهدان است که پس از توسعه و بازسازی جدید حدود ۱۰۰۰۰۰ نمازگزار ظرفیت دارد. و بدین ترتیب در لیست بزرگ‌ترین مساجد جهان اسلام ـ طبق برخی گزارش‌ها ـ قرار می‌گیرد.

شایسته‌ی یادآوری است که بزرگ‌ترین مساجد اهل‌سنت در جهان از لحاظ وسعت و گنجایش نمازگزار ـ بر اساس بیش‌تر گزارش‌ها و آمار و تحقیقات ـ به ترتیب زیر است:[۱]

۱. مسجدالحرام در مکه‌ی مکرمه که پس از توسعه و بازسازی جدید حدود ٤ میلیون نفر گنجایش دارد.

۲. مسجد النبیﷺ در مدینه‌ی منوره که پس از توسعه‌ی تازه حدود ۱/۵ میلیون نمازگزار ظرفیت دارد.

۳. مسجد ملک فیصل در اسلام‌آباد پاکستان؛ ۳۰۰ هزار نمازگزار.

٤. مسجد استقلال در جاکارتا در اندونزی؛ ۱۲۰ هزار نمازگزار.

۵. مسجد عالمگیری یا مسجد پادشاهی در لاهور پاکستان؛ ۱۱۰ هزار.

---

۱. نگاه: نیک‌پسند، سهراب، مساجد مهم جهان اسلام، روزنامه‌ی خراسان؛ ضمیمه‌ی جیم، ۶۴(شماره‌ی ۱۸۱۹۹/ ۱۳۹۱ش)، پنج‌شنبه ۱۳۹۱/۶/۲ش، ص ۸ و ۹.

۶. مسجد ملک حسن دوم در کازابلانکا در کشور مغرب(مراکش)؛ ۱۰۵ هزار.

۷. مسجد شیخ زاید در ابوظبی در امارات متحده‌ی عربی؛ ۴۰ هزار.

۸. مسجد بیت المکرم در داکا در بنگلادش؛ ۴۰ هزار. (مسجد شیخ زاید به علت امکانات فوق العاده و فراوان و امکان افزایش ظرفیت، در یک پله بالاتر قرار گرفته است).

۹. مسجد جامع دهلی در هندوستان؛ ۲۵ هزار.

۱۰. مسجد سلطان قابوس بن سعید در مسقط پایتخت عُمان؛ ۲۰ هزار.

بر اساس این لیست مسجد مکی در ردیف هفتم قرار می‌گیرد.

بزرگ‌ترین مساجد تشیع هم پیرامون آرامگاه‌های امامان واقع شده است، مانند آرامگاه امام رضا در مشهد که حدود ۷۰۰ هزار نمازگزار گنجایش دارد. مصلای امام خمینی در تهران، هم اکنون در جایگاه نخست است که حدود یک میلیون نمازگزار ظرفیت دارد.[۱]

«اهل‌سنت در سیستان و بلوچستان بیش از ۵۰۰۰ مسجد دارند».[۲]

«نماز جمعه در بیش از ۳۰۰ مسجد در این استان برگزار می‌شود».[۳] در شهر زاهدان در حدود ۲۰ جا نمازجمعه اقامه می‌شود. مهم‌ترین مساجد این شهر عبارت‌اند از: عزیزیه، آل رسول، حمادیه، فاروق اعظم، علی ابن ابی‌طالب، عمر بن خطاب، نور، عثمان غنی، امام صادق، امام ابوحنیفه، حسن شیبانی، عماربن یاسر، سلمان فارسی، ابوذر غفاری و... .

---

۱. نگاه: پایگاه اطلاع رسانی مصلای امام خمینی تهران: www.musalla.ir

۲. دانشی، عباس(از مسؤولان سازمان تبلیغات اسلامی در استان)، در مصاحبه با خبرگزاری ایرنا: www.irna.ir

۳. همان.

مسجد جماعت تبلیغ از مساجد مهم شهر زاهدان است، چون پس از مسجد مکی بیش‌ترین ظرفیت را دارد. گنجایش آن برای حدود ۱۵هزار نفر نمازگزار تخمین زده می‌شود.

مساجد نور، ابوبکرصدیق، خلفای راشدین، اصحاب، الخلیل، و... در سراوان، و مساجد بلال، حیدر کرار، الرسول، جامع، و... در چابهار.

مساجد توحیدیه، الخلیل، حنفاء، حیدرکرار، مکی، امام حسین، ریگ‌آباد، و... در خاش. مساجد نور، مکی، صدیقیه، شیخین، طوبی، علی، چاه‌جمال، تریز، و... در ایرانشهر. مساجد خاتم الانبیاء، محمدرسول‌الله، عبدالله بن مسعود، قریشی، معصوم‌آباد، حسن‌آباد، ولی‌آباد، و... در زابل. مساجد علی، عثمان، بلال، روبان، انبک، و... در نیک شهر. مساجد محمدی، فاروق اعظم، فاروقیه، نبی اکرم در سرباز و پیرامون آن. هم‌چنین مساجد بسیاری در هر یک از شهرهای کنارک، سوران، میرجاوه، و... . (نگاه: تصاویری از این مساجد در پیوست شماره‌ی ۳۲).

در خراسان جنوبی: مسجد جامع النبی، مسجد سراب و ده نمازخانه در شهر بیرجند و حومه. و نیز مساجد جامع و عادی شهرهای اسدیه، درمیان، گزیک، طبس و... و روستاهای تابع سربیشه.

در خراسان رضوی: مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مسجد اهل‌سنت در این منطقه، مسجد جامع باستانی شیخ احمد جامی در تربت جام است که بیش از ۹۰۰ سال پیشینه‌ی تاریخی دارد و با صحن‌های اطراف مسجد و آرامگاه شیخ، حدود ۲۰۰۰۰ نمازگزار گنجایش دارد. و اگر فضای بیرونی و باغ پیرامون را به حساب آوریم، ظرفیت بسیار بیش‌تر از این خواهد بود. هر چند در مناطق اهل‌سنت مساجد

تاریخی و باستانی فراوانی یافت می‌شود، اما در تصرف اهل‌سنت نیستند یا آن‌قدر شکوه و جلالی برای‌شان نمانده است یا در حد و اندازه‌ی آرامگاه شیخ جام باقی نمانده‌اند. در فصل پایانی از آمارهای رسمی نقل خواهد شد که تعداد بازدیدکنندگان از این آرامگاه در سال ۱۳۹۰ش، پس از مرقدهای حافظ و سعدی در شیراز، در بین آثار باستانی و تاریخی، بیش‌ترین ارقام را به خود اختصاص داده است و در جایگاه ششم از میان کل اماکن دیدنی طبیعی، باستانی و... کشور بوده است.[۱]

هم‌چنین در تربت جام مساجد فخرالمدارس(حاج فخرالدین)، محمدیه، اعظمیه، نصر، میرقوام‌الدین، قبا، احمدیه، حنفیه، حمزه، نور، ابوبکرصدیق، بلال، الرحمن، الله، محمدرسول‌الله، علی ابن ابی‌طالب، خلفای راشدین و ... از مهم‌ترین‌ها می‌باشند.

مساجد سه حوزه‌ی علمیه و نیز مسجد علی ابن ابی‌طالب و... در تایباد. مصلای بزرگ خواف و هم‌چنین مساجد جامع، عثمان ذی‌النورین، ابوبکرصدیق، عمر فاروق، ابوذر، عمار بن یاسر، و... در خواف. در منطقه‌ی صالح‌آباد و حومه‌ی آن مانند مسجد احناف و محمدرسول‌الله در خود صالح‌آباد، محمدرسول‌الله آزادده، توحید درازآب، ابوحنیفه در باغ کشمیر، خلفای راشدین جنت‌آباد، و دیگر شهرها و روستاها. در سرخس وتوابع آن مساجد النبی، علی، نور، ابوبکرصدیق، الفاروق و... از مهم‌ترین مساجد منطقه هستند. (نگاه: تصاویری از این مساجد در پیوست شماره‌ی ۳۳).

مساجد حنفیِ رضائیه، توحید مهرآباد، محمدرسول‌الله بازه‌شیخ، بلال و النبی و سیدنا داوود در شهرک باهنر، سنت نبوی و نور در

۱. نگاه: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۷۸۲ و ۷۸۳ .

شهرک رجایی، الفاروق اسماعیل‌آباد، و نیز نمازخانه‌های مشهد از مهم‌ترین اماکن مذهبی اهل‌سنت در درون و پیرامون این کلان‌شهر می‌باشند.

هم‌چنین مسجد جامع درگز و توابع آن مانند مسجد نوخندان و لطف آباد. اهل‌سنت در این منطقه در اقلیت می‌باشند و فقط ۱۵ مسجد دارند.

مساجد جامع و مهم شهرها و روستاهای کوچک مثل باخرز، نیل‌شهر، سمیع‌آباد، بنی‌تاک، مشهدریزه، کاریزتایباد، شورک ملکی و... را نباید فراموش کرد.

در استان کرمان اهل‌سنت حدود یکصد مسجد دارند که بیش‌ترین‌شان در شهرستان‌های فهرج و ریگان است.[۱] (نگاه: تصاویری از این مساجد در فهرست شماره‌ی ۳۷).

٤. مهم‌ترین مساجد در استان‌های غربی:

اهل‌سنت در استان‌های غربی در مساجد بسیاری خدا را پرستش می‌کنند، از جمله ١٤٦٥ مسجد در آذربایجان غربی، ١٧٦٨ مسجد در کردستان و ۵۳۰ مسجد در کرمانشاه.[۲] پیش‌تر اشاره شد که تعداد مساجد در این استان‌ها افزون‌تر است. مهم‌ترین مساجد عبارت‌اند از:

مساجد امام شافعی، قدس، نور، خاتم‌النبیین و... در شهر ارومیه. اهل‌سنت در این شهر ۲۰ مسجد دارند که در همگی نمازهای پنجگانه و جمعه برگزار می‌شود.

در کرمانشاه مسجد امام شافعی، غزالی، برزنجی و... .

در سنندج مسجد جامع و باستانی دارالاحسان، سیدقطب، قبا،

۱. محمد یوسف ارباب، اهل سنت کرمان، www.islahweb.org
۲. نگاه: نشریه‌ی مدارس اهل‌سنت کشور، همان.

سراج، نور، وکیل‌السلطان، فاروق اعظم، فخررازی، زینلی، هاجره خاتون، پیرعمر، خلیل‌الله و... . در این شهر حدود ۲۵۰ مسجد از آن اهل‌سنت است.

در روانسر مساجد غزالی، خلفا و...، در جوانرود امام شافعی، قبا، نور و...، در مهاباد سور، سعیدپاکنهاد، حاج احمد و...، در پاوه صلاح‌الدین، قدس، دخان، ابوبکرصدیق، خانقاه و...، در قصرشیرین مسجد النبی، در سرپل ذهاب مسجد قادرحسینی (در این شهر اهل‌سنت فقط همین یک مسجد را دارند)، در ثلاث باباجانی محمدرسول‌الله، بلال، توحید و...، در سردشت مسجد جامع، عثمان بن عفان، سرچشمه، و...، در پیرانشهر مسجد جامع و هجرت، در سلماس مسجد جامع و اسلام آباد، در اشنویه مسجد بازار، و جامع، در بوکان مسجد جامع و محمد مصطفی، در نقده مسجد جامع و... . (نگاه: تصاویری از مساجد غرب در پیوست شماره‌ی ۳٤).

۵. مهم‌ترین مساجد در استان‌های مرکزی:

اهل‌سنت در استان‌های مرکزی هیچ مسجدی ندارند و تنها از تعدادی نمازخانه برخوردارند که در اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها فقط نمازجمعه و گاهی نمازهای عید و تراویح برگزار می‌شود، ولی نمازهای پنجگانه در آن‌ها به علت پراکندگی جمعیتی نمازگزاران اقامه نمی‌گردد. البته گاهی مسؤولان حکومتی از برگزاری نمازهای عید در نمازخانه‌های مهمی مثل صادقیه جلوگیری کرده‌اند. در شهر تهران و حومه حدود ۲۵ نمازخانه است، از جمله صادقیه، قبا، نور۱، نور۲، ریان، غزالی، حضرت اسماعیل، خاتم الانبیاء، رسول اکرم و... . صادقیه مهم‌ترین نمازخانه است که با احتساب پشت بام و حیاط و طبقات آن حدود ۲۵۰۰ نفر گنجایش دارد. قابل یادآوری است که در

سفارت برخی کشورها مثل عربستان سعودی، پاکستان و افغانستان نیز نمازجمعه برگزار می‌شود و گروهی از اهل‌سنت نیز در آن‌ها مشارکت می‌کنند.

ساخت مسجد و مراکز فرهنگی و دینی در تهران و دیگر شهرهای بزرگ مثل کرج، اصفهان، قم، تبریز، اهواز، ساوه، سمنان، یزد، کرمان، مشهد و ... همواره از خواسته‌های اهل‌سنت از مسؤولان بوده است، زیرا در همه‌ی این شهرها اهل‌سنت به صورت پراکنده وجود دارند. تا کنون با این درخواست‌ها موافقت نشده است.

مطلب دوم: مراکز فرهنگی

یک ـ انتشارات

اهل‌سنت در ایران حدود ۲۰ انتشاراتی فعال در استان‌های مختلف دارند که در حقیقت امتیاز و فضیلت پاسداری از میراث مذهبی و دینی، ترویج فرهنگ و نیز حمایت از سنت‌ها، آداب و رسوم برعهده‌ی این ناشران، و مؤلفان و مترجمان می‌باشد. تاکنون این مراکز فرهنگی تقریبا ۴۰۰۰ عنوان کتاب در زمینه‌های گوناگون دینی، مذهبی، تربیتی، فرهنگی و... به چاپ رسانده‌اند، در مثال: نشر احسان در تهران حدود ۱۱۰۰ عنوان، گُورِبام در زاهدان ۳۲۰ عنوان، شیخ الاسلام در تربت جام ۳۰۰ عنوان، آوای اسلام در تربت جام ۲۰۰ عنوان، ایلاف در شیراز ۱۵۰ عنوان، حافظ ابرو در تایباد ۱۵۰ عنوان، حسینی اصل در ارومیه ۱۲۰عنوان، حرمین در زاهدان ۵۰ عنوان، فاروق اعظم در زاهدان ۴۰ عنوان و... . ناشران موجود در کردستان مجموعا ۸۰۰ عنوان تاکنون به زیور طبع آراسته‌اند.

۱. ناشران و کتاب‌فروشان در استان‌های شمالی:

در این استان‌ها ـ در حد اطلاع من ـ اهل‌سنت انتشاراتی رسمی ندارند، و بیش‌تر امور فرهنگی نوشتاری از طریق کتابفروشی‌ها به دست مشتاقان می‌رسد. مهم‌ترین کتاب‌فروشی‌ها در گنبدکاووس است، مانند رجال‌آخوند، قاضی، حاجی‌طلایی و... . در شهرهای بندرترکمن، کلاله، آق قلا و... نیز کتاب‌فروشی‌های کوچک‌تری وجود دارند.

در دیگر استان‌ها مثل اردبیل، گیلان، مازندران و خراسان شمالی اهل‌سنت از کتاب‌فروشی یا انتشاراتی مطرح و مهمی برخوردار نیستند. البته به صورت پراکنده گاهی کتاب‌هایی بخصوص بین علما و طلاب به فروش می‌رسد.

۲. ناشران و کتاب‌فروشان در استان‌های جنوبی:

انتشارات ایلاف در شیراز تنها ناشر رسمی سنی‌مذهب در استان‌های جنوبی است که در سال ۱۳۸۱ش تأسیس شده است و نقش مهمی در نشر فرهنگ و دانش سنی در این منطقه دارد. در دیگر شهرها فعالیت فرهنگی و نوشتاری از آن کتاب‌فروشی‌هاست، همانند غزالی و دانش در اوز، دانش در بندرلنگه، امام شافعی در بندرعباس، احسان در بستک، نوید و فاخری در قشم، نور در پارسیان، ایمان در کنگان، و... . البته احسان بستک به طور محدود فعالیت چاپ و نشر هم در کارنامه دارد.

۳. ناشران و کتاب‌فروشان در استان‌های شرقی:

بیش‌ترین انتشاراتی‌های اهل‌سنت در این استان‌هاست، همانند صدیقی، گُوربام، حرمین، ندوی، و فاروق اعظم در زاهدان. شیخ الاسلام، آوای اسلام و خواجه عبدالله انصاری در تربت جام. محراب

فکر در بیرجند، وحافظ ابرو در تایباد که در آغاز با نام «انتشارات سنت» فعالیت می‌کرد و سپس با مجوز انتشارات واسع و دامنه کتاب‌هایش را به چاپ می‌رساند.

کتاب‌فروشی‌هایی همانند مکی، توحید، نور، حجاز، اقبال، نگین‌کویر، البدر، دیوبند، بام دنیا و... در زاهدان. خالدبن ولید، نور، حسین بر، خیام، شهرکتاب و... در سراوان. عثمانی، دانشجو، پیامبر اعظم، و توحید در خاش. حرمین، بدر، علی، حنفی و فتح المبین در ایرانشهر. نور و الحق در بیرجند. شمس مطهر، مشتاق و راضی در خواف. غزالی و سنت در تایباد، و... نقش مهمی در رساندن محصولات فکری و فرهنگی به مخاطبان برعهده دارند.

٤. ناشران وکتاب‌فروشان در استان‌های غربی:

در این استان‌ها نیز تعدادی انتشاراتی فعال و نیمه فعال وجود دارد، همانند آراس، کردستان، تافکه وگوران در سنندج، حسینی در ارومیه، محمدی در سقز، سیدیان و هیوا در مهاباد، نجاری در بوکان.

هم‌چنین کتاب‌فروشی‌هایی مثل غزالی، زانکو، ژنده پیل، سعدی، مردوخ، هه‌ژار، مولوی، میدیا، احمدی، بامداد، توحید، شیخی و... در سنندج از آن اهل‌سنت است. پاساژ «عزتی» در این شهر مهم‌ترین پایگاه فرهنگی اهل‌سنت در زمینه‌ی کتاب در استان‌های کردنشین است.

در مهاباد کتاب‌فروشی های احسان، نور، خانه‌ی دوست و ایمان. در اشنویه احسان، نالوسی و بلاغی. در سردشت امام شافعی و حفیدی. در بوکان راه موفقیت، صالحی، اسماعیل زاده، کریمی، و جوان. در پیرانشهر محمدرسول‌الله و دانش. و... را می توان از مهم‌ترین مراکز توزیع علم و فرهنگ دانست.

۵. ناشران وکتاب‌فروشان در استان‌های مرکزی:

بزرگ‌ترین، مهم‌ترین و معروف‌ترین ناشر اهل‌سنت در ایران، نشر احسان است که در سال ۱۳٦۵ش در تهران تأسیس شد و تاکنون نقشی بنیادین در ترویج فرهنگ اسلامیِ سنی و نیز ارائه‌ی تجربه‌ی انتشاراتی به دیگر فعالان سنی‌مذهب داشته است. این ناشر کتاب‌های بسیاری به فارسی و عربی به چاپ رسانده است و در نمایشگاه‌های بین المللی و داخلی کتاب، نقش بارزی از خود نشان داده است. تاکنون حدود ۱۱۰۰ عنوان کتاب به زیور طبع آراسته است.

در تهران برخی دیگر از ناشران اهل‌سنت همانند صدیقی، محراب فکر و... شعبه دارند.

دو ـ مجلات و ماهنامه‌ها

اهل‌سنت در عرصه‌ی مجلات، ماهنامه‌ها و نشریات به چندین دلیل نقش مهمی ندارند، از جمله:

۱. عدم صدور مجوز از سوی مسؤولان دولتی.
۲. کم‌توجهی به این عرصه‌ی مهم.
۳. کمبود تجربه و سابقه.
٤. فراوانی مسؤولیت‌های افراد توانمند.
۵. وجود اولویت‌های دیگر.
٦. و ... .

در ادامه به تعدادی از نشریات اهل‌سنت اشاره می‌شود که هرچند با ملاک‌های مجلات علمی ـ پژوهشی و تحلیلی فاصله دارند، اما در آن‌ها مطالب و مقالات ارزشمند و گران‌سنگی نیز چاپ می‌شود که نویسندگانش می‌توانند در آینده در عرصه‌ی علم و تحقیق حرفی برای گفتن داشته باشند.

مهم‌ترین مجله‌ای که توسط اهل‌سنت صادر می‌شود، فصلنامه‌ی «ندای اسلام» است که حوزه‌ی علمیه‌ی مکی ـ زاهدان تاکنون توانسته است پس از ۱۲ سال فعالیت حدود ۵۰ شماره از آن را به خوانندگان برساند. تیراژ این مجله در حدود ۱۵۰۰۰ است که در اینترنت نیز پایگاهی با عنوان زیر دارد:

nedaye-islam.blogfa.com

این مدرسه مجله‌ای به زبان عربی به نام «الصحوة الإسلامية» هم تقدیم می‌کند.

یکی دیگر از مجلات اهل‌سنت، نشریه‌ی داخلی «اصلاح» است که از سوی جماعت دعوت واصلاح ایران برای اعضا و طرفداران منتشر می‌شود و در واقع چکیده‌ی مقالاتی است که در سایت جماعت با عنوان Islahweb.org درج می‌گردد. اخیراً نشریه‌ی دیگری به نام «اندیشه اصلاح» از سوی اعضای جماعت مجوز نشر گرفته و تا کنون پنج شماره از آن به چاپ رسیده است.

هم‌چنین نشریه‌ی «برایه‌تی: برادری» که به دو زبان کردی و فارسی با همت برخی از اعضای مکتب قرآن در سنندج توزیع می‌شود. تاکنون ۴۵ شماره در طول ۱۲ سال به چاپ رسیده است. آدرس اینترنت آن:brayati.blogfa.com

پیروان مکتب قرآن نشریه‌ی دیگری به نام «راه ما» منتشر می‌کنند که حدود ۳۰ عدد از آن تاکنون به خوانندگان رسیده است. آدرس آن در اینترنت: www.islamkurd.com

در بندرعباس نشریه‌ی «مروارید مهر» توسط گروهی از جوانان اهل‌سنت جنوب ارائه می‌شود که درباره‌ی موضوعات اجتماعی و فرهنگی است. تاکنون حدود ۵۵ شماره چاپ شده است.

اهل‌سنت نشریات دیگری نیز دارند که توسط مدارس دینی، انجمن‌های خیریه، یا گروه‌ها و طیف‌های فکری و فعالان اجتماعی و فرهنگی تولید می‌گردد، ولی اندک بوده و غالبا در مناسبت‌های خاصی مثل رمضان یا اعیاد یا فقط برای طلاب و اعضای وابسته منتشر می‌شود و سراسری و کشوری نیست. شاخصه‌ی مشترک همه‌ی آن‌ها گاهنامه بودن و عدم برخورداری از معیارهای علمی، تحقیقی و فنی، و نیز سطحی بودن مطالب‌شان است. مدارس دوره‌ی عالی اهل‌سنت جنوب (معهد عالی) نیز به تازگی مجله‌ای علمی و تحقیقی پخش می‌کنند که در آینده از مجلات مهم و پژوهشی کشور خواهد بود.

هم‌چنین اهل‌سنت در انتشار برخی از مجلات و ماهنامه‌هایی که در سطوح محلی یا قومی بویژه در استان‌های کردنشین پخش می‌شوند، نقش دارند، ولی چون این‌گونه نشریات از لحاظ موضوعی به مسائل مذهبی و دینی ارتباط مستقیم ندارند، از ذکر آن‌ها خودداری شده است.

اهل‌سنت در عرصه‌ی سایت‌های الکترونیکی نیز به همان دلایل مذکور در بخش پیشین، نقش پررنگی ندارند. اما در مجموع از لحاظ تعداد، نسبت به مجلات و ماهنامه‌ها، پایگاه‌های اینترنتی بیش‌تری دارند، چون بازگشایی، تداوم کار، هزینه‌ها و مدیریت آن‌ها آسان‌تر است و نظارت، کنترل، پاسخ‌گویی به منتقدان، و نگاشتن نیز خیلی دشوار نیست.

اکثر پایگاه‌های مهم و اساسی به توسط مدارس دینی، گروه‌ها، انجمن‌ها، رجال و شخصیت‌ها، یا دانشجویان و پژوهشگران راه‌اندازی شده است که سایت‌های متعلق به مدارس و جماعت‌ها

رایج‌ترین و پربارترین هستند. بی‌تردید پایگاه‌های تحت پوشش نگرش‌های برخاسته از علمای دارالعلوم مکی زاهدان، و نیز تفکرات اخوان المسلمین و اندیشه‌های سلفی از دیگر سایت‌ها گوی سبقت را ربوده‌اند. البته نباید تلاش برخی از مدارس مستقل یا افراد توانمند و رجال سیاسی اهل‌سنت را در راه‌اندازی پایگاه‌ها و میزان بالای موفقیت‌شان نادیده انگاشت.

سه ـ مراکز قرآنی و انجمن‌های فرهنگی

بیش‌تر مراکز قرآنی، انجمن‌های فرهنگی و کانون‌های اسلامی اهل‌سنت، تابع حوزه‌های علمیه یا مساجد است، بویژه دارالتحفیظ‌ها که بخشی از کار مدارس دینی است و در عمل هم بسیاری از طلاب علوم شرعی ابتدا قرآن را حفظ نموده و سپس به مدرسه می‌پیوندند. در حوزه‌های علمیه‌ی استان‌های شرقی و شمالی این پدیده رایج‌تر است و مدارس زیادی در کنار تدریس علوم دینی، شعبه‌ای برای حافظان و قاریان دارند و یا کانون و مرکزی که به امور فرهنگی و قرآنی رسیدگی کند. در استان‌های جنوبی مجموعه‌ی مدارس دینی یک مرکز خاص به نام «امور قرآنی» تأسیس کرده‌اند که فعالیت‌های قرآنی را بویژه در تابستان و هنگام رواج مکتب‌خانه‌ها سامان‌دهی می‌کند.

هم‌چنین مراکز و انجمن‌های مستقل از مدارس و مساجد هم وجود دارد؛ همانند دارالقرآن مصطفی در تهران، مؤسسه‌ی قرآنی محمد بن جزری در شیراز، مرکز قرآنی سبحان در ارومیه، و... . در استان‌های غربی این مراکز مستقل بیش‌تر یافت می‌شود، به عنوان مثال در آذربایجان غربی ۱۵ مرکز قرآنی از آن اهل‌سنت است.

فصل سوم

گروه‌ها و جنبش‌های فکری و مذهبی اهل‌سنت

یک: جماعت تبلیغ
دو: جماعت دعوت و اصلاح ایران
سه: سلفیه
چهار: صوفیه
پنج: مکتب قرآن
شش: طیف‌های دیگر

مقدمه:

از آن‌جا که اهل‌سنت ایران بخشی از جامعه‌ی اسلامی در جهان هستند، و اختلاف اندیشه‌ها و تنوع نگرش‌ها امری طبیعی در میان بشریت است، پس ماجرای وجود طیف‌ها و جنبش‌های سیاسی و فکری میان مسلمانان ایرانی، همان داستان وجودشان در دیگر سرزمین‌های اسلامی است؛ اندیشه‌های دور و نزدیک، قریب وغریب، متصل و منفصل، پیوسته و گسسته، و... همگی در ایران یافت می‌شود. از اخلاص و ایمان جماعت تبلیغی گرفته تا اندیشه و درایت اخوانی، عقیده و اصالت سلفی، صفای صوفی و اذکارش، سرچشمه‌ی قرآنی و بسندگی‌اش، احتیاط بی‌طرف و توجیهاتش، و دیگر تفکرات لیبرالیستی، ملی‌گرایی و ... که همگی در دایره‌ی گسترده‌ای به نام اهل‌سنت ایران گنجانده شده‌اند. از دیگر سو، روزی شاهد درگیری و کشمکش هستی و روزی سخن از گردهمایی و هم‌بستگی می‌شنوی، گاهی محکوم کردن و تبری جستن به میان است و گاهی تعریف و حمایت، امروز از حکمت اختلاف سیراب می‌شوی و فردا بوی تفرقه مشامت را می‌آزارد!

شایسته‌ی یادآوری است که اکثریت قاطع اهل‌سنت به هیچ حزب و گروهی وابستگی ندارند و همانند دیگر جوامع اسلامی صرفاً بی‌طرف می‌باشند. بنا بر این در ادامه روی مشهورترین و مهم‌ترین جنبش‌ها و حزب‌های موجود و فعال اهل‌سنت ایران پرتوافکنی خواهد شد و در مبحث پایانی به پاره‌ای از تفکرات و طیف‌ها اشاره خواهد شد که صدای چندانی ندارند و یا در منطقه‌ی خاصی محصور می‌باشند. البته در این بخش جمعیت‌ها، اتحادیه‌ها، سازمان‌ها و انجمن‌های بسیاری

که رنگ مذهب بر آن‌ها نیست یا به نام اهل‌سنت فعالیتی ندارند، ذکر نخواهد شد، چون موضوع، بر مسائل اهل‌سنت متمرکز است.

یک: جماعت تبلیغ

الف ـ نگاهی کوتاه به جماعت تبلیغ:

جماعت تبلیغ، گروهی اسلامی و سیار است که خودش را برای دعوت به نیکی و پارسایی در دنیا نذر کرده است و شیوه‌اش بر ترغیب و ترهیب و تأثیرات عاطفی تکیه دارد. اساس دعوتش، تبلیغ فضایل اسلام به تمام افراد است. کارگزارانش موظف‌اند بخشی از وقت‌شان را برای رساندن پیام قرآن و ترویج دین خدا اختصاص دهند و از تشکیلات حزبی و قضایای سیاسی به دور باشند.[۱]

بنیان‌گذار این جماعت، مولانا محمد الیاس کاندهلوی[۲] است که پس از تأسیس، دعوتش در هندوستان، پاکستان و بنگلادش خیلی سریع رشد کرد و سپس به کل جهان اسلام سرایت نمود و هم‌اکنون در کشورهای سوریه، اردن، فلسطین، لبنان، مصر، سودان، عراق، عربستان، قطر، ایران و... عضو دارد. در اروپا، آمریکا، شرق آسیا و... نقش مهمی در دعوت غیرمسلمانان به سوی اسلام داشته است.

این جماعت اصولی نانوشته دارد که نسل اندر نسل در میان‌شان در گردش است و در عرصه‌ی دعوت، و در سفر و حضر به آن عمل می‌کنند. قسمت‌هایی از آن به شرح زیر است:[۳]

---

۱. نگاه: جهنی، مانع بن حماد، الموسوعة المیسرة فی الادیان و المَذاهب، ۳۱۷/۱.

۲. مولانا محمدالیاس در سال ۱۳۰۳هـ ق در کاندهله از توابع سهارنفور هندوستان زاده شد، پس از دوره‌ی ابتدایی، به دهلی رفت و تحصیلات دینی‌اش را در دیوبند به اتمام رساند. در سال ۱۳۶۴هـ ق درگذشت. (نگاه: سیدابوالحسن ندوی، مولانا محمد الیاس و نهضت دعوت و تبلیغ، ترجمه: محمدقاسم قاسمی، ۳۷).

۳. نگاه: دانشنامه‌ی آزاد www.ar.wikipedia.org ؛ و نیز: مانع جهنی، الموسوعة المیسرة، ۳۱۹/۱–۳۲۱.

✓ هرگاه برای دعوت و تبلیغ دین «تشکیل»[۱] و راهی می‌شوند، فردی را به عنوان امیر بر می‌گزینند. در عین حال که هیچ کدام پست و سمتی مشخص یا شغلی مخصوص و دایمی ندارند.

✓ گروهی که برای دعوت یک منطقه تشکیل شده‌اند، هر یک رخت‌خواب و اَندکی زاد و توشه بر دوش می‌گیرد و با رعایت ریاضت و قناعت راهی می‌شود.

✓ وقتی به شهر یا روستای مورد نظر می‌رسند، تقسیم‌بندی می‌شوند؛ گروهی به خدمت و نظافت مسجد می‌پردازند و عده‌ای به گشت وگذار در محله و منازل و مغازه‌ها مشغول می‌شوند، و همراه با اذکاری که بر زبان جاری می‌سازند، مردم را برای شنیدن «بیان» فرا می‌خوانند.

✓ هنگام بیان همگی گرد می‌آیند، و پس از پایان آن از حضار، «تشکیل» در راه خدا را «مطالبه» می‌کنند. این تشکیل برای یک یا سه روز یا یک هفته یا چهل روز یا چهار ماه و یک سال است. توصیه می‌شود هر «کارگزار» و فرد جماعتی حداقل در ماه، سه روز، درسال، چهل روز و در عمر، چهار ماه تشکیل شود.

✓ بعد از نماز صبح، نمازگزاران را به مجموعه‌هایی تقسیم می‌کنند و هر یک از مبلغان‌شان در حلقه‌ای جداگانه به تعلیم سوره‌ها و آیات قرآن به مردم مشغول می‌شوند.

✓ معمولا سه روز در هر مسجد می‌مانند.

✓ در منزل هیچ‌کس مهمان نمی‌شوند و اقامت در مسجد ضروری است.

---

۱. واژگان درون « » از اصطلاحات خاص جماعت تبلیغ است، مثل «تشکیل»: جمع شدن و رفتن برای تبلیغ و دعوت در یک منطقه. «بیان»: سخنرانی پس از نماز در یک مسجد. «مطالبه»: درخواست از مردم برای تشکیل شدن و همراهی در روزهای بعدی. و ... .

✓ هزینه‌ی هرکس برعهده‌ی خودش است، ولی اکرام و احترام، و همکاری و ایثار در میان‌شان فراوان به چشم می‌خورد.

✓ به نماز شب وتهجد اهمیت زیادی می‌دهند و با اشک و تضرع شبانگاهی از خداوند می‌خواهند که افراد را به دست‌شان هدایت دهد.

بنیان‌گذاران جماعت بر این باورند که عبادات، معاملات و آداب رسول‌الله ﷺ و سیرت اصحاب پاکش از اوصاف زیر خارج نیست:[1]

۱. گواهی به «لااله الا الله و محمدرسول‌الله»، که این بیانگر صدق و یقین، و اقتدای ظاهری و باطنی به پیامبر خدا و صحابه است.

۲. نماز همراه با خضوع و خشوع.

۳. یادگیری علوم شرعی، تا به شناخت خدا دست یابد.

٤. پای‌بندی به ذکر، تا غفلت از دل بیرون رود.

٥. اکرام همه‌ی مسلمانان و بخشش خالصانه و سخاوتمندانه به آنان، و چشم طمع نداشتن به اموال‌شان.

٦. پاسداری از ناموس و مال مسلمانان و نظر نداشتن به عورات آنان و عدم کنج‌کاوی در عیوب و نقاط ضعف‌شان.

۷. اخلاص عمل و نیت، و کنترل نفس و محاسبه‌ی آن.

۸. خروج در راه خدا برای نشر دعوت، که شامل چهار شرط است: خروج بدنی، مال حلال، وقت حلال و احساس نیاز به خداوند.

ب ـ گستره‌ی وجود:

جماعت تبلیغ با همین اوصاف و نشانه‌ها در همه‌ی استان‌های سنی‌نشین ایران وجود دارند، اما توانایی‌ها، امکانات، گستره‌ی نفوذ و رواجش از این استان تا آن استان متفاوت است؛ استان‌های سیستان

---

۱. نگاه: همان.

وبلوچستان، وخراسان جنوبی و رضوی جایگاه اصلی جماعت است، در حالی‌که در استان‌های شمالی، جنوبی، غربی و مرکزی تعداد اعضای جماعت به دلایل زیر کم‌تر است:

✓ رواج جماعت تبلیغ در آغاز از بلوچستان بود که در اصل از پاکستان آمده بود.

✓ روحیه‌ی ریاضت و قناعت تبلیغی با حالات فقر جاری در استان‌های شرقی سازگارتر است.

✓ مذهب حنفی نقطه‌ی اشتراک مبلغان و مخاطبان بوده است.

✓ روحیه‌ی تسلیم و رضایت از تقدیر که بر زبان مبلغان جماعتی رایج است، با روحیات مردم این استان‌ها تناسب بیش‌تری دارد.

✓ پرهیز از پرسش‌های فلسفی، سیاسی و فکری با تقلید مذهبی رایج در شرق سازگار است.

✓ توانایی‌های معنوی و روحی، و اخلاص موجود در سران و کارگزاران تبلیغی در این استان‌ها نقش مهمی در موفقیت جماعت داشته است.

✓ آسانی سفر به مناطق اصلی جماعت و سرچشمه‌ی اولیه‌ی آن و هم‌جواری پاکستان با این استان‌ها بسیار مؤثر بوده است، همانند حضور در اجتماع سالانه در رایوَند، و دیگر جلسات ماهانه و سالیانه.

✓ نوع پوشش و شمایل ظاهری که مورد تأکید مبلغان جماعتی است با لباس محلی بلوچستان و خراسان تناسب دارد، و این نوعی تبلیغ برای آنان است.

✓ و ... .

بنا بر این نبودن یا کمبود این عوامل در دیگر استان‌ها باعث شده

جماعت تبلیغ در آن‌جا خیلی نفوذ نداشته باشد. بی‌گمان افراد و شخصیت‌ها نقش مهمی در موفقیت هر فکر، مذهب یا حزبی دارند؛ هرگاه افرادی توانا و تیزهوش و دارای پشتکار سردمدار یک امر باشند، موفقیت حتمی است، و برعکس. این سنت خداست که شامل همه نوع فکر، گرایش و مکتب است و مخصوص مسلمان یا غیر مسلمان نیست.

میزان وجود آنان نیز در شهرها مختلف است؛ در برخی از شهرها مراکز خاصی دارند، مانند زاهدان، که مسجدی بزرگ دارند و اگر پروژه‌ی ساختمانی‌اش تکمیل شود، حدود ۱۵۰۰۰ نفر گنجایش نمازگزارش است. البته در همه‌ی شهرهای بلوچستان و خراسان مساجدی به عنوان «مرکز جماعت» معروف شده‌اند. در این مراکز جلسات هفتگی، ماهانه و سالانه برگزار می‌شود. شاخصه‌ی ظاهری کارگزاران جماعت تبلیغ، لباس محلی، عمامه، ریش بلند، سبلت کوتاه و بوی خوش است.

ج ـ امتیازات و معایب جماعت:

جماعت تبلیغ همانند همه‌ی تلاش‌های بشری و برداشت از دین، خالی از عیب و اشتباه نبوده است، بویژه هنگامی که گسترش یابد و اعضا و طرفدارانش فراوان گردند. در نتیجه همواره موافقان و مخالفانی داشته است.

دلایل موافقان:

۱. روش جماعت تبلیغ، بهترین شیوه‌ای است که از رسول‌الله ﷺ و صحابه‌ی بزرگوارش در مسیر دعوت و ارشاد مردم به سوی خدا روایت شده است، بخصوص در آسانی شیوه و ابتدایی بودن روش‌های دعوت و شباهت آن به امکانات عصر نبوت.

۲. دوری جماعت از سیاست و حزب‌گرایی باعث حفاظت بهتر از دین و تقوا و روش بزرگان می‌شود.

۳. وجود چنین جنبشی در جامعه‌ی اسلامی ضروری است، چون بسیاری از مسلمانان هنوز به یادگیری مسائل ابتدایی دین، مثل شروط غسل، وضو، نماز و ... نیاز دارند. من خودم از یکی از سران جماعت تبلیغ در تربت جام ـ خراسان رضوی شنیدم که می گفت: «دعوت ما همانند دوره‌ی ابتدایی و دبستان است که شاید برای دانشگاهیان جذابیتی نداشته باشد».

٤. اخلاص پیروان، توفیق روزافزون جماعت و رشد این حرکت، دلیلی بر درستی روش است.

۵. سخن از فضایل اعمال باعث تشویق مردم به دین و امیدواری به رحمت و مغفرت الهی می‌شود.

٦. اعضای جماعت از کسی پاداش مادی نمی‌خواهند و حتی از مال خودشان در راه دعوت و تبلیغ هزینه می‌کنند.

۷. و... .

دلایل مخالفان:

۱. جماعت تبلیغ گسترشی افقی و عددی دارد، نه کیفی و حقیقی و درونی.

۲. احادیث جهاد را به تشکیل و خروج از نوع خودشان تفسیر می‌کنند.

۳. در روایت احادیث ضعیف و حتی جعلی سهل‌انگاری می‌کنند و از آن نیز بی‌خبرند.

٤. از کراماتی که گاهی برای آنان یا دیگر نیکان و بزرگان اتفاق افتاده است، زیاد سخن می‌گویند و حتی بر آن می‌افزایند و غلو

می‌کنند، که همین باعث می‌شود همواره پیروان و کارکنان جماعت و حتی مردم عوام به دنبال رسیدن به کرامت و معجزه باشند و در نتیجه راهی برای فریب و مداخله‌ی شیطان باز می‌گردد.

۵. جماعت تبلیغ به تنهایی نمی‌تواند قوانین اسلامی را در جامعه‌ی امروزی پیاده کند و توان کافی برای رویارویی با جریان‌های معاند و ضد اسلام را ندارد، خصوصاً در پاسخ‌گویی به شبهات و سؤالات مخالفین دین و یا ملحدین.[۱]

۶. تکراری بودن سخنان‌شان باعث خستگی شنوندگان می‌شود.

۷. اصرار بر قانع ساختن مخاطب و همراهی او برای تشکیل شدن.

۸. فرورفتن در سنت‌های پیامبر و غفلت از سنت‌های کلان الهی.

فتواهایی نیز از برخی علما مبنی بر اشتباه بودن کار جماعت صادر شده است، همانند این فتوا: جماعت تبلیغ معروف هندی، خرافاتی دارند و به پاره‌ای از بدعت‌ها و امور شرک‌آمیز، آلوده شده‌اند، پس خروج همراه آنان و تشکیل شدن جایز نیست، مگر برای کسی که علم دارد، تا اشتباهات‌شان را تذکر دهد و آنان را بازدارد. ولی پیروی از ایشان جایز نیست. زیرا دچار خرافات و اشتباهات و بی‌دانشی فراوانی هستند. ... باید کسانی همراه شوند که آنان را از مذهب باطلشان بازداشته و به مذهب اهل‌سنت و جماعت راهنمایی کنند![۲]

هرچند برخی از این اشتباهات در بین کارگزاران و پیروان جماعت

---

۱. نگاه: جهنی، الموسوعة المیسرة، ۱/ ۳۲۱.

۲. www. salafi-saravan.persianblog.ir صاحب فتوا شیخ بن باز است. فتواهای مشابهی از علامه آلبانی و دیگران هم صادر شده است.

به چشم می‌خورد، اما عامل آن، یا کم‌سوادی و بی‌سوادی برخی از اعضاست یا از احساسات دینی و عواطف سرشارشان نسبت به امر دعوت سرچشمه گرفته است، اصل جماعت بر این اشتباهات بنیان گذاشته نشده است. اگر علما در رأس امورشان باشند، اشتباهات را تذکر داده و نمی‌گذارند به بی‌راهه روند. نسبت دادن کفر، شرک، بدعت، گمراهی و خروج از مذهب اهل‌سنت به ایشان کار ناپسندی است، زیرا در عمل از اهل‌سنت هستند و به سوی آن دعوت می‌دهند و برای احیای سنت نبوی می‌کوشند. در روایتی آمده است: «هنگامی که علی رضی‌الله‌عنه خوارج را کشت، گفتند: ای امیرالمؤمنین، ایشان چه حکمی دارند؟ آیا کافرند؟ فرمود: از کفر گریخته‌اند. گفتند: پس منافق‌اند؟ گفت: منافقان جز اندکی خدا را یاد نمی‌کنند، در حالی که اینان به کثرت خدا را ذکر می‌گویند. گفته شد: پس چه کسانی‌اند؟ فرمود: گروهی هستند که دچار فتنه شده و نابینا و ناشنوا شده‌اند».[۱] یعنی علی رضی‌الله‌عنه کسانی را که با او جنگیدند، کافر و منافق ننامید، چه رسد به دیگر مؤمنان.

دو: جماعت دعوت و اصلاح ایران

الف ـ نگاهی کوتاه به جماعت:

در کتاب «رویکردها و راهکارها» که جماعت آن را برای معرفی دیدگاه‌های خویش نگاشته، آمده است:

گروهی از عالمان و اندیشمندان اهل‌سنت ایران، در اواخر عصر پهلوی، تحت تأثیر آموزه‌های قرآن و سنت نبوی و با کاتالیزور جریان جهانی بیداری اسلامی، پس از رایزنی و هم‌اندیشی‌های متعدد بدین

۱. صنعانی، ابوبکرعبدالرزاق بن همام(۲۱۱هـ)، المصنف، کتاب العقول، باب قتال الحروریة، حدیث ۱۸۶۵۶، ۱۰/۱۵۰.

نتیجه رسیدند که برای کامیابی در زندگی دنیوی و حفظ و تکمیل شخصیت خود و سپس ایفای نقش مثبت در اجتماع، اندیشه‌ها و گام‌های خود را هم‌سو سازند و هم‌نوا با کاینات تسبیح‌گوی، نوای روح‌نواز ﴿إِيَّاكَ نَعۡبُدُ وَإِيَّاكَ نَسۡتَعِينُ ۝٥﴾[۱] را هر بامداد و شامگاه به عنوان سرود زندگی خود در گوش هستی نجوا کنند. سرانجام مقرر شد با مرجعیت مکتب آسمانی اسلام و با تأکید بر مفاهیم بنیادین «توحید در جهان بینی، اخلاق در زندگی فردی و آزادی و عدالت در زندگی اجتماعی» در پرتو درک احکام و مقاصد شریعت، درک واقعیت‌ها و درک اولویت‌ها، با توکل بر آفریدگار توانا، پای در عرصه‌ی عمل بگذارند و از طریق پرورش فرد مسلمان، خانواده‌ی مسلمان و جامعه‌ی مسلمان بر اساس تعالیم نورانی قرآن کریم، تحقق آرمان‌های خود را پی بگیرند. حاصل آن رایزنی‌ها و همکاری‌ها، تولد تشکلی مدنی با مرجعیت اسلامی بود که امروزه تحت عنوان «جماعت دعوت و اصلاح ایران» در تمامی مناطق اهل‌سنت کشور پهناورمان به فعالیت مشغول است.[۲]

جماعت دعوت و اصلاح ایران تشکلی است مدنی در چارچوب اندیشه‌ی اسلامی که با هدف حفظ اعتقادات و هویت اهل‌سنت ایران و نیز فراهم نمودن زمینه‌های رشد و توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی زندگی فردی و اجتماعی مردم ایران در پرتو باور به کرامت ذاتی بشر، آزادی، عدالت، شورا، دگرپذیری و ارزش‌های بنیادین اخلاقی در ابعاد مختلف زندگی تشکیل شده است.

۱. فاتحه/ ۵. ترجمه: تنها تو را می‌پرستیم و تنها تو را به یاری می‌جوییم.
۲. رویکردها و راهکارها، جماعت دعوت و اصلاح ایران، ۲. (اصل این کتاب در پایگاه رسمی جماعت قابل دسترسی است: www.islahweb.org).

این تشکل، برای ساختن آینده‌ای بهتر، از دانش و فناوری‌های روز بهره می‌گیرد و به اعتدال و میانه‌روی در تفکر و عمل و برقراری روابط و تعامل دموکراتیک با سایر احزاب، جنبش‌ها و تشکل‌ها پای‌بند است.

هم‌چنین ارتقای سلامت جامعه و حفظ محیط زیست و اهتمام جدی به حقوق اعضا به عنوان سرمایه‌های انسانی و ارتقای توانمندی‌های آنان را از طریق آموزش مستمر، وظیفه‌ی خود می‌داند.[۱]

ارکان این جماعت عبارت‌اند از: «ماده‌ی٦ : کنگره، شورای مرکزی، دبیرکل، هیأت اجرایی مرکزی، ستاد اداری، و هیأت نظارت و داوری».[۲]

«شرایط عضویت در جماعت به شرح ذیل می‌باشد:

۱. دارا بودن تابعیت ایرانی.
۲. داشتن حداقل هجده سال تمام.
۳. التزام عملی به تعالیم دین مبین اسلام.
٤. پذیرش مرام‌نامه و اساس‌نامه‌ی جماعت.
۵. گذراندن مراحل تربیتی.
٦. عدم عضویت در سایر احزاب و گروه‌های سیاسی.
۷. تکمیل فرم عضویت».[۳]

شایسته‌ی یادآوری است که نگرش‌ها و برنامه‌های تربیتی و اصلاحی جماعت دعوت و اصلاح ایران، برگرفته از اندیشه‌ها و افکار جهانی اخوان‌المسلمین است. در عمل هم در جامعه‌ی ایران به

---

۱. مرام‌نامه و اساس‌نامه، جماعت دعوت واصلاح ایران، ۳، www.islahweb.org
۲. همان، ۷.
۳. همان، ۱۸.

اخوان معروف‌اند. هر چند مسؤولان و اعضای جماعت این وابستگی را نپذیرفته و خود را مستقل از آنان می‌دانند و بر نام «جماعت دعوت و اصلاح ایران» تأکید دارند.

ب ـ گستره‌ی وجود:

جماعت دعوت و اصلاح ایران در تمام استان‌های سنی‌نشین وجود دارد، ولی میزان فعالیت وگستره‌ی نفوذ متفاوت است؛ در استان‌های غربی سه‌گانه (آذربایجان غربی، کردستان وکرمانشاه) پیروانش بیش‌تر است. پس از آن در هرمزگان، فارس، خراسان رضوی و جنوبی، و ... حضور دارند. در برخی شهرها مانند تهران، شیراز، بندرعباس و... دفتر و مرکز دارند. در بعضی شهرها مثل سراوان، تربت جام، زاهدان، روانسر و ... مرکز قرآنی و حوزه‌ی علمیه دارند. به هر حال شهر تهران نقش مهمی در این جماعت دارد، چون در مرام‌نامه و اساس‌نامه‌ی جماعت آمده است: «جماعت دارای تابعیت ایرانی بوده، و مرکز اصلی آن در تهران است و می‌تواند در تمام نقاط کشور شعبه یا نمایندگی دایر کند».[۱]

گسترش یا عدم آن دلایلی دارد:

- ✓ آغاز کار جماعت از مناطق کردنشین بوده و رهبران مهم و سران نخستین آن از اهل‌سنت کُرد بوده و هستند.
- ✓ رویکرد دینی جماعت با سطح دانش و میزان تحصیلات و فرهنگ ملت کُرد سازگاری بیش‌تری دارد.
- ✓ نگرش‌های حزبی و تشکیلاتی با روحیه‌ی کردها که با احزاب گوناگون هم‌زیستی داشته‌اند، تناسب دارد.
- ✓ وسعت‌نظر و نگره‌ی تکثرگرایی با روحیه‌ی اجتهادی رایج

---

۱. همان، ۶، ماده‌ی ۳.

در مناطق شافعی، متناسب است.

✓ وجود دعوتگران توانا و هوشمند و مخلص در استان‌های موفق، راز رستگاری جماعت است.

✓ توانایی مخالفان و یا ضعف‌شان از این استان تا آن استان متفاوت است.

✓ و ... .

هنگام سخن از جماعت تبلیغ بیان شد که افسار موفقیت و رستگاری، پس از توفیق و برکت خداوند، به دست مردان و میزان درایت، نوع دیدگاه و دامنه‌ی فعالیت‌شان است؛ گسترش جماعت دعوت و اصلاح یا ناموفق بودن آن نیز در هر استانی از این امر تهی نبوده است.

ج ـ امتیازات و معایب جماعت:

اندیشه‌ی جماعت دعوت و اصلاح ایران برگرفته از فکر جهانی اخوان و امتداد آن است. و از آن‌جا که اخوان‌المسلمین طرفداران و یاران و در مقابل مخالفان و منتقدانی دارد، این جماعت ایرانی نیز چنین است. پیروان دلایلی برای یاری دارند، از جمله:

۱. اخلاص اعضا و فرهنگ دینی‌شان.
۲. وسعت دیدگاه و نگاه به دین.
۳. فراگیری مبانی و برنامه‌ها.
٤. امروزی بودن افکار و نظریات.
۵. پیشینه‌ی مخلصانه و صادقانه در جامعه‌ی اسلامی.
٦. در دامن اندیشه‌ی اخوان، متفکران و دانشمندان بزرگی در دنیای اسلام رشد یافته‌اند.
۷. توجه به سنت‌های بزرگ و درازمدت الهی، مانند تدریجی

بودن امور، حتمی بودن اختلاف و... .

۸. مبارزه با منکرات بزرگ و جهانی و سیاسی.

۹. و... .

مخالفان هم دلایلی دارند، در مثال:

۱. حزب‌گرایی و کار تشکیلاتی بدعت است.

۲. غوطه‌وری در سیاست.

۳. انحصار دستاوردها و محصولات برای پیروان و طرفداران.

٤. عدم شفافیت و صداقت.

٥. اختصاص فعالیت‌ها به قشرهای خاصی مثل فرهنگیان، تحصیل‌کردگان و دانشجویان و غفلت از دیگر طیف‌های جامعه.

٦. انکار نکردن بدعت‌ها و خرافات رایج در جامعه.

۷. و ... .

آن‌گونه که در بحث جماعت تبلیغ گفته شد، وجود اشتباه در تمام تلاش‌های بشری، امری طبیعی است و انسان هم هرچه توانمند باشد، معصوم نیست. بنا بر این طبق گفته‌ی بسیاری از دانشمندان «با هم‌دیگر در امور مورد توافق، همکاری می‌کنیم و یک‌دیگر را در مسائل اختلافی معذور می‌دانیم».[۱] بسا چیزی را اشتباه بدانیم ولی وقتی دلایل و استدلالات خطاکار را بشنویم، قانع شویم که گمان ما اشتباه بوده است. شناختی که از جماعت دعوت و اصلاح دارم، به من اجازه نمی‌دهد که سخنان مخالفان را بپذیرم و آن‌ها را از ساحت جماعت به دور می‌دانم. ولی باید دانست که اشتباهات برخی از پیروان نباید به حساب کل جمع نوشته شود.

۱. فتاوای الشبکة الاسلامیة، ۳۱۱/۵، شماره‌ی فتوا ۳۰۲۶۸، www.shamela.ws

سه: سلفیه

الف ـ نگاهی کوتاه به سلفیه:

سلفیه اصطلاحی معروف نزد پژوهشگران و اندیشمندان در سرزمین‌های اسلامی است، زیرا وجود افرادی با این نام، امری روشن در بیش‌تر جوامع است. نام‌های دیگری مانند اهل حدیث، انصار سنت، غیرمقلدین و وهابیت برای‌شان به کار می‌رود. هر چند خود سلفیه این نام‌ها را قبول ندارند و حتی برخی از آنان هرگونه نامی را انکار کرده و خود را فقط مسلمان می‌دانند و می‌گویند ما آمده‌ایم تا اسامی بدعت را حذف کنیم. به هر حال در این کتاب سلفیه‌ی ایران طبق همان نام مشهور معرفی می‌شود:

«سلفیت دعوتی است که خواهان بازگشت به آموزه‌های سلف صالح می‌باشد ... این گرایش رجوع عقیده‌ی اسلامی به سرچشمه‌های زلالش را خواستار است و بر پاک‌سازی مفهوم توحید از انواع شرک پافشاری دارد. به اشتباه، این نوع دیدگاه، وهابیت نام گرفته است ... این، مذهبی نوین یا روشی بدعت‌آلود نیست؛ که امتداد و نوسازی دعوت اصیل دینی است. سلفیت آمده تا شیوه‌ی سلف صالح و حرکت بر روش آنان را احیا کند».[۱]

می‌توان در تعریف افزود: آنان از مذهب معینی تقلید نمی‌کنند، چون پیرو دلیل از کتاب و سنت صحیح می‌باشند.

زیربنای اندیشه‌ی سلفی، متن‌گرایی است. یعنی بر این باورند که متون شرعی، روشن و شفاف هستند و نیازی به تأویل و توجیه ندارند. آنان با باطنی‌گرایی مخالف‌اند. در حالی‌که در مقابل، بسیاری از مذاهب و افکار در اسلام، بر پایه‌ی توجه به مفهوم و محتوا پدیدار

۱. جهنی، الموسوعة المیسرة، ۱/ ۱۶۰.

گشته‌اند و از ظاهر متون دینی پا را فراتر گذاشته‌اند. ریشه‌ی این نوع تفکر در اسلام به دوران صحابه بر می‌گردد؛ آن‌جا که برخی در همه‌ی امور تابع رسول‌الله ﷺ بودند، حتی در آن‌چه در عرصه‌ی تکلیف نبود. همانند ابن عمر رضی الله عنه[۱] که گاهی از اسب خود در همان مکانی که پیامبر ﷺ پیش‌تر فرود آمده بود، پایین می‌شد و نماز می‌گزارد.[۲]

یا «آثار رسول‌الله ﷺ را پیگیر بود و هر جا که ایشان فرود آمده بود، فرود می‌آمد. چون پیامبر زیر درختی پایین آمده بود، ابن عمر [بعدها] آب می‌آورد و زیرش می‌ریخت تا خشک نشود».[۳]

ماجرای ادای نماز عصر در بنی‌قریظه، بهترین دلیل بر این است که گروهی از صحابه سخن رسول‌الله ﷺ را به ظاهرش فهمیده و برخی آن را محتوایی و مقصدی فهمیده‌اند.[۴] داستان‌های زیادی از

۱. عبدالله بن عمر بن خطاب عدوی(ت۷۳هـ)، یکی از صحابه‌ی معروف که بسیار با جرأت و توانا بود. در دامن اسلام رشد یافت. در مکه درگذشت. (زرکلی، الأعلام، ۱۰۸/۴).

۲. نگاه: احمد بن علی بن حجرعسقلانی(ت۸۵۲هـ)، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، تحقیق: عبدالعزیز بن باز، کتاب الصلاة(۸)، باب المساجد التی علی طرق المدینة(۸۹)، حدیث: ۴۸۳ و ۴۸۴، ۱۱۲/۲.

۳. ابوحاتم محمد بن حبان تمیمی(۳۵۴هـ)، صحیح ابن حبان، محقق: شعیب الأرنؤوط، إخباره ﷺ عن مناقب الصحابة (۵۸)، ذکر تتبع ابن عمر آثار رسول‌الله ﷺ (۲۱۵)، ح:۷۰۷۴، ۵۵۱/۱۵.

۴. ابن حجرعسقلانی، همان، کتاب صلاة الخوف(۱۲)، باب صلاة الطالب والمطلوب راکبا وإیماء (۵)، ح: ۹۴۶، ۸۵/۳. چکیده‌ی داستان چنین است که پس از جنگ احزاب، پیامبر ﷺ برای انتقام از یهودیان بنی‌قریظه که خیانت کرده بودند، فرمان داد: «کسی نماز عصر را نگزارد مگر در بنی‌قریظه». صحابه شتافتند. در میانه‌ی راه و هنوز که به اقامتگاه بنی‌قریظه نرسیده بودند، وقت نماز فرا رسید. گروهی نماز را به وقتش ادا کردند و گفتند هدف ایشان شتافتن بوده است، نه این‌که حتما نماز در آن‌جا گزارده شود. و گروهی گفتند باید در بنی‌قریظه نماز را بخوانیم، چون رسول‌الله ﷺ چنین دستور داده است. هنگامی به آن‌جا رسیدند که وقت نماز ←

صحابه و تابعین و دیگران در این باره روایت شده است.

باید توجه داشت که این نوع فهم و دیدگاه در اکثر گرایش‌ها و آیین‌ها یافت می‌شود. در مثال پیروان کنفوسیوس[۱] در شرق آسیا نیز به دو گروه تقسیم شده‌اند: کسانی که ظاهر سخنانش را گرفته و تأویل معنای ظاهری آن را نادرست می‌دانند و بر عکس، شاگردانی هم دارد که کلامش را تحلیل و تأویل می‌کنند. و در مجموع دو مذهب ظاهرگرا و مفهوم‌گرا دارند.[۲]

ب ـ گستره‌ی وجود:

سلفیه با این اوصاف و شاخص‌ها در بیش‌تر استان‌های سنی‌نشین وجود دارند، هرچند میزان موجودیت و قدرت نفوذ گوناگون است؛ در استان‌های جنوبی و شرقی نسبت به دیگر جاها حضور پررنگ‌تری دارند. پس از آن در استان‌های غربی و شمالی پیروانی را جذب کرده‌اند.

قوت و ضعف حضور و نفوذ همانند سایر افکار و گروه‌ها، دلایلی دارد:

- ✓ ورود اندیشه‌ی سلفی نخستین بار از کشورهای خلیج و همسایه با استان‌های جنوبی بوده است.
- ✓ سران و رهبران این نگرش در کشورهای عربی تحصیل

عصر گذشته بود و خورشید غروب کرده بود. در پایان، پیامبر ﷺ هر دو برداشت را صحیح دانستند. (ابن حجر، همان).

۱. به سال ۵۵۱ ق.م در شهر تسو زاده شد. نام واقعی‌اش کونگ است که در اصل نام قبیله‌اش بوده است. فوسیوس به معنای رئیس یا فیلسوف می‌باشد. در سال ۴۷۹ ق.م در گذشت. بنیان‌گذار مکتب کنفوسیوس در کشور چین است که تا امروز ادامه دارد.(نگاه: جهنی، الموسوعة المیسرة، ۲/۷۴۹).

۲. جهنی، همان، ۲/۷۵۰.

کرده‌اند که افکار سلفی در آن‌ها فراوان است.

✓ ضعف زیرساخت‌های مذهب‌گرایانه و مقلدانه، برگرفته از ضعف فقهای مذهب‌مدار.

✓ نبودن تعصبات مذهبی و فقهی در مردم خصوصاً قشر جوان.

✓ تندروی علمای مقلد مذاهب در تعامل با اندیشه‌ی سلفی و سخت‌گیری بر آنان، بخصوص در استان‌های شرقی و غربی، که نتیجه‌ی عکس داده و باعث شهرت سلفیه شده و گروهی از مردم به آنان گرایش پیدا کرده‌اند.

✓ وجود افراد فعال وجوانان مدافع فکر.

✓ اصالت اندیشه و آسانی آن در اجرا و دوری از شایبه و اتهام.

✓ شفافیت و هم‌نوایی با ظواهر متون.

✓ و ... .

در استان‌های بلوچستان و کردستان مدارس و مراکزی به نام سلفیه وجود دارد، همانند سراوان، چابهار، سنندج و... . مدارس دینی در استان‌های جنوبی، گرچه به نام سلفیه مشهور شده‌اند، ولی در برنامه و اندیشه پیرو مذهب شافعی با اندکی گرایش‌های سلفی‌گرایانه می‌باشند. البته مدرسین و طلابی به صراحت مدعی سلفیت هستند.

ج ـ امتیازات و معایب سلفیه:

سلفیه نیز همانند دیگر افکار و مذاهب از عیب و ایراد تهی نبوده است و در آن غوطه‌ور هم نشده است، همه‌ی فضایل و امتیازات را درو نکرده است و از آن محروم نیز نشده است، در اشتباه و لغزش غرق نشده و از آن نجات هم نیافته است.

یاران سلفیه دلایلی دارند:

۱. اصالت اندیشه و پاکی آن از غبارهای فکری بشر.

۲. پیروی از کتاب و سنت، یک دستور شرعی است.
۳. تقلید از نگاه شرعی و عرفی ناپسند است و ما به پیروی از افراد، مأمور نشده‌ایم.
٤. امروزه منکر اکبر همان شرک و بدعت است که باید نابود گردد.
٥. پیروی از کتاب وسنت صحیح، اختلافات امت را محو می‌گرداند، برعکس مذاهب که اختلاف‌زا هستند.
٦. و ... .

مخالفان هم دلایلی دارند:
۱. سخت‌گیری در مبارزه با منکرات.
۲. بی‌توجهی به منکرات بزرگ سیاسی و جهانی.
۳. غوطه‌وری در سنت‌های نبوی و غفلت از سنت‌های الهی.
٤. چنگ‌زدن به ظاهر متون و چشم‌پوشی از محتوا و درون مایه‌ی آن.
٥. تکفیر بسیاری از مسلمانان به محض ارتکاب یک یا چند بدعت و خرافه.
٦. این نگرش، خودش یک مذهب جدید شده است و بر اختلافات افزوده است.
۷. و... .

باید توجه داشت که سلفیه به دو شاخه‌ی تندرو و میانه‌رو تقسیم می‌شوند: کسانی هستند که در انکار منکر و بدعت و شرک، سخت‌گیری کرده و به احادیث مبارزه با منکر به دست و زبان عمل می‌کنند. و افرادی نیز می‌باشند که به سنتِ تدریج و عملِ آرام باور دارند. پس نمی‌توان همه را زیر یک حکم کلی و فراگیر جای داد.

هر کسی می‌پذیرد که تندروی سودی ندارد و با سیرت پیامبران و صحابه نامتناسب است.

باید توجه داشت که در اصل مراجعه به کتاب و سنت و نیز معیار و ملاک بودن این دو رکن رکین، کسی اختلاف ندارد، چون همه‌ی مسلمانان از هر طیف و مذهبی که باشند همین را باور دارند. ولی میزان تطبیق، و ظاهرگرا یا مقصدگرا بودن فرد است که نتیجه را متفاوت می‌گرداند. همواره در تاریخ اسلام دانشمندانی به ظاهر متن شرعی نگریستند و به زمان، مکان، مقصد، محتوا، میزان دلالت لفظ و... یا بی‌توجه بودند یا کم‌تر به این موارد نظر داشته‌اند، و برعکس، کسانی آن قدر در این امور ژرف‌نگری کرده‌اند که نتایج و دستاورد فکری‌شان با دیگران کاملا متفاوت شده است.

چهار: صوفیه

الف ـ نگاهی کوتاه به صوفیه:

اندیشمندان و زبان‌شناسان در اصل این واژه اختلاف دارند؛ برخی آن را از «صُوف: پشم» گرفته‌اند، چون صوفیان پشمینه‌پوش بوده‌اند. بعضی آن را از «صفا» دانسته‌اند، به خاطر صفای روحی آنان. و گروهی آن را از واژه‌ی یونانی «soph» مشتق دانسته‌اند که به معنای حکمت است. و عده‌ای بر این باورند که نسبتی است به اصحاب صُفّه در زمان رسول‌الله ﷺ که کنار مسجد و سایبان و ایوان آن سکنی گزیده بودند.[1]

به نظر می‌آید اصل این کلمه همان واژه‌ی «صوفیا: حکمت» در زبان یونانی است که پس از ترجمه‌ی کتاب‌های یونانی در جهان

۱. نگاه: جهنی، همان، ۲۴۹/۱.

اسلام در دوره‌ی عباسی، این‌گونه ریاضت و حرکات در بین مسلمانان شایع شد.

«تصوف حرکتی دینی است که در قرن سوم هجری قمری در جهان اسلام به شکل گرایش‌هایی فردی رواج یافت و خواستار زهد وعبادت زیاد بوَد تا با رفاه‌گرایی و عیش و نوش برخاسته در تمدن نوپای اسلامی مبارزه کند. سپس رشد و رونق گرفت و به روش‌هایی خاص به نام صوفیه معروف شد. آنان با این شیوه به تربیت نفس و ارتقای روح می‌پردازند تا به شناخت الهی از کانال کشف و شهود برسند، نه از راه شریعت و ابزارهای شرعی».[۱]

ریشه‌ی این نگرش و ریاضت در دنیا به روزگاران کهن بر می‌گردد، چون همانندش در مکاتب و ادیان بودایی، هندو، مسیحی، یهودی و... یافت می‌شود.[۲]

در اسلام نیز ریشه‌هایی دارد، چون برخی از صحابه به این نوع زندگی گرایش داشتند. در روایتی آمده است: «سه نفر نزد همسران پیامبرﷺ آمدند تا از عبادتش بپرسند، وقتی به آنان خبر داده شد، گویا آن را برای خود کم شمردند و گفتند: ما کجا و رسول خداﷺ کجا؟ در حالی که گناهان گذشته و آینده‌ی او آمرزیده شده است. لذا یکی گفت: من برای همیشه نماز شب می‌خوانم. دیگری گفت: من هم همواره روزه می‌گیرم و افطار نمی‌کنم. سومی گفت: من از زنان کناره می‌گیرم و هرگز ازدواج نمی‌کنم. وقتی رسول‌اللهﷺ آمدند، فرمودند: «أنتم الذين قُلتم كذا وكذا، أما والله إني لأخشاكم لله وأتقاكم له، لكني أصوم

---

۱. همان.

۲. نگاه: رفیعی، حمیدالله و ضیایی، رحمت الله، تصوف، ۱۶ـ ۷.

وأُفطِر، وأُصلّي وأَرقُد، وأتزوج النساء، فمن رَغِب عن سنتي فليس مني».[1]

(شما چنین و چنان گفته‌اید؟ ولی ـ به خدا سوگند ـ من که نسبت به شما از خدا بیش‌تر می‌ترسم و تقوای زیادتری دارم، هم روزه می‌روم و هم می‌خورم، نماز می‌گزارم و می‌خوابم، و با زنان ازدواج می‌کنم، و هرکه از سنت من روی گرداند از من نیست).

چنین روایاتی از صحابه و تابعین، دلیلی بر وجود این نوع نگرش نزد بعضی از آنان است که با گذشت زمان گرایش‌های صوفیانه در سراسر جهان اسلام رواج یافت و زاهدان و پارسایان گوناگونی پا به عرصه گذاشتند. هر چند از آن سو، گروهی از علما آنان را بازداشته و این روش را از نگاه شرعی ممنوع اعلام کردند. ولی به هر حال این نوع دیدگاه در میان مسلمانان ماندگار شد. تمایل به صوفیه عوامل متعددی دارد، از جمله:

- ✓ وجود اخلاص و زهد فراوان و افراطی در برخی افراد.
- ✓ بروز فتنه‌ها و درگیری‌های داخلی که به خون‌ریزی منجر می‌شد.
- ✓ رواج رفاه‌طلبی و فساد در طبقاتی از جامعه که تفکر صوفیانه واکنشی در برابر آن بود.
- ✓ تمایل به گوشه‌نشینی و تنهایی نزد برخی از مردم.
- ✓ ناامیدی از اصلاح جامعه و احساس تنفر از دیگران.
- ✓ ترس و احتیاط بیش از حد از فتنه.
- ✓ زیاده‌روی در عبادت.
- ✓ متهم ساختن خویشتن.
- ✓ و... .

---

۱. عسقلانی، فتح الباری، کتاب النکاح (۶۷)، باب الترغیب فی النکاح (۱)، ح:۵۰۶۳، ۱۰۱/۱۰.

ب ـ گستره‌ی وجود:

صوفیه‌ی سنی‌مذهب تقریباً در همه‌ی استان‌ها یافت می‌شوند که بیش‌تر در استان‌های غربی و پس از آن در مناطق شمالی و در مقام آخر در بلوچستان و خراسان و اندکی هم در شهرهای جنوبی وجود دارند.

در کردستان دو فرقه‌ی بزرگ صوفیه وجود دارد؛ قادریه و نقشبندیه. قادری‌ها کسانی‌اند که معتقدند فهم حقیقت و وصول به حق از طریق سماع و ذکر جهری و بلند حاصل می‌شود. این گروه با صدای دف، سرهای خود را به جلو و عقب حرکت می‌دهند تا به جذبه‌های روحی و معنوی برسند. در استان کردستان ۶۰ خانقاه وجود دارد. نقشبندیه باور دارند که معرفت و وصول به حق و فهم حقیقت در تأمل و سکوت و آرامش است، نه سماع و ذکر بلند.[۱]

این دو فرقه در استان‌های سنی‌نشین، بویژه کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی و نیز استان‌های شمالی دارای شاخه‌ها و پیروانی هستند.

در بلوچستان رایج‌ترین فرقه، گرایش‌های صوفیانه‌ی سربازیه است که مقر آن در کوه‌وَند از توابع شهرستان سرباز ـ ایرانشهر می‌باشد. در زاهدان، چابهار و ... هم گرایش‌هایی از صوفیه وجود دارد.

در خراسان رضوی و در شهرهای مشهد، تایباد، تربت جام و... قادریه و نقشبندیه طرفداران بیش‌تری دارند. هرچند فرقه‌ای به نام ناجیه (باباییه) هم در این شهرها فعال است که سرچشمه‌ی آن، صوفیه‌ی افغانستان می‌باشند.

در استان‌های جنوبی، ساداتی یافت می‌شوند که خود را از خاندان

---

۱. نگاه: www.ostan-kd.ir (پایگاه رسمی اطلاع رسانی استانداری کردستان).

پیامبر ﷺ می‌دانند، ولی در میان برخی از آنان بویژه در روستاهای توابع بستک ـ هرمزگان فعالیت‌ها و اعمال صوفیانه وجود دارد، هر چند از فرقه‌های معروف صوفیه نیستند.

ج ـ امتیازات و معایب صوفیه:

صوفیه از دیرباز موافقان و مخالفانی داشته است که هرکدام دلایلی برای خویش دارند. دلایل موافقان:

۱. صفای روحی و اخلاص فراوان آنان.
۲. کثرت ذکر باعث صیقل روح انسان می‌شود.
۳. زهد و پارسایی در دنیا.
٤. معرفت حقیقی در پشمینه‌ی طریقت نهفته است نه در عبای شریعت.
٥. سیرت برخی از بزرگان امت که چنین گرایشی داشته‌اند.
٦. و... .

دلایل مخالفان:

۱. این‌گونه گرایش‌ها هیچ اصلی در اسلام ندارد و بدعت است.
۲. سخنان‌شان به شرک آلوده شده است.
۳. در میان آنان دروغ و بدعت‌های فراوانی رایج شده است.
٤. غفلت از جامعه و اقتصاد و دیگر امور دنیوی که پایه‌ی زندگی هستند.
٥. زیاده‌روی در محبت مشایخ و دادن صفات خدایی و پیامبری به آنان.
٦. عدم رعایت نظافت ظاهری و طهارت بدنی.
۷. و... .

واقعیت آن است که با صوفیه‌ی حقیقی که هدف و روش آن ذکر

خدا، طاعت شایسته، رهایی از نفس‌امّاره و دوری از شیطان باشد، کسی مخالف نیست. ولی هنگام اجرا و عمل است که امتیازات و عیب‌ها پدیدار می‌گردد.

اگر صوفیه از شرک، بدعت و خرافه به دور باشد، زندگی و نعمت‌های دنیویَ را رها نکند و پیروان را از چشمه‌های ناب و اصیل علوم شرعی سیراب کند، ایرادی ندارد. بی‌گمان بسیاری از انحرافاتی که در مذاهب و فرقه‌ها به وجود می‌آید، علت اساسی و بنیادین آن، بی‌سوادی یا کم‌سوادی است، بویژه هنگامی که با اخلاص و صداقت همراه گردد. اگر یک فرد صوفی، قرآن و سنت صحیح را درست بیاموزد، هیچ‌گاه به خودش اجازه نمی‌دهد که به بی‌راهه برود، و در هر خانقاه و چله‌ای که باشد، صوفی‌ای خالص و پاک خواهد ماند.

پنج: مکتب قرآن

الف ـ نگاهی کوتاه به مکتب قرآن:[1]

«مکتب قرآن» در اصل عنوانی بوده است برای مجموعه‌ای از مدارس دینی که در استان‌های غربی به توسط گروهی از علمای اهل‌سنت منطقه و در رأس آنان استاد احمد مفتی‌زاده[2] پیش از انقلاب اسلامی تأسیس شد. نخستین آن‌ها در سال ۱۳۶۵ش در سنندج و مریوان به عنوان مدارسی قرآنی راه‌اندازی شد و سپس با نام مکتب قرآن، به حرکتی دینی در مناطق غربی و ... تبدیل گشت.

---

۱. مطالب این قسمت از پایگاه رسمی مکتب قرآن کردستان استنباط و نقل شده است: www.islamkurd.com .

۲. یکی از علمای بزرگ کردستان که به سال ۱۳۱۲ش زاده شد. نقشی مهم در بیداری اسلامی پیش و پس از انقلاب برعهده داشت. وی یکی از بنیان‌گذاران اصلی «شورای مرکزی سنت ـ شمس» در آغاز انقلاب بود. چندین بار، قبل و بعد از انقلاب به علت اختلاف نظر با حکومت به زندان افتاد. در سال ۱۳۷۱ش درگذشت.

مدیریت مکتب پس از استاد مفتی‌زاده به شورایی متشکل از بزرگان و شخصیت‌های مطرحی که اعضا آنان را برگزیدند، واگذار شد. شورا زیربنای مقررات و تصمیمات در مکتب است. منابع اساسی در تمام برنامه‌ها و قوانین، کتاب، سنت و اجماع است، طبق آیه‌ی ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَأُوْلِي ٱلۡأَمۡرِ مِنكُمۡۖ فَإِن تَنَٰزَعۡتُمۡ فِي شَيۡءٖ فَرُدُّوهُ إِلَى ٱللَّهِ وَٱلرَّسُولِ إِن كُنتُمۡ تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۚ ذَٰلِكَ خَيۡرٞ وَأَحۡسَنُ تَأۡوِيلًا﴾[1] **(ای کسانی که ایمان آورده‌اند، از خداوند پیروی کنید و از رسول و صاحبان امرتان اطاعت کنید. هر گاه در چیزی اختلاف کردید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، آن را به خدا و رسول بازگردانید. این بهتر و نیک انجام‌تر است).**

پس از آن از دیدگاه‌های استاد مفتی‌زاده و نظرات مکتوب و ضبط‌شده‌ی ایشان استفاده می‌شود. هم‌چنین از آرای دیگر اندیشمندان و علمای گذشته و حال. مکتب قرآن در عرصه‌های گوناگون دینی اعم از فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، دعوی و... طبق شرایط و توانایی و در چارچوب دین فعالیت می‌کند.

مکتب قرآن بر اساس آیه‌ی ﴿إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ إِخۡوَةٞ فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَ أَخَوَيۡكُمۡۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ١٠﴾[2] **(جز این نیست که مؤمنان برادرند. پس بین دو برادر خود سازش دهید و از خداوند پروا بدارید، تا شما مشمول رحمت قرار گیرید).**

تمام مسلمانان را با هر گرایش و سلیقه‌ای برادر دینی خود می‌داند و برای تعامل و همکاری با همگان بر مبنای معیارهای دینی آماده است. مکتب به تسامح و مدارا با غیرمسلمانان باور دارد و به پیروان

---

۱. نساء/ ۵۹.
۲. حجرات/ ۱۰.

سایر ادیان و مذاهب غیر معاند احترام می‌گذارد: ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَـٰكُم مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَـٰكُمْ شُعُوبًا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓا۟ ۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ ٱللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿١٣﴾﴾[1] **(ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریده‌ایم و شما را گروه‌ها و قبیله‌هایی گردانده‌ایم تا هم‌دیگر را بشناسید. گرامی‌ترین‌تان نزد خداوند باتقواترین‌تان است. بی‌گمان خداوند بسی دانا [و] آگاه است).**

هر انسانی مستحق همکاری است: ﴿لَّا يَنْهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ لَمْ يُقَـٰتِلُوكُمْ فِى ٱلدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَـٰرِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوٓا۟ إِلَيْهِمْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُقْسِطِينَ ﴿٨﴾﴾[2] **(خداوند شما را از کسانی که با شما در دین نجنگیده‌اند و شما را از خانه‌های‌تان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که به آنان نیکی کنید و در حق آنان به داد رفتار کنید. بی‌گمان خداوند دادگران را دوست دارد).**

مکتب معتقد است که نام مسلمان به تنهایی، امتیازی برای او در برابر سایر طوایف به شمار نمی‌آید. عمل و خدمت به انسانیت مهم است: ﴿لَّيْسَ بِأَمَانِيِّكُمْ وَلَآ أَمَانِىِّ أَهْلِ ٱلْكِتَـٰبِ ۗ مَن يَعْمَلْ سُوٓءًا يُجْزَ بِهِۦ وَلَا يَجِدْ لَهُۥ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٢٣﴾ وَمَن يَعْمَلْ مِنَ ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ مِن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُو۟لَـٰٓئِكَ يَدْخُلُونَ ٱلْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا ﴿١٢٤﴾﴾[3] **(بر وفق آرزوی شما و آرزوی اهل کتاب نیست؛ هر کس کار بدی انجام دهد، به آن جزا داده می‌شود و جز خداوند یار و مددکاری برای خود نمی یابد. و هر کس، مرد یا زن در حالی که مؤمن است کاری از کارهای شایسته انجام دهد، اینان به بهشت در آیند و به کم‌ترین میزانی ستم نمی‌بینند).**

---

۱. حجرات/ ۱۳.

۲. ممتحنه/ ۸.

۳. نساء/ ۱۲۴.

در تمدن و فرهنگ اسلامی ده‌ها طایفه و مذهب فقهی و کلامی موجود و منسوخ و نیز تعداد زیادی از مشارب عرفانی و فرقه‌های صوفیانه را شاهدیم و به یقین می‌رسیم که تکثرگرایی سبب درگیری، تکفیر و سب و لعن نبوده است، که بر عکس، پیروان همه‌ی این‌ها با تسامح و مدارا به جز در موارد اندکی که جاهلان مقصر بوده‌اند، با یک‌دیگر هم‌زیستی داشته‌اند. در تاریخ می‌بینیم که عامل بسیاری از جنگ‌های فکری و مذهبی، جهل، استبداد، انحصارگرایی و خودستایی بوده است.

شایسته‌ی یادآوری است که این مکتب قرآن، ارتباطی با اهل قرآن یا قرآنیان مشهور در جهان اسلام ندارد که به مرجعیت تنها قرآن معتقدند. هر چند آنان نیز ذکر خواهند شد.

ب ـ گستره‌ی وجود:

آن‌گونه که در بخش پیشین گفته شد، پایگاه و خاستگاه مکتب قرآن، کردستان بوده و هست. در اکثر شهرهای آذربایجان غربی و کرمانشاه هم عضو دارند. در استان‌های دیگر کشور همانند خراسان، بلوچستان و استان‌های جنوبی حضور اندکی دارند.

ج ـ امتیازات و معایب مکتب:

موافقان مکتب قرآن دلایلی دارند، از این قبیل:

۱. شخصیت منحصر به فرد و نبوغ فراوان استاد مفتی‌زاده.
۲. اصالت اندیشه و هماهنگی آن با داده‌های عصر.
۳. تمرکز بر قرآن و روایات صحیح تأیید شده با قرآن.
٤. دوری از بدعت، شرک و روایات جعلی و ضعیف.
٥. ایجاد پیوند بین اصالت و نوگرایی.
٦. و... .

مخالفان نیز دلایلی دارند، از جمله:

۱. افراط در محبت مفتی‌زاده و غفلت از سایر علما .

۲. نپذیرفتن بسیاری از احادیث صحیح، همانند نزول عیسی علیه‌السلام، دجال و... .

۳. بی‌ادبی نسبت به برخی از صحابه، همانند معاویه و... .

٤. اعتقاد به تکثرگرایی که همه‌ی ادیان و مذاهب را بر حق می‌داند.

۵. انحراف در برداشت از برخی مفاهیم شرعی مثل شفاعت و ... .

به نظر می‌رسد که دلایل مخالفان نادرست است، زیرا اکثرشان طبق دفاعیات پیروان مکتب قرآن، اشتباه است؛ مفتی‌زاده در چنین مسائلی حق اجتهاد دارد، همان‌گونه که بسیاری از اندیشمندان اسلامی در این باره اظهار نظر کرده‌اند.

شش: طیف‌های دیگر

در این باره به اختصار برخی از طیف‌های فکری دیگر ذکر می‌شود که صدای چندانی در جامعه‌ی اهل‌سنت ندارند یا در منطقه‌ی خاصی منحصرند یا به اهل‌سنت وابستگی دارند، و اساس کارشان دین یا مذهب است. البته طیف‌ها یا سازمان‌ها یا جنبش‌هایی ذکر نمی‌شود که میان اهل‌سنت وجود دارند، اما بر آن‌ها رنگ مذهب نیست یا با شاخص‌های سنی‌گرایانه کار نمی‌کنند، همانند بسیاری از انجمن‌ها و جریان‌های ورزشی، زیست‌محیطی، اجتماعی، هنری، پزشکی، دانشجویی، کارگری، شغلی، نژادی، ملی، سکولار، سیاسی و... .

جنبش‌های سیاسی و ملی‌گرا مانند حزب دموکرات کردستان،

کومه‌له(سازمان انقلابی کارگران کرد ایران)، خبات(مبارزه)، پژاک(زندگی آزاد کُرد) و دیگر حرکت‌های قومی ترکمن، بلوچ و ... هر چند در جامعه‌ی اهل‌سنت وجود دارند و پیروان‌شان سنی‌مذهب می‌باشند، ولی برای ترویج مذهب سنی کار نمی‌کنند، چون هدف‌شان ملی‌گرایی یا نژادگرایی و استقلال‌طلبی یا گرفتن حقوق اقلیت‌ها از دولت و حکومت است. البته برخی از اعضای‌شان به امور دینی و شرعی پای‌بند و ملتزم هستند. هم‌چنین انجمن‌های اجتماعی یا ورزشی یا سازمان‌های دانشجویی بسیاری که بین اهل‌سنت فعال‌اند و حتی ممکن است آن‌ها را فعالان سنی و ملتزم به مذهب تأسیس کرده باشند، ولی اساس کارشان در اصل برای مذهب نیست.

الف ـ برِلَوی:

برلویه یکی از فرقه‌های صوفیه است که در شبه قاره‌ی هند در شهر برَیلی در ولایت اوتاراپرادش هندوستان در روزگار استعمار بریتانیا پدیدار گشت. به محبت و تقدیس انبیا و اولیا به طور عام و پیامبرﷺ به طور خاص شهرت یافته‌اند. بنیان‌گذار این فرقه احمدرضاخان بن تقی‌علی‌خان است که از ۱۲۷۲ تا ۱۳٤۰هـ‍ـق زیست. او خودش را عبدالمصطفی نامید... .

پیروان این فرقه معتقدند که رسول‌اللهﷺ قدرت حکمرانی بر جهان هستی را دارد ... او نایب مطلق خداوند سبحان است وتمام جهان زیر تصرف اوست، هر چه بخواهد می‌کند و هر چه بخواهد و به هرکه بخواهد، می‌بخشد و از هر که بخواهد، می‌گیرد... محمدﷺ و اولیای پس از او توانایی تصرف بر عالم را دارا هستند. [یکی از نویسندگان‌شان می‌گوید:] ای محمد، نمی‌توانم تو را خدا بنامم، و نمی‌توانم میان‌تان جدایی بیفکنم. کار تو با خداست و او به تو آگاه‌تر

است. آنان به حضور شهودی باور دارند، زیرا باور دارند که پیامبر ﷺ هم اکنون حاضر و ناظر اعمال بندگان در هر زمان و مکانی است. ... معنای شرعی حاضر و ناظر یعنی او صاحب قدرت قدسی است که می‌تواند جهان را همانند کف دستش از مکان وجودش ببیند و صداها را از دور و نزدیک بشنود. او در یک لحظه پیرامون عالم می‌چرخد و نیازمندان و واماندگان را فریادرسی می‌کند. آنان رسول‌الله ﷺ را نوری از انوار خدا می‌دانند که همه‌ی آفریدگان از نور او به وجود آمده‌اند.[۱]

یکی از کارهای رایج آنان، استعانت از انبیا و اولیا و کمک خواستن از قبور ایشان، وآبادسازی آرامگاه‌ها و نورافشانی آن‌ها با شمع و چراغ است. پیرامون قبر جلسات گوناگون برگزار می‌کنند. به همین سبب بسیاری از علما کارها و باورهای‌شان را بدعت و خرافه دانسته و با آنان مبارزه کرده‌اند. طبق برخی فتواها فرقه‌ی برلویه از دایره‌ی اهل‌سنت و حتی اسلام خارج شده‌اند.[۲]

در ایران تعداد اندکی برلوی وجود دارد که در شهرهای بلوچستان و هم‌جوار پاکستان، همانند سراوان، ایرانشهر، خاش و چابهار پراکنده‌اند.

ب ـ دِیوبَندی:

دیوبندیه به دانشگاه یا دارالعلوم دیوبند در هندوستان منسوب است. این مرکز مدرسه‌ای فکری و ریشه‌دار است که دانش‌آموختگانش با ویژگی‌های خاصی که دارند به این مکان منتسب شده‌اند.[بنیان‌گذار این دانشگاه] مجموعه‌ای از علمای هند می‌باشند که در واکنش به

۱. جهنی، الموسوعة المیسرة، ۱/۲۹۸و۲۹۹.

۲. احسان الهی ظهیر در کتاب «البریلویة» باورهای این گروه را از نظر اسلام کاملا مردود دانسته است. فتاوای مشابهی از دیگر علمای پاکستان و هندوستان در رد بریلویه صادر شده است.

سرکوب انقلاب اسلامی مردم شبه قاره در سال ۱۸۵۷م به توسط انگلستان، آن را تأسیس کردند. این پایه‌ریزی، مقاومت مستحکمی در برابر یورش غربی و فرهنگ مادی آن بر شبه قاره‌ی هند بود و مسلمانان را از خطرات این ماجرا نجات داد، بویژه که دهلی پس از انقلاب ویران شده بود و انگلیسی‌ها بر آن کاملا چیره شده بودند. علمای شرعی از ترس این که دین‌شان بلعیده شود، برای پاسداری از اسلام و آموزه‌های آن برنامه‌ریزی کردند و راهکار را در تأسیس مدارس و مراکز اسلامی دیدند... . در آغاز دارالعلوم، مدرسه‌ای کوچک در روستای دیوبند بود که در ۱۲۸۳هـ‍ـق برابر با ۱۸٦٦م/۱۲٤٤ش راه‌اندازی شد. و در اندک زمانی به یکی از مدارس بزرگ دینی در شبه قاره‌ی هند تبدیل شد. ... .

دیدگاه‌ها و مبانی مدرسه‌ی دیوبند در نکات زیر خلاصه می‌شود:

✓ پاسداری از آموزه‌های اسلامی و ماندن شوکت اسلام و شعایرش.

✓ ترویج اسلام و مبارزه با مکاتب ویرانگر و تبلیغی مسیحی.

✓ انتشار فرهنگ اسلام و رویارویی با فرهنگ ستیزه‌جوی انگلیسی.

✓ توجه به نشر زبان عربی، چون ابزار استفاده از منابع شریعت اسلامی است.[1]

تعداد اندکی از علمای بلوچستان و برخی از علمای خراسان به صراحت خود را پیرو اندیشه‌ی دانشمندان دیوبند می‌دانند. البته هرچند آن را یک مکتب یا گرایش فکری و مذهبی قلمداد نمی‌کنند، ولی در سخنان‌شان به روشنی از مدارس دیوبند در هندوستان و

۱. همان، ۳۰۴ و ۳۰۷.

پاکستان حمایت می‌نمایند. برخی از این علما در مدارس دیوبند تحصیل کرده‌اند و واژه‌ی «دارالعلوم» که پیش‌نام بسیاری از مدارس این استان‌هاست، برگرفته از آن مکتب و مدرسه است. پاره‌ای دیگر از علمای بلوچستان و خراسان آن قدر خود را وام‌دار تفکرات مشایخ گوناگون ندویَ می‌دانند که می‌توان آنان را «ندویه» نامید. البته باید پذیرفت که این نام‌گذاری‌ها خیلی دقیق نیست و تفاوت چندانی بین نگرش‌های دیوبندیه و ندویه با دیگر علمای اهل‌سنت حنفی در این مناطق نیست. به جز برخی از اختلافات اجتهادی، مثل شنیدن یا نشنیدن اموات، یا مقدار توجه به حدیث، گستره‌ی تقلید و اجتهاد در برابر متون منقول از ائمه‌ی فقهی، و ... .

ج ـ اهل قرآن:

گروهی که معتقدند تنها قرآن مبنای تشریع و قانون‌گذاری است، نه سنت و اجماع و دیگر اصول فقهی یا مصادر تشریع اسلامی، چون در قرآن اختلافی بین مسلمانان نیست، بر عکس احادیث و روایات که در آن‌ها اختلافات زیادی است و به تفرقه‌ی مسلمانان منجر شده است، و می‌گویند «فقط قرآن».[۱] برخی از آنان سنت عملی را که مجملات قرآن را بیان می‌کند و به شکل متواتر نقل شده است، قبول دارند، همانند کیفیت نماز، حج و...، نه سنت قولی که در آن فهم اشخاص وارد شده است. وگروهی به سنت قولی باور دارند، نه عملی، و... .[۲]

این نوع نگرش در بیش‌تر جوامع اسلامی، بویژه درمصر، سوریه،

---

۱. نگاه: www.ahl-alquran.com ؛ پایگاه دکتر احمد صبحی منصور مصری. «القرآن و کفی: فقط قرآن» نام کتابش است.

۲. نگاه: www.thekr.net ؛ سایت «ذکر» که دیدگاه‌های مهندس عدنان رفاعی سوری در آن ثبت می‌شود.

و... وجود دارد. مسلمانان شیعه و سنی ایران نیز از آن مستثنی نیستند و هرچند در استان‌های گوناگون سنی‌نشین کسانی هستند که چنین باوری دارند، ولی از نماد یا مرکز خاصی برخوردار نمی‌باشند.

و ـ مولویه:

آنان بخشی از اهل‌سنت‌اند که به جلال‌الدین بلخی رومی ملقب به «مولوی یا مولانا»[۱] احترام خاصی قایل‌اند و جلساتی هفتگی برای خواندن و حفظ اشعار و آثارش دارند، بویژه کتاب ارزشمند «مثنوی معنوی» که یکی از زیباترین و مهم‌ترین کتاب‌های شعر و هنر ادبی پارسی است. این گروه، مولوی را مفسر و شارح قرآن به زبان پارسی می‌دانند، خصوصاً درکتاب مثنوی که در وصف‌اش گفته شده:

مثنوی معنوی مولوی   هست قرآنی به لفظ پهلوی[۲]

بیش‌تر این‌گونه افراد در شهرهای مشهد، تربت جام، تایباد و... یافت می‌شوند.

شایسته‌ی یادآوری است که این گروه با مولویه‌ی مشهور در ترکیه تفاوت دارند، چون آنان سماع و جهر در اذکار را روشی مهم در شناخت حقیقت می‌دانند و حرکاتی موزون با رقص و سماع در جلسات خود دارند، در حالی که اینان چنین حرکات و باورهایی

---

۱. مولوی جلال‌الدین رومی(۶۰۴ـ ۶۷۲هـ ق) شاعر معروف پارسی‌گوی است که چندین اثر ارزشمند به شعر و نثر دارد، مثل مثنوی معنوی، کلیات شمس تبریزی، فیه ما فیه، مجالس سبعه و... (نگاه: دهخدا، لغت نامه، ۱۳۹۹۹۰/۱۳).

۲. شیخ بهایی در وصف مولوی سروده است:

من نمی‌گویم که آن عالی جناب   هست پیغمبر ولی دارد کتاب
مثنوی او چو قرآن مُدِلّ   هادی بعضی و بعضی را مُضِلّ
مثنوی معنوی مولوی   هست قرآنی به لفظ پهلوی

مصرع آخر در برخی منابع به صورت «هست قرآن به زبان پهلوی» ذکر شده است.

ندارند. مولویه‌ی ترکیه در شهرهای تهران، مشهد، اصفهان و... پیروان و طرفدارانی دارند که سالانه در همایش‌هایی که به مناسبت درگذشت مولانا در کنار آرامگاه مولوی در شهر قونیه ـ ترکیه، برگزار می‌شود، شرکت می‌کنند و جلسات مشابهی نیز در شهرهای بزرگ ایران دارند.

بخش دوم

نقش اهل‌سنت در نظام سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور

فصل اول: ارتباط اهل‌سنت با گروه‌ها و مذاهب ایرانی
فصل دوم: نقش اهل‌سنت در نظام سیاسی
فصل سوم: جایگاه فرهنگی و فکری اهل‌سنت
فصل چهارم: نقش اهل‌سنت در اقتصاد کشور
فصل پنجم: آینده‌ی اهل‌سنت ایران؛ فرصت‌ها و عرصه‌ها
فصل ششم: آینده‌ی اهل‌سنت ایران؛ چالش‌ها و موانع

مقدمه:

از لحاظ سیاسی؛ هیچ‌کس از اهل‌سنت نمی‌تواند رئیس جمهور کشور گردد، زیرا در ماده‌ی ۱۱۵ قانون اساسی این ممنوعیت قید شده است:

«رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد:

ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور».[۱]

در ماده‌ی دوازدهم آمده:

«دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثناعشری‌است و این اصل الی‌الابد غیرقابل تغییراست».[۲]

در ماده‌ی ۱۲۱ نیز ذکر شده است:

«من به عنوان رئیس جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم ...».

ولی پیشِ روی اهل‌سنت از لحاظ قانونی، در رسیدن به دیگر پست‌های کلان کشور، حتی رهبری، ریاست مجلس، ریاست قوه‌ی قضائیه، استانداری، وزارت، عضویت و ریاست در شورای نگهبان و... ممنوعیتی نیست. هر چند در عمل تاکنون هیچ کس از اهل‌سنت به این سمت‌ها نرسیده است.

---

۱. قانون اساسی کشور، اصل۱۱۵.
۲. همان، اصل۱۲.

در عرصه‌ی اقتصادی و فرهنگی هم طبق قانون مانعی سر راه اهل‌سنت در رسیدن به بالاترین مراتب وجود ندارد، چون میدان فعالیت مالی و فکری برای همگان فراهم است. اصولی از قانون که این امکان را فراهم می‌کند، نقل می‌شود:[1]

اصل چهل و سوم ـ برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن‌کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، باحفظ آزادگی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱ ـ تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲ ـ تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار در اختیار همه‌ی کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد وگروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۳ ـ تنظیم برنامه‌ی اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا وساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

---

۱. قانون اساسی کشور، اصول ۴۳ تا ۴۸، و ۳، ۴، ۱۹ و ۲۰.

۴ ـ رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری.

۵ ـ منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.

۶ ـ منع اسراف و تبذیر در همه‌ی شؤون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات.

۷ ـ استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.

۸ ـ جلوگیری از سلطه‌ی اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.

۹ ـ تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله‌ی خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

اصل چهل و چهارم ـ نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه‌ی سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.

بخش دولتی شامل کلیه‌ی صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانک‌داری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آب‌رسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتی‌رانی، راه و راه آهن و مانند این‌ها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.

بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا برطبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود.

بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دام‌داری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است.

مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده‌ی قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه‌ی اقتصادی کشور گردد و مایه‌ی زیان جامعه نشود، مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است.

تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.

اصل چهل و پنجم ـ انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رهاشده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نی‌زارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا برطبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل نماید، تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.

اصل چهل و ششم ـ هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ‌کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.

اصل چهل و هفتم ـ مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد، محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند.

اصل چهل و هشتم ـ در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیتِ‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد. به طوری‌که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات‌لازم در دست‌رس داشته باشد.

اصل سوم ـ دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل

به اهداف مذکور در اصل دوم، همه‌ی امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

۱ ـ ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه‌ی مظاهر فساد و تباهی.

۲ ـ بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه‌ی زمینه‌ها با استفاده‌ی صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر.

۳ ـ آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.

٤ ـ تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.

٥ ـ طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.

٦ ـ محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی.

۷ ـ تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.

۸ ـ مشارکت عامه‌ی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.

۹ ـ رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.

۱۰ ـ ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور.

۱۱ ـ تقویت کامل بنیه‌ی دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور.

۱۲ ـ پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.

۱۳ ـ تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند این‌ها.

۱٤ ـ تأمین حقوق همه جانبه‌ی افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.

۱٥ ـ توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه‌ی مردم.

۱٦ ـ تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه‌ی مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان.

اصل چهارم ـ کلیه‌ی قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه‌ی اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر برعهده‌ی فقهای شورای نگهبان است.

اصل نوزدهم ـ مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود.

اصل بیستم ـ همه‌ی افراد ملت اعم از زن و مرد یک‌سان در حمایت قانون قرار دارند و از همه‌ی حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

فصل اول

ارتباط اهل‌سنت با گروه‌ها و مذاهب ایرانی

یک: ارتباط اهل‌سنت با پیروان ادیان موجود در ایران
دو: ارتباط اهل‌سنت با مذاهب اسلامی دیگر
سه: ارتباط اهل‌سنت با احزاب سیاسی
چهار: ارتباط اهل‌سنت با جریانات سکولار، ملی‌گرا و...

مقدمه:

در جامعه‌ی ایران مذاهب و جمعیت‌های زیادی زندگی می‌کنند که گرایش، دین و نگرش‌شان گوناگون است، همانند مسلمان، یهودی[۱]، مسیحی[۲]، زرَتشتی[۳]، صابئی[۴]، سیک[۵]، بهایی[۶]، اهل حق یا علی‌اللهی[۷]، و... . هرکدام از این طیف‌ها دارای شاخه و گرایش‌های درونی دیگری هستند. البته در ایران کسانی نیز وجود دارند که به

۱. به پیروان موسی علیه السلام گویند که کتاب دینی‌شان تورات و تلمود است، امروزه حدود ۱۴/۵ میلیون یهودی در دنیا وجود دارد. (نگاه: جان راسل، هینلز، راهنمای ادیان زنده، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، ۱/ ۶۵ ـ ۶۸).

۲. به پیروان عیسی علیه السلام گفته می‌شود که به اناجیل اربعه اعتقاد دارند و چندین فرقه مانند کاتولیک، ارتودکس، پروتستان، یعقوبی، نسطوری و... در میان‌شان یافت می‌شود. (نگاه: شهرستانی، الملل والنحل، ۲۵/۱ و ...).

۳. نام پیروان زرتشت بن پورشب است که در زمان گشتاسب شاه بن لهراست مردمش را به راه راست رهنمون گردید. برخی از مورخان وی را پیامبر می‌دانند. (نگاه: همان، ۴۴/۲).

۴. صابئین مَندایی تنها فرقه‌ی موجود در دنیا از میان گرایش‌های صابئین است که یحیی علیه السلام را پیامبر خود می‌دانند و به ستارگان و ملائکه احترام خاصی قایل‌اند. اکثر مراسم‌های مذهبی‌شان در آب جاری انجام می‌شود. در عراق، ایران [خوزستان] و... یافت می‌شوند. (مانع جهنی، الموسوعة المیسرة، ۷۱۴/۲).

۵. گروهی از هندوها هستند که در پایان قرن پانزدهم میلادی دین جدیدی را به وجود آوردند که آمیخته‌ای از هندو و اسلام است.(نگاه: جان هینلز، همان، ۵۹۳/۱ و ...).

۶. بهایی برخاسته از شیعیان شیخی است که در سال ۱۲۶۰هـ‍ق به توسط میرزا علی محمد شیرازی به وجود آمد. او مدعی نبوت جدید و نسخ اسلام است. (نگاه: همان، ۱۱۴۴/۲).

۷. فرقه‌ای صوفی است که سلطان اسحاق آن را در قرن هفتم هجری بنا نهاد. به نام‌های یارسان، اهل حق، علوی، نُصَیری و... شهرت دارند. در محبت و شخصیت علی ابن ابی‌طالب رضی الله عنه غلو می‌کنند که به همین سبب در ایران به علی‌اللهی معروف شده‌اند. در استان‌های غربی کشور، و نیز عراق، سوریه، ترکیه و... طرفدار دارند. (نگاه: fa.wikipedia.org).

هیچ مذهب یا دینی باور ندارند. به هر حال اهل‌سنت در استان‌های متعدد خویش با پاره‌ای از این فرقه‌ها و آیین‌ها رو به رو هستند و هم‌زیستی دارند.

یک: ارتباط اهل‌سنت با پیروان ادیان ایرانی

در ایران پیروان برخی از ادیان مذکور در قرآن کریم سکونت دارند: یهودیان، مسیحیان، صابئین و مجوس. و نیز ادیانی هستند که در آن ذکر نشده‌اند، مانند بهائیت، سیک و... . اما طبق قانون اساسی در ماده‌ی سیزدهم فقط سه تا از این‌ها در ایران معتبرند: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند».[۱]

در اصل دیگری درباره‌ی نمایندگی‌شان در مجلس شورای اسلامی آمده: «زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی[۲] مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی[۳] جنوب و شمال هرکدام یک نماینده انتخاب می‌کنند».[۴]

بر اساس سرشماری رسمی در سال ۱۳۹۰ش، تعداد مسیحیان به

---

۱. قانون اساسی کشور، اصل ۱۳.

۲. آشوری و کلدانی از فرقه‌های مسیحیان کاتولیک و پروتستان است که در ایران زندگی می‌کنند و گروهی هم ارتودکس می‌باشند. در شهرهای تهران، ارومیه، اصفهان، و... پیرو دارند. این نام به سبب انتساب به نیاکان پیشین‌شان که پس از نابودی دولت‌های آشوری و کلدانی به این سرزمین مهاجرت کردند، بر آنان اطلاق می‌شود. (نگاه: mazaheb-adyan.blogfa.com).

۳. کسانی که از ارمنستان به ایران مهاجرت کردند و در میان‌شان گرایش‌های سه‌گانه‌ی مسیحیت وجود دارد.

۴. قانون اساسی کشور، اصل ۶۴.

۱۱۷۷۰۴ نفر، زرتشتیان به ۲۵۲۷۱ نفر، یهودیان به ۸۷۵٦ نفر، پیروان سایر ادیان به ٤۹۱۰۱ نفر و کسانی که دین خود را اعلام نکرده‌اند، تعدادشان به ۲٦۵۸۹۹ نفر رسیده است.[۱]

در استان‌های سنی‌مذهب، پراکندگی پیروان ادیان بدین‌گونه است:

در استان‌های جنوبی؛ بویژه بندرعباس، بهائیان، مسیحیان و زرتشتیان وجود دارند و در خوزستان، بخصوص اهواز صابئین زندگی می‌کنند.

در استان‌های شرقی؛ در بلوچستان و در شهر زاهدان اقلیتی از سیک زندگی می‌کنند. بهائیان در زاهدان و سراوان سکونت دارند.

در خراسان رضوی، در مشهد مسیحیت، زرتشتی و بهائی سکونت دارند. در شهرهای تربت جام و بیرجند اقلیتی از بهائیت وجود دارد.

در استان‌های غربی؛ بویژه در شهر ارومیه مسیحیان آشوری و کلدانی ونیز پیروان زرتشتی و بهائی زندگی می‌کنند. در کرمانشاه هم این اقلیت‌ها وجود دارند.

در استان‌های مرکزی؛ مانند تهران و اصفهان دارای مدرسه و کلیسا می‌باشند.

طبق سرشماری دولتی در سال ۱۳۹۰ش[۲]، تعداد غیرمسلمانان در پنج استان که در آن‌ها اهل‌سنت بسیاری سکونت دارند، بدین‌گونه بوده است:

۱. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۱۲۷.
۲. همان، ۱۲۸.

استان	مسیحی	زرتشتی	یهودی	سایرین	اظهار نشده
آذربایجان غربی	۶۹۴۰	۵۹۰	۳۲	۹۰۰	۸۰۷۲
بلوچستان	۴۱۱۷	۶۶۸	۳۵	۶۷۳	۷۵۴۶
کردستان	۱۴۹۷	۲۸۸	۳۷	۱۳۴	۲۷۹۳
گلستان	۹۱۸	۱۲۴	۸	۱۲۱۰	۷۴۸۹
هرمزگان	۲۰۸۱	۲۶۴	۴	۲۴۱	۶۶۱۱

روابط اهل‌سنت با آنان برگرفته از قرآن کریم و سنت نبوی، و نیز مواد قانون اساسی است که احترام به ایشان و پاسداری از جان، مال، دین، شخصیت و آموزه‌هایشان را واجب می‌گرداند. به برخی از آیات اشاره می‌شود:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱلَّذِينَ هَادُواْ وَٱلنَّصَٰرَىٰ وَٱلصَّٰبِـِٔينَ مَنْ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْأٓخِرِ وَعَمِلَ صَٰلِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾[1] **(به یقین آنان که ایمان آوردند، و آنان که یهودی شدند و نصارا و صابئین، هرکه به خدا و روز واپسین ایمان آورد و کار نیکو کند، پس برای‌شان پاداشی نزد خدای‌شان است، نه ترسی بر آنان است و نه ایشان اندوهگین می‌گردند).**

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱلَّذِينَ هَادُواْ وَٱلصَّٰبِـِٔينَ وَٱلنَّصَٰرَىٰ وَٱلْمَجُوسَ وَٱلَّذِينَ أَشْرَكُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدٌ ﴿١٧﴾﴾[2] **(به یقین آنان که ایمان آوردند و کسانی که یهودی شدند و نصارا و مجوس و کسانی که شرک ورزیدند، قطعاً خدا در میان‌شان روز قیامت جدایی می‌افکند. به راستی خدا بر هر خواسته‌ای گواه است).**

۱. حجرات/ ۹و۱۰.
۲. حج/ ۱۷.

در این دو آیه، ملاک رستگاری و دوری از ترس و اندوه، ایمان به خدا و روز واپسین و کار شایسته است، خواه فرد یهودی و مسیحی باشد خواه مسلمان و صابئی.

﴿لَّيْسَ بِأَمَانِيِّكُمْ وَلَآ أَمَانِيِّ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ ۗ مَن يَعْمَلْ سُوٓءًا يُجْزَ بِهِۦ وَلَا يَجِدْ لَهُۥ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٢٣﴾ وَمَن يَعْمَلْ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُو۟لَٰٓئِكَ يَدْخُلُونَ ٱلْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا ﴿١٢٤﴾ وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَٱتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَٰهِيمَ حَنِيفًا ۗ وَٱتَّخَذَ ٱللَّهُ إِبْرَٰهِيمَ خَلِيلًا ﴿١٢٥﴾﴾[1] **(به آرزوی شما و آرزوی اهل کتاب نیست. هر که کار بدی انجام دهد، به آن جزا داده می‌شود و جز خدا یار و مددکاری برای خود نمی‌یابد. و هر کس، مرد یا زن در حالی که مؤمن است، از کارهای شایسته کاری انجام دهد، اینان به بهشت درآیند و به کم‌ترین میزانی ستم نمی‌بینند.و چه کسی نیک آیین‌تر است از کسی که نیکوکارانه روی خویشتن به سوی خدا نهاد و از آیین ابراهیم که پاک دین بود، پیروی کرد. و خداوند ابراهیم را دوست گرفت).**

یعنی ادعا و نام و انتساب، مبنای رستگاری و موفقیت نیست؛ هر که بدی کند، مکافاتش را می‌بیند و هر کس نیکی نماید، به بهشت درآید. احسان، اسلام و پیروی از آیین ابراهیم علیه‌السلام عامل دوستی نزد خداست.

﴿قُلْ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ تَعَالَوْا۟ إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَآءٍۭ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا ٱللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِۦ شَيْـًٔا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّن دُونِ ٱللَّهِ ۚ فَإِن تَوَلَّوْا۟ فَقُولُوا۟ ٱشْهَدُوا۟ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٦٤﴾﴾[2] **(بگو: ای اهل کتاب،**

---

۱. نساء/ ۱۲۳-۱۲۵.
۲. آل عمران/ ۶۴.

به سوی سخنی مشترک در میان ما و میان شما درآیید که جز خدا را نپرستیم و به او چیزی را شرک نورزیم و برخی از ما برخی را به جای خدا صاحب و ارباب خود نگیرد. پس اگر روی برتافتند، بگو شاهد باشید که ما مسلمان هستیم).

سخن مشترک و مشترکات دینی، ایمانی و انسانی فراوان میان مسلمانان و مسیحیان می‌تواند آنان را به هم نزدیک کند و اسباب هم‌بستگی‌شان را فراهم کرده و درگیری و کشمکش را از ایشان بزداید.

﴿لَيْسُواْ سَوَآءً مِّنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ أُمَّةٌ قَآئِمَةٌ يَتْلُونَ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ ءَانَآءَ ٱلَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ ﴿١١٣﴾ يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ وَيُسَٰرِعُونَ فِى ٱلْخَيْرَٰتِ وَأُوْلَٰٓئِكَ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿١١٤﴾ وَمَا يَفْعَلُواْ مِنْ خَيْرٍ فَلَن يُكْفَرُوهُ وَٱللَّهُ عَلِيمٌۢ بِٱلْمُتَّقِينَ ﴿١١٥﴾﴾[1] **(برابر نیستند؛ از اهل کتاب گروهی راست‌کردارند که آیات خدا را در اوقات شب سجده‌کنان می‌خوانند. به خدا و روز قیامت ایمان دارند و به کار شایسته فرمان می‌دهند و از کار ناشایست باز می‌دارند و در نیکی‌ها می‌شتابند و آنان از شایستگان‌اند. هر کار نیکی که انجام دهند، هرگز در آن باره ناسپاسی نبینند و خداوند به تقواپیشگان بسی داناست).**

به انصاف قرآن و واقع‌نگری آن بنگر که هم‌زمان بدی‌ها و خوبی‌های اهل کتاب را می‌گوید و عیوب و امتیازات‌شان را در کنار هم یادآوری می‌کند. هر کار نیکی که انجام دهند، هرگز در آن باره ناسپاسی نبینند. پس مسلمان نه آنان را به طور کلی مردود می‌داند و نه کاملا تأیید می‌کند. برخی از ایشان فاسد و برخی صالح‌اند.

﴿لَّا يَنْهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ لَمْ يُقَٰتِلُوكُمْ فِى ٱلدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم

---

۱. آل عمران/ ۱۱۳- ۱۱۵.

مِّن دِيَٰرِكُمۡ أَن تَبَرُّوهُمۡ وَتُقۡسِطُوٓاْ إِلَيۡهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُقۡسِطِينَ ۝٨ إِنَّمَا يَنۡهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ قَٰتَلُوكُمۡ فِي ٱلدِّينِ وَأَخۡرَجُوكُم مِّن دِيَٰرِكُمۡ وَظَٰهَرُواْ عَلَىٰٓ إِخۡرَاجِكُمۡ أَن تَوَلَّوۡهُمۡۚ وَمَن يَتَوَلَّهُمۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ۝٩﴾[1] **(خداوند شما را از کسانی که با شما در دین نجنگیده‌اند و شما را از خانه‌های‌تان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که به آنان نیکی کنید و در حق آنان به داد رفتار کنید. بی‌گمان خداوند دادگران را دوست دارد. تنها شما را از کسانی که در دین با شما جنگیده‌اند و شما را از خانه‌های‌تان بیرون کرده‌اند و بر اخراج‌تان پشتیبانی کرده‌اند، باز می‌دارد از آن‌که آنان را دوست بدارید. و کسانی که آنان را دوست بدارند، آنان‌اند که ستم‌کارند).**

نیکی، عدالت و قسط به نامسلمانانِ بی‌طرف یک ضرورت قرآنی است. و امروزه چه فراوان‌اند کسانی‌که با مسلمانان نجنگیده‌اند، ایشان را از سرزمین‌های‌شان آواره نکرده‌اند و در آوارگی آنان نیز همکاری ننموده‌اند!

﴿وَلَا تُجَٰدِلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ إِلَّا بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ إِلَّا ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنۡهُمۡۖ وَقُولُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱلَّذِيٓ أُنزِلَ إِلَيۡنَا وَأُنزِلَ إِلَيۡكُمۡ وَإِلَٰهُنَا وَإِلَٰهُكُمۡ وَٰحِدٞ وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ ۝٤٦﴾[2] **(و با اهل کتاب جز به آن‌چه بهتر است، مجادله نکنید. مگر با کسانی از ایشان که ستم کردند و بگویید به آن‌چه بر ما فروفرستاده شده و آن‌چه بر شما فروفرستاده شده، ایمان آورده‌ایم و معبود ما و معبود شما یکی است و ما فرمان‌بردار اوییم).**

حتی مجادله هم باید به بهترین روش باشد و بر مشترکات تأکید شود.

در نتیجه، در عمل هم اهل‌سنت حقوق این اقلیت‌ها را رعایت کرده و تا کنون به گزارشی دست نیافتم که دشمنی یا جنگ یا درگیری

۱. ممتحنه/ ۸و۹.
۲. عنکبوت/ ۴۶.

اهل‌سنت با پیروان ادیان موجود در ایران را به اثبات برساند.

دو: ارتباط اهل‌سنت با مذاهب اسلامی دیگر

شیعیان اثناعشری در ایران اکثریت داشته و بیش‌تر مسلمانان پیرو این مذهب می‌باشند. جمعیت آنان در حدود ۸۰٪ تخمین زده می‌شود. البته فرقه‌های دیگر شیعه نیز در ایران سکونت دارند، مانند اسماعیلی[۱]، شیخی[۲]، صوفیان نعمت‌اللهی[۳]، صوفیان گنابادی[۴]، زیدی[۵] و... .[۶]

---

۱. کسانی که به امامت اسماعیل پس از پدرش جعفر صادق رضی‌الله‌عنه باور دارند، اما بعد از وفاتش به دو گروه تقسیم شدند: برخی به ختم امامت پس از اسماعیل باور داشتند و گروهی به انتقال آن به محمد پسر اسماعیل. برخی گفتند اسماعیل مرده است و گروهی به پنهان شدنش اعتقاد پیدا کردند. به آنان باطنیه هم می‌گویند، زیرا به امامان مخفی و غیر علنی باور دارند. (نگاه: شهرستانی، الملل والنحل، ۱۹۱/۱).

۲. گروهی که به شیخ احمد بن زین‌الدین احسایی بحرینی(۱۱۶۶ـ ۱۲۴۳هـ) منسوب‌اند. وی در شهرهای مهم شیعه مثل کربلا، مشهد و... به تدریس اشتغال داشت و افکارش را رواج داد و پیروانی دور خودش جمع کرد و بعدها حرکات دیگری همانند بابیه و بهائیه از میان‌شان به وجود آمدند. (نگاه: غالب بن علی عواجی، فرق معاصرة تنتسب الی الاسلام و بیان موقف الاسلام منها، ۳۵۵/۱). (این کتاب را نیافتم و از المکتبة الشاملة نقل کردم).

۳. این گروه به سیدنورالدین شاه‌نعمت‌الله‌ولی منسوب‌اند که به سال ۷۳۱هـ‍ـق در حَلَب سوریه به دنیا آمد و در کرمان ایران به سال ۸۳۳هـ‍ـق درگذشت. او از صوفیان معروف است که در اروپا و آمریکا هنوز هم پیروانی دارد. آرامگاهش هم اکنون در شهر کرمان است.(نگاه: akhlagh.porsemani.ir)

۴. فرقه‌ی گنابادی از شاخه‌های صوفیه‌ی نعمت‌اللهی است که به علت پاره‌ای اختلافات به وجود آمد.(همان).

۵. آنان پیروان زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب می‌باشند که به امامت اولاد فاطمه باور دارند و آن را در غیر این خاندان جایز نمی‌دانند. هر چند می‌گویند هر فرد فاطمی، عالم، شجاع و سخاوتمندی که قیام کند، می‌تواند امام باشد. (نگاه: شهرستانی، همان، ۱۵۴/۱).

۶. نگاه: www.porseman.org و نیز: www.mazaheb-adyan.blogfa.com

بنا بر این روابط اهل‌سنت با آنان بر پایه‌ی مبانی مشترک فراوان، مصلحت جمعی و نقاط تلاقی زیاد است، همانند کتاب مشترک، پیامبر مشترک، قبله‌ی مشترک، و اهداف مشترک بسیار. و از آن‌جا که آنان مسلمان‌اند، پس احترام مسلمان بر هر مسلمان دیگر واجب است. این برگرفته از آیات و احادیث فراوانی است که به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَن يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَـًٔا ۚ وَمَن قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَـًٔا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُّسَلَّمَةٌ إِلَىٰٓ أَهْلِهِۦٓ إِلَّآ أَن يَصَّدَّقُوا۟ ۚ فَإِن كَانَ مِن قَوْمٍ عَدُوٍّ لَّكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ ۖ وَإِن كَانَ مِن قَوْمٍۭ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَـٰقٌ فَدِيَةٌ مُّسَلَّمَةٌ إِلَىٰٓ أَهْلِهِۦ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ ۖ فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ ٱللَّهِ ۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٩٢﴾﴾[1] **(و مؤمنی را نسزد که مؤمنی را بکشد، مگر آن‌که به خطا باشد. و کسی که مؤمنی را از روی خطا به قتل رساند، باید برده‌ای مؤمن را آزاد سازد، و به خانواده‌ی او خون‌بهایی پرداخت کند. مگر آن‌که گذشت کنند، پس اگر از قومی باشد که با شما دشمن‌اند و او مؤمن باشد، پس باید برده‌ای مؤمن را آزاد کند. و اگر از قومی باشد که بین شما و آنان عهدی در میان است باید خون‌بهایی به خانواده‌ی او پرداخت کند و برده‌ای مؤمن را آزاد کند. هر کس که نیافت، پس روزه‌ی دو ماه پیاپی است. برای پذیرش توبه از جانب خداوند، و خداوند دانای فرزانه است).**

﴿مِنْ أَجْلِ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ أَنَّهُۥ مَن قَتَلَ نَفْسًۢا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِى ٱلْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ ٱلنَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَآ أَحْيَا ٱلنَّاسَ جَمِيعًا ۚ وَلَقَدْ جَآءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِٱلْبَيِّنَـٰتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم

۱. نساء/ ۹۲.

بَعۡدَ ذَٰلِكَ فِي ٱلۡأَرۡضِ لَمُسۡرِفُونَ﴾[۱] (به همین سبب بر خاندان اسرائیل مقرّر داشتیم که هر کس، فردی را به ناحق یا به سبب فسادی در زمین بکشد، چنان است که گویی همه‌ی مردم را کشته است و هر کس، آن را زنده گرداند، چنان است که گویی همه‌ی مردم را زنده داشته است و بی‌گمان فرستادگان ما نشانه‌های روشن برای‌شان آوردند. آن‌گاه، بسیاری از آنان در زمین زیاده‌روی می‌کنند).

﴿وَإِن طَآئِفَتَانِ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٱقۡتَتَلُواْ فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَهُمَاۖ فَإِنۢ بَغَتۡ إِحۡدَىٰهُمَا عَلَى ٱلۡأُخۡرَىٰ فَقَٰتِلُواْ ٱلَّتِي تَبۡغِي حَتَّىٰ تَفِيٓءَ إِلَىٰٓ أَمۡرِ ٱللَّهِۚ فَإِن فَآءَتۡ فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَهُمَا بِٱلۡعَدۡلِ وَأَقۡسِطُوٓاْۖ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُقۡسِطِينَ ۝٩ إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ إِخۡوَةٞ فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَ أَخَوَيۡكُمۡۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ ۝١٠﴾[۲] (و اگر دو گروه از مؤمنان پیکار کنند، بین آن دو گروه آشتی برقرار کنید، و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کرد، با گروهی که تجاوزگر است تا هنگامی که به حکم خدا برگردد، بجنگید. پس اگر برگشت، به طور برابر بین آن دو گروه آشتی برقرار کنید و حق هر کس را به او بدهید. بی‌گمان خداوند دادگران را دوست دارد. جز این نیست که مؤمنان برادرند. پس بین دو برادر خود سازش دهید و تقوای الهی پیشه سازید، تا شاید مشمول رحمت قرار گیرید).

رسول‌الله ﷺ فرمود: «كُلّ المسلم على المسلم حرامٌ مالُه، وعِرضُه، و دَمُه، حسبُ امرئٍ من الشر أن يَحقِرَ أخاه المسلم».[۳] (همه چیز یک مسلمان بر مسلمان حرام است؛ مالش، ناموسش وخونش، همین قدر بدی برای شخص بس است که برادر مسلمانش را کوچک شمارد).

---

۱. مائده/ ۳۲.
۲. حجرات/ ۹و۱۰.
۳. ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی (۲۷۵هـ /۸۸۷م)، السنن، تعلیق: ناصرالدین آلبانی، کتاب الأدب(۴۰)، باب الغیبة(۴۰)، حدیث:۴۸۸۲، ۷۳۲.

«لایَرحَمُ الله من لایَرحَمُ الناسَ».[1] **(خدا رحم نمی‌کند بر کسی که بر مردم رحم نکند).**

«تَرَی المؤمنین في تَراحُمِهم وتَوادِّهم وتعاطُفِهم، کمثل الجسد، إذا اشتکی عضواً تداعی له سائرُ جسدِه بالسَهَر والحُمّی». **(مؤمنان را در ترحم، دوستی و مهربانیِ نسبت به هم، مانند بدن می‌بینی؛ هرگاه عضوی را به ناله آورد، دیگر اندام‌هایش با بیدارخوابی و تب و درد با او همراهی می‌کنند).**

«لاتحاسَدوا، ولاتناجَشوا، ولاتباغَضوا، ولاتدابَروا، ولایَبع بعضُکم علی بیع بعض، وکونوا عبادَالله إخواناً، المسلم أخوالمسلم، لایَظلمُه ولایَخذُلُه، ولایحقِرُه، التقوی هاهنا» ویشیر إلی صدره ثلاث مرات «بحسب امرئ من الشر أن یحقر أخاه المسلم، کل المسلم علی المسلم حرام؛ دمه، وماله، وعرضه».[2] **(به یک‌دیگر حسد نورزید، در معاملات برای فریب مشتری، مزایده‌ی صوری راه نیندازید، به هم کینه نداشته باشید، به یک‌دیگر پشت نکنید، روی معامله‌ی کسی معامله نکنید، برادروار بندگان خدا باشید، مسلمان برادر مسلمان است؛ بر او ستم نمی‌کند، او را خوار نمی‌گرداند و او را کوچک نمی‌شمارد، تقوا این جاست، [سه مرتبه به سینه‌اش اشاره کرد]، همین اندازه بدی بس است که فرد، برادر مسلمانش را کوچک شمارد، همه چیز یک مسلمان بر مسلمان حرام است؛ خونش، مالش و ناموس و شخصیت‌اش).**

قابل ذکر است که در تمام استان‌های سنی‌نشین، شیعیان اثناعشری به نسبت‌های زیاد یا کم زندگی می‌کنند. و بسا هیچ استانی از وجود

---

۱. همان، الأدب (۷۸)، رحمة الناس والبهائم(۲۷)، ح: ۶۰۱۱، ۴۰/۱۲.
۲. مسلم بن حجاج نیشابوری، الجامع الصحیح، البر والصلة والآداب (۴۵)، تحریم ظلم المسلم(۱۰)، حدیث: ۲۵۶۴، ۳۶۳/۸.

اهل‌سنت خالی نباشد که با عناوین دانشجو، کارمند، کارگر و... سکونت دارند. ولی ثبت و ضبط آمارشان دشوار است، چون مرکز یا مسجد ندارند. بنا بر این روابط سنی و شیعه اغلب بر اساس اسلام و قرآن و احترام متقابل است. هر چند نمی‌توان روابط ناشایستی را که گاهی در مناطقی رخ می‌دهد، انکار کرد و بسا ریشه‌اش مذهب نباشد، و صرفاً برخی از مشکلات نژادی، قومی، محلی و سیاسی باعث شده باشد که معمولا در مناسبت‌های خاصی مثل انتخابات یا ارتکاب جنایت از یک سو بر طرف مقابل یا هنگام سخت‌گیری گروهی بر گروه دیگر پدیدار شود، که پس از آن مذهب عاملی برای دخالت و توجیه اختلافات یا سپری برای پوشاندن تقصیرات می‌گردد.

سه: ارتباط اهل‌سنت با احزاب سیاسی

احزاب سیاسی در ایران به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان، و هرکدام گرایش‌ها و شاخه‌هایی دارند که در مبانی و نگرش‌ها تفاوت چندانی ندارند. بزرگ‌ترین احزاب اصلاح‌طلب در دو دهه‌ی اخیر عبارت‌اند از: حزب مشارکت، اعتماد ملی، کارگزاران سازندگی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، حزب هم‌بستگی و...، و اصول‌گرایان مشهور هم در احزاب زیر خلاصه می‌شوند: جامعه‌ی روحانیت مبارز، جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، حزب مؤتلفه، گروه‌های جبهه‌ی پیروان خط امام و رهبری، و... .

بیش‌ترین بروز احزاب ایرانی و فعالیت‌شان در ایام انتخابات و مناسبت‌های ملی و سیاسی است و در دیگر فصول سال کنش چندانی از آنان به چشم نمی‌خورد.

از آن‌جا که گرایش‌های سیاسی اهل‌سنت مختلف است و افکار گوناگونی در امور اجتماعی و سیاسی دارند، مشارکت و همراهی آنان با احزاب متفاوت است؛ برخی با اصول‌گرایان ائتلاف می‌کنند و گروهی با اصلاح‌طلبان. ولی مشارکت و همکاری با توجه به شرایط و امکانات و میزان همراهی حزب یا کاندیدا و مقدار تمایلش به اهل‌سنت و درصد عمل به گفتار فرق می‌کند. در مجموع همکاری اصلاح‌طلبان با اهل‌سنت در سال‌های گذشته بویژه در ایام انتخابات بیش از دیگر احزاب بوده است. بخصوص زمانی که به خواسته‌های اهل‌سنت توجه کرده و برای رفع مشکلات و موانع پیش روی ایشان قول داده باشند.

اهل‌سنت حزب سیاسی خاصی ندارند که تنها به کنشگری سیاسی بپردازد یا در همه‌ی استان‌ها و شهرهای سنی‌نشین فعال باشد، در نتیجه تصمیمات سیاسی و تعیین موضع‌گیری‌ها در اختیار علما و سیاستمداران و شخصیت‌های بارز هر منطقه است که در مواقع لزوم اعلام می‌شود. اهل‌سنت با هیچ حزبی پیمان برادری و ابدی ندارند؛ هر کس بیش‌تر به آنان توجه کند و برای اجرای حقوق و مطالبات‌شان تعهد دهد و پیمان نشکند، مستحق یاری و تأیید است.

چهار: ارتباط اهل‌سنت با جریانات سکولار، ملی‌گرا و...

در ایران جمعیت‌هایی یافت می‌شوند که اساس‌کارشان دین یا مذهب نیست، چون برای اولویت‌های دیگری مثل سکولاریسم، ملی‌گرایی، نژادگرایی و... فعالیت می‌کنند و برخی فقط در امور سیاسی به عرصه‌ی عمل آمده‌اند. این نوع نگرش‌ها در تمام استان‌های ایران

و از جمله مناطق سنی‌نشین وجود دارد. در نتیجه روابط اهل‌سنت با آنان برگرفته از مبانی و اصول دینی‌شان است که به احسان و مدارا با بشریت مأمور شده‌اند، بویژه هم‌وطنان و کسانی که به قانون و مقررات کشور احترام قایل هستند و از خشونت و آشوب بیزارند. در مباحث پیشین آیات و احادیثی ذکر شد که ما را به نیکی، گذشت و مهربانی با همگان فرمان می‌داد. هر چند با این نوع نگرش‌ها در اصول و مبانی عقیدتی، اختلاف‌نظر داریم، اما در امور زیادی اشتراک داریم که خودش مهم‌ترین دلیل برای تسامح و تساهل است.

فصل دوم:

نقش اهل‌سنت در نظام سیاسی

یک: نقش اهل‌سنت در شوراها، مجالس و مجامع عالی
(مجلس خبرگان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، شورای عالی امنیت ملی، شورای عالی انقلاب فرهنگی)

دو: نقش اهل‌سنت در قوای مقننه، قضائیه و مجریه

یک: نقش اهل‌سنت در شوراها، مجالس و مجامع عالی

(مجلس خبرگان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، شورای عالی امنیت ملی، شورای عالی انقلاب فرهنگی)

الف ـ رهبری و مجلس خبرگان:

قانون اساسی کشور رسیدن اهل‌سنت را به مقام رهبری ممنوع نکرده است، چون قید مذهب در شرایط تعیین رهبری وجود ندارد: «اصل یکصد و نهم ـ شرایط و صفات رهبر:

۱ ـ صلاحیت علمی لازم برای افتا در ابواب مختلف فقه.

۲ ـ عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام.

۳ ـ بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری.

در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی‌تر باشد، مقدم است.[۱]

اصل یکصد و هفتم ـ پس از مرجع عالی‌قدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی «قدس سره‌الشریف» که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر به عهده‌ی خبرگان منتخب مردم است. خبرگان رهبری درباره‌ی همه‌ی فقهای واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم بررسی و مشورت می‌کنند، هرگاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصد

۱. قانون اساسی کشور، اصل۱۰۹.

و نهم تشخیص دهند، او را به رهبری انتخاب می‌کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می‌نمایند. رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه‌ی مسؤولیت‌های ناشی از آن را برعهده خواهد داشت.

رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.[۱]

«اصل پنجم ـ در زمان غیبت حضرت ولی‌عصر «عجل‌الله تعالی فرجه» در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت برعهده‌ی فقیه عادل و باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد».[۲]

هر چند قانون اساسی به اهل‌سنت اجازه‌ی رسیدن به مقام رهبری را می‌دهد، ولی در عالم واقع این امر بسیار بعید است، چون اکثریت مطلق ملت ایران و هم‌چنین اعضای مجلس خبرگان در حال حاضر از شیعیان اثناعشری هستند، و طبیعی است که رهبری هم از آنان خواهد بود.

هم‌چنین طبق این مواد و اصول، اهل‌سنت از عضویت در مجلس خبرگان که با رأی مردم انتخاب می‌شوند، محروم نبوده‌اند. در عمل هم سه نفر از اهل‌سنت در مجلس قبلی خبرگان عضویت داشتند: مولوی نذیراحمد سلامی[۳]، ماموستا عبدالرحمن خدایی[۴] و ماموستا حسام‌الدین مجتهدی[۵].

---

۱. همان، اصل ۱۰۷.
۲. همان، اصل ۵.
۳. اسم اصلی‌اش علی احمد سلامی است که در دانشگاه مذاهب اسلامی تهران به تدریس اشتغال دارد و در پاکستان نزد مفتی محمد شفیع و محمد تقی عثمانی کسب علم کرده است. هم اکنون نماینده‌ی استان سیستان و بلوچستان در مجلس خبرگان رهبری است. (نگاه: www.majlesekhobregan.ir ؛ سایت رسمی مجلس خبرگان).
۴. نماینده‌ی استان کردستان در مجلس خبرگان رهبری و امام جمعه‌ی شهر بانه بود. در مدارس دینی و حجره‌های منطقه تدریس دارد.(نگاه: همان).
۵. امام جمعه‌ی شهر سنندج و نماینده‌ی استان کردستان در مجلس خبرگان ←

در انتخابات اخیر خبرگان که اسفندماه ۱۳۹٤هـ ش. برگزار شد مولوی نذیر احمد سلامی از سیستان و بلوچستان، و ماموستا فایق رستمی[۱] از کردستان به مجلس خبرگان راه یافته‌اند. آرای نفر دوم کردستان یعنی ماموستا انور آدمی هنوز تأیید نشده است.

ب ـ مجمع تشخیص مصلحت نظام:

در قانون اساسی کشور آمده است: «مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه‌ی مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام، نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است، به دستور رهبری تشکیل می‌شود. اعضای ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید.

مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضا تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید».[۲]

در حال حاضر هیچ‌کس از اهل‌سنت در این مجمع عضو نیست.

ج ـ شورای نگهبان قانون اساسی:

«به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آن‌ها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود:

رهبری و از علما و مدرسان استان بود. در آغاز سال ۹۳ درگذشت.

۱. فایق رستمی فرزند عبدالقادر متولد ۱۳۲۷ش در مریوان است. او دارای چهل سال پیشینه‌ی تدریس و فعالیت مذهبی در این استان است. کتاب‌های توضیح المسائل بالآیات والأحادیث، فضیلت مکه و مدینه، و... از آثار اوست. (نگاه: همان).

۲. قانون اساسی کشور، اصل ۱۱۲.

۱ ـ شش نفر از فقهای عادل وآگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز، انتخاب این عده با مقام رهبری است.

۲ ـ شش نفر حقوقدان، در رشته‌های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله‌ی رئیس قوه‌ی قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شوند و با رأی مجلس انتخاب می‌گردند.

شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی را بر عهده دارد».[۱]

کسی از اهل‌سنت در این شورا عضو نیست.

د ـ شورای عالی امنیت ملی:

به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس جمهور، با وظایف زیر تشکیل می‌گردد.

۱ ـ تعیین سیاست‌های دفاعی ـ امنیتی کشور در محدوده‌ی سیاست‌های کلی تعیین‌شده از طرف مقام رهبری.

۲ ـ هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی ـ امنیتی.

۳ ـ بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی.

اعضای شورا عبارت‌اند از:

رؤسای قوای سه‌گانه رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح مسؤول امور برنامه و بودجه دو نماینده به انتخاب مقام رهبری وزرای امور خارجه، کشور، اطلاعات حسب مورد وزیر مربوط و عالی‌ترین

۱. همان، ۹۱ و ۹۹.

مقام ارتش و سپاه شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود، شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل می‌دهد. ریاست هریک از شوراهای فرعی با رئیس جمهور یا یکی از اعضای شورای عالی است که از طرف رئیس جمهور تعیین می‌شود.

حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانون معین می‌کند و تشکیلات آن‌ها به تصویب شورای عالی می‌رسد.

مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجرا است.[۱]

عضویت اهل‌سنت در این شورا نیز همانند مجالس پیشین است.

هـ ـ شورای عالی انقلاب فرهنگی:

این شورا در آغاز «کمیته‌ی انقلاب فرهنگی» نام داشت که به فرمان رهبر انقلاب در سال ۱۳۵۹ش تأسیس شد تا بر اجرای دستاوردهای انقلاب اسلامی و داده‌هایش در دانشگاه‌ها نظارت کند. پس از مدتی، این نگرش کامل شد و به «شورای عالی انقلاب فرهنگی» تغییر نام پیدا کرد. در سال ۱۳٦۳ش برای چندین هدف این شورا تشکیل و تکمیل شد، از جمله: گزینش اساتید و معلمان، برنامه‌ریزی کامل برای آموزش عالی، نظارت بر فعالیت‌های آموزشی دانشگاه‌ها و مراکز عالی علمی، و... .[۲]

در این شورا هم کسی از اهل‌سنت تاکنون عضو نبوده است.

دو: نقش اهل‌سنت در قوای مقننه، قضائیه و مجریه

۱. همان، اصل ۱۷۶.

۲. نگاه: www.sccr.ir و نیز: www.fa.wikipedia.org.

الف ـ قوه‌ی مقننه:

در قانون اساسی در این باره گفته شده است: «اعمال قوه‌ی مقننه از طریق مجلس شورای‌اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می‌آید برای اجرا به قوه‌ی مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد».[1]

«مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌گردد. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد».[2]

بر اساس اعلام منابع رسمی[3] تعداد نمایندگان در مجلس شورای اسلامی قبلی ۲۸۶ نفر بوده است. بیش‌ترین نمایندگان از استان تهران بودند(۳۵ عضو)، پس از آن آذربایجان شرقی و اصفهان با ۱۹ عضو، و بعد از آن‌ها خراسان رضوی، خوزستان و فارس هرکدام ۱۸ عضو داشتند. کم‌ترین تعداد از آن البرز، ایلام، قم و کهکیلویه و بویراحمد بوده است(هرکدام با ۳ عضو). سهم استان‌های سنی‌نشین بدین‌گونه بود:

۱. قانون اساسی کشور، اصل۵۸.
۲. همان، اصل۶۲.
۳. نگاه: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۹۷۹.

استان	کل نمایندگان	نمایندگان اهل‌سنت و شهرهای‌شان
آذربایجان غربی	۱۲	۵ نفراز ارومیه، مهاباد، سردشت، پیرانشهر، بوکان، اشنویه و نقده
خراسان رضوی	۱۸	۱نفر از خواف
سیستان و بلوچستان	۸	۵ نفر از زاهدان، سراوان، خاش، چابهار، ایرانشهر و...
کردستان	٦	٦ نفر از سنندج، مریوان، سقز، بانه، قروه و...
کرمانشاه	۸	۱ نفر از پاوه، جوانرود و...
گلستان	۷	۱ نفراز گنبد کاووس و...
هرمزگان	۵	۱ نفر از بندرلنگه، بستک و...

بیست نماینده‌ی اهل‌سنت در مجلس دهم عبارت‌اند از:

آذربایجان غربی: عبدالکریم حسین زاده ـ نقده و اشنویه. جلال محمود زاده ـ مهاباد. محمد قسیم عثمانی ـ بوکان. رسول خضری ـ پیرانشهر و سردشت.

خراسان رضوی: جلیل رحیمی جهان آبادی ـ باخرز، تایباد و تربت جام. محمود نگهبان ـ خواف و رشتخوار.

سیستان و بلوچستان: علیم یارمحمدی ـ زاهدان. محمد باسط درازهی ـ سراوان. علی کُرد ـ خاش و میر جاوه. عبدالغفور ایران نژاد ـ چابهار، نیک شهر، کنارک و قصرقند. نعیم امینی فرد ـ ایرانشهر.

کردستان: محسن بیگلری ـ سقز و بانه. سید احسن علوی و سید مهدی فرشادان ـ سنندج دیواندره و کامیاران. علی محمد مرادی ـ

قروه و دهگلان. منصور مرادی ـ مریوان.

کرمانشاه: شهاب نادری ـ پاوه و جوانرود.

گلستان: شهرام کوسه غراوی ـ مینودشت، کلاله و مراوه تپه. رامین نورقلی‌پور ـ کردکوی، بندر ترکمن و بندرگز. قرجه طیار ـ گنبد کاووس.

بر پایه‌ی دو اصل ۵۸ و۶۲ قانون اساسی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی از سوی ملت انتخاب می‌شوند. و از آن‌جا که اهل‌سنت در حوزه‌های انتخابیه‌ی بسیاری اکثریت دارند، کسانی از آنان توانسته‌اند در این مناطق کاندیدا شده و بر اکثریت آرا دست یابند. میانگین تعداد اهل‌سنت در مجالس مختلف شورای اسلامی ۲۰ نفر بوده است که می‌توانند با ترکیب جمعیتی فعلی به ۲۵ و حتی ۳۰ عضو برسند، به شرطی که انتخابات سالم برگزار شده و اهل‌سنت بتوانند با ائتلاف و تبلیغات درست و روشن فعالیت کنند. در مجلس کنونی ۲۰ عضو سنی‌مذهب حضور دارند و شورایی به نام «مجمع نمایندگان اهل‌سنت» تشکیل داده‌اند. طبق قوانین داخلی مجلس، رئیس با اکثریت آرا برگزیده می‌شود. در نتیجه یک نماینده‌ی سنی طبق این قانون می‌تواند به سمت ریاست مجلس برسد. گرچه در واقعیت کنونی این امر بعید است، چون اغلبیت با تشیع است.

ب ـ قوه‌ی قضائیه(دستگاه قضایی):

قوه‌ی قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسؤول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

۱ ـ رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم

درآن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می‌کند.

۲ ـ احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع.

۳ ـ نظارت بر حسن اجرای قوانین.

٤ ـ کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام.

۵ ـ اقدام مناسب برای پیش‌گیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

به منظور انجام مسؤولیت‌های قوه قضائیه در کلیه‌ی امور قضایی و اداری و اجرایی، مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه‌ی قضائیه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه‌ی قضائیه است.

وظایف رئیس قوه‌ی قضائیه به شرح زیر است:

۱ ـ ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسؤولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و ششم.

۲- تهیه‌ی لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی.

۳ ـ استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آن‌ها و تغییرمحل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند این‌ها از امور اداری، طبق قانون.[۱]

تا کنون کسی از اهل‌سنت در مناصب عالی قضایی سهمی نداشته است. و تنها در برخی موارد افراد معدودی به عنوان قاضی تعیین شده‌اند.

ج ـ قوه‌ی مجریه:

۱. رئیس جمهور، وزیران و سفیران:

همان‌گونه که پیش‌ترگفته شد، هیچ‌کس از اهل‌سنت نمی‌تواند رئیس جمهور باشد:

۱. قانون اساسی کشور، اصول ۱۵۶ تا ۱۵۸.

«رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی وسیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد:

ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت وتقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور».[۱]

و در اصلِ زیر، مذهب رسمی چنین معرفی شده ا ست: «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری‌است و این اصل الی‌الابد غیرقابل تغییر است».[۲]

هم‌چنین در این اصل که حاوی سوگند ریاست جمهوری است:

«... من به عنوان رئیس جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و...».[۳]

و نیز در اصول بعدی که جایگاه و مدت زمان این مقام را بیان می‌کند:

«پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسؤولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه‌ی مجریه را جز در اموری که مستقیما به رهبری مربوط می‌شود، برعهده دارد».[۴]

«رئیس‌جمهور برای مدت چهارسال با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی‌تنها برای یک دوره بلامانع است».[۵]

---

۱. قانون اساسی کشور، اصل۱۱۵.
۲. همان، اصل۱۲.
۳. همان، اصل ۱۲۱.
۴. همان، اصل۱۱۳.
۵. همان، اصل ۱۱۴.

انتخاب وزیران و سفیران با رئیس جمهور است:

«وزرا توسط رئیس جمهور تعیین و برای‌گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند با تغییر مجلس، گرفتن رأی اعتماد جدید برای وزرا لازم نیست. تعداد وزیران و حدود اختیارات هر یک از آنان را قانون معین می‌کند».[1] «سفیران به پیشنهاد وزیر امور خارجه و تصویب رئیس جمهور تعیین می‌شوند. رئیس جمهور استوارنامه‌ی سفیران را امضا می‌کند و استوارنامه‌ی سفیران کشورهای دیگر را می‌پذیرد».[2] هر چند در قانون، ممنوعیتی برای تعیین وزیر یا سفیر سنی‌مذهب وجود ندارد، به شرطی‌که رئیس او را برگزیند و مجلس با آن مخالفت نکند. ولی تا کنون هیچ‌کدام از رؤسای جمهور، وزیر یا سفیری از اهل‌سنت تعیین نکرده‌اند. رئیسان پس از انقلاب اسلامی به ترتیب زیر بوده‌اند:[3]

رئیس	آغاز دوره	دوره	مدت ریاست
ابوالحسن بنی‌صدر	سال۱۳۵۸ش	اولین	۵٤٥(روز)
محمد علی رجایی	۱۳٦۰ش	دومین	٦٨
سیدعلی خامنه‌ای	۱۳٦۰ش	سومین	١٤٣٠
سیدعلی خامنه‌ای	۱۳٦٤ش	چهارمین	١٤٣٠
اکبر رفسنجانی	۱۳٦٨ش	پنجمین	١٤٣٠
اکبر رفسنجانی	۱۳۷۲ش	ششمین	١٤٦٠

۱. همان، اصل۱۳۳.
۲. همان، اصل۱۲۸.
۳. نگاه: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۹۷۲.

سیدمحمد خاتمی	۱۳۷۶ش	هفتمین	۱٤٦٠
سیدمحمد خاتمی	۱۳۸۰ش	هشتمین	۱٤٦٠
محمود احمدی نژاد	۱۳۸٤ش	نهمین	۱٤٦٠
محمود احمدی نژاد	۱۳۸۸ش	دهمین	۱٤٦٠
حسن روحانی	۱۳۹۲ش	یازدهمین	۰۰۰ (کنونی)

در آغاز انقلاب، نخست وزیر دولت موقت، مهدی بازرگان بود. (۲۷۵روز)

تعیین استانداران، فرمانداران، بخشداران، و بسیاری از مدیران کل و رؤسای سازمان‌ها از مسؤولیت‌های رئیس جمهور، وزیران و همکاران آنان است. اما در مطلب چهارم به این نکته پرداخته خواهد شد که آیا کسی از اهل‌سنت در این عرصه نقش دارد یا خیر؟

۲. استانداران، فرمانداران، بخشداران، نیروهای مسلح و رؤسای ادارات:

در قانون اساسی آمده است: «استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آن‌ها هستند».[1]

هیچ‌کس از اهل‌سنت تا کنون به عنوان استاندار برگزیده نشده است.

ولی برخی از فرمانداران همواره از اهل‌سنت بوده‌اند، بویژه در بلوچستان، کردستان و آذربایجان غربی، و اخیرا گلستان، و نیز عده‌ای از بخشداران و معاونان، و رؤسای ادارات. البته تعدادشان اندک است.

۱. همان، اصل۱۰۳.

در اکثر ادارات این مناطق، کارمند سنی‌مذهب یافت می‌شود.

برخی از اهل‌سنت در رده‌های پایین نیروی انتظامی، ارتش و بسیج عضویت دارند، ولی در حد اطلاع من در سپاه پاسداران کسی عضویت نیافته است.

۳. اعضای شوراهای شهر و روستا:

برای پیش‌برد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم باتوجه به مقتضیات محلی، اداره‌ی امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند.

شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه‌ی انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله مراتب آن‌ها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد، قانون معین می‌کند.

به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه‌ی برنامه‌های عمرانی و رفاهی استان‌ها و نظارت بر اجرای هماهنگ آن‌ها، شورای عالی استان‌ها مرکب از نمایندگان شوراهای استان‌ها تشکیل می‌شود.

نحوه‌ی تشکیل و وظایف این شورا را قانون معین می‌کند.[۱]

عضویت در این شوراها امری طبیعی در تمام استان‌های سنی‌نشین است، زیرا بسیاری از آنان توانسته‌اند بر اکثریت آرا دست یابند، بویژه

۱. قانون اساسی کشور، اصول ۱۰۰ و ۱۰۱.

در شهرهایی که جمعیت‌شان غالب است. و از این کانال انتخاب شهردار، دهیار و پست‌هایی از این قبیل به عهده‌ی آنان بوده است.

طبق ماده‌ی هفتم قانون شوراهای اسلامی شهر و روستا، تعداد اعضای شوراها به ترتیب زیر است:[1]

جمعیت از ـ تا	اعضای اصلی	اعضای علی‌البدل
۰۰ ـ ۲۰ هزار	۵	۲
۲۰ ـ ۵۰ هزار	۷	۳
۵۰ ـ ۱۰۰ هزار	۹	٤
۱۰۰ ـ ۲۰۰ هزار	۱۱	۵
۲۰۰ ـ ۵۰۰ هزار	۱۳	٦
۵۰۰ هزار ـ یک میلیون	۱۵	۷
۱ ـ ۲ میلیون	۲۱	۸
بیش از دو میلیون	۲۵	۱۰
تهران	۳۱	۱۲

۱. نگاه: www.shora-gc.ir (پایگاه رسمی شورای نگهبان).

فصل سوم

جایگاه فرهنگی و فکری اهل‌سنت

یک: مراکز علمی و فرهنگی

دو: تولیدات فرهنگی و فکری

مقدمه:

آن‌چه در بخش نخست کتاب(فصل دوم وسوم) در رابطه با مراکز دینی و فرهنگی گفته شد، همانند مدارس دینی، انجمن‌های خیریه، مساجد، انتشاراتی‌ها، مجلات و ماهنامه‌ها، جریانات فکری و جنبش‌های سیاسی و مذهبی، می‌تواند در این فصل نیز به عنوان مراکز مهم علمی، سرچشمه‌های فرهنگی و منابع فکری اهل‌سنت ذکر شود، چون نقش بزرگی در فرهنگ و اندیشه آنان دارند و غالب زندگی فرهنگی و مذهبی مردمان سنی‌مذهب از این اماکن سرچشمه می‌گیرد. در حقیقت بیش‌تر فعالیت‌های فرهنگی و دینی از مدارس دینی و مساجد و نیز جنبش‌ها و جریانات فکری نشأت گرفته است. وقتی اهل‌سنت بیش از ۵۰۰ مدرسه‌ی دینی، ۴۲۰۰۰ طلبه، ۳۰۰۰ مدرس دینی، یا حدود ۱۰۰ انجمن خیریه، ۱۵۰۰۰ مسجد، ۲۰ انتشاراتی، یا حدود ۱۰ جنبش و حرکت فکری و سیاسی دارند، پس بی‌گمان این‌ها سهم عمده‌ای در ترویج فرهنگ و دانش در میان پیروان برعهده دارند.

قابل ذکر است که این ارقام هرچند نسبت به معیارهای آموزشی و فرهنگی جهان معاصر، بویژه اروپا و آمریکا، بسیار ناچیز است، ولی خدا را به خاطر وجودشان سپاس می‌گزاریم و خواهان افزایش آن‌ها هستیم. خصوصاً اگر همت مردم و موافقت مسؤولان هماهنگ شود.

بنا بر این برای پرهیز از تکرار و دوری از اطاله‌ی کلام، این مراکز دوباره ذکر نمی‌شود و به جای آن از مراکز و اماکن دیگری نام برده خواهد شد که نقش سازنده‌ای در فرهنگ و اندیشه‌ی اهل‌سنت دارند.

یک: مراکز علمی و فرهنگی

الف ـ دانشگاه‌ها:

اهل‌سنت در ایران هیچ دانشگاه دولتی اختصاصی و مستقل ندارند، ولی از تعدادی دانشکده‌ی مخصوص بهره می‌برند، همانند گروه فقه شافعی در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران که ویژه‌ی اهل‌سنت راه‌اندازی شده و اساتید و اکثریت قاطع دانشجویانش سنی‌مذهب می‌باشند و مقاطع سه‌گانه‌ی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا در آن دایر است. هم‌چنین فقه حنفی و شافعی کرسی‌هایی در دانشگاه مذاهب اسلامی تابع مجمع جهانی تقریب مذاهب دارند که اساتید و دانشجویانش از اهل‌سنت حنفی و شافعی می‌باشند، ولی بیش‌تر شعبه‌هایش تا مرحله‌ی لیسانس است. فقه شافعی در دانشگاه کردستان ـ سنندج نیز گروه دارد. دانشگاه مذاهب اسلامی در شهرهای بندرعباس و زاهدان برای پیروان شافعی و حنفی دانشکده دارد. این مراکز علمی و اساتید و دانشجویان‌شان با کتب، مقالات، تحقیقات و کنفرانس‌های خویش، سهم مهمی در فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی دارند.

البته نباید دانشجویان فراوان اهل‌سنت در دیگر دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور را فراموش کرد که در رشته‌های گوناگون درسی و آموزشی به تحصیل اشتغال دارند. هم‌چنین اساتید بزرگواری که در این نوع دانشگاه‌ها به تدریس و پژوهش مشغول‌اند. زیرا نقش علمی و فرهنگی آنان در جامعه‌ی اهل‌سنت بر کسی پوشیده نیست.

بر اساس آمارهای رسمی تعداد کل دانشجویان، اعم از شیعه و سنی و ...، در دانشگاه‌های کشور در سال تحصیلی ۱۳۹۱ـ ۱۳۹۰ش

حدود ٤/٥ میلیون نفر بوده است. ٣٦/٦٪ از آنان در دانشگاه آزاد و بقیه در دانشگاه‌های دولتی تحصیل می‌کرده‌اند. ٢٣/١٪ در پیش‌دانشگاهی، ٦٥/٥٪ در مقطع لیسانس، ٩/١٪ در مقطع فوق لیسانس و ٢/٣٪ در مقطع دکترا به تحصیل اشتغال داشته‌اند.[1]

ب ـ کتاب‌خانه‌های عمومی:

اهل‌سنت در تمام استان‌ها کتاب‌خانه‌هایی، بویژه در مساجد و مدارس دینی و مراکز قرآنی دارند و هیچ حوزه‌ی علمیه یا مرکز دینی و قرآنی از کتاب‌خانه‌ی عمومی تهی نیست. بسیاری از مساجد هم کتاب‌خانه‌هایی هر چند کوچک دارند. بزرگ‌ترین کتاب‌خانه‌ی اهل‌سنت در مسجد مکی و حوزه‌ی علمیه‌ی دارالعلوم است که بالغ بر ٤٠٠٠٠ کتاب در آن جای گرفته است. حوزه‌های علمیه‌ی خاش، سراوان، ایرانشهر، چابهار و ... نیز کتاب‌خانه‌های خوبی دارند.

در مجموع بزرگ‌ترین کتاب‌خانه‌ها تابع مدارس دینی است، بویژه در استان‌های شرقی و جنوبی. مهم‌ترین کتاب‌خانه‌ها در جنوب، کتاب‌خانه‌ی مدارس دینی در بندرعباس، بندرلنگه، بستک، اوز، خنج و ... است که البته اکثر کتاب‌هایشان به زبان عربی است و مورد استفاده‌ی طلاب علوم دینی قرار می‌گیرد. در استان‌های خراسان، گلستان، آذربایجان، کردستان و کرمانشاه نیز به همین منوال است و مساجد و مراکز دینی کتاب‌خانه دارند. هم‌چنین کتاب‌خانه‌های حوزه‌های علمیه احناف خواف و دارالعلوم خیرآباد تایباد از غنای خوبی برخوردارند.

کتاب‌خانه‌هایی نیز در برخی شهرها وجود دارد که مستقل از مدارس دینی و حوزه‌های علمیه و یا مساجد است، مثل کتاب‌خانه‌ی

---

۱. نگاه: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۶۶۹.

نصر در تربت جام ـ خراسان رضوی، کتاب‌خانه‌ی شرفایی در شهر جناح ـ هرمزگان، و... .

این کتاب‌خانه‌ها غیر از کتاب‌خانه‌های عمومی دولتی است که اغلب توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا شهرداری‌ها و سازمان تبلیغات اسلامی راه‌اندازی شده است و مخصوص یک مذهب خاص نیست و عموم علاقه‌مندان از آن استفاده می‌کنند. طبق آمار رسمی در سال ۱۳۹۰ش کل کتاب‌خانه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۲۸۰۴ مورد بوده است.[1]

ج ـ مراکز قرآنی و مکتب‌خانه‌ها:

مراکز قرآنی و مکتب‌خانه‌های موجود در تمام شهرها و روستاهای اهل‌سنت، نقش مهمی در تربیت دینی و فرهنگی کودکان برعهده دارند، زیرا آموزش قرآن و مقدمات علوم اسلامی از مکتب‌ها آغاز می‌شود. شیوه‌های تدریس در این اماکن متفاوت است: برخی سنتی‌اند که معلم یا مربی در محلی می‌نشیند وکودکان با سطوح مختلف و برای آموختن دروس گوناگون پیرامونش حلقه می‌زنند. پاره‌ای نیز تا حدودی پیشرفته‌اند که بین مقاطع و سنین دانش‌آموزان تفاوت گذاشته و برای هر سال تحصیلی کتاب و جزوات خاصی تدارک می‌بینند و از امکانات نوین آموزشی برای انتقال بهتر دانش بهره می‌برند.

معمولا اهل‌سنت از تعطیلات تابستان برای آموزش کودکان خویش استفاده می‌کنند. هرچند در برخی مناطق این امر در دیگر فصول انجام می‌گیرد. اختصاص کمیته‌های ویژه در مدارس دینی و حوزه‌های علمیه برای امور قرآنی در مناطق جنوبی و بلوچستان نقش مهمی در موفقیت این‌گونه کلاس‌ها داشته است. در سایر مناطق این

۱. نگاه: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۷۵۶.

امر ضعیف‌تر است. مدیریت مکتب‌خانه‌ها بیش‌تر با مدارس دینی، امامان مساجد و برخی از نیروهای داوطلب و طلاب است.

دو: تولیدات فرهنگی و فکری

الف ـ تألیفِ و ترجمه‌ی کتاب:

بیش‌ترین فعالیت اهل‌سنت در این زمینه، ترجمه است و تألیفات‌شان اندک است. بیش‌تر ترجمه‌ها هم از زبان عربی است، به چندین دلیل، از جمله:

۱. کتاب‌های عربی به علت اشتراک در مذهب، دربردارنده‌ی خواسته‌ها و دیدگاه‌های اهل‌سنت هستند.

۲. ضعف فرهنگ تألیف و تولید فکری.

۳. کاهش اعتماد به نفس.

٤. مشغولیت علما و شخصیت‌های بارز و توانا به امور اجرایی و اجتماعی ضروری‌تر.

٥. وجود اولویت‌های دیگر.

٦. ... .

آن‌گونه که در بخش نخست و فصل دوم گفته شد، اهل‌سنت حدود ۲۰ انتشاراتی دارند و این‌ها از آغاز تأسیس تاکنون حدود ٤۰۰۰ عنوان کتاب تألیفی و ترجمه‌ای از پژوهشگران ونویسندگان چاپ کرده‌اند. این البته غیر از کتاب‌های اندکی است که مؤلفان و مترجمان اهل‌سنت توانسته‌اند در انتشاراتی‌های عمومی یا شیعه به چاپ برسانند.

شایسته‌ی یادآوری است که طبق سرشماری رسمی[1] عناوین

۱. نگاه: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۷۸۰.

کتاب‌های چاپ شده در ایران در یک سال(۱۳۹۰ش) به عدد ٦١٧٢٤ عنوان در ۱۷۳۵۹۲۰۰۰ جلد رسیده است. کمبود عناوین کتاب‌های اهل‌سنت در طول سالیان دراز و پیشینه‌ی چند ساله‌ی ناشرین آنان، جای بسی تأمل دارد! البته نباید فراموش کرد که اکثریت قریب به اتفاق کتاب‌های اهل‌سنت در ایران، در زمینه‌های مذهبی و فرهنگی، وگاهی ملی و منطقه‌ای است، در حالی که عناوین کتاب‌های کشوری، شامل همه‌ی زمینه‌هاست، همانند دینی، سیاسی، درسی، ملی، ورزشی، کمک آموزشی، و... . ولی به هر حال این یک نقص در میان اهل‌سنت است که باید برطرف شود.

بر اساس آمارهای رسمی[1] ، در کل کشور در سال ۱۳۹۰ش، ٤٦٣١٣ جلد کتاب تألیف و ٢٢٤٥٩ جلد ترجمه شده است. سهم نخست در باب تألیف و ترجمه از آن تهران با ٥١٦٦٤ جلد است، پس از آن قم (۷۸۹۲ج) و خراسان رضوی (۳۱۱۳ج) قرار دارند. کم‌ترین سهم از آن بوشهر است با ٥ جلد و قبل از آن خراسان جنوبی با ١٦جلد. سهم استان‌های سنی‌نشین این چنین است:

استان	تعداد تألیف	تعداد ترجمه
آذربایجان غربی	۸۸	۳۳
بلوچستان	٤١	۱۰
کردستان	٦٧	۳۹
گلستان	۷۹	٤٤
هرمزگان	۱۷	۳

۱. نگاه: همان.

ب ـ مقالات:

اهل‌سنت در نگارش مقالات علمی در مجلات و ماهنامه‌های رسمی و جهانی یا ایجاد نشریه‌ها و مجلات علمی، نقش چندانی ندارند. همان دلایلی که در بحث تألیف و ترجمه گفته شد، و افزون بر آن، در این‌جاَ هم تأثیرگذار بوده است:

۱. ضعف فرهنگ تألیف و تولید.
۲. کمبود اعتماد به نفس.
۳. مشغولیت دانشمندان و شخصیت‌های توانا و سرآمد در امور اجرایی و اجتماعی ضروری‌تر.
٤. وجود اولویت‌های دیگر.
٥. بی‌توجهی به اهمیت این‌گونه مقالات و نقش بارز آن‌ها در ارزش‌یابی علمی و ارزیابی شخصی.
٦. نداشتن مجلات علمی مخصوص اهل‌سنت.
۷. بدبینی به مجلات علمی و گمان وجود تبعیض در انتخاب مقالات.

با این وجود، همواره کسانی از اهل‌سنت بوده‌اند که در مجلات علمی داخلی و خارجی قلم علمی و پژوهشی خویش را نشان داده‌اند و در زمینه‌های ریاضی، نجوم، پزشکی، فیزیک، شیمی، کامپیوتر و... مقالاتی ارزشمند به چاپ رسانده‌اند. ولی اندک بودن این‌گونه افراد و نیز فرامذهبی بودن مقالات و یا ارتباط نداشتن به مسائل خاص اهل‌سنت از ویژگی‌های این نوع پژوهش‌ها و تحقیقات است.

اکثر مقالات اهل‌سنت در پایگاه‌های الکترونیکی یا مجلات و نشریات داخلی مدارس دینی یا دیگر مراکز مذهبی به چاپ می‌رسد که ضعف علمی و شاخصه‌ی پژوهشی استاندارد از مهم‌ترین نقاط ضعف آن‌هاست.

ج ـ همایش‌ها:

اهل‌سنت تا کنون همایش‌های علمی و تحقیقی خاصی را برگزار نکرده‌اند که از استانداردهای جهانی و دانشگاهی برخوردار باشد، ولی گردهمایی‌هایی سالانه و اندکی دارند که در برخی مناطق به پا می‌شود و می‌توان با مقداری چشم‌پوشی از ضعف‌های علمی و تکنیکی‌شان، آن‌ها را مطلوب دانست. بیش‌تر این‌گونه مجالس و همایش‌های مذهبی در مدارس دینی و مساجد مهم برگزار می‌شود و معمولا در رمضان یا هنگام فارغ‌التحصیلی طلاب و دانشجویان است. مهم‌ترین و بزرگ‌ترین همایش مذهبی اهل‌سنت ایران جشن پایان سال تحصیلی در دارالعلوم مکی زاهدان است که به نام «ختم بخاری» شهرت یافته است و به طور معمول دو یا چند روز با حضور حدودا یکصد هزار نفر ادامه می‌یابد.(نگاه: پیوست شماره‌ی ۳۵).

جلساتی از این قبیل در سایر مدارس دینی بلوچستان، خراسان‌ها، گلستان، و نیز استان‌های غربی و جنوبی برگزار می‌شود. گاهی نیز همایش‌هایی جهت بزرگ‌داشت شخصیت‌های مذهبی و قومی برگزار می‌شود، همانند همایش امام شافعی در بندرعباس، مولوی عبدالعزیز ملازاده[۱] در زاهدان، استاد هه‌ژار[۲] و ملاجامی[۳] در کردستانات و...

۱. مولوی عبدالعزیز ملازاده متولد ۱۲۹۵هـ‌ش در بلوچستان است که به سال ۱۳۶۶هـ‌ش دار فانی را وداع گفت. وی از علما و شخصیت‌های بارز اهل‌سنت در عصر حاضر است که خدمات فراوانی از او به یادگار مانده است، همانند تأسیس دارالعلوم مکی، تربیت عالمان برجسته و... .

۲. عبدالرحمان شرفکندی (۱۳۰۰ ـ ۱۳۶۱هـ.ش) ملقب به هه‌ژار از نویسندگان، مترجمان و شاعران مشهور کردستان بوده است. کتاب قانون ابن سینا را از عربی به فارسی و نیز رباعیات خیام را از فارسی به کردی ترجمه کرد. وی کتاب‌های زیادی به فارسی و کردی دارد.

۳. ملاجامی چوری بن ملاعبدالکریم بن ابوبکر مصنف از علمای مریوان و ←

. در گنبدکاووس سالانه همایشی ملی و جهانی برای بزرگداشت شاعر معروف و ترکمن اهل‌سنت، مختوم‌قلی فراغی[۱] ، با حضور شخصیت‌ها و هنرمندان داخلی و خارجی برگزار می‌شود.(نگاه: پیوست شماره‌ی۳۶).

البته همایش‌های دیگری نیز در مناطق اهل‌سنت، بویژه در استان‌های غربی برگزار می‌شود که بیش‌تر در زمینه‌های غیرمذهبی است و متخصصانی در رشته‌های علوم پایه در آن به ارائه‌ی مقاله و دیدگاه می‌پردازند.

د ـ تولیدات الکترونیکی و فرهنگی:

بیش‌تر تولیدات الکترونیکی اهل‌سنت بر روی لوح‌های فشرده و دیگر فایل‌های نرم‌افزاری گنجانده شده و عموماً سخنرانی علما و شخصیت‌ها، یا سرودهای اسلامی است که در مجالس دینی و قرآنی ثبت و ضبط شده است و اکثر آن‌ها از کیفیت پایین، نقص علمی، کمبود کمی و کیفی رنج می‌برد. البته سرودهای ملی و نژادی نیز یافت می‌شود که بیانگر آداب و باورهای قومی است، همانند تولیدات کردی، بلوچی، ترکمنی، فارسی و... . در مباحث پیشین برخی از پایگاه‌ها و سایت‌های اهل‌سنت نام برده شد که مقالات و سخنان علما، پژوهشگران، دانشجویان وطلاب را منتشر می‌کنند.

اهل‌سنت در تولید فیلم‌های سینمایی یا مستند و ... در داخل

مهاباد در آذربایجان غربی بوده که در اوایل قرن ۱۲ هـ‍ـش می‌زیسته است. وی از مدرسان تراز اول مسجد جامع سرخ در مهاباد بوده است. آرامگاه وی هم اکنون در یکی از میادین اصلی شهر مهاباد است.

۱. مختوم یا مخدوم‌قلی فراغی(۱۱۴۶ـ ۱۲۰۵هـ /۱۷۳۱ـ ۱۷۸۸م)، شاعر معروف ترکمن که دیوانی به نام خودش از او به چاپ رسیده است. (نگاه: نورقلیچ فداکار، نقد وتحلیل آثار واحوال مخدوم‌قلی فراغی، ۶).

کشور نقشی ندارند، مگر چند نفر از هنرمندان و کارگردانانی که با توانایی و استعداد فردی خود توانسته‌اند سهمی اندک در تولید این‌گونه محصولات داشته باشند، همانند بهمن قبادی[1] و... . در بین هنرپیشه‌ها نیز تعداد اهل‌سنت یافت می‌شود. ولی این تولیدات به مسائل مذهبی ارتباطی ندارند و بیش‌تر از زاویه‌ی ملی و فرهنگی یا اجتماعی و سیاسی به سراغ موضوعات رفته‌اند.

۱. متولد ۱۳۴۸ش در کردستان- بانه است، فیلم‌های سینمایی‌اش شهرت جهانی پیدا کرده و در برخی جشنواره‌های بین‌المللی به جوایزی دست یافته است. همانند فیلم‌های زمانی برای مستی اسب‌ها، زندگی در مه، آوازهای سرزمین مادری‌ام، لاک‌پشت‌ها هم پرواز می‌کنند، و... .

فصل چهارم

اهل‌سنت و اقتصاد کشور

یک: اهل‌سنت وکشاورزی
دو: اهل‌سنت و تجارت و صنعت
سه: اهل‌سنت و دام‌پروری
چهار: اهل‌سنت و دیگر مشاغل

مقدمه:

در باب اقتصاد در قانون اساسی کشور ذکر شده است:

برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادگی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱ ـ تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲ ـ تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار در اختیار همه‌ی کسانی که قادر به‌کارند، ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد وگروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۳ ـ تنظیم برنامه‌ی اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

۴ ـ رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری.

۵ ـ منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.

٦ ـ منع اسراف و تبذیر در همه‌ی شؤون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات.

۷ ـ استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.

۸ ـ جلوگیری از سلطه‌ی اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.

۹ ـ تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله‌ی خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه‌ی سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.

بخش دولتی شامل کلیه‌ی صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانک‌داری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آب‌رسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتی‌رانی، راه و راه آهن و مانند این‌ها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.

بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود.

بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دام‌داری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است.

مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده‌ی قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد

و توسعه‌ی اقتصادی کشور گردد و مایه‌ی زیان جامعه نشود، مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است.

تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.

انفال و ثروت های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رهاشده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نی‌زارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل نماید، تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.

هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ‌کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.

مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند.

در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد. به طوری‌که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات‌لازم در دسترس داشته باشد.[1]

پس طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی، اهل‌سنت از آزادی کامل اقتصادی بهره‌مندند و در عمل هم نقش مهمی در اقتصاد کشور

۱. قانون اساسی کشور، اصول ۴۳ تا ۴۸.

دارند و با فعالیت و شغل خویش در توسعه‌ی اقتصادی و رشد کشور سهیم هستند. در ادامه به مهم‌ترین عرصه‌های اقتصادی اهل‌سنت اشاره می‌شود.

یک: اهل‌سنت و کشاورزی

پیشینه‌ی کشاورزی به قدمت حضور انسان بر روی زمین می‌رسد، زیرا نیازهای گوناگون بشری را فراهم می‌کند. در قرآن کریم نیز آیات متعددی در این باره وجود دارد:

الف ـ آیات:

﴿وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَأَخۡرَجۡنَا بِهِۦ نَبَاتَ كُلِّ شَيۡءٍ فَأَخۡرَجۡنَا مِنۡهُ خَضِرًا نُّخۡرِجُ مِنۡهُ حَبًّا مُّتَرَاكِبًا وَمِنَ ٱلنَّخۡلِ مِن طَلۡعِهَا قِنۡوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّٰتٍ مِّنۡ أَعۡنَابٍ وَٱلزَّيۡتُونَ وَٱلرُّمَّانَ مُشۡتَبِهًا وَغَيۡرَ مُتَشَٰبِهٍۗ ٱنظُرُوٓاْ إِلَىٰ ثَمَرِهِۦٓ إِذَآ أَثۡمَرَ وَيَنۡعِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكُمۡ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ٩٩﴾[1] **(و اوست کسی که از آسمان آبی فرو فرستاد. آن‌گاه بدان هرگونه روییدنی بیرون آوردیم. سپس از آن سبزه برآوردیم، که از آن دانه‌ای بر هم نشسته بیرون می‌آوریم و از شکوفه‌های درختان خرما خوشه‌هایی در دست‌رس است و باغ‌هایی از درختان انگور و زیتون و انار، همانند و ناهمانند. به میوه‌ی آن چون به بار نشاند و به رسیدنش بنگرید. بی‌شک در این برای گروهی که ایمان دارند، نشانه‌هایی است).**

﴿وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَنشَأَ جَنَّٰتٖ مَّعۡرُوشَٰتٖ وَغَيۡرَ مَعۡرُوشَٰتٖ وَٱلنَّخۡلَ وَٱلزَّرۡعَ مُخۡتَلِفًا أُكُلُهُۥ وَٱلزَّيۡتُونَ وَٱلرُّمَّانَ مُتَشَٰبِهٗا وَغَيۡرَ مُتَشَٰبِهٖۚ كُلُواْ مِن ثَمَرِهِۦٓ إِذَآ أَثۡمَرَ وَءَاتُواْ حَقَّهُۥ يَوۡمَ حَصَادِهِۦۖ وَلَا تُسۡرِفُوٓاْۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُسۡرِفِينَ ١٤١﴾[2] **(و اوست کسی که باغ‌هایی استوار بر پایه و غیر استوار بر پایه**

---

۱. انعام/ ۹۹.
۲. انعام/ ۱۴۱.

و درختان خرما و زراعت را که میوه‌های هر یک گوناگون‌اند و زیتون و انار را، همگون و ناهمگون پدید آورد. پس از میوه‌های آن چون به بار نشاند، بخورید و به روز درویدنش حق آن را بدهید. و اسراف مکنید. بی‌گمان او اسراف‌کنندگان را دوست ندارد).

﴿وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ ۝١٠﴾[1] (و به راستی شما را در زمین استقرار دادیم و در آن برای شما زیست‌مایه‌ها پدید آوردیم، اندکی سپاس می‌گزارید).

﴿وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝٣ وَفِي الْأَرْضِ قِطَعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَغَيْرُ صِنْوَانٍ يُسْقَىٰ بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفَضِّلُ بَعْضَهَا عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۝٤﴾[2] (و او کسی است که زمین را بگستراند و در آن لنگرگاه‌ها و رودهایی قرار داد و در آن از هر نوع میوه زوجی دوگانه آفرید، شب را به روز می‌پوشاند. در این برای گروهی که اندیشه می‌کنند، نشانه‌هایی است. و در زمین قطعه‌هایی به هم‌پیوسته و باغ‌هایی از درختان انگور و کشتزار وجود دارد. و درختان خرمای هم‌ریشه و ناهم‌ریشه که از یک آب آبیاری می‌شوند، و در میوه‌ها برخی از آن را بر برخی برتری داده‌ایم. بی‌گمان در این برای گروهی که خرد می‌ورزند، نشانه‌هایی است).

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلْكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

---

۱. اعراف/ ۱۰.
۲. رعد/ ۳و۴.

(٤٦)[1] **(و از نشانه‌های او آن است که بادها را مژده‌آورانی می‌فرستد و تا از رحمت خود به شما بچشاند و تا کشتی‌ها به فرمان او روان گردند و تا از فضل او بجویید و باشد که شکرگزارید).**

بنا بر این انسان وظیفه دارد روی زمین بگردد و تلاش کند تا اماکن رزق خویش را بیابد و با استفاده از تجربه و دانش، هر روز بهتر از گذشته آن را به تسخیر خود درآورد. به تعبیر قرآن محل معیشت انسان روی زمین است «وجعلنا لکم فیها معایش» و او خلیفه‌ی خدا و نسل‌های پیش از خود است تا به عمران و آبادانی این کره‌ی خاکی بپردازد. و روشن است که کشاورزی یکی از سودمندترین و بهترین منابع روزی بشر است.

ب ـ احادیث:

«ما من مسلم يَغرِسُ غَرساً، أو يَزرَعُ زرعاً، فيأكل منه طيرٌ أو إنسان أو بهيمةٌ، إلا كان له به صدقة».[2] **(هر مسلمانی که نهالی فرو کند، یا گیاهی بکارد، و از آن پرنده، یا انسان یا حیوانی بخورد، برایش به سبب آن صدقه‌ای است).**

«إن قامت على أحدِكم القيامة، وفي يده فَسيلَةٌ فليَغرِسها».[3] **(اگر قیامت روی کسی از شما بر پا شد و در دستش نهالی بود، حتماً آن را بکارد).**

اهل‌سنت همانند دیگر هم‌وطنان ایرانی به خوبی درک می‌کنند که کشاورزی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه در جوامع بشری امروزی

---

۱. روم/ ۴۶.

۲. ابن حجرعسقلانی، فتح الباری، کتاب المزارعة(۴۱)، باب فضل الزرع والغرس إذا أكل منه(۱)، ح: ۲۳۲۰، ۲۰۳/۵.

۳. ابوعبدالله احمد بن محمد بن حنبل شیبانی(۲۴۱هـ)، المسند، محقق: احمد معبد عبدالکریم، مسند المکثرین من الصحابة(۵)، مسند انس بن مالک(۷)، ح: ۱۲۹۰۲، ۲۶۸۸/۵.

است، بویژه اگر از لحاظ تکنولوژی و صنعتی پیشرفته باشد و از امکانات نوین بهره ببرد. ولی در عمل اینان برای رسیدن به خواسته‌ها، مطالبات و آرزوهای خود توانایی ندارند، که این امر عوامل فراوانی دارد، از این قبیلِ:

- ✓ محیط خشک و نیمه‌خشک موجود در اکثر استان‌های سنی‌نشین.
- ✓ نداشتن امکانات پیشرفته در اکثر استان‌ها.
- ✓ نگرش سنتی یا دیدگاه اشتباه حاکم بر بسیاری از کشاورزان.
- ✓ کمبود برنامه‌ریزی کافی و سودمند از سوی مسؤولان.
- ✓ و ... .

بنا بر این استان‌های اهل‌سنت به سبب آب‌های موجود در آن‌ها و در نتیجه وجود یا عدم کشاورزی، فقدان و یا گسترش آن، متفاوت است؛ از غنی تا فقیر و از محروم تا برخوردار. استان‌های شمالی از آب کافی برخوردارند و در آن‌ها جویبارها و رودها و باران‌های فراوان به چشم می‌خورد. پس از آن نوبت استان‌های غربی، و بعد از آن استان‌های شرقی، بویژه خراسان رضوی است. در ته خط استان‌های جنوبی می‌باشد. اهل‌سنت ساکن در استان‌های مرکزی چندان به کشاورزی اشتغال ندارند، چون بیش‌ترشان به امور تجاری، اداری، آموزشی وخدماتی مشغول می‌باشند.

کشاورزی در استان‌های شمالی بر برنج، میوه‌جات، دانه‌های روغنی، چای، گندم، جو، صیفی‌جات، سبزی‌جات و... تمرکز دارد. شمال ایران به علت مجاورت با دریاچه‌ی خزر و رشته‌کوه پر برف البرز همواره شاهد نزول نعمات آسمانی است.

استان‌های غربی نیز از باران، برف، رودخانه، دریاچه و سدهای

خوب بهره‌مندند، هرچند نسبت به استان‌های شمالی میزانش کم‌تر است. محصولاتی مثل گندم، جو، میوه، حبوب، چغندر، صیفی جات، سبزی جات، گیاهان دارویی و... از مهم‌ترین نعمات کشاورزی این مناطق است.

در استان‌های شرقی اوضاع مختلف است: در خراسان‌های رضوی و جنوبی بارش بیش‌تر است و هوا نیمه‌خشک است و محصولاتی همانند گندم، جو، زعفران، میوه‌جات، حبوب، چغندر، گیاهان دارویی، خربزه، صیفی جات، سبزی جات و ... در این مناطق کاشت می‌شود، ولی نسبت به کردستان اندک است. زعفران و خربزه در شهرهای اهل‌سنت خراسان، مثل تربت جام، تایباد و بیرجند زبان‌زد خاص و عام است. کشاورزی بلوچستان به دو شاخه‌ی اصلی تقسیم می‌شود: در مرکز استان و پیرامونش به علت خشک‌سالی، کشاورزی چندانی یافت نمی‌شود. اما در مناطق جنوبی استان و در شهرهایی مثل خاش، سراوان، ایرانشهر، چابهار و... فرآورده‌هایی همانند خرما، موز، گندم، جو، میوه‌جات، صیفی جات و سبزی جات به دست می‌آید. در شهرستان زابل نیز تا حدودی کشاورزی وجود دارد. در استان‌های جنوبی به سبب کمبود بارندگی و فقدان آب‌های جاری و منابع زیرزمینی و نیز گرمای شدید، کشاورزی بسیار اندک است. گرچه محصولاتی مثل خرما، گندم، جو، حبوب و سبزی جات به صورت پراکنده کاشت می‌شود.

در هر صورت باید توجه داشت که بهره‌مندی از روش‌های نوین کشاورزی، همانند آبیاری قطره‌ای، بارانی و چکه‌ای، و سیستم‌های گلخانه‌ای و... بویژه در پرورش گل و گیاه در رونق این صنعت بسیار کارساز است. زیرا در کشورهای پیشرفته با چنین شیوه‌هایی، از کم‌ترین جا و امکانات، بیش‌ترین بهره‌ها را می‌برند.

دو: اهل‌سنت؛ تجارت و صنعت

بی‌گمان تجارت و صنعت از مشاغل مهمی است که زیرساخت زندگی بوده و هیچ‌کس در لزوم و اهمیت آن شک ندارد. جامعه‌ی اسلامی به سببِ آیات و احادیث فراوان به این امر توجه دارند:

الف ـ تجارت:

۱- آیات:

۷. ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَأْكُلُوٓاْ أَمْوَٰلَكُم بَيْنَكُم بِٱلْبَـٰطِلِ إِلَّآ أَن تَكُونَ تِجَـٰرَةً عَن تَرَاضٍ مِّنكُمْ ۚ وَلَا تَقْتُلُوٓاْ أَنفُسَكُمْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴿٢٩﴾﴾[۱] **(ای مؤمنان، مال‌هایتان را در میان خود به ناروا مخورید مگر آن‌که تجارتی همراه با توافقی از جانب شما باشد. و خویشتن را مکشید، که خداوند به شما مهربان است).**

۹. ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ ٱلصَّلَوٰةُ فَٱنتَشِرُواْ فِى ٱلْأَرْضِ وَٱبْتَغُواْ مِن فَضْلِ ٱللَّهِ وَٱذْكُرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٠﴾﴾[۲] **(آن‌گاه چون نماز گزارده شود، در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بجویید و خداوند را بسیار یاد کنید تا شاید رستگار شوید).**

﴿وَجَعَلْنَا ٱلنَّهَارَ مَعَاشًا ﴿١١﴾﴾[۳] **(و روز را زمان کسب معاش گرداندیم).**

۲- احادیث:

۱۰. پیامبر اکرمﷺ فرموده است:

۱۱. «البيّعان بالخيار ما لم يتفرّقا ـ أو قال: حتى يتفرقا ـ فإن صَدَقا وبيّنا بورك لهما في بيعِهما، وإن كَتَما وكذبا مُحِقت بركةُ بيعهما».[۴] **(خریدار و**

۱. نساء/ ۲۹.
۲. جمعه/ ۱۰.
۳. نبأ/ ۱۱.
۴. عسقلانی، فتح الباری، کتاب البیوع(۳۴)، باب إذا بین البیعان...(۱۹)، ح: ۲۰۷۹.

فروشنده حق انتخاب دارند، تا هنگامی که از هم جدا نشده‌اند، پس اگر راست گفتند و روشن ساختند، در معامله‌ی‌شان برکت می‌افتد و اگر کتمان کردند و دروغ گفتند، برکت معامله‌ی ایشان نابود می‌گردد).

۱۳. «رحِم الله رجلا سَمحاً إذا باع، وإذا اشترى، وإذا اقتضى».[۱]

(خدا رحمت کناد فرد باگذشت را ؛ هرگاه فروخت، هرگاه خرید و هرگاه که دَین خویش درخواست کرد).

۱٤. «ما أَكل أحدٌ طعاماً قط، خيرا من أن يأكل من عمل يده، وإن نبي‌الله داود عليه السلام، كان يأكل من عمل يده».[۲] **(هرگز کسی غذایی بهتر از دست‌مزد خود را نخورده است؛ داوود عليه السلام از دست‌رنج خودش می‌خورد).**

ب ـ صنعت:

۱ـ آیات:

﴿وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُۥدَ مِنَّا فَضْلًا ۖ يَٰجِبَالُ أَوِّبِى مَعَهُۥ وَٱلطَّيْرَ ۖ وَأَلَنَّا لَهُ ٱلْحَدِيدَ ﴿١٠﴾﴾[۳] **(و از سوی خود فضلی به داوود دادیم. ای کوه و ای مرغان همراه او در تسبیح گفتن هم‌نوا شوید و آهن را برایش نرم کردیم).**

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِٱلْبَيِّنَٰتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْمِيزَانَ لِيَقُومَ ٱلنَّاسُ بِٱلْقِسْطِ ۖ وَأَنزَلْنَا ٱلْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَٰفِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ ٱللَّهُ مَن يَنصُرُهُۥ وَرُسُلَهُۥ بِٱلْغَيْبِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ قَوِىٌّ عَزِيزٌ ﴿٢٥﴾﴾[۴] **(به راستی که رسولان‌مان را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و میزان نازل**

.۲۴/۵

۱. همان، کتاب البیوع(۳۴)، باب السهولة والسماحة فی الشراء(۱۶)، ح: ۲۰۷۶، .۲۱/۵

۲. همان، کتاب البیوع(۳۴)، باب کسب الرجل وعمله بیده(۱۵)، ح: ۲۰۷۲، ۱۸/۵.

۳. سبأ/ ۱۰.

۴. حدید/ ۲۵.

کردیم تا مردم به داد رفتار کنند. و آهن پدید آوردیم که در آن جنگ و ستیز و نیز بهره‌هایی برای مردم است و تا خداوند کسی را که او و رسولش را در نهان یاری می‌کند، معلوم بدارد. بی‌گمان خداوند توانای پیروزمند است).

﴿وَلِسُلَيْمَٰنَ ٱلرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ ۖ وَأَسَلْنَا لَهُۥ عَيْنَ ٱلْقِطْرِ ۖ وَمِنَ ٱلْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِۦ ۖ وَمَن يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ ﴿١٢﴾﴾[1] **(و باد را برای سلیمان [مسخّر کردیم] که سیر بامدادی‌اش یک ماه و بازگشت شبانگاهی‌اش یک ماه بود. و چشمه‌ی مس را برایش روان ساختیم و از جنّ کسی را [مسخّر کردیم] که به حکم پروردگارش در نزد او کار می‌کرد. و هر کس از آنان که از حکم ما منحرف شود از عذاب دوزخ به او خواهیم چشاند).**

﴿ءَاتُونِى زُبَرَ ٱلْحَدِيدِ ۖ حَتَّىٰٓ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ ٱلصَّدَفَيْنِ قَالَ ٱنفُخُوا۟ ۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَعَلَهُۥ نَارًا قَالَ ءَاتُونِىٓ أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا ﴿٩٦﴾﴾[2] **(برایم آهن پاره بیاورید. تا آن‌گاه که بین دو کوه را برابر ساخت، گفت: بدمید، تا آن‌که آن را آتش نمود، گفت: به نزد من آورید تا بر آن رویِ گداخته بریزم).**

هر چند در این آیات به شکل مستقیم از صنعت به معنی امروزی‌اش سخن نگفته است، ولی اشاره‌های مهمی دارد که نشان می‌دهد ذوب آهن و مس را خدا به پیامبران و به انسان آموزش داده است. به تسخیر باد و هوا نیز که امروزه کاربردهای فراوانی دارد و بسیاری از وسایل سرمایشی، گرمایشی، جنبشی و... بر مبنای آن کارایی دارند، در این آیات به آن اشاره شده است.

۲ـ احادیث:

---

۱. سبأ/ ۱۲.
۲. کهف/ ۹۶.

«عن أبي‌ذر رضي الله عنه[۱] قال: سألت النبي صلى الله عليه وسلم أيُّ العمل أفضل؟ قال: «إيمانٌ بالله، وجهاد في سبيله»، قلت: فأي الرِقاب أفضل؟ قال: «أعلاها ثَمناً، وأنفَسُها عند أهلها»، قلت: فإن لم أفعل؟ قال: «تُعين ضايِعاً،[۲] أو تَصنعُ لأخرَق»، قال: فإن لم أفعل؟ قال: «تَدَعُ الناس من الشر، فإنها صدقة تُصَدَّق بها على نفسك».[۳] (از ابوذر رضي الله عنه روایت است که گفت: از رسول‌الله صلى الله عليه وسلم پرسیدم چه‌کاری برتر است؟ فرمود: ایمان به خدا و جهاد در راهش. گفتم: چه برده‌آزادکردنی برتر است؟ فرمود: آن‌که گران‌بهاتر است و نزد صاحبانش ارزشمندتر. گفتم: اگر چنین نکردم؟ گفت: گم‌شده‌ای را یاری بده یا بساز برای کسی که چیزی از او خراب شده است. گفتم: اگر چنین نکردم؟ فرمود: به مردم شر نرسان که همین صدقه‌ایست که برای خویش می‌پردازی).

از عبدالله بن عباس رضي الله عنه روایت است، هنگامی که با یارانش سخن می‌گفت، به مردی که نزدش نشسته بود، گفت: به من نزدیک شو. آن مرد گفت: خدا تو را نگه دارد، به خدا، من نمی‌توانم به خوبی این گروه که از تو می‌پرسند، سؤال کنم! او فرمود: به من نزدیک شو تا برایت از پیامبران مذکور در کتاب خدا بگویم؛ از آدم عليه السلام می‌گویم که بنده‌ای کشاورز بود، از نوح عليه السلام می‌گویم که بنده‌ای نجار بود، از ادریس عليه السلام می‌گویم که بنده‌ای خیاط بود، از داوود عليه السلام می‌گویم که بنده‌ای زره‌باف بود، از موسی عليه السلام می‌گویم که بنده‌ای چوپان بود، از

۱. نامش جُندب بن جُناده بن سفیان بن عبید (۰۰۰- ۳۲هـ)، از بنی غِفار و یکی از بزرگان صحابه است. از نخستین کسانی است که به اسلام گروید. در صَداقت زبان‌زد بود. (نگاه: زرکلی، الاعلام، ۱۴۰/۲).

۲. در روایت مسلم آمده: « تعین صانعا... : صنعتگری را یاری دهی»، نگاه: صحیح مسلم، کتاب الإیمان (۱)، باب بیان کون الإیمان بالله تعالی أفضل الأعمال (۳۶)، ح: ۱۳۶،۱/۳۵۰.

۳. عسقلانی، فتح الباری، العتق(۴۹)، أی الرقاب أفضل (۲)، ح: ۲۵۱۸، ۳۴۱/۵.

ابراهیم علیه‌السلام می‌گویم که بنده‌ای کشاورز بود، از صالح علیه‌السلام می‌گویم که بنده‌ای بازرگان بود، از سلیمان علیه‌السلام می‌گویم که خداوند به او پادشاهی داد، او شش روز از آغاز هر ماه، سه روز از میانه‌ی آن، و سه روز از پایانش را روزه می‌گرفت، نهصد جنگ و سیصد معبد داشت، از پسر عذرایَ بتول عیسی بن مریم علیه‌السلام می‌گویم که چیزی را برای فردا ذخیره نمی‌کرد و می‌گفت کسی که مرا ناهار داد، شام می‌دهد و او که مرا شام داد، ناهار خواهد داد، در تمام شب خدا را عبادت می‌کرد و تا طلوع خورشید نماز می‌گزارد، روز در سیاحت بود، همواره روزه بود و همه شب نماز می‌گزارد، از مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله برایت بگویم که گوسفندان خانواده‌اش را در کوه اجیاد می‌چراند، آن قدر روزه می‌گرفت که می‌گفتیم افطار نمی‌کند، و آن قدر افطار می‌کرد که می‌گفتیم روزه نمی‌گیرد. البته ندیدیم تمام ماه روزه بگیرد و از هر ماه، سه روز را روزه می‌گرفت. بدنش از دیگران نرم‌تر، خبرش پاک‌تر و دانشش گسترده‌تر بود. از حوا علیهاالسلام برایت می‌گویم که با پشم ریسندگی می‌کرد و با دست خود لباس می‌بافت و آن را بر خود و فرزندانش می‌پوشاند. و مریم دختر عمران علیهاالسلام نیز چنین می‌کرد.[1]

زندگی بخشی از اهل‌سنت برپایه‌ی تجارت و صنعت می‌چرخد، ولی با توجه به محل سکونت، استعداد و شخصیت، میزان درآمد، شرایط اجتماعی، قوانین حاکم بر کشور و... این تجارت و صنعت متفاوت است.

تجارت در اکثر استان‌های اهل‌سنت بر خرید و فروش کالاهای

---

۱. حاکم نیشابوری، ابوعبدالله محمد بن عبدالله (۴۰۵هـ)، المستدرک علی الصحیحین، تواریخ المتقدمین من الأنبیاء والمرسلین(۲۴)، وقد ذکر المرسلین (۲۵)، ح: ۴۱۶۵، ۶۵۲/۲.

معیشتی، ابزار کشاورزی، مصالح ساختمانی، ابزار صنعتی، امکانات الکترونیکی، لوازم خانگی، مواد خوراکی و...، و نیز صادرات و واردات کالا به خارج بخصوص کشورهای همسایه همانند پاکستان، عراق، ترکیه، آذربایجان، افغانستان، کشورهای خلیج و... استوار است. گروهی بازرگانانی ماهر و هوشیارند که توانسته‌اند به درآمدهای هنگفتی دست یافته و نقش کلیدی و مهمی در ایجاد کارگاه و کارخانه و تجارت‌خانه، و هم‌چنین فراهم‌آوردن فرصت‌های شغلی فراوان برای دیگران بر عهده داشته باشند. و گروهی در معاملات خرد و جزئی به کار اشتغال دارند و به میزان درآمد پایین و معاملات ناچیز بسنده کرده‌اند.

از آن‌جا که غالب اهل‌سنت در مرزها سکونت دارند، برای برخی از آنان فرصت شغلی مرزی، بویژه واردات و صادرات با کشورهای همسایه فراهم است، اما بیش‌تر این کارها از نگاه دولت یا قوانین اسلامی ممنوع می‌باشد، همانند صدور بنزین وگازوئیل و نفت، ورود پوشاک و لوازم خانگی خارجی، واردات خودرو، خرید و فروش مواد مخدر، واردات مشروبات الکلی و ابزار ماهواره و... . این فرصت و آن ممنوعیت باعث مشکلات فراوانی برای شهروندان و دولت شده است؛ مردمی که به چنین معاملاتی می‌پردازند، آن را مباح و اختیاری می‌دانند و برایش توجیهاتی مثل حلال بودن، نیازمندی یا نبود فرصت شغلی دیگر دارند، بویژه صادرات و واردات کالاهایی که از لحاظ عقلی و دینی مصرف‌شان ممنوع نیست. البته ملت سنی‌مذهب با دولت هم‌عقیده‌اند که برخی از این نوع معاملات از نَظر دینی حرام و ممنوع است، مثل مواد مخدر، مشروبات الکلی و دیگر کالاهایی که برای عقل، جان، مال و جامعه زیان‌بار است، هر چند گروهی مرتکب شوند. در مقابل دولت معتقد است که این واردات وصادرات

مرزی برای همگان مضر است، حتی اگر ظاهر عمل جایز باشد و از نظر دین و عقل معامله‌ای ناروا نباشد. و گذشته از معاملات حرام مثل مواد مخدر و مشروبات و... هرگونه صادرات و واردات خارج از چارچوب قانون و گمرکات رسمی کشور، به زیرساخت‌های اقتصادی ملیِ ضربه می‌زند. و این ممنوعیت‌ها مذهبی و سیاسی نیست و صرفاً برای حفظ اقتصاد ایران است.

به هر حال، این چالش همواره وجود داشته و راهکارها یا موانع قانونی هنوز نتوانسته است چوب لای‌چرخ این‌گونه معاملات بیندازد و آن را به صورت کامل متوقف کند. کسانی که به این‌گونه اعمال علاقه‌مندند به روش‌های گوناگون و شگفت‌آور و در زمان‌های متعدد اقدام می‌کنند. دولت نیز گاه و بی‌گاه شیوه‌هایی به کار گرفته است. مسؤولان محلی هم به نوبه‌ی خود از روش‌های ریز و درشتی استفاده کرده‌اند، اما باعث حل این معضل نشده است.

باید چاره‌ای اساسی به کار گرفته شود؛ مردم باید بدانند که هر معامله‌ای از نظر دینی و عقلی جایز نیست، برخی ممنوع و حرام، پاره‌ای مباح قطعی، گروهی مباح موقتی، و عده‌ای حلال یا مستحب و حتی واجب است. مسؤولان هم باید بدانند که اهل‌سنت دشمن حکومت یا شهروندان شیعه نیستند؛ پس ایجاد کارگاه یا کارخانه و صنایع بزرگ و سنگین در مناطق مرزی و فراهم کردن فرصت‌های شغلی، باعث مشغولیت افراد زیادی می‌شود و هزینه‌ی زندگی‌شان را تأمین می‌کند و در نتیجه بدگمانی‌های فراوانی را از بین می‌برد. چرا از صنایع سنگین در استان‌های مرزی خبری نیست؟

همان‌گونه که صادرات برای ما مطلوب و خوشایند است، برای همسایگان ما هم بسی محبوب می‌باشد. وقتی واردات و صادرات

بزرگ و مهم از مجاری رسمی و گمرکات قانونی و از بنادر معروف ممنوع نیست، چرا واردات و صادرات کالاهای کوچک، روی دوش کارگران مرزی و یا حیوانات‌شان ممنوع باشد! آیا نمی‌شود برای آنان هم قانون وضع کرد!؟

صنعت در مناطق اهل‌سنت بر صنایع سبک و کارگاه‌ها و کارخانه‌های کوچک استوار است و صنایع سنگین در آن‌ها کمیاب یا نایاب است. صنایعی مثل سیمان و گچ، فرآورده‌های لبنی، یخ‌سازی، کنسروسازی، استخراج معادن، کابل و سیم، تولیدات کشاورزی، مواد غذایی، آرد، بسته‌بندی و... در این استان‌ها رایج‌تر است. مالکیت این صنایع دولتی، سهامی و یا خصوصی است.

طبق سرشماری‌های رسمی[۱] در سال ۱۳۹۰ش، در ایران ۱۵۳۰۲ کارگاه صنعتی با حدود ۱۰کارگر و بالاتر وجود داشته است که ۱۴۹۴۵ کارگاه در مالکیت خصوصی و ۳۵۴ فقره در مالکیت دولتی بوده است. سهم استان‌های سنی‌نشین در جدول زیر قید شده است:

استان	تعداد کارگاه	مالکیت خصوصی	مالکیت دولتی
آذربایجان غربی	۳۳۳	۳۱۵	۱۸
بلوچستان	۱۰۳	۹۸	۵
کردستان	۱۴۳	۱۳۰	۱۳
گلستان	۲۵۰	۲۴۱	۹
هرمزگان	۱۹۹	۱۹۰	۹

قابل ذکر است که بیش‌تر کارگاه‌ها و صنایع، بویژه سنگین و

۱. نگاه: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۳۴۷.

بزرگ در شهرهای زیر واقع است: تهران(۲۸٤٥)، اصفهان(١٨٧٦) و خراسان رضوی(۱۰۸۵). و کم‌ترین آن هم در ایلام(٥١)، کهکیلویه و بویراحمد(۵۳) و خراسان شمالی(۷٥) است.

سه: اهل‌سنت و دام‌پروری

مقدمه:

بر اساس آیات و احادیث بسیاری، فرآورده‌های حیوانی و دامی از جمله نعمت‌های مهمی است که خداوند به ما ارزانی داشته تا منبع سرشاری از ویتامین‌ها و پروتئین‌های سودمند برای زندگی باشند. به پاره‌ای از کلام خدا و رسول‌الله ﷺ اشاره می‌شود:

الف ـ آیات:

﴿وَمِنَ ٱلْأَنْعَٰمِ حَمُولَةً وَفَرْشًا ۚ كُلُوا۟ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا۟ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيْطَٰنِ ۚ إِنَّهُۥ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿١٤٢﴾ ثَمَٰنِيَةَ أَزْوَٰجٍ ۖ مِّنَ ٱلضَّأْنِ ٱثْنَيْنِ وَمِنَ ٱلْمَعْزِ ٱثْنَيْنِ ۗ قُلْ ءَآلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ ٱلْأُنثَيَيْنِ أَمَّا ٱشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ ٱلْأُنثَيَيْنِ ۖ نَبِّـُٔونِى بِعِلْمٍ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿١٤٣﴾ وَمِنَ ٱلْإِبِلِ ٱثْنَيْنِ وَمِنَ ٱلْبَقَرِ ٱثْنَيْنِ ۗ قُلْ ءَآلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ ٱلْأُنثَيَيْنِ أَمَّا ٱشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ ٱلْأُنثَيَيْنِ ۖ أَمْ كُنتُمْ شُهَدَآءَ إِذْ وَصَّىٰكُمُ ٱللَّهُ بِهَٰذَا ۚ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا لِّيُضِلَّ ٱلنَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٤٤﴾﴾[1] **(و از چهارپایان، باربَر و کُرک و پشم‌دار [آفرید]. از آن‌چه خداوند به شما روزی داده است، بخورید و از گام‌های شیطان پیروی مکنید. بی‌گمان او دشمن آشکار شماست. هشت‌گونه [آفرید:] از گوسفند دوگونه و از بز دوگونه [نر و ماده]. بگو: آیا [خداوند] این دو نر را حرام کرده است یا آن دو ماده را یا آن‌چه را که رحم‌های**

۱. انعام/ ۱۴۲-۱۴۴.

این دو ماده آن را در بر دارد؟ اگر راستگویید مرا از روی دانش خبر دهید. و از شتر دو قسم و از گاو دو قسم. بگو: آیا [خداوند] این دو نر را حرام نموده یا این دو ماده را یا آن‌چه را که رحم‌های این دو ماده آن را در بردارد؟ آیا هنگامی که خداوند شما را به آن حکم کرد، حاضر بودید؟ پس کیست ستم‌کارتر از کسی که بر خداوند دروغ بندد تا مردم را از روی نادانی گمراه کند؟ بی‌گمان خداوند گروه ستم‌کاران را هدایت نمی‌کند).

﴿وَٱلۡأَنۡعَٰمَ خَلَقَهَاۗ لَكُمۡ فِيهَا دِفۡءٞ وَمَنَٰفِعُ وَمِنۡهَا تَأۡكُلُونَ ۝٥﴾[1]

(و چهارپایان را برای شما آفرید که در آن‌ها پوشش و بهره‌هایی است و از آن‌ها می‌خورید).

﴿وَأَوۡحَىٰ رَبُّكَ إِلَى ٱلنَّحۡلِ أَنِ ٱتَّخِذِي مِنَ ٱلۡجِبَالِ بُيُوتٗا وَمِنَ ٱلشَّجَرِ وَمِمَّا يَعۡرِشُونَ ۝٦٨ ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ فَٱسۡلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلٗاۚ يَخۡرُجُ مِنۢ بُطُونِهَا شَرَابٞ مُّخۡتَلِفٌ أَلۡوَٰنُهُۥ فِيهِ شِفَآءٞ لِّلنَّاسِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ۝٦٩﴾[2] (و خدایت به زنبور عسل الهام کرد که از کوه‌ها خانه بساز و از درختان و از آن‌چه مردم بر می‌افرازند.آن‌گاه از همه نوع فرآورده‌ها بخور و با فرمان‌برداری راه‌های خدایت را در پیش‌گیر. از شکم‌های زنبوران آشامیدنی‌ای می‌تراود که رنگ‌هایش گونه‌گون است. در آن برای مردمان شفا است. بی‌گمان در این برای اندیشه‌وران عبرتی است).

﴿وَإِنَّ لَكُمۡ فِي ٱلۡأَنۡعَٰمِ لَعِبۡرَةٗۖ نُّسۡقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمۡ فِيهَا مَنَٰفِعُ كَثِيرَةٞ وَمِنۡهَا تَأۡكُلُونَ ۝٢١ وَعَلَيۡهَا وَعَلَى ٱلۡفُلۡكِ تُحۡمَلُونَ ۝٢٢﴾[3] (و

---

۱. نحل/ ۵.
۲. نحل/ ۶۸و۶۹.
۳. مؤمنون/ ۲۱و۲۲.

به راستی برای‌تان در چهارپایان عبرتی است. از آن‌چه در شکم‌های‌شان است به شما می‌نوشانیم و در آن‌ها برای‌تان منافعی فراوان است و از آن‌ها می‌خورید. و بر آن‌ها و بر کشتی‌ها حمل می‌شوید).

ب ـ احادیث:

«نهی رسول‌اللهﷺ عن کل ذي ناب من السِباع، وعن کل ذي مِخلَب من الطير».[1] (رسول‌اللهﷺ از خوردن هر حیوانِ وحشیِ نیش‌دار و از هر پرنده‌ی چنگال‌دار باز داشت).

«أن رسول‌اللهﷺ نهی یوم خیبر عن لُحومِ الحُمُرالأهلية، وأَذِن في لحوم الخيل».[2] (رسول‌اللهﷺ روز خیبر از گوشت الاغ اهلی باز داشت و به گوشت اسب اجازه داد).

انسان به خاطر نیازهای فراوان و ضرورت‌های متعدد، پرورش و تربیت حیوانات را از دیرباز آموخت تا با این هنر مهم به نیازهایش دست یابد. اهل‌سنت نیز همانند دیگر شهروندان ایرانی در مناطق خود به پرورش برخی از انواع دام و طیور پرداخته‌اند، همانند پرندگان، زنبور، شتر، کرم ابریشم، گاو، گوسفند، ماهی و... که در ادامه به ترتیب حروف الفبا ذکر خواهد شد:

الف ـ پرورش شتر:

به سبب ویژگی‌ها و صفاتی که خداوند در شتر گنجانده است، این حیوان توانسته در اقلیم‌های گرم و خشک و یا نیمه‌خشک زندگی کند. و از آن‌جا که بخشی از اهل‌سنت در چنین مناطقی سکونت دارند، مثل بلوچستان، خراسان جنوبی، هرمزگان، فارس و بوشهر،

---

۱. مسلم نیشابوری، الجامع الصحیح، کتاب الصید والذبائح(۳۴)، باب تحریم أکل کل ذی ناب ... (۳)، ح: ۱۹۳۴، ۹۳/۷.
۲. همان، باب أکل لحوم الخیل (۶)، ح: ۱۹۴۱، ۱۰۵/۷.

پس، پرورش شتر در این اماکن یافت می‌شود، ولی بسیار اندک است و از روش‌های صنعتی و نوین بهره نمی‌برند تا با هزینه‌ی کم به سود بیش برسند. لذا پرورش شتر در این استان‌ها منبع درآمد خوبی برای خانواده‌های سنی و اقتصاد ملی به شمار نمی‌آید و تنها برای بعضی از آنان کمک‌خرج است. در استان‌های شمالی و غربی یا مرکزی به علت نامساعد بودن شرایط جوی و نداشتن توجیه اقتصادی و نیز پیدایش مشاغل بهتر، شترپروری وجود ندارد.

ب ـ پرورش طیور:

پرندگان گوناگونی در ایران پرورش می‌یابند، همانند مرغ، بوقلمون، مرغابی، شترمرغ، کبوتر، کبک، تیهو، بلدرچین، و انواع پرندگان تزیینی مثل قناری، مرغ عشق و... . بیش‌ترین آمار از آن مرغ‌های تخمی و گوشتی است. در استان‌های اهل‌سنت پرورش طیور بویژه مرغ‌داری با نسبت‌های متفاوت رایج است. در استان‌های جنوبی به علت گرمای شدید و خشکی منطقه کم‌تر است، در حالی‌که در استان‌های دیگر بخصوص شمالی و غربی رواج فراوانی دارد.

بر اساس آمارهای رسمی در سال ۱۳۹۰ش،[۱] در کل کشور تعداد مراکز پرورش مرغ گوشتی به ۱۷۱۹۲مرغ‌داری رسیده است که ۱۳۸۷۸ واحد فعال و ۳۳۱۴ مرکز غیرفعال بوده است. در این واحدهای تولیدی ۲۴۵۶۰۰۰۰۰ قطعه وجود داشته است. ۱۲۳۳۵۲ واحد از امکانات صنعتی بهره‌مند بوده‌اند. طبق همین آمار واحدهای تولید مرغ تخمی ۱۲۸۶ مرکز بوده که در ۴۰۴۳ سالن به پرورش ۶۸۳۵۹۰۰۰ قطعه پرداخته‌اند. سهم استان‌های اهل‌سنت این چنین است:

۱. نگاه: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۲۵۹ و ۲۶۰.

استان	واحد مرغ گوشتی	فعال	غیرفعال	تعداد مرغ	سیستم دانخوری اتوماتیک	واحد مرغ تخمی	تعداد سالن	تعداد مرغ
آذربایجان	٥٤٤	٤٧٥	٦٩	٩٦٢٢٠٠٠	٦٩٧٠	٢٠	٤٧	٥٠٢٠٠٠
بلوچستان	١٢٥	٨٠	٤٥	٢١٧٢٠٠٠	٠٠	٠٠	٠٠	٠٠
کردستان	٤٢٤	٤٠٠	٢٤	٦٤٣٤٠٠٠	٥٧٤٤	٧	١٢	٢٠٨٠٠٠
گلستان	٧١٢	٦٤٨	٦٤	١٤٥٦٥٠٠٠	٩٧١٦	١٣	٧٧	١٧٢٤٠٠٠
هرمزگان	١٨٧	١٣٨	٤٩	٣٢٧١٠٠٠	١١٣١	٠٠	٠٠	٠٠

ج - پرورش کرم ابریشم:

در بازار و تجارت، کرم ابریشم اهمیت زیادی دارد، چون ابریشم، گران‌قیمت است و نقش مهمی در افزایش بهای لباس‌های فاخر و زیراندازهای نرم و باکیفیت دارد. پرورش کرم ابریشم در دنیا جایگاه ویژه‌ای دارد. ولی در ایران به طور عموم و در بین اهل‌سنت به صورت خاص، این شغل میان کشاورزان و دام‌پروران، بر عکس دوران‌های گذشته جا باز نکرده است. و این امر عوامل متعددی دارد، از جمله: شیوع ابریشم مصنوعی در جهان، هزینه‌های زیاد، رواج محصولات جایگزین با تولید و سود بیش‌تر، و... .

بر اساس آمارهای رسمی در سال ١٣٨٢ش(آخرین سرشماری انتشاریافته دراین‌باره)، واحدهای تولید ابریشم در کل کشور حدود ٤٧٠٠٠ واحد بوده است. سهم استان‌های سنی‌نشین، مانند کردستان، آذربایجان غربی، بلوچستان و هرمزگان در این جدول‌ها صفر است، ولی در استانی مثل گلستان این واحدها تقریبا ٦٦٥٠ مرکز بوده است.[١]

د - پرورش گوسفند(دام‌داری):

گوسفند در ایران از نژادهای گوناگون است؛ برخی پرگوشت و پرشیر است، برخی یک بار زایش دارد و برخی دو بار، بعضی یک قلو می‌زاید و پاره‌ای دو و چند قلو و... . اهل‌سنت در پرورش گوسفند

---

١. نگاه: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ٢١٨.

نیز اشتغال دارند، اما در استان‌ها متفاوت است: در مناطق کردنشین، خراسان رضوی و شمالی، وگلستان به علت مناسب بودن شرایط جوی گوسفند فراوان است. ولی در استان‌های جنوبی کم‌تر یافت می‌شود. دام‌پروری شیوه‌های مختلفی دارد؛ بخشی سنتی است که فرد گوسفندان اندکی دارد و از تولیدات آن‌ها برای مصارف زندگی خود و خانواده‌اش و مقدار کمی برای فروش بهره می‌برد. بخشی هم صنعتی است که از امکانات نوین برای کاهش هزینه و افزایش محصول استفاده می‌کند. عده‌ای هم آمیخته‌ای از هر دو روش است. دام‌پروری صنعتی میان اهل‌سنت چندان رایج نیست و اکثرشان از روش‌های سنتی و یا نیمه‌صنعتی بهره می‌برند.

بر پایه‌ی سرشماری رسمی در سال ۱۳۹۰ش، واحدهای پرورش گوسفند و بره در کل کشور به ۱۲۷۷۷۹۸واحد رسیده است. در این واحدها ۵۰۲۱۴۶۱۷ رأس نگه‌داری می‌شده است. ۱۱۲۹۴۲۷ واحد هم به پرورش بز و بزغاله اختصاص داشته که در آن‌ها ۲۲۰۹۴۲۵۰ رأس نگه‌داری شده است. در استان‌های سنی‌نشین آمار بدین گونه است:[1]

استان	تعداد واحد	تعدادگوسفند	تعداد واحد	تعداد بز
آذربایجان غ	۵۳۰۱۱	۳۱۰۱۰۸۱	۲۴۲۳۶	۳۰۷۲۳۰
بلوچستان	٦٦٨٦٥	۱۲۳۸۳۵۲	۱۵۲۷٤٤	۱۸٦۷۱۰۱
کردستان	۳۷۵۱۷	۹۸٤٤٦۹	۲۲۱۰۵	۲۱۳۱۸۹
گلستان	۳۰۱٤۷	۱٤۹۲٦۰۲	۱۳۰٤۰	۱۹۸۹۷۹
هرمزگان	۳۰۵۰۲	٤٤٤۲۰۸	۸۳۰۳٦	۱٦٦۹۱٦۸

۱. نگاه: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۲۵۲. منظور از واحد در این سرشماری‌ها هر جایی است که صاحبش در آن حداقل دو رأس دام در طول ۳۶۵ روز پرورش داده است.(همان، ۲۱۲).

هـ ـ پرورش ماهی:

در استان‌هایی که مشرف بر دریاست، مثل هرمزگان، جنوب بلوچستان و بوشهر که بر ساحل خلیج فارس قرار دارند و نیز استان‌های گلستان و گیلان که بر دریاچه‌ی خزر مشرف هستند، پرورش ماهی به علت کاهش نیازمندی، اندک است. و بیش‌تر فعالیت اقتصادی در این عرصه، صید دریایی است. اما در دیگر استان‌های سنی‌نشین پرورش ماهی یافت می‌شود، هرچند به دلایلی، خیلی رایج نیست، مثل عادت نکردن به این فعالیت اقتصادی، کمبود آب و... .

طبق آمارهای رسمی در سال ۱۳۹۰ش، میزان صید در کل کشور به حدود ۷۳۵۲۶۰ تُن رسیده است؛ سهم دریای شمال ۳۷۸۳۱ تن، خلیج فارس ۳۶۸۵۰۵ تن و واحدهای پرورشی ۲۵۱۳۷٤ تن بوده است. میزان صید خاویار و گوشت آن حدود ۹۰ تن در کشور بوده است. بر اساس همین سرشماری تعداد شناورهای صید همانند قایق و لنج در استان بوشهر ۲۱۹۲ دستگاه، در بلوچستان ۲۳۷٦ دستگاه، در گلستان ۲٤۲ دستگاه و در هرمزگان ٤۳۱۷ شناور بوده است.[۱]

و ـ زنبورداری:

زنبورداری از مشاغل باستانی در ایران، بویژه در مناطق سرسبز و خرم است. و از آن‌جا که در برخی از استان‌های اهل‌سنت جنگل‌های انبوه، دشت‌های سبز، کوهسارهای خرم و کوه‌پایه‌های شاداب وجود دارد، زنبورداری در میان‌شان رواج دارد. این هنر در استان‌های شمالی و غربی و پس از آن در خراسان یافت می‌شود. در استان‌های جنوبی و بلوچستان کم‌تر است.

ز ـ گاوداری:

۱. نگاه: همان، ۲۸۹ تا ۲۹۱.

گاوداری به دو روش سنتی و صنعتی در مناطق اهل‌سنت یافت می‌شود. روش سنتی که به طور عموم در روستاها و حتی حاشیه‌ی برخی شهرها وجود دارد، گاوهای زیادی پرورش نمی‌یابند و تنها با یک یا چند گاو بخشی از درآمد خانواده تأمین می‌شود. نژاد این‌گونه گاوها از دیرباز تغییری نکرده است، در نتیجه شیر و گوشت اندکی دارند و البته خوراک‌شان نیز نسبت به گاوهای دیگر محدود است. صاحبان این گاوها در روز دو یا سه کیلو شیر از آن‌ها می‌دوشند. این روش هرچند رو به زوال است، ولی هنوز در برخی استان‌های اهل‌سنت، مثل هرمزگان، خراسان، بلوچستان و ... رواج دارد.

در روش صنعتی یا نیمه‌صنعتی که در بیش‌تر استان‌های ایران رایج است، از امکانات نوین استفاده می‌شود تا هزینه کاهش یابد و در عوض تولید و درآمد به حداکثر خودش برسد. بنا بر این تولید بیش‌تر، جداسازی گاو گوشتی از گاو شیری، مکانیزه شدن مراحل خوراک‌دهی، شیردوشی، تلقیح و... از مهم‌ترین ویژگی‌های این شیوه است. اهل‌سنت نیز در همه‌ی استان‌های خویش از چنین روش‌هایی در پرورش گاو بهره می‌برند، هر چند هنوز خیلی شایع نشده است و به مراحل کاملا صنعتی نرسیده است.

طبق آمار رسمی در سال ۱۳۹۰ش، واحدهای تولید و پرورش گاو و گوساله در کل کشور به ۱۰۹۶۳۰۳ مرکز رسیده است و در آن ۶۰۷۵۷۷۲ رأس پرورش یافته است. در استان‌های اهل‌سنت این آمار بدین گونه است:[۱]

---

۱. نگاه: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۲۵۲. هدف از واحد در این آمارها هر مرکزی است که در آن حد اقل یک گاو در طول ۳۶۵ روز پرورش یافته است. (همان، ۲۱۲).

استان	تعداد واحد	تعداد دام
آذربایجان غربی	۸۲۴۸۶	۴۷۸۷۱۶
بلوچستان	۳۵۵۰۲	۱۵۹۵۸۲
کردستان	۳۸۶۱۹	۱۱۰۷۸۶
گلستان	۵۲۳۲۵	۲۲۴۶۵۰
هرمزگان	۲۷۷۰۸	۷۲۱۶۰

چهار: اهل‌سنت و دیگر مشاغل

مشاغل دیگری همانند کارمندی، کارگری، کارهای شرکتی، مناصب آموزشی و تدریس، امور خدماتی و تعمیرگاهی، واسطه‌گری، رانندگی و... جزو منابع درآمد اهل‌سنت است و اکثریت جمعیت به این‌گونه امور اشتغال دارند و تفاوتی میان آنان و سایر شهروندان ایرانی وجود ندارد، مگر در برخی امور دولتی و کارمندی یا شرکتی و آموزشی که همواره سخت‌گیری‌هایی از سوی برخی مسؤولان نسبت به اهل‌سنت وجود داشته و گروهی از آنان از کار محروم شده‌اند. هرچند طبق قوانین رسمی و علنی، این محروم سازی جزو برنامه‌های دولت و حکومت نیست، اما افرادی از مدیران و مسؤولان به شکل سلیقه‌ای عمل کرده و باعث کنارگذاشتن نیروهای اهل‌سنت شده‌اند!

فصل پنجم

آینده‌ی اهل‌سنت ایران؛ فرصت‌ها وعرصه‌ها

یک ـ فرصت‌های دینی، علمی و فرهنگی
دو ـ فرصت‌های سیاسی
سه ـ فرصت‌های اجتماعی
چهار ـ فرصت‌های طبیعی و اقتصادی
پنج ـ فرصت‌های دیگر

یک ـ فرصت‌های دینی، علمی و فرهنگی:

۱. مراکز دینی:

در بخش نخست(فصل دوم)، گفته شد که اهل‌سنت مراکز دینی فراوانی دارند و همین مؤسسات نقش مهمی در ترویج فرهنگ مذهبی در جامعه بر دوش گرفته‌اند. می‌توان این عرصه را اساسی‌ترین فرصت اهل‌سنت در حفظ کیان و تضمین آینده‌ی مذهب دانست. بیش‌تر این مراکز از رسمیت دولتی و پذیرش قانونی برخوردارند که در نتیجه می‌توانند بر امکانات و تولیدات خویش بیفزایند، بویژه اگر از دستاوردهای آموزشی و علمی نوین بهره ببرند و شیوه‌های تعلیم و تعلم را دگرگون کنند و با نوگرایی آشتی کرده و دروازه‌های اجتهاد را بر طلاب و دانش‌آموختگان خود کامل بگشایند. البته وجود پاره‌ای نوگرایی آموزشی و بازگشایی باب اجتهاد در مدارس دینی، بخصوص در استان‌های جنوبی قابل انکار نیست، ولی میزان آن نسبت به تکنولوژی‌های آموزشی نوین جهانی بسیار اندک است.

مدارس دینی و مؤسسات آموزشی مذهبی به بازنگری، تعدیل، ترمیم، نوآوری و ابتکار در تمام عرصه‌ها نیاز شدیدی دارند؛ پذیرش، ثبت‌نام، خوابگاه، آموزش، کلاس‌داری، تدریس، پژوهش، تربیت، تبلیغ، اطلاع‌رسانی، دعوت، رویارویی، مبارزه، روابط عمومی و... . گردانندگان مدارس دینی و حوزه‌های علمیه نیک می‌دانند که روش‌های سنتی و فرسوده در امر دعوت و تبلیغ، امروزه توان رویارویی و پاسخ‌گویی با فساد اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، عقیدتی و فکری رایج در تمام جوانب جامعه و خانواده را ندارد. پس باید از این فرصت به نیکی بهره برد و با برنامه‌ریزی هدفمند و درست به خواسته‌ها رسید. تعلل و تأخیر نادرست است.

۲. دانشگاه‌های دولتی:

اهل‌سنت در ایران هیچ دانشگاهی دولتی ندارند، هر چند در برخی دانشگاه‌های سراسری، گروه‌ها و کرسی‌هایی برای تدریس دارند، مثل گروه فقه شافعی در دانشگاه تهران، فقه حنفی و شافعی در دانشگاه مذاهب اسلامی تهران، و چند مورد دیگر که پیش‌تر ذکر شد. هم‌چنین از لحاظ قانونی و قوانین رسمی کشور، هیچ مانعی پیش روی اساتید و دانشجویان اهل‌سنت برای ورود به دانشگاه‌های دولتی وجود ندارد. گرچه در برخی مواقع فشارها و تبعیض‌هایی غیررسمی و پنهانی و یا فردی از سوی برخی مسؤولان دانشگاه‌ها یا دیگر مقام‌های حکومتی بر استاد و دانشجوی سنی‌مذهب وجود داشته که به طور معمول دلیل قانع کننده‌ای هم نداشته است.

بنا بر این دانشگاه‌های دولتی فرصت خوبی برای اساتید و دانشجویان اهل‌سنت است برای رسیدن به مقاطع عالی علمی و دست یافتن به مدارک بالای آموزشی و پژوهشی و در نتیجه نایل شدن به مشاغل و مقامات شایسته و نیکو. البته نباید شکیبایی در برابر مشکلات و تبعیض‌ها را فراموش کنند، و باید بکوشند با روش‌های مسالمت‌آمیز و قانونی و نیز پرهیز از تندروی و هیاهو با آن برخورد نمایند. ناخشنودم وقتی می‌شنوم که برخی از دانش‌آموزان و دانشجویان ناامید شده و برای آن توجیهاتی می‌آورند، همانند محرومیت اهل‌سنت از شغل دولتی یا کارمندی و کارگری، و همین را علت ترک تحصیل قرار می‌دهند. هر چند این‌گونه تبعیض‌ها و فشارها وجود دارد، اما نباید عامل رهایی دانش شود؛ علم را برای علم بخوان تا بدانی و بفهمی و بهتر به پیرامونت بنگری، نه برای شغل و کار. فرد تحصیل‌کرده هر جا باشد، راهش را می‌گشاید.

۳. دانشگاه‌ها و مدارس غیرانتفاعی:

دانشگاه‌ها و مدارس غیرانتفاعی و آزاد نیز همانند دانشگاه‌های دولتی از عرصه‌های سودمند و مهم برای آموزش و تحقیق است که در آن‌ها آزادی عمل بیش‌تری برای برنامه‌ریزی و اجرا وجود دارد. پس اساتید، معلمان، فعالان و فرهنگیان اهل‌سنت باید جهت گرفتن مجوز برای گشایش چنین مراکزی بکوشند. هر چند با مشکلات فراوانی از سوی برخی مسؤولان و طیف‌های مختلف جامعه رو به رو خواهند بود. همگان می‌دانند که چالش‌ها در برابر تأسیس و افتتاح دانشگاه غیرانتفاعی نسبت به مدارس غیرانتفاعی بیش‌تر است. در عمل هم گروهی از معلمان سنی‌مذهب توانسته‌اند به مجوز گشایش مدارس غیرانتفاعی دست یابند، ولی تا کنون هیچ دانشگاه غیرانتفاعی از آن اهل‌سنت نیست.

٤. علما و شخصیت‌ها:

بی‌گمان استمرار راه مدارس و مؤسسات دینی و دانشگاه‌ها و ادامه‌ی فعالیت‌های مذهبی تابع وجود علما و شخصیت‌های بارز و اثرگذار است. وجود مدارس و مؤسسات دینی فراوان در میان اهل‌سنت ایران، دلیل روشنی است بر وجود علما و شخصیت‌هایی توانمند و فرهیخته. پس موجودیت این افراد یکی از مهم‌ترین فرصت‌ها و عرصه‌ها در مسیر تداوم مذهب اهل‌سنت در ایران است، ولی باید موضع‌گیری‌ها و تصمیمات در تمام زمینه‌های مذهبی متحد و هم‌نوا باشد. این امر وقتی تحقق می‌یابد که کمیته‌ها و شعبه‌ها و تشکیلاتی در کل کشور و استان‌ها برای همدلی و همراهی و نیز هماهنگی در مسائل ایجاد گردد، بویژه هنگامی که از قناعت قلبی و پذیرش فکری سرچشمه گیرد و با صداقت و روشنی و شفافیت

همراه باشد. البته نباید فراموش کرد که هماهنگی‌ها و توافقاتی در بین علمای اهل‌سنت ایران در استان‌ها و حتی به طور سراسری وجود دارد، ولی با توجه به نیازهای شدید و مستمر و جدید، این اندازه کافی نیست. هنوز علما و فعالان اهل‌سنت شورا یا مجمعی ندارند که تمام طیف‌ها و دیدگاه‌ها و سلیقه‌ها را در برگیرد. هرچند برخی از احزاب و گروه‌ها و طیف‌ها چنین کمیته‌ها و تشکیلاتی دارند، همانند کمیته‌ی علما در جماعت دعوت و اصلاح، یا جماعت تبلیغ و... .

۵. هیأت‌های فتوا:

یکی از ثمرات وجود مدارس و مراکز دینی و مذهبی، هیأت‌های فتواست که در مسائل قدیم و رخدادهای جدید مردم را راهنما هستند. این‌گونه هیأت‌ها در بیش‌تر استان‌ها و شهرهای اهل‌سنت وجود دارند، بویژه در اماکنی که مدرسه‌ی دینی و حوزه‌ی علمیه باشد. بنا بر این تردیدی نیست که این از فرصت‌ها و عرصه‌های خوب اهل‌سنت است، بخصوص اگر فعالیت خود را گسترش داده و حضور ملموس‌تری در جامعه داشته باشند، در تمام شهرها و روستاها شعبه افتتاح کنند، بر آمار مشارکت‌کنندگان و پرسشگران خویش بیفزایند، با پاسخ‌هایی روشن و معاصر و هدفمند به سراغ مردم رفته و در را بر مخالفان فکری و دیدگاه‌های نوین بگشایند تا بتوانند به محبوبیت و شهرت لازم دست یابند. شایسته‌ی یادآوری‌است که ارتباط اندک و کمبود پیوند بین هیأت‌های فتوا در استان‌ها و شهرها یکی از نقاط ضعف‌شان است. کاش جلسات مشترک و شوراهای عمومی میان علمای کشور برگزار شود تا یک‌دل شده و از کل نظرات و دیدگاه‌های متنوع بهره‌مند شوند.

۶. مساجد و جوامع:

مسجد نماد وجود اسلام و مسلمانان در هر منطقه‌ای‌است و با مساجد ماهیت اهل‌سنت در ایران شناخته می‌شود، بخصوص با نام‌ها یا نشانه‌هایی که دال بر مذهب‌شان است، همانند مناره‌ها، گنبدها، نوشته‌ها و... . در فصول پیشین مهم‌ترین مساجد اهل‌سنت نام برده شد که نیاز به ذکر مجدد نیست، ولی در این‌جا باید بر این فرصت نیک تمرکز و یادآوری کرد که نباید چنین فرصتی را که در همه‌ی استان‌های‌شان فراهم است، دست کم بگیرند.

مسجد جایگاه مهمی در اسلام دارد و در سده‌های گوناگون در بین مسلمانان اهمیتی استراتژیک داشته است؛ مسجد هم‌زمان مکانی برای عبادت، تدریس، آموزش نظامی، گردهمایی، مشورت، کتاب‌خانه و... بود. اگر امروزه امام جماعت در جامعه و دل‌ها نفوذ داشته باشد، نمازگزاران تنها بر نماز بسنده نمی‌کنند و تمام امور عبادی، سیاسی، آموزشی، مشورتی، شادی و غم‌شان در آن اجرا می‌گردد. متأسفانه این از کاستی‌های عموم مساجد اهل‌سنت است و از این منازل و خانه‌های پاک و خالی و زمین‌های مقدس به خوبی استفاده نمی‌شود! باید امامانی فعال و هیأت امنایی زیرک و دارای برنامه برگزیده شوند تا مساجد به نقش فعال و شایسته‌ی خود برگردند.

صد البته مساجد جامع جایگاه اساسی‌تری دارند؛ جایی که به خاطر دو خطبه‌اش، مساجد کوچک‌تر تعطیل می‌شود، اذان مساجد دیگر خاموش می‌شود، بازار تعطیل می‌گردد، زودتر آمدن چنین و چنان پاداش دارد، سکوت برای خطبه چه‌قدر اهمیت دارد، حضور با پاکی و بوی‌خوش شایسته است، دو رکعت از نماز ظهر تخفیف داده می‌شود و... . ولی کاش خطبه‌ها به‌روز باشد و مردم مشتاقانه

منتظر فرارسیدن جمعه باشند تا پای منبر رفته و سخنان، تحلیل‌ها و موضع‌گیری‌ها امام‌جمعه‌ی محبوب، مدیر، مدبر و تیزهوش خود را نسبت به موضوعات هفته‌ی قبل و هفته‌ی بعد در دو خطبه‌ی جداگانه بشنوند و از جدیدترین اخبار و مسائل روز جهان و منطقه آگاهی یابند و مفهوم واقعی «ذکرالله» را لمس کرده و در دل و جان جای دهند تا «سعی»شان جانانه و از صمیم قلب باشد! ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نُودِىَ لِلصَّلَوٰةِ مِن يَوْمِ ٱلْجُمُعَةِ فَٱسْعَوْاْ إِلَىٰ ذِكْرِ ٱللَّهِ وَذَرُواْ ٱلْبَيْعَ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ۝٩﴾[1] **(ای کسانی که ایمان آورده‌اند هرگاه که از روز جمعه برای نماز ندا داده شد، به سوی یاد خدا بشتابید و معامله را رها کنید. این برای‌تان بهتر است اگر می‌دانستید).**

به راستی چه نام خوبی در جامعه‌ی اسلامی برای چنین مساجدی گذاشته شده است! «مسجد جامع»؛ باید جامع، شامل، فراگیر و گسترده باشد. جامع شرایط یک مسجد خوب و فعال، شامل تمام صفات جذاب و پسندیده، فراگیر تمام اقشار و طیف‌های مردم، و بزرگ و گسترده تا همگان را در خود جای دهد. ولی افسوس و صد افسوس که مساجد جمعه‌ی ما با این ملاک‌ها و ارزش‌ها فاصله‌ی زیادی دارند!

۷. جلسات تعلیم و ذکر:

یکی از مواردی که در برخی شهرهای سنی‌مذهبِ ایران جلب توجه می‌کند، تشکیل جلسات ذکر، آموزش قرآن و سنت، یا دعا و حتی شعرخوانی است. اکثر جلسات صوفیانه در شهرهای کردستان و در جایگاه بعدی در گلستان، خراسان و بلوچستان رایج است. اما

---

۱. جمعه/ ۹.

جلسات آموزش و تفسیر قرآن و شعرخوانی، بویژه خواندن مثنوی معنوی و دیوان حافظ، در شهرهای خراسان بیش از دیگر مناطق شیوع دارد. البته در اکثر شهرها چنین جلساتی برگزار می‌شود.

یکی از اشکالات این‌گونه جلسات، نداشتن برنامه‌ی مدون، یا تشکیلات لازم و هدفمند و نیز عدم تفکیک مقاطع تحصیلی و درسی است تا میزان پیشرفت شاگردان یا درصد یادگیری‌شان ثبت و ضبط و ارزیابی شود. بسا فردی که سال‌ها در این جلسات شرکت کرده، اما پیشرفت ملموس یا ارتقای علمی خاصی نداشته و در جا زده است. هم‌چنین نداشتن ارتباط با جلسات مشابه یا نبودن وحدت رویه از دیگر نقاط ضعف این نشست‌های مذهبی است. ولی مهم‌ترین ایرادشان، رواج برخی بدعت‌ها، خرافات، و روایات ضعیف و جعلی در دیدگاه‌ها و عملکردشان است. شایسته است این جلسات به مسیر اصلی‌شان بازگشته و اشتباهات و ایرادات آنان تصحیح گردد تا بتوانند نقش مهم‌تری در خدمت‌رسانی به دین داشته و از عرصه‌های خوب اهل‌سنت به شمار آیند.

۸. انتشاراتی‌ها و کتاب‌خانه‌ها:

در بخش‌های پیشین مهم‌ترین ناشران، کتاب‌خانه‌ها وکتاب‌فروشی‌های اهل‌سنت در استان‌های مختلف نام برده شدند که بی‌گمان نقش مهمی در ترویج فرهنگ دینی و مذهبی اهل‌سنت در ایران به عهده دارند. این یکی از مهم‌ترین عرصه‌هایی است که نوشته‌های علما و اهل قلم را به چاپ می‌رساند تا رابطی بین نویسندگان و خوانندگان، پیوندی میان مدارس و دانش‌آموزان، پلی بین مراکز دینی و جامعه و نیز حلقه‌ی اتصالی میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان علمی و فرهنگی باشد.

ناشران نیز با چالش‌هایی رو به رو هستند، در مثال:

- ✓ کمبود امکانات.
- ✓ افزایش قیمت‌ها در بازار چاپ و نشر.
- ✓ کاهش خواننده.
- ✓ خروج کتاب از سبد خرید خانواده و نیازهای آن.
- ✓ رواج امکانات الکترونیکی جایگزین کتاب.
- ✓ کمبود روابط میان ناشران.
- ✓ ضعف اطلاع‌رسانی و استفاده‌ی اندک از تولیدات و امکانات امروزی، همانند اینترنت و... .

این عوامل باعث رنجش‌خاطر ناشران شده و در نتیجه تأثیری منفی بر کار فرهنگی و علمی‌شان داشته است. تاکنون اهل‌سنت ایران یک پایگاه رسمی در این زمینه در اینترنت ندارند که فراگیر باشد و فهرست کتاب‌های تألیف یا ترجمه شده یا در دست‌کار، یا اسامی نویسندگان، مترجمان، کتاب‌فروشان، کتاب‌خانه‌ها، چگونگی فعالیت ناشران و تولیدات آنان، و... در آن ثبت و ضبط شده باشد. حتی برخی از ناشران چنین سایتی برای خود ندارند. راه‌اندازی چنین پایگاهی از جمله پیشنهادهای من به ناشران و فعالان عرصه‌ی کتاب است.

طبق سرشماری رسمی در سال ۱۳۹۰ش[1] کل کتاب‌خانه‌های عمومی دولتی در کشور به آمار ٢٨٠٤ کتاب‌خانه رسیده است. سهم استان‌های سنی‌نشین به شرح زیر است:

آذربایجان غربی: ۱۱۰ کتاب‌خانه، خراسان جنوبی: ٤١ک، سیستان و بلوچستان: ۵۱ک، کردستان: ۵۷ک، گلستان: ٦٢ک، هرمزگان: ٦٠ک.

---

۱. نگاه: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۷۷۷.

بیش‌ترین کتاب‌خانه در استان اصفهان است (۲۳۱ک) و پس از آن تهران با ۱۸٤ک، کم‌ترین تعداد از آن خراسان جنوبی است (٤۱ک) و پیش از آن استان ایلام با ٤۸ک قرار دارد.

شایسته‌ی یادآوری است که بر اساس سرشماری مذکور، تعداد کتب و اسناد تاریخی در کتاب‌خانه‌ی ملی ایران در سال ۱۳۹۰ش بدین‌گونه بوده است: کتب خطی فارسی و عربی ۳٤۰٦۰ جلد، اسناد خطی و مرقعات ۱۱۰۱۰۱۰برگ، کتب چاپ سنگی و نفایس ۳۰٤۲۸جلد، کتب چاپی فارسی و عربی ۱۹۰۰۰۰۰جلد، کتب لاتین ۳۸۰۰۰۰جلد و منابع غیرکتابی(شامل منابع صوتی و تصویری، لوح فشرده و...) ۹۹۷۰۰۰ فقره.[۱]

۹. مهدکودک‌ها:

از قدیم گفته‌اند: «العلم فی الصِغَر کالنقش فی الحَجَر»[۲] (دانش در کودکی چون نقش بر سنگ است)، و از آن‌جا که آموزش رسمی در مدارس کشور از سن شش سالگی آغاز می‌گردد، پس باید مربیان و خانواده‌های اهل‌سنت توجه ویژه‌ای به مهد کودک‌ها داشته باشند که می‌توانند از سنین پایین‌تر آموزش را شروع کنند. گرفتن مجوز برای گشایش مهد کودک پیچیده نیست و معمولا از سوی مسؤولان با مشکل مواجه نمی‌شود. در عمل هم عده‌ای از اهل‌سنت در اکثر شهرها دارای مهد کودک می‌باشند.

۱۰. کلاس‌های تابستانی یا مکتب‌ها:

این‌گونه کلاس‌ها یکی از عرصه‌های مهم در آموزش کودکان و

۱. همان، ۷۷۸.

۲. ابوبشر محمد بن احمد بن حماد دولابی رازی(۳۱۰هـ)، الکنی و الأسماء، تحقیق: ابوقتیبه نظرمحمد فاریابی، مَن کنیته أبوشعبه، ح:۱۱۴۱، ۶۳۹/۲، از حسن بصری آن را روایت کرده است.(اصل کتاب را نیافتم و از المکتبة الشاملة نقل کرده‌ام).

نوجوانان است که در طول سال تحصیلی وقت زیادی را در مدارس دولتی و رسمی صرف می‌کنند. اما تعطیلات تابستانی فرصت خوبی برای آموزش مبانی و دیدگاه‌های خاص مذهبی به آنان است، چون به طور معمول در مدارس رسمی آموزش باورهای ویژه‌ی اهل‌سنت یا اصلا وجود ندارد یا بسیار محدود عرضه می‌شود، آن هم در قالب کتاب‌هایی پیچیده و سنگین و بدون جذابیت و یا به طور خودخوان! پس باید خانواده‌ها و مربیان و اندیشمندان به این امر توجه خاص داشته باشند، زیرا در دیگر ماه‌های سال چنین فرصتی فراهم نیست. هر چند در عمل علما و طلاب و دانشجویان اهل‌سنت در این زمینه فعالیت دارند، بخصوص در استان‌های جنوبی و شرقی، ولی کمبود تنوع، کاهش جذابیت، ضعف امکانات آموزشی، کم‌تجربگی مربیان و... از نکات ضعف این کلاس‌هاست.

۱۱. روی‌آوری به دین:

با لطف و توفیق خدای دانا و از نعمت وجود مدارس دینی، علما و شخصیت‌های مذهبی و فرهنگی، کتاب‌خانه‌ها و دانشگاه‌ها، انتشاراتی‌ها و کتاب‌ها، جریانات فکری و مذهبی، و متأثر از بیداری اسلامی جهانی، در میان اهل‌سنت ایران روی‌آوری به دین، بویژه در استان‌های شرقی و جنوبی فزونی گرفته است. فزونش حوزه‌های علمیه، مساجد، طلاب و دانشجویان و کتاب‌خانه‌ها دلیل روشنی بر این بیداری است. اما چه خوب است این توجه به دین، با بیداری واقعی فکری همراه باشد و از احساسات زودگذر و عواطف کاذب به دور گردد. این از مسؤولیت‌های مهم علما و امامان مساجد و رهبران فکری جامعه است تا امت از جهل و جمود و تقلید کورکورانه‌ای که سالیان دراز در آن گرفتار بوده است، با سربلندی بیرون آید.

وقتی از روی‌آوری به دین سخن گفته می‌شود، نباید ضعف دینی و فرهنگی برخی از اهل‌سنت فراموش شود، چون در عمل عده‌ی زیادی به آن دچارند و در بخش بعدی به عنوان یکی از چالش‌ها و مشکلات ذکر خواهد شد. ولی ـ بحمدالله ـ دایره‌ی روی‌آوری گسترده‌تر است و آنان که می‌آیند بسی بیش‌تر از کسانی‌اند که به دین پشت می‌کنند. هر چند نمادها و مظاهرش متفاوت است.

۱۲. همایش‌ها، کنفرانس‌ها و جلسات:

در مجموع همایش‌ها و جلسات خاص اهل‌سنت در کشور به نسبت آن‌چه در دیگر شهرها برگزار می‌شود، بسیار اندک است که دلایل متعددی دارد، همانند فشارها و تنگناهای اداری که گاهی از سوی برخی مسؤولان اعمال می‌شود، یا کم‌توجهی به این امر مهم، یا کمبود امکانات لازم، یا دوری مناطق از یک‌دیگر و... . ولی باید به این عرصه توجه شود تا هم‌گرایی، وحدت صف، فرهنگ‌سازی، آموزش مذهبی و ... بیش‌تر گردد.

بزرگ‌ترین همایش مذهبی اهل‌سنت مراسم «ختم بخاری» در زاهدان است که در اصل سالانه برای بزرگ‌داشت دانش‌آموختگان و طلاب برادر و خواهر حوزه‌ی علمیه‌ی مکی برگزار می‌شود، اما گروه زیادی از مردم از سراسر کشور و حتی کشورهای همسایه و... در آن شرکت می‌کنند. در دیگر شهرهای اهل‌سنت که حوزه‌های علمیه فعال هستند، مراسم‌های کوچک‌تری از این قبیل برگزار می‌شود، همانند شهرهای بلوچستان، گلستان، خراسان، هرمزگان و... . در دانشگاه‌ها مراسم خاص اهل‌سنت به ندرت برگزار می‌شود. البته همایش‌ها و نشست‌هایی ملی، محلی، شب شعر، هنری و... در برخی از شهرهای اهل‌سنت برگزار می‌شود، اما جنبه‌های مذهبی در آن کم‌فروغ یا مفقود است.

افزایش چنین جلسات و همایش‌هایی در مناطق اهل‌سنت و برنامه‌ریزی درست و هدفمند برای آن، گسترش دایره‌ی آن، برگزاری کنفرانس‌های تخصصی برای قشرهای مختلف جامعه، توجه به محتوا بیش‌تر از ظواهر، پربار کردن حداکثری، فراهم کردن امکانات رفاهی و... از امور مورد نیاز این‌گونه جلسات و کنفرانس‌هاست.

۱۳. مسابقات حفظ و قرائت قرآن کریم:

توجه به حفظ و قرائت قرآن کریم از امور ارزشمند نزد هر مسلمان است و یکی از راه‌های گسترش این فرهنگ در جامعه، برگزاری مسابقات حفظ و قرائت و همایش‌های مربوط به آن است، بویژه در بین جوانان و نوجوانان که به طور معمول با دیدن این‌گونه رقابت‌ها علاقه‌مند شده و در پی رسیدن به این فضیلت گام می‌گذارند. هر چند در میان اهل‌سنت، بخصوص در حوزه‌های علمیه و مراکز دینی و قرآنی چنین مسابقاتی سالیانه برگزار می‌شود، و تاکنون قاریان و حافظان خوبی شناسایی شده و حتی در مسابقات کشوری و بین المللی گام گذاشته‌اند، ولی باید گسترش یابد و فراگیر شود. و صد البته پیش از آن، باید زیرساخت‌های آموزشی و قرآنی فراهم شود تا علاقه‌مندان بتوانند بر آموزه‌های تجویدی و تفسیری خویش بیفزایند.

۱٤. تولیدات فرهنگی:

از آن‌جا که در میان اهل‌سنت ایران نژادها و فرهنگ‌های گوناگونی وجود دارند، تنوع تولیدات فکری و فرهنگی امری طبیعی است. پس این‌گونه تولیدات فراوان یکی از عرصه‌های سودمند خواهد بود، به شرطی که به اهمیت آن پی ببریم و از تأثیرات ژرف آن در جوامع بشری آگاهی یابیم و دامنه‌ی تولیدات فکری، هنری و فرهنگی خود را گسترش دهیم. کتاب، مجله، مقاله، لوح فشرده، کنفرانس، فیلم و...

از جمله تولیدات فرهنگی و فکری اهل‌سنت است که البته در میزان محدودی در استان‌ها پخش می‌شود.

۱۵. رسانه‌ها و امکانات الکترونیکی:

هیچ‌کس در روزگار کنونی نقش اساسی رسانه‌ها را منکر نیست، چون با سرعتِ انتقال اطلاعات، و گوناگونی روش‌های جذاب خویش تأثیر شگرفی بر افکار عمومی دارند. البته در بخش‌های پیشین به تعدادی از پایگاه‌ها و مجلات وابسته به مدارس دینی و طیف‌های فکری و دعوی و حتی افراد اشاره شد که می‌توانند دایره‌ی کاری و علمی خود را گسترش دهند. به هر حال رسانه‌ها و بویژه امکانات الکترونیکی از عرصه‌های مهم برای فعالیت‌های دینی، علمی، سیاسی و فرهنگی است که اهل‌سنت می‌توانند با برنامه‌ریزی از آن‌ها بیش‌تر بهره ببرند.

طبق سرشماری سال ۱۳۹۰ش تعداد کل نشریات(روزنامه، هفته‌نامه، ماهنامه، فصلنامه، سالنامه و گاهنامه) به ٤٨٩٩ عدد رسیده است که ٢٦٤٠ مورد از آن‌ها در تهران و ٢٢٥٩ عنوان در دیگر شهرها چاپ و پخش می‌شود.[۱]

دو ـ فرصت‌های سیاسی:

۱. احزاب و جمعیت‌ها:

در بخش نخست(فصل سوم)، احزاب و جمعیت‌های اهل‌سنت ایران نام برده شد. گرچه این احزاب و حرکت‌ها بیش‌تر فعالیت دینی و مذهبی دارند، ولی وجود این‌گونه خیزش‌ها می‌تواند از عرصه‌های مهم و اثرگذار در عرصه‌ی سیاست نیز باشد، بویژه در عصر حاضر که احزاب نقشی اساسی در هماهنگ‌سازی، سازمان‌دهی، جهت‌دهی،

۱. نگاه: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۷۷۵.

برنامه‌ریزی و فرهنگ‌سازی ملت‌ها برعهده دارند، البته اگر مردم به حسن نیت، صداقت و شفافیت‌شان پی‌برده و آنان را خدمت‌گزار تشخیص دهند. اهل‌سنت به چنین احزاب و گروه‌هایی که نیازها را برآورده ساخته و نیروها و توانایی‌ها را جمع کنند، بسی نیازمندند. احزاب و جمعیت‌ها نیز باید بپرهیزند از تفرقه‌ی نکوهیده، تشویش بی‌جهت، پراکندگی فکری و قلبی، هیاهو، تعصب حزبی، تبعیض فکری، غوطه‌وری در لجن‌زار جزئیات و فروع بی‌ارزش، و دیگر اموری که صفای ایمانی و روحی را تیره گردانده و دل‌ها را از یک‌دیگر گریزان می‌کند.

عدم رسمیت دولتی و قانونی، عدم ثبت در وزارت کشور، کاهش پذیرش عمومی، فزونش شبهات و پرسش‌ها پیرامون کار حزبی و تشکیلاتی، ضعف اعضا، بی برنامگی، ضعف مدیریت، طراحی‌های ناقص و کم‌توان، و... از چالش‌های پیش روی احزاب و جمعیت‌های اهل‌سنت ایران است.

۲. مجمع نمایندگان اهل‌سنت در مجلس شورای اسلامی:

همواره مجمع نمایندگان اهل‌سنت در مجلس شورای اسلامی از عرصه‌های مهم سیاسی بوده است، زیرا آنان حایز اکثریت آرا شده و از امکاناتی برخوردارند که در دست‌رس دیگران نیست، همانند آگاهی از اوضاع داخلی و خارجی سیاسی، نفوذ در وزارت‌خانه‌ها و ادارات دولتی و رجال حکومتی، ارتباط زیاد میان پایتخت و استان‌ها و شهرستان‌ها، داشتن جایگاه رسمی و قانونی در بین مسؤولین، شهرت در بین مردم و دیگر عواملی که مسؤولیت ایشان را در قبال خدا و مردم سنگین‌تر می‌کند. کاش از این امکانات بیش‌تر بهره برده و برای خدمت‌رسانی به ملت بکوشند.

۳. عضویت در شوراهای استان و شهرستان:

پیش‌تر اشاره شد در عموم شهرها و روستاهایی که اهل‌سنت اکثریت دارند، کسانی از ایشان توانسته‌اند در انتخابات رأی کافی به دست آورده و در شورای اسلامی شهر، شهرستان و استان عضویت یابند. این عرصه فرصت مناسبی برای ارائه‌ی خدمات فرهنگی و سیاسی به هم‌شهریان و هم‌وطنان است، چون طبق آیین‌نامه‌ی شوراها مجال فعالیت فرهنگی و عمرانی برای اعضا باز است.

در اصل دوازدهم قانون اساسی نیز آمده است: «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثناعشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه(ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها برطبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب».[۱]

به پاره‌ای از وظایف و اختیارات این شوراها اشاره می‌گردد:[۲]

۱. انتخاب شهردار برای مدت چهار سال.

۲. بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارسایی‌های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و رفاهی حوزه‌ی انتخابیه و تهیه‌ی طرح‌ها و پیشنهادهای اصلاحی و راه‌حل‌های کاربردی در این

---

۱. متن کامل قانون اساسی، اصل ۱۲.

۲. www.shora-gc.ir (پایگاه رسمی شورای نگهبان قانون اساسی).

زمینه‌ها جهت برنامه‌ریزی و ارائه‌ی آن به مقامات مسؤل ذیربط.

۳. نظارت بر حسن اجرای مصوبات شورا و طرح‌های مصوب در امور شهرداری و سایر سازمان‌های خدماتی در صورتی که این نظارت مخل جریان عادی این امور نگردد.

٤. همکاری با مسؤولین اجرایی و نهادها و سازمان‌های مملکتی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی، و عمرانی بنا به درخواست آنان.

٥. برنامه‌ریزی در خصوص مشارکت مردم در انجام خدمات اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، فرهنگی، آموزشی، و سایر امور فاهی با موافقت دستگاه‌های ذی‌ربط.

٦. تشویق و ترغیب مردم در خصوص گسترش مراکز تفریحی، ورزشی، و فرهنگی با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط.

۷. اقدام در خصوص تشکیل انجمن‌ها و نهادهای اجتماعی، امدادی، ارشادی و تأسیس تعاونی‌های تولید و توزیع و مصرف، نیز انجام آمارگیری، تحقیقات محلی و توزیع ارزاق عمومی با توافق دستگاه‌های ذیربط.

۸. نظارت بر حسن اداره و حفظ سرمایه و دارایی‌های نقدی، جنسی و اموال منقول و غیر منقول شهرداری و هم‌چنین نظارت بر حساب درآمد و هزینه‌ی آن‌ها به گونه‌ای که مخل جریان عادی امور شهرداری‌ها نباشد.

۹. نظارت بر امور تماشاخانه‌ها، سینماها و دیگر اماکن عمومی، که توسط بخش خصوصی، تعاونی و یا دولتی اداره می‌شود با وضع و تدوین مقررات خاص برای حسن ترتیب، نظافت و بهداشت این قبیل مؤسسات بر طبق پیشنهاد شهرداری و اتخاذ تدابیر احتیاطی

جهت جلوگیری از خطر آتش سوزی و مانند آن.

۱۰. تصویب نام‌گذاری معابر، خیابان‌ها، کوچه و کوی در حوزه‌ی شهری و هم‌چنین تغییر نام آن‌ها.

۱۱. ... .

٤. رسانه‌ها و امکانات الکترونیکی:

در عرصه‌ی سیاست، مهم‌ترین فرصت اهل‌سنت همان کنشگری و فعالیت رسانه‌ای و الکترونیکی است که در بخش فرهنگی و علمی توضیح داده شد. امروزه رسانه‌ها نقش سحرآمیزی در جهت‌دهی و بسیج افکار عمومی برعهده دارند. هر چند گفته شد که اهل‌سنت رسانه‌ی مستقلی ندارند، ولی می‌توانند از عموم رسانه‌ها که در کشور به فعالیت سیاسی مشغول‌اند در جهت ارائه‌ی نظرات و دیدگاه‌های خود بهره ببرند.

سه ـ فرصت‌های اجتماعی:

۱. انجمن‌های خیریه و اجتماعی:

انجمن‌های خیریه و مؤسسات اجتماعی گوناگون وصندوق‌های قرض الحسنه یکی از عرصه‌های مهمی است که ارتباط تنگاتنگی با جامعه و افکار عمومی دارد، چون یاری وکمک آنان به مردم بر همگان روشن است، بویژه در مناطق فقیرنشین و تهی‌دست که نیاز بیش‌تری دارند. از این فرصت می‌توان برای ترویج دین و فرهنگ در کنار خدمات بشردوستانه بهره برد. در فصل دوم از مهم‌ترین مؤسسات و انجمن‌هایی نام برده شد که نقش و تأثیر خوبی در جامعه‌ی اهل‌سنت دارند، بخصوص آن‌گاه که دایره‌ی خدماتی و اجتماعی و فرهنگی خویش را گسترش داده و از امکانات نوین

بهره ببرند و برای جذب بیش‌تر داوطلبان بکوشند تا راه رسیدن به مقصد آسان شود. هنوز این‌گونه انجمن‌ها در جامعه ناشناخته یا کم‌تر شناخته شده‌اند. در عصر کنونی بسیاری از فعالان اجتماعی و مدنی، مؤسسات و انجمن‌های جدیدی پایه‌گذاری کرده‌اند که به NGO [۱] شهرت یافته‌اند و از این راستا خدمات مهمی در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی یا فکری ارائه داده‌اند. ولی جامعه‌ی اهل‌سنت در این عرصه کوتاهی کرده یا نتوانسته است مجوزهای لازم را به دست آورد.

۲. مراکز ترک اعتیاد:

از آن‌جا که استان‌های سنی‌نشین شرقی با مرزهای افغانستان و پاکستان هم‌جوارند، قاچاق مواد مخدر از این دو کشور به ایران فراوان است. هر چند هیچ استانی در کشور از قاچاق مخدرات و اعتیاد مصون نمانده است. به راستی که اعتیاد به مواد مخدر یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و مشکلاتی است که جان‌ها، سرمایه‌ها، خانواده‌ها و اخلاقیات بسیاری را هدر داده است. گرچه دولت تلاش فراوانی در راه مبارزه با این پدیده یا نابودی آن به خرج داده است، ولی هنوز نتوانسته است موفقیت چندانی به دست آورد. در همه‌ی استان‌ها مراکز ترک اعتیاد از سوی دولت یا مردم نیکوکار ایجاد شده است. بنا بر این از سرمایه‌داران و فعالان اجتماعی اهل‌سنت هم خواسته می‌شود در جهت تأسیس این گونه مراکز بکوشند تا معتادان را برای رهایی از گزند این بیماری یار و یاور فکری، فرهنگی، پزشکی و مالی باشند.

۳. مراکز نگه‌داری و سرپرستی یتیمان:

قرآن کریم درآیات متعددی ما را به همکاری اجتماعی و همدلی

۱. این واژه مخفف Non Governmental Organizations (نهادهای غیردولتی) است.

و مهربانی با هم‌نوع توصیه می‌کند، بویژه هنگامی که در جامعه یتیم وجود داشته باشد:

﴿وَءَاتُواْ ٱلۡيَتَٰمَىٰٓ أَمۡوَٰلَهُمۡۖ وَلَا تَتَبَدَّلُواْ ٱلۡخَبِيثَ بِٱلطَّيِّبِۖ وَلَا تَأۡكُلُوٓاْ أَمۡوَٰلَهُمۡ إِلَىٰٓ أَمۡوَٰلِكُمۡۚ إِنَّهُۥ كَانَ حُوبٗا كَبِيرٗا ۝٢﴾[1] **(اموال یتیمان را به ایشان بدهید وَ ناپاک را با پاک نیامیزید، اموال‌شان را در کنار اموال خود نخورید که گناه بسیار بزرگی است).**

﴿وَٱبۡتَلُواْ ٱلۡيَتَٰمَىٰ حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغُواْ ٱلنِّكَاحَ فَإِنۡ ءَانَسۡتُم مِّنۡهُمۡ رُشۡدٗا فَٱدۡفَعُوٓاْ إِلَيۡهِمۡ أَمۡوَٰلَهُمۡۖ وَلَا تَأۡكُلُوهَآ إِسۡرَافٗا وَبِدَارًا أَن يَكۡبَرُواْۚ وَمَن كَانَ غَنِيّٗا فَلۡيَسۡتَعۡفِفۡۖ وَمَن كَانَ فَقِيرٗا فَلۡيَأۡكُلۡ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ فَإِذَا دَفَعۡتُمۡ إِلَيۡهِمۡ أَمۡوَٰلَهُمۡ فَأَشۡهِدُواْ عَلَيۡهِمۡۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ حَسِيبٗا ۝٦﴾[2] **(یتیمان را بیازمایید تا وقتی که به [سنّ] ازدواج رسند. پس اگر از آنان حسن تدبیر یافتید، اموال‌شان را به آنان برگردانید و آن را [از بیم] آن‌که بزرگ شوند به اسراف و شتاب مخورید و هر کس که توانگر باشد باید که خویشتن‌داری کند و هر کس که فقیر باشد باید به طرز شایسته بخورد. آن‌گاه چون اموال‌شان را به آنان بازگرداندید، بر آنان گواه گیرید. و خداوند به عنوان حسابرس بس است).**

رسول‌الله ﷺ نیز فرمود: **«أنا وكافل اليتيم في الجنة هكذا، وأشار بالسبابة والوسطى، وفرّج بينهما شيئا».**[3] **(من و سرپرست یتیم در بهشت این چنین هستیم، و به انگشتانِ نشانه و میانه‌ی خویش اشاره کرد و مقداری بین آن‌ها شکاف انداخت).**

پس، بنیان‌گذاری دارالایتام یکی از عرصه‌های سودبخش اجتماعی

---

۱. نساء/ ۲۰.
۲. نساء/ ۶.
۳. عسقلانی، فتح الباری، الطلاق (۶۸)، اللعان (۲۵)، ح: ۵۳۰۴، ج ۱۰، ص ۴۳۱

است که کودکان بسیاری را در برابر موج بزهکاری، تهی‌دستی، نادانی و... پاسداری می‌کند. اگر این کودکان به حال خود رها شوند، در آینده معلوم نیست دچار چه آشفتگی‌هایی گردند!

چهار ـ فرصت‌های طبیعی و اقتصادی:

۱. توانایی‌های کشاورزی:

از آن‌جا که حدود نیمی از اهل‌سنت(کردها، ترکمن‌ها، تالشی‌ها و ترک‌ها) در استان‌های غربی و شمالی زندگی می‌کنند، و این مناطق از مهم‌ترین بخش‌های زراعی در ایران است، پس اهل‌سنت از قدرت کشاورزی خوبی برخوردارند که می‌توانند با آن به سرمایه‌های هنگفت و مطلوبی دست یابند، به شرطی که از امکانات نوین زراعی بهره ببرند تا با هزینه‌های اندک و خدمات ناچیز به محصولات بسیاری برسند. کاش پیش از کشاورزی، دانش آن را کسب کنند و ارزش واقعی آب و خاک را بدانند! البته هرگز وجود کشاورزان آگاه از شیوه‌های جدید و امکانات تازه در بین اهل‌سنت کشور انکار نمی‌شود، ولی هنوز بسیاری از آنان به اهمیت این تحول در عصر کنونی پی نبرده‌اند.

در دیگر استان‌ها همانند خراسان‌ها، فارس، هرمزگان، بلوچستان و... نیز کشاورزی یافت می‌شود، ولی اندک است که چندین دلیل دارد، مثل خشک‌سالی، کم‌آبی، گرمای زیاد و کمبود یا نداشتن امکاناتی که بتوان با آن به آب گوارا و خاک پاک دست یافت.

۲. امکانات طبیعی(دریا،کوه، دشت و بیابان):

مشرف به دریا بودن از ویژگی‌های استان‌های جنوبی(هرمزگان، بوشهر و جنوب بلوچستان) و هم‌چنین استان‌های گلستان و گیلان

است. استان‌های شمالی وآذربایجان، اردبیل، کردستان وکرمانشاه نیز کوهستانی است. دشت و بیابان در خراسان و بلوچستان یافت می‌شود.

امروزه انسان بخصوص در کشورهای پیشرفته توانسته است حتی از قطعه‌های کوچک زمین برای کشاورزی، بازرگانی،گردشگری، مسکونی و... استفاده کند. دریا، کوه، دشت و بیابان همگی از نعمت‌های خداوند است که در تسخیر انسان می‌باشد. نوع نگرش و میزان دانش، امکانات و فرهنگ هر کس است که به او امکان بهره‌مندی یا عدم آن را در راه رسیدن به ثروت هنگفت از دریا، بیابان و کوهستان فراهم می‌کند. وقتی یک مسلمان اماراتی توانسته است از بیابان‌های خشک و بی‌آب کشورش در جذب گردشگر و رسیدن به سرمایه استفاده کند یا سنگ و خاک از کشورهای همسایه وارد کند و جزیره بسازد، چگونه مسلمان بلوچ یا کرد یا خراسانی و تالشی نمی‌تواند از بیابان، کوه و دریا برای چنین اهدافی بهره ببرد و با روش‌های گوناگون و نوین و غیرسنتی آن‌ها را به کار گیرد. امروزه باید شیوه‌های سنتی و فرسوده به تاریخ سپرده شود و از اسلوب‌های تازه استفاده شود که سود و محصول بیش‌تری دارد، به شرطی که دولت در توسعه و گسترش آن همکاری کند. یکی از خواسته‌های اهل‌سنت همین نکته است، زیرا به علت کمبود و یا نبودن قدرت مالی، شاید کشاورزان توانایی به کارگیری امکانات جدید و چیرگی بر کوه، دریا و دشت را نداشته باشند و بدون کمک دولت و سرمایه‌های کلان این امر میسر نشود.

افزون بر این، معادن غنی فراوانی در بیش‌تر مناطق اهل‌سنت یافت می‌شود که بسا دیگران بر آن چیره شده‌اند و سهم سنی‌مذهبان از این

معادن اندک است، بویژه معادن بزرگ و سنگین، همانند آهن، سیمان، سنگ‌های قیمتی و ارزشمند و مواد شیمیایی و معدنی.

بر اساس آمارهای رسمی در سال ۱۳۸۹ش[1] در کل کشور ٤٩٧٤ معدن وجود داشته است و بیش از ۸۱۰۰۰ نفر در آن‌ها به کار اشتغال داشته‌اند. اکثر این معادن از لحاظ تعداد در استان اصفهان (٤٣٢ معدن) و پس از آن آذربایجان غربی است که به ۳۸٤ مورد رسیده است. از نگاه ارزش تولیدات معدنی، بیش‌ترین آمار به ترتیب از آن استان کرمان، یزد و فارس است. سهم خراسان رضوی ۳۷٤ معدن، خراسان جنوبی ١٦٦ معدن، خراسان شمالی ۸٦م، بلوچستان ٦٨م، کردستان ۱۷۳م، کرمانشاه ۱۱۲، گلستان ۱۱۰م و هرمزگان ٦٤ مورد است. بالاترین سودآوری از معادن آهن، مس و سنگ‌های تزیینی است. قابل ذکر است که یکی از معادن پردرآمد کشور در شهر سنی‌نشین سنگان از توابع خواف در خراسان رضوی واقع شده است، ولی سهم مردم منطقه از آن نسبت به درآمدش اندک است. یکی از مسؤولان و کارمندان این معدن می‌گفت: ماجرای مردم منطقه و این معدن همانند بوی کباب و خوردن آن است؛ اهالی این‌جا بویش را استشمام می‌کنند و دیگران کبابش را می‌خورند. تازه اگر آلودگی محیطی و غبار دایم را در نظر نگیریم که در طول سال با آن مواجه هستند. ناگفته نماند که مردم از کانال‌های قانونی پیگیر حقوق خویش می‌باشند. البته این مشکل در مناطق دیگری که از معادن و منابع مهم و وسیع برخوردارند، کم و بیش وجود دارد، مثل چاه‌ها و پالایشگاه‌های عسلویه، سرخس، بندرعباس، اهواز و... .

هم‌چنین جاذبه‌های گردشگردی فراوان و منحصر به فرد دیگری

---

۱. نگاه: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۲۹۸، ۲۹۹ و ۳۰۵.

که می‌توان از آن‌ها بهره‌ی اقتصادی و فرهنگی به دست آورد، مانند آثار باستانی و تاریخی، غارها، قله‌ها، رودها، آبشارها، کوه‌ها و دامنه‌های زیبا در کردستان وآذربایجان وکرمانشاه، دشت‌ها و بیابان‌های گسترده بویژه آتشفشان «تفتان» در بلوچستان، جنگل‌های انبوه و جالب در استان‌های شمالی، دریا و جزایر سودمند در جنوب، و... . همه‌ی این عرصه‌ها و غیر آن از جمله امکانات طبیعی است که خداوند در دست‌رس مسلمان ایرانی و سنی قرار داده است، به شرطی که از آن از لحاظ تجاری و مادی استفاده کند و دولت نیز در فرهنگ‌سازی و گسترش راه‌های بهره‌وری و برنامه‌ریزی درست سهیم گردد و اهل‌سنت و مردم منطقه را در این راستا یاری دهد.

شایان ذکر است که بر اساس آمارهای رسمی بیش‌ترین گردشگران ایرانی و خارجی از آرامگاه حافظ شیرازی دیدار کرده‌اند که تعدادشان به ۱۷۷۳۰۰۰ نفر در سال ۱۳۹۰ش رسیده است. رتبه‌ی بعدی از آن آرامگاه سعدی شیرازی است که ۱٤۱۳۰۰۰تن بوده‌اند. رتبه‌ی ششم از آن آرامگاه شیخ احمد جامی در خراسان رضوی ـ تربت جام است(۷۲۷۰۰۰ نفر). همگان می‌دانند که این سه تن از شخصیت‌ها و شاعران و فرزانگان معروف و محبوب اهل‌سنت می‌باشند. جایگاه سوم از آن تخت جمشید در شیراز (۱۲۰۵۰۰۰ نفر) و چهارم از آن باغ فین کاشان ـ اصفهان (۹۱۷۰۰۰ تن) است و در رتبه‌ی پنجم هم چهلستون اصفهان (۷۸۱۰۰۰ نفر) قرار دارد.[۱]

۳. مرزنشینی:

عموم اهل‌سنت در استان‌های مرزی سکونت دارند، به جز عده‌ای که مهاجرت کرده و در مراکز کشور زندگی می‌کنند. مرزهای خشکی

۱. نگاه: همان، ۷۸۲ و ۷۸۳.

ترکیه، آذربایجان، ارمنستان، عراق، پاکستان، افغانستان، ترکمنستان، و هم‌چنین مرزهای آبی خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر از فرصت‌های مهمی است که اهل‌سنت می‌توانند از این راه به بازرگانی سودآور، سرمایه‌ی هنگفت، گردشگری پر منفعت و تبادلات ارزی و فرهنگی خوبی دست یابند. ولی همواره تبادلات مرزی مشکلات سیاسی و چالش‌های جغرافیایی و انسانی خاص خود را دارد. البته همین خود یکی از چالش‌های اهل‌سنت است که با برنامه‌ریزی‌های متقابل دولت و ملت و با مدارا و همدلی طرفین و نیز فراست و تسامح، قابل حل یا کاهش است.

٤. بازارهای مرزی و مناطق آزاد تجاری:

یکی از عرصه‌های وابسته به مرز، بازارچه‌های مرزی و مناطق آزاد تجاری است. در مناطق اهل‌سنت از این‌گونه بازارچه‌ها و مناطق تا حدودی وجود دارد، همانند بازارهای قشم، کیش، چابهار و برخی از شهرهای دیگر مانند جوانرود در کرمانشاه، بانه در کردستان، تایباد در خراسان رضوی. این‌گونه اماکن یکی از فرصت‌های اهل‌سنت است که می‌تواند بسیار مفید باشد، ولی مشکلاتی هم وجود دارد که مردم منطقه خواهان از بین بردن یا کاهش آن‌ها از سوی مسؤولان دولتی و حکومتی می‌باشند، از جمله تبعیض‌های مذهبی، فشارهای منطقه‌ای، تعویض و تبدیل روز به روز قوانین، جایگزینی گمرک‌ها و مناطق آزاد و... .

طبق آمارهای رسمی بیش‌ترین واردات کشور از لحاظ ارزش ریالی به امارات متحده‌ی عربی (۳۱/۹٪)، چین (۱۲٪) و کره‌ی جنوبی (۷/۷٪) متعلق است. و غالب صادرات هم از آن چین(۱٦/۷٪)، عراق (۱۵/۳٪) و امارات (۱۳/۳٪) است.[1]

۱. نگاه: همان، ۴۴۵.

۵. معاملات الکترونیکی:

این فرصت برای همگان و در هر روز و ساعت فراهم است؛ فرصتی که تعطیلی و خستگی نمی‌شناسد و می‌توان با هزینه‌های اندک به سود سرشار رسید. همواره سفارش کارشناسان و متخصصان، بهره بردن از اینَ عرصه‌ی تازه و آسان و سودمند در بازارهای امروزی و نوین است.

٦. مشاغل جدید:

با پیشرفت بشر، راه‌های کسب و تجارت و رسیدن به ثروت نیز توسعه یافته است. همیشه مشاغل و راه‌های تازه‌ای وجود دارد که می‌توان با اندیشیدن و خردورزی، آگاهی از تجارب جهانی نوین، اکتشاف و اختراع، نیازسنجی اجتماعی و بازار، و ارتباط پیوسته و مفید با همسایگان و کارشناسان و افراد با تجربه به آن دست یافت.

گاهی برخی از جوانان اهل‌سنت را می‌بینی که از بی‌کاری و نداشتن شغل شکایت دارند و از دولت و دیگران توقع دارند تا برای‌شان این امکان را فراهم کنند! درست است که کار جمعی و فرصت‌های دولتی مؤثر و سریع است، بخصوص هنگامی که دولت، کارگاه و کارخانه و صنایع سنگین در مناطق ایجاد کند، ولی وقتی این فرصت فراهم نیست، هر شخصی باید خودش بکوشد تا کاری فراهم کند و فرصتی بیافریند؛ شغلی که شاید به سرمایه و وقت زیادی نیاز نداشته باشد.

شایسته است در این جا مقاله‌ای را به طور کامل نقل کنم که چگونگی اندیشه‌ی ثروتمندان و مردم عادی را باز می‌گوید تا انگیزه‌ای شود برای کسانی که به انتظار شغل نشسته‌اند و چاره‌ای نمی‌بینند.

نویسنده‌ی کتاب «اغنیا چگونه می‌اندیشند»[1] حدود سی سال وقت گذاشت و با میلیونرها و میلیاردرهای فراوانی در سراسر دنیا مصاحبه و دیدار داشت تا تفاوت تفکر سرمایه‌داران و مردم عادی را بیابد. سرانجام ۲۱ تفاوت در نوع اندیشه‌ی این دو گروه ارائه می‌دهد:

یک. مردم عادی باور دارند که پول، اصل همه‌ی بدی‌هاست، ولی ثروتمندان معتقدند که فقر اصل همه‌ی بدی‌هاست. تقریباً نوعی شست‌وشوی مغزی در افراد عادی وجود دارد هنگامی که می‌پندارند اغنیا فقط شانس دارند یا بی‌شرف و دزد هستند. همین باعث شده که در برخی از جوامع کم‌تر توسعه‌یافته یا عقب‌مانده، ثروت را نوعی شرمندگی یا عیب بدانند.

دو. در وقتی که مردم عادی «خودستایی» را رذیلت می‌بینند، اغنیا آن را فضیلت می‌دانند. ثروتمندان می‌کوشند خود را خوش‌بخت کنند و ادعا ندارند یا تظاهر نمی‌کنند که می‌خواهند دنیا را نجات دهند. مشکل این است که طبقه‌ی متوسط این را یک امر منفی می‌دانند و همین باعث شده فقیر بمانند؛ اگر نتوانی خودت را پاسداری کنی، هرگز و هرگز نخواهی توانست دیگران را یاری دهی، چون چیزی نداری تا ارائه دهی.

سه. همگان به شانس باور دارند، چیزی که می‌توانیم آن را «بخت آزمایی» بنامیم، اما اغنیا تنها به کار و تولید می‌اندیشند. آن قهرمانی که طبقات متوسط جامعه در انتظارش هستند گاهی دولت، رئیس، همسر یا شانس و بخت است. سطح تفکر، خرد، روش و برنامه‌های‌شان همین است، همواره در انتظارند .. و زمان می‌گذرد، ولی سرمایه‌داران

---

۱. این نویسنده استیو سیبولد(Steve–Siebold) یکی از نویسندگان مطرح آمریکایی در عصر حاضر است.

کار می‌کنند و وقت را هدر نمی‌دهند.

چهار. بسیاری بر این باورند که راه رسیدن به ثروت، آموزش و تحصیلات رسمی است، ولی ثروتمندان کسب مهارت کاری را اصل می‌دانند. اغلب اغنیا تحصیلات اندکی دارند و کار را بر پایه‌ی آموخته‌ها و یافته‌های کمی آغاز کرده‌اند. عموم مردم به این قناعت رسیده‌اند که مدارک فوق لیسانس و دکترا ابزار کسب ثروت هستند، چون بیش‌ترشان در محاصره‌ی یک خط طولی فکری قرار دارند و همین نگذاشته است سطح فکرشان ارتقا یابد. ثروتمندان آن اندازه که به اهداف اهتمام می‌ورزند به ابزار اهمیت نمی‌دهند.

پنج. اکثر مردم عادی در آرزوی گذشته‌های خویش به سر می‌برند، اما ثروتمندان جز به آینده نمی‌اندیشند. میلیاردرهای خودباور همیشه آماده‌ی خطرپذیری و گام نهادن در آینده‌ی ناشناخته‌اند و تا پای به خطر انداختن خود و اموال و آرزوهای‌شان پیش می‌روند، ولی کسانی که باور دارند که بهترین روزگاران‌شان در گذشته بوده است، خیلی کم به سرمایه می‌رسند و اکثرشان از نومیدی و افسردگی رنج می‌برند.

شش. همگان نسبت به پول دیدگاهی عاطفی و احساسی دارند، ولی اغنیا دیدگاهی منطقی دارند. مردم به طور عموم عاقلانه می‌اندیشند که پول چه می‌کند و چه نمی‌کند، ولی بزرگان مالی می‌دانند که پول ابزار مهمی در آفرینش فرصت و ایجاد راه حل است.

هفت. عموم مردم پول را از شغلی به دست می‌آورند که دوست ندارند، ولی ثروتمندان از راهی پول کسب می‌کنند که عاشقش هستند. طبقات میانی در شغل‌هایی به کار می‌پردازند که با آن سرمایه‌دار نمی‌شوند، چون همواره نیازمند می‌مانند و در مدرسه و جامعه با

اندیشه‌هایی فردگرایانه آموخته‌اند که به دست‌آوردن سرمایه با تلاش بدنی یا عقلی امکان‌پذیر است.

هشت. سطح توقعات افراد عادی پایین است، زیرا از زیان می‌ترسند، اما سرمایه‌داران همیشه دنبال مبارزه‌طلبی‌اند. روان‌شناسان و کارشناسان سلامت به مردم توصیه می‌کنند که سطح خواسته‌ها و توقعات خود را پایین نگه دارند تا به زیان و افسردگی و ناامیدی دچار نشوند. ولی واقعیت این است که هیچ کس تا کنون بدون آرزوها و خواسته‌های کلان به ثروت و اهدافش نرسیده است.

نه. فرد عادی معتقد است که باید برای رسیدن به ثروت کارهای سخت انجام دهد، ولی اغنیا به ابتکار و نوآوری باور دارند. بزرگان از هر تجربه‌ای چیزی یاد می‌گیرند و رشد می‌کنند، خواه موفقیت‌آمیز باشد خواه ناکامی. آنان می‌دانند که پاداش حقیقی‌شان همان است که ابزار موفقیت بشریت گردند، چون در نهایت به نتایج زیبایی خواهند رسید.

ده. فرد عادی معتقد است که برای رسیدن به سرمایه باید سرمایه‌ای وجود داشته باشد، اما ثروتمندان اموال دیگران را در این راه به کار می‌گیرند. مردم باور دارند که برای کسب مال بیش‌تر به مال نیاز است، این اشتباه است، زیرا اغنیا طرح‌های آینده‌ی خود را از جیب دیگران عملی می‌کنند، تنها پرسشی که در ذهن دارند این است که آیا این پروژه ارزش خریدن و سرمایه‌گذاری دارد یا نه؟!

یازده. کسانی باور دارند که منطق و عقل عامل محرک بازار است، ولی ثروتمندان یقین دارند که عشق مال و علاقه به خویش، ابزار محرک آنان است. سرمایه‌گذاری موفق در بورس و بازارهای مالی را معادلات ریاضیاتی و خیالی مدیریت نمی‌کند. اغنیا می‌دانند که

ترس و طمع عامل اصلی بازار است و این دو، ابزار اساسی در تمام مشاغل و رویکردهاست. همین خود امتیازی اصلی در رسیدن به ثروت است.

دوازده. مردم عادی بالاتر از سطح واقعی خود زندگی می‌کنند، اما ثروتمندان کم‌تر از سطح خود می‌زیند. ثروتمندانی که می‌توانند همانند شاهان زندگی کنند، در سطحی کم‌تر روزگار می‌گذرانند، نه بدین سبب که خسیس و بخیل‌اند؛ بدین علت که در آینده آرزوهای بزرگ‌تری در سر می‌پرورانند.

سیزده. مردم معمولی به کودکان خویش چگونگی ماندن در قید حیات را آموزش می‌دهند، ولی اغنیا به آنان یاد می‌دهند که چگونه ثروتمند شوند. پدران پولدار از همان آغاز به فرزندان‌شان می‌آموزند که شایسته است چه چیز را به دست آورند و چه چیز را به دست نیاورند، تا جایی که خودشان قبول دارند که نگرش نخبه‌بودن و ممتازبودن را به فرزندان خویش تلقین می‌کنند. برخی این را خودستایی و خودبزرگ‌بینی می‌دانند، چون عموم مردم تهی‌دست می‌باشند، در حالی که این اشتباه است، زیرا کودکان هنگامی که ژرفنای سرمایه را از همان آغاز دریابند، در آینده برای رسیدن به ثروت کوشش و مبارزه خواهند کرد.

چهارده. همگان فکر می‌کنند که مال عامل اصلی مشکلات روحی و روانی است، ولی ثروتمندان آسایش را در پول می‌بینند. سرمایه‌داران بر سرمایه‌ی خویش می‌افزایند، چون باکی ندارند که بگویند مال، حلّال همه‌ی مشکلات است و آن را مانند برخی شر نمی‌دانند.

پانزده. عموم مردم تفریح و آسایش را بر آموختن ترجیح می‌دهند، ولی نزد ثروتمندان آموختن بر تفریح و سرگرمی اولویت دارد. هرگاه

به منزل ثروتمندی بروی، کتاب‌خانه‌ای گسترده خواهی دید که برای رشد فرهنگی و آموزشی و شغلی خود و خانواده‌اش تهیه کرده است تا موفق‌تر باشند، اما طبقه‌ی متوسط به خواندن داستان، روزنامه و مجلات سرگرمی اشتغال دارند.

شانزده. برخی می‌پندارند که ثروتمندان متکبر و مغرورند، ولی واقعیت آن است که آنان می‌خواهند پیرامون‌شان کسانی باشند که همانند خودشان بیندیشند. اغنیا تحمل شنیدن اندوه و دغدغه‌ی دیگران را ندارند و عموم مردم این را نوعی تکبر و غرور و در نتیجه آن را ناپسند می‌شمارند. توصیف ثروتمندان به تکبر و غرور فقط تلاشی از سوی طبقات متوسط است تا خود را برتر حس کنند.

هفده. اکثر مردم بر پس‌انداز تمرکز دارند، ولی اغنیا به کاسبی می‌اندیشند. اغنیا از کانال ریسک و خطرپذیری بر چیزی تمرکز می‌کنند که به دست خواهند آورد نه بر چگونگی نگه‌داری آن‌چه دارند. عموم مردم بر رسیدن به برگه‌های مسابقه و بلیت جوایز و زندگی محتاطانه تمرکز دارند، و همین فرصت‌های زیادی را از آنان می‌ستاند.

هجده. اغلب مردم اموال خویش را در راه‌های مطمئن به کار می‌اندازند و از خطرپذیری گریزان‌اند، ولی اغنیا خوب می‌دانند که چه هنگام ریسک کنند. صعود شعار اغنیاست. هر سرمایه‌گذاری ممکن است همه یا بخشی از سرمایه‌اش را گاهی از دست بدهد، ولی ثروتمندان می‌دانند که چگونه آن را یا بیش‌تر از آن را دوباره به دست آورند.

نوزده. اکثر انسان‌ها راحت‌طلب‌اند، ولی اغنیا راحتی را در عدم آسایش می‌بینند. ثروتمندان خیلی زود در زندگی یاد گرفته‌اند که

میلیونر شدن آسان نیست و نیز پی برده‌اند که راحت‌طلبی ویرانگر است و آموخته‌اند که حتی با نبودن اطمینان، باز چگونه راحت باشند.

بیست. بیش‌تر مردم رابطه‌ای میان ثروت و سلامتی نمی‌یابند، ولی ثروتمندان یقین دارند که سرمایه نجات‌بخش زندگی است. در زمانی که طبقات میانی جامعه دنبال طرح‌ها و مزایا بیمه‌ای هستند و برایش به هر دری می‌روند، سرمایه‌داران از بهترین امکانات بهداشتی و پزشکی در مجهزترین بیمارستان‌ها و مراکز طبی بهره‌مند می‌شوند.

بیست و یک. اغلب مردم بر این باورند که باید از میان خانواده‌ی موفق یا ثروت یکی را برگزینند، ولی اغنیا می‌دانند که می‌توانند به هر دو برسند. این دیدگاه که ثروت‌اندوزی باعث می‌شود فرد از رسیدگی به امور خانواده باز بماند، چیزی جز اعلان ناکامی نیست.[1]

هر چند همه‌ی موارد یاد شده در این بحث، قابل تأیید نیست و یا همه‌ی ثروتمندان ممکن است این‌گونه نباشند، ولی این مقاله به طور کامل نقل شد تا شاید انگیزه‌ای باشد برای کسانی که از خود کنش و واکنشی نشان نمی‌دهند و همواره منتظرند تا دیگران برای‌شان کاری انجام دهند. هرچند تنوع و اختلاف بین انسان‌ها امری طبیعی و خدادادی است و به ظاهر هیچ‌گاه از بین نمی‌رود، و تقدیر الهی بر این قرار گرفته است، ولی از آن‌جا که نمی‌دانیم تقدیر هر کس چیست و خداوند برایش چه سرنوشتی تعیین کرده است، پس باید بر اساس عقل، شرع و تجربه کوشید تا به بهترین‌ها دست یافت.

۷. شرکت‌های تجاری و تعاونی:

هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که تمام کارهای کوچک و بزرگش را

---

۱. مندی وودروف وبیزانس انسایدر، کیف یفکر الأغنیاء، ترجمه: خطاب، جمال، المجتمع(شماره: ۲۰۲۳،۱۴۳۳هـ /۲۰۱۲م)، ص ۶۰ ـ ص ۶۱.

خودش به تنهایی می‌تواند انجام دهد. در توان کسی نیست که همه‌ی نیازها و خواسته‌هایش را برآورده کند، چون او موجودی اجتماعی است و به تعبیر قرآن هر کسی در تسخیر دیگران است:

﴿أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُم مَّعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَٰتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُم بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٣٢﴾﴾[1] **(آیا ایشان رحمت خدا را تقسیم می‌کنند؟ ما در میان آنان معیشت‌شان را در زندگی دنیا تقسیم کرده‌ایم و برخی را بر برخی با مراتبی بالا بردیم تا بعضی، بعضی دیگر را در تسخیر بگیرند. و رحمت خدایت بهتر از آن چیزیست که گرد می‌آورند).**

بنا بر این شرکت‌های تعاونی تجاری از فرصت‌های خوبی است که کارها را آسان می‌کند، خردها را جمع می‌نماید، تجربیات را به کار می‌گیرد و با آن همکاری، همزیستی و همدلی فراهم می‌گردد. البته به شرطی که افراد شریک به راستی و درستی پای‌بند باشند و از دروغ و کتمان بپرهیزند تا به برکت برسند، آن‌گونه که رسول‌الله ﷺ فرمود:

«البيّعان بالخيار ما لم يتفرقا ـ أو قال: حتى يتفرقا ـ فإن صَدَقا وبيّنا بورك لهما في بيعهما، وإن كَتما وكذبا مُحِقت بركة بيعهما».[2] **(خریدار و فروشنده تا وقتی از هم جدا نشده‌اند حق انتخاب دارند؛ اگر راست بگویند و عیب جنس را بیان کنند، در معامله‌ی آنان برکت داده می‌شود، و اگر پنهان کنند و دروغ بگویند، برکت معامله‌ی ایشان از بین می‌رود).**

---

۱. زخرف/ ۳۲.

۲. عسقلانی، فتح الباری، البیوع(۳۴)، باب إذا بین البیعان (۱۹)، ح: ۲۰۷۹، ج۵، ص۲۴.

۸. بانک‌های خصوصی اسلامی:

پس از برنامه‌های خصوصی‌سازی درکشور، بانک‌های غیردولتی زیادی تأسیس شده است، اما سهم اهل‌سنت در آن‌ها ناچیز یا معدوم است. مگر تعداد محدودی از صندوق‌های قرض‌الحسنه که هنوز در حد بانک نیستند. بانک‌های اسلامی خصوصی و غیردولتی می‌توانند در تنظیم بازار و سرمایه و برنامه‌ریزی برای اموال بسیاری که در دست اهل‌سنت است، سهم بسزایی داشته باشند، چون اکثریت قریب به اتفاق علمای مذهب همواره به تحریم مشارکت در طرح‌های بانکی کشور فتوا داده و می‌دهند و آن را ربا و حرام قلمداد می‌کنند. در نتیجه سرمایه‌های فراوانی از اهل‌سنت در طرح‌های دولتی شرکت ندارند یا در صورت مشارکت، فواید و سود آن دریافت نمی‌شود. پس بانک‌های اسلامی مخصوص که بر اساس فتوای مذهب اهل‌سنت تشکیل شده است، می‌تواند این جای خالی را پر کند.

۹. شرکت‌های بیمه:

لازم است این بند نسبت به بقیه بیش‌تر توضیح داده شود، چون در آن اختلافاتی وجود دارد. نخست، تعریف بیمه:

«بیمه قراردادی است که بر اساس آن بیمه‌گر مبالغ یا سهم یا هر جایگزین مالی دیگری را در صورت وقوع حادثه یا زیان دیدن به بیمه‌گزار طبق شرایط و ضوابط مورد توافق پرداخت می‌کند، آن هم در برابر اقساط یا پرداخت‌هایی که بیمه‌گزار داوطلبانه به بیمه‌گر داده است».[۱]

از این تعریف پی می‌بریم که بیمه چهار رکن اساسی دارد:

---

۱. سنهوری، عبدالرزاق(۱۳۹۱هـق /۱۹۵۰م)، الوسیط فی شرح القانون المدنی، ۱۰۸۴/۷.

۱ـ بیمه‌گر: فرد یا شرکتی است که اقساط یا جایگزین مالی یا غیر مالی را در اقساط معین یا به یک‌باره می‌گیرد، و طبق قرارداد همان مبلغ یا بیش‌تر یا کم‌تر از آن را هنگام بروز حادثه یا نقص عضو به بیمه‌گزار می‌دهد.

۲ـ بیمه‌گزار: فرد یا سازمانی است که در اقساطی مشخص مبالغی را به صورت نقدی یا غیرنقدی پرداخت می‌کند تا خود یا اموال و خانواده‌اش را بیمه کند.

۳ـ قرارداد: نسخه‌ای نوشتاری یا گفتاری است که بین بیمه‌گر و بیمه‌گزار طبق شروط و مقرراتی تنظیم می‌شود.

٤ـ مبلغ یا حق بیمه: ارزشی مالی یا غیر مالی که در اقساط مشخصی پرداخت می‌گردد.

بیمه به دو نوع اساسی تقسیم می‌شود:

تعاونی: افراد یا مؤسساتی گرد هم می‌آیند و هر کس داوطلبانه بخشی از مالش را برای کمک به دیگر اعضا به هنگام بروز حادثه می‌پردازد.

«قراردادی که طبق آن چند نفر توافق می‌کنند تا هر کدام حق اشتراک معینی را بپردازد برای جبران زیان‌هایی که ممکن است برخی از اعضا دچار آن شوند».[۱]

تبادلی: قراردادی که بر اساس آن بیمه‌گزار مبالغی را یک‌جا یا به صورت اقساطی به بیمه‌گر می‌پردازد تا او را در برابر زیان‌های مشخصی بیمه کند و هنگام بروز حادثه آن مبالغ یا بیش‌تر یا کم‌تر از آن را به او برگرداند.[۲]

---

۱. زحیلی، وهبه، الفقه الإسلامی و أدلته، ۴۴۲/۴.
۲. سنهوری، عبدالرزاق، الوسیط، ۱۰۹۰/۷.

بیمه‌ی تبادلی به دو گونه است: تجاری که صورت‌های گوناگونی دارد، و تأمین اجتماعی که این نیز از انواعی برخوردار است.

اول ـ تجاری: این به بیمه‌ی اموال و کالاهای تجاری افراد یا مؤسسات اختصاص دارد. صاحب سرمایه در اقساطی مشخص مبالغی را برای بیمه شدن اموالش می‌پردازد و بیمه‌گر هم خسارت و زیان وارده به او را جبران می‌کند. اگر زیانی بروز نکند، تمامی مبلغ را تصاحب می‌کند و چیزی را به بیمه‌گزار برنمی‌گرداند.

این بیمه‌های تجاری شکل‌های گوناگونی دارد، همانند بیمه‌ی آتش‌سوزی، دزدی، تلف محصولات کشاورزی، تلف دام، خرابی ابزارآلات و وسایل، حوادث رانندگی، بدهکاری، خیانت و... .

دوم ـ اجتماعی: این نوع به بیمه‌ی شخص بیمه‌گزار تعلق دارد نه به اموالش، و او خودش را در برابر حادثه، بیماری، ناتوانی، بی‌کاری، کهن‌سالی و... به ازای پرداخت مبالغ معین بیمه می‌کند تا هرگاه زیانی حاصل شد، بیمه‌گر جبران خسارت کند. صورت‌های این بیمه گوناگون است، از قبیل بیمه‌ی بیماری، بی‌کاری، حوادث، ازدواج، کهن‌سالی، عمر و... .

علمای دینی پیرامون حکم شرعی بیمه اختلاف نظر دارند؛ برخی آن را تجویز کرده و برخی هم آن را ممنوع می‌دانند و گروهی هم میان انواعش فرق می‌گذارند. موافقان بیمه دلایلی دارند که به برخی اشاره می‌شود:

۱ـ آیه‌ی ﴿هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ لَكُم مَّا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰٓ إِلَى ٱلسَّمَآءِ فَسَوَّىٰهُنَّ سَبۡعَ سَمَٰوَٰتٖۚ وَهُوَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ۝٢٩﴾[1] **(او کسی است که همه‌ی آن‌چه را که در زمین است برای شما آفرید، آن‌گاه به**

۱. بقره/ ۲۹.

آسمان پرداخت و آن‌ها را به هفت آسمان استوار داشت و او به همه چیز داناست).

یعنی خداوند همه چیز را در اختیار بندگان خود قرار داده است، مگر آن‌چه که با دلیل حرام شده باشد. یکی از این نعمت‌ها، قراردادهایی است که میان انسان‌ها منعقد می‌شود.

۲ـ آیه‌ی ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَوۡفُواْ بِٱلۡعُقُودِۚ أُحِلَّتۡ لَكُم بَهِيمَةُ ٱلۡأَنۡعَٰمِ إِلَّا مَا يُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡ غَيۡرَ مُحِلِّي ٱلصَّيۡدِ وَأَنتُمۡ حُرُمٌۗ إِنَّ ٱللَّهَ يَحۡكُمُ مَا يُرِيدُ ١﴾[1] **(ای مؤمنان، به پیمان‌ها وفا کنید، گوشت انعام چهارپا جز آن‌چه که بر شما خوانده می‌شود، برای‌تان حلال شده است. نباید در حال احرام صید را حلال شمارید. بی‌گمان خداوند آن‌چه را که می‌خواهد، حکم می‌کند).**

چون لفظ «عقود» در این‌جا به شکل کلی آمده و تمام قراردادها را شامل می‌شود.

۳ـ آیه‌ی ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَأۡكُلُوٓاْ أَمۡوَٰلَكُم بَيۡنَكُم بِٱلۡبَٰطِلِ إِلَّآ أَن تَكُونَ تِجَٰرَةً عَن تَرَاضٖ مِّنكُمۡۚ وَلَا تَقۡتُلُوٓاْ أَنفُسَكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِكُمۡ رَحِيمٗا ٢٩﴾[2] **(ای مؤمنان، مال‌هایتان را در میان خود به ناروا مخورید مگر آن‌که تجارتی همراه با توافقی از شما باشد. و خویشتن را مکشید، که خداوند به شما مهربان است).**

قرارداد بیمه هم با رضایت طرفین انجام می‌شود.

٤ـ آیه‌ی ﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُحِلُّواْ شَعَـٰٓئِرَ ٱللَّهِ وَلَا ٱلشَّهۡرَ ٱلۡحَرَامَ وَلَا ٱلۡهَدۡيَ وَلَا ٱلۡقَلَـٰٓئِدَ وَلَآ ءَآمِّينَ ٱلۡبَيۡتَ ٱلۡحَرَامَ يَبۡتَغُونَ فَضۡلٗا مِّن رَّبِّهِمۡ وَرِضۡوَٰنٗاۚ وَإِذَا حَلَلۡتُمۡ فَٱصۡطَادُواْۚ وَلَا يَجۡرِمَنَّكُمۡ شَنَـَٔانُ قَوۡمٍ

---

۱. مائده/ ۱.
۲. نساء/ ۲۹.

أَن صَدُّوكُمْ عَنِ ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ أَن تَعْتَدُوا۟ وَتَعَاوَنُوا۟ عَلَى ٱلْبِرِّ وَٱلتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا۟ عَلَى ٱلْإِثْمِ وَٱلْعُدْوَٰنِ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ إِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ ﴿٢﴾[1] (ای مؤمنان، حرمت شعایر خدا و ماه حرام و قربانی [بی‌نشان] و قربانی‌های قلّاده‌دار و آنان را که آهنگ بیت الحرام کرده‌اند که از پروردگارشان فضل و خشنودی می‌جویند، مشکنید. و چون احرام گشودید، می‌توانید شکار کنید. و دشمنی گروهی که شما را از مسجد الحرام باز داشتند، بر آن ندارد که از حدّ بگذرید. و بر نیکوکاری و تقوا با همدیگر همکاری کنید و بر گناه و ستم همکاری مکنید و از خدا پروا بدارید، بی‌گمان خداوند سخت کیفر است).

مبنای بیمه هم تعاون بر نیکی و تقواست.

۵- آیه‌ی ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ ٱلَّذِىٓ أُنزِلَ فِيهِ ٱلْقُرْءَانُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَٰتٍ مِّنَ ٱلْهُدَىٰ وَٱلْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ ٱلشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ ٱللَّهُ بِكُمُ ٱلْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ ٱلْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا۟ ٱلْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا۟ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٨٥﴾[2] (ماه رمضان [ماهی است] که قرآن در آن رهنمای مردم و در بردارنده‌ی آیه‌هایی روشن از هدایت ومعیار تشخیص حق از باطل فرو فرستاده شده است. پس هر کس از شما که آن ماه را دریابد، باید که آن را روزه بدارد و اگر کسی بیمار یا مسافر باشد، باید به تعداد آن از روزهای دیگر [روزه بگیرد]. خداوند در حقّ شما آسانی می‌خواهد و در حقّ شما دشواری نمی‌خواهد و تا شمار [روزه] را کامل کنید و خداوند را به پاس آن‌که هدایت‌تان کرد، بزرگ بدارید. و باشد که سپاس بگزارید).

---

۱. مائده/ ۲.
۲. بقره/ ۱۸۵.

رواج بیمه باعث برآورده شدن نیازهای مردم می‌گردد و بر عکس، ممنوعیتش آنان را در تنگنا و سختی و دشواری می‌اندازد.

۶ـ و روایات زیر:

«والله في عَون العبد ما كان العبد في عون أخيه».[۱] **(خدا یاور بنده است تا هنگامی که بنده یاور برادرش باشد).**

«من نفّسَ عن مؤمن كُربَة من كُرَب الدنيا، نفس الله عنه كربة من كرب يوم القيامة».[۲] **(هر کس رنجی از رنج‌های دنیوی مؤمنی را بزداید، خداوند رنجی از رنج‌های روز قیامتش را برطرف می‌کند).**

و مسلم است که بیمه باعث یاری و زدودن رنج از مؤمنان می‌گردد.

هم‌چنین بیمه را بر برخی از عقود اسلامی و جایز قیاس کرده‌اند، همانند مضاربه، اجاره، سَلَم و.... .

۱ـ مضاربه: چون بیمه‌گزار مبلغی را می‌دهد تا بیمه‌گر با آن تجارت کند و مبلغی هم که بیمه‌گر هنگام بروز حادثه پس می‌دهد، در واقع سود کار و تجارت است.

۲ـ اجاره: بیمه را بر اجاره‌گرفتن فرد نگهبان مقایسه کرده‌اند، زیرا نگهبان باعث تحقق امنیت و اطمینان برای موجر می‌گردد. و بیمه هم باعث تحقق امنیت و اطمینان برای بیمه‌گزار می‌شود. هم‌چنین بر ضمانت اجیر مشترک قیاس شده که اگر به مال زیانی وارد کند، باید خسارتش را به موجران بپردازد.

۳ـ سَلَم: قراردادهای پیش‌فروش و پیش‌خرید به خاطر نیاز مردم تجویز شده است، هر چند در آن اطمینان و شناخت وجود ندارد،

---

۱. نیشابوری، مسلم، الجامع الصحیح، الذکر(۴۸)، فضل الاجتماع علی تلاوة القرآن(۱۱)، ح: ۲۶۹۹، ج۴، ص۲۰۷۴.

۲. بخاری، الجامع الصحیح، المظالم(۲۸)، لایظلم المسلم المسلم(۳)، ح:۲۳۱۰، ج۲، ص۸۶۲.

چون فروش یک کالای معدوم است. بیمه هم به سبب نیاز مردم تجویز شده است، گرچه در آن جهالت باشد.

٤ـ ودیعه: وجه مشترکش با بیمه همان مصلحت افراد است؛ یعنی همان‌گونه که شرکت بیمه‌گر از مبالغ و حق بیمه بهره می‌برد و در برابر جبران خسارت می‌کند، ودیعه‌گیرنده حق الزحمه می‌گیرد و اگر آن را تلف کند، ضامن است.

و نیز قیاس شده به برخی از عقود دیگر مثل جعاله، موالات، ضمانت، کفالت، حق بازنشستگی، و سایر اموری که بر پایه‌ی عرف و مصلحت جامعه تجویز شده است.[۱]

دیدگاه مخالفان ودلایل‌شان:

«۱ـ در قرارداد بیمه جهالت، پوشیدگی و امور نامعلوم وجود دارد که مانع صحت آن است.

۲ـ هر دو نوع ربای فضل و ربای نسیه در بیمه مشهود است.

۳ـ بیمه نوعی قمار و شرط‌بندی است که حرام می‌باشند.

٤ـ بیمه باعث می‌شود اموال مردم به ناحق خورده شود.

٥ـ بیمه با قضا و قدر الهی مبارزه می‌کند».[۲]

برخی گفته‌اند: «مثل مضاربه نیست، و اگر بگوییم نوعی قرض است، باز از نوع قرضی است که باعث منفعت می‌شود، و همه‌ی این‌ها ربا و حرام است. اگر بیمه‌گزار پس از پرداخت یک قسط بمیرد، و شرکت بیمه‌گر تمام مبلغ بیمه را برگرداند، این در واقع قمار است، در حالی که زندگی انسان و مرگش نباید در معرض معامله قرار گیرد».[۳]

---

۱. صالح علی وسمیح حسن، معالم التأمین الإسلامی، ۱۵۸/۱۰۴.
۲. صالح علی وسمیح حسن، معالم التأمین الإسلامی، ۱۶۰.
۳. ابراهیم، احمد، مجله‌ی الشبان المسلمین، ۱۹۴۱،(شماره‌ی ۱۳/۳).نقل از کتاب

و نیز: «در مجموع هرگونه به موضوع نگریستم، آن را با عقود صحیح شرعی مطابق نیافتم».[1]

هم‌چنین: «... بیمه‌ی عمر آن‌گونه که من پی بردم خیلی از معاملات اسلامی به دور است».[2]

برخی بیمه‌ی عمر را مانند دیگر بیمه‌ها حرام دانسته‌اند، البته بیمه‌ی تعاونی را جایگزین اسلامی آن می‌شمارند.[3]

شایان یادآوری است که مجمع جهانی فقه اسلامی و عموم بانک‌های اسلامی انواع بیمه‌های تجاری بویژه بیمه‌ی عمر را حرام دانسته‌اند.[4]

چون اصل بحث چیز دیگری است، لذا به بررسی این دیدگاه‌ها و دلایل‌شان نمی‌پردازم. ولی از آن‌جا که همگان بر تجویز بیمه‌ی تعاونی اتفاق نظر دارند و در آیات و احادیث بسیاری هم بر آن تأکید شده است، چه خوب است اهل‌سنت ایران نیز برای تأسیس شرکت‌های بیمه‌ی تعاونی همت گمارند.

۱۰. صنایع محلی و روستایی:

تنوع قومی و نژادی اهل‌سنت عرصه‌ی خوب وگسترده‌ای برای تولید صنایع دستی و محلی است، بویژه مناطقی که سنت‌ها و آداب و رسوم محلی خود را بیش‌تر پاس داشته‌اند، همانند پوشاک، خوراک، شغل و آداب. این را در مناطق کردنشین، بلوچستان، هرمزگان، گیلان و گلستان بیش‌تر می‌بینیم. بر این اساس، اگر صنایع محلی

الوسیط، ۷ /۱۰۸۹.

۱. سابق، سید، فقه السنة، ۳۷۳/۳.

۲. قرضاوی، یوسف، الحلال و الحرام فی الإسلام، ۲۴۰ .

۳. قره‌داغی، علی، بحوث فی فقه المعاملات المالیة المعاصرة، ۲۸۲ .

۴. سالوس، علی احمد، موسوعة القضایا الفقهیة المعاصرة، ۳۲۵ / ۳۴۳ .

با برنامه‌ریزی و هدفمند تولید شود، خواهد توانست سود و نتایج رضایت‌بخشی بخصوص برای روستاها و عشایر در برداشته باشد و در حد صادرات به دیگر کشورها برسد. به شرطی که صنعت‌گران محلی و بومی نیاز بازار، سلیقه‌ی مشتری و طرح‌های ابتکاری و جذاب را فراموش نکنند.

۱۱. زکات و صدقات:

بی‌گمان زکات از واجبات شرعی است که قرآن کریم در آیات زیادی بر آن تأکید ورزیده است:

﴿وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَۚ وَمَا تُقَدِّمُواْ لِأَنفُسِكُم مِّنۡ خَيۡرٖ تَجِدُوهُ عِندَ ٱللَّهِۗ إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ ١١٠﴾[1] **(نماز را برپادارید و زکات را بیاورید. هر نیکی که برای خود پیش فرستید آن را نزد خدا می‌یابید. به یقین خداوند به آن‌چه می‌کنید، بسی بیناست).**

﴿لَّٰكِنِ ٱلرَّٰسِخُونَ فِي ٱلۡعِلۡمِ مِنۡهُمۡ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ يُؤۡمِنُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبۡلِكَۚ وَٱلۡمُقِيمِينَ ٱلصَّلَوٰةَۚ وَٱلۡمُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ أُوْلَٰٓئِكَ سَنُؤۡتِيهِمۡ أَجۡرًا عَظِيمًا ١٦٢﴾[2] **(ولی از میان آنان راسخان در علم و مؤمنانی که به آن‌چه به تو فرو فرستاده شده و آن‌چه پیش از تو فرو فرستاده شده است، ایمان دارند و بویژه برپادارندگان نماز و آورندگان زکات و مؤمنان به خدا و روز قیامت، زودا که به اینان پاداشی بزرگ بدهیم).**

﴿وَٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتُ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٖۚ يَأۡمُرُونَ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَيَنۡهَوۡنَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَيُطِيعُونَ ٱللَّهَ

---

۱. بقره/ ۱۱۰.
۲. نساء/ ۱۶۲.

وَرَسُولَهُۥٓۚ أُوْلَـٰٓئِكَ سَيَرۡحَمُهُمُ ٱللَّهُۗ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ﴿٧١﴾[1] **(مردان و زنان مؤمن نزدیکان هم‌دیگرند، به معروف امر و از منکر نهی می‌کنند و نماز بر پا می‌دارند و زکات می‌آورند و از خداوند و رسول او فرمان می‌برند. اینان‌اند که خداوند آنان را مشمول رحمت خود قرار خواهد داد. بی‌گمان خداوند پیروزمند فرزانه است).**

درباره‌ی صدقات فرموده است:

﴿يَمۡحَقُ ٱللَّهُ ٱلرِّبَوٰاْ وَيُرۡبِي ٱلصَّدَقَٰتِۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ﴿٢٧٦﴾﴾[2] **(خداوند ربا را نابود می‌کند و صدقات را رشد می‌دهد. خدا هیچ ناسپاس گنهکار را دوست ندارد).**

﴿أَلَمۡ يَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ هُوَ يَقۡبَلُ ٱلتَّوۡبَةَ عَنۡ عِبَادِهِۦ وَيَأۡخُذُ ٱلصَّدَقَٰتِ وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٠٤﴾﴾[3] **(آیا ندانسته‌اند که خداوند از بندگانش توبه می‌پذیرد و صدقات را می‌گیرد. و به یقین او بسی توبه‌پذیر و مهربان است).**

﴿خُذۡ مِنۡ أَمۡوَٰلِهِمۡ صَدَقَةٗ تُطَهِّرُهُمۡ وَتُزَكِّيهِم بِهَا وَصَلِّ عَلَيۡهِمۡۖ إِنَّ صَلَوٰتَكَ سَكَنٞ لَّهُمۡۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٠٣﴾﴾[4] **(از اموالشان صدقه‌ای بگیر تا ایشان را با آن پاک داری و رشدشان دهی و برای آنان دعای خیر کن. که دعای تو برای آنان مایه‌ی آرامش است. و خداوند شنوای داناست).**

متأسفانه اهل‌سنت تاکنون هیچ مؤسسه‌ای ندارند که زکات و صدقات را از ثروتمندان بگیرد و میان نیازمندان توزیع کند. هر سرمایه‌داری خودش زکات و صدقاتش را به نیازمند می‌رساند. البته

۱. توبه/ ۷۱.
۲. بقره/ ۲۷۶.
۳. توبه/ ۱۰۴.
۴. توبه/ ۱۰۳.

گاهی مدارس دینی بخصوص در استان‌های بلوچستان، خراسان و گلستان از مردم زکات و صدقات را گرفته و در مدارس برای طلاب خود هزینه می‌کنند. گاهی نیز انجمن‌های خیریه و صندوق‌های قرض الحسنه به این کار همت می‌گمارند. ولی اگر مؤسسات و سازمان‌های بزرگ و متمرکز برای این کار اقدام کنند، نتایج نیکویی به دست خواهد آمد، چون همواره در بین اهل‌سنت ثروتمندان فراوانی یافت می‌شود که اگر زکات و صدقات خود را به طور کامل بپردازند، هیچ نیازمندی در جامعه نمی‌ماند.

پنج ـ فرصت‌های دیگر:

۱. توانایی‌های ذهنی و استعداد خدادادی:

در حدیث صحیحی روایت شده: «ابوهریره رضی‌الله‌عنه[۱] می‌گوید: نزد رسول‌الله ﷺ نشسته بودیم که این آیه از سوره‌ی جمعه بر او نازل شد: ﴿وَءَاخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا۟ بِهِمْ ۚ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ۝٣﴾[۲]، گفتم: آنان چه کسانی‌اند یا رسول‌الله؟ وی پاسخ نداد تا سه بار تکرار شد، سلمان فارسی[۳] هم میان ما بود. پیامبر ﷺ دستش را روی شانه‌ی سلمان گذاشت و فرمود: «**لو كان الإيمان عند الثريا، لناله رجال. أو رجل**

---

۱. عبدالرحمان بن صخر دوسی ملقب به ابوهریره (۲۱ـ ۵۹هـ ق/۶۰۲ـ ۶۷۹م) یکی از صحابه‌ی معروف است که احادیث بسیاری را از پیامبر ﷺ حفظ و روایت کرده است. در دوره‌ی جاهلیت یتیم و ناتوان بود. به مدینه آمد و سال فتح خیبر مسلمان شد. در همین شهر درگذشت. (نگاه: زرکلی، الأعلام، ۳۰۸/۳).

۲. جمعه/ ۳. ترجمه:(و دیگرانی از آنان که هنوز به ایشان نپیوسته‌اند. و او بسی با عزت و با حکمت است).

۳. او متوفای سال ۳۶هـ ق/۶۵۶م است. خودش را سلمان اسلام می‌نامید. اصالتا از اصفهان بود. عمر درازی داشت. شهرهای زیادی را در پی حقیقت پشت سر گذاشت، تا به مدینه آمد و اسلام را پذیرفت. پس از پیامبر ﷺ امیر مداین شد و تا زمان مرگ در آن‌جا سکونت گزید. (نگاه: همان، ۱۱۲/۳).

. من هؤلاء».[1] (اگر ایمان نزد ستارگان پروین باشد، مردانی ـ یا مردی ـ از اینان به آن دست می‌یابند).

در روایت دیگری آمده: **«لو کان الدین عند الثریا، لذهب به رجل من فارس. أو قال من أبناء فارس. حتی یتناوله» (اگر دین نزد ستارگان پروین باشد، مردی از فارس ـ یا فرزندان پارس ـ به دنبالش می‌رود تا آن را دریابد).**[2]

این دو حدیث در بیان فضیلت سرزمین فارس و منت و لطف خداوند بر آنان بس است؛ به ایشان توانایی ذهنی و استعدادی بخشیده است که می‌توانند به اهداف و آرزوهای ایمانی و دینی خویش برسند و تفوق یابند. در عمل هم مردم این سرزمین همانند دیگر ملت‌های اسلامی به مراتب بالای ایمانی و علمی رسیده و می‌رسند. تاریخ لیست بلندی از نام‌های بزرگان ایرانی را در خود جای داده است که در رشته‌های گوناگون علمی و دینی سرآمد روزگار خویش بوده‌اند. نویسندگان بسیاری از کتب اسلامی، ایرانی بوده‌اند، همانند مؤلفان کتاب‌های تفسیر، حدیث، علوم لغوی، تاریخی و... .

امروزه هم توانایی‌های خدادادی اهل‌سنت ایران ـ بحمدالله ـ بسیار زیاد است، که در فصل‌های پیشین نمونه‌هایی از آن در قالب خدمات و مراکز علمی و فرهنگی واقتصادی ذکر شد. ولی آن‌چه اکنون بدان نیازمندیم کشف این استعدادها و گنجینه‌ها و ذخایر و نیز برنامه‌ریزی برای شکوفایی و رشد و جهت‌دهی آنان است تا بروز کرده و در رقابت سالم و سازنده وارد شوند.

---

۱. عسقلانی، فتح الباری، تفسیرالقرآن(۶۵)، سورة الجمعة(۶۲)، باب قوله «وآخرین منهم لما یلحقوا بهم»(۱)، ح: ۴۸۹۷، ۴۸۶/۹.

۲. نیشابوری، مسلم، الجامع الصحیح، فضائل الصحابة(۴۴)، فضل فارس(۵۹)، ح: ۲۵۴۶، ۳۴۱/۸.

۲. باشگاه‌های ورزشی:

بی‌گمان جذابیت ورزش برای جوانان و میزان سرگرمی‌زایی آن بر کسی پوشیده نیست، چون ضمن ایجاد شادی و نشاط و سلامتی در این قشر، باعث تخلیه‌ی انرژی‌شان می‌گردد. پس باشگاه‌ها و مراکز ورزشی یکی اَز عرصه‌های مهمی است که اهل‌سنت می‌توانند برای امور فرهنگی، علمی، دینی و ایمانی از آن استفاده کنند. هر چند امروزه تا حدودی در این زمینه کار شده و می‌شود و در عمل برخی باشگاه‌های کوچک ورزشی بویژه در شهرهای سنی‌نشین به اهل‌سنت تعلق دارد، اما میزان کار فرهنگی در آن اندک است و نیاز به توسعه دارد.

۳. تنوع قومی و نژادی:

اهل‌سنت ایران از نژادها و قومیت‌های گوناگونی تشکیل شده‌اند، همانند کردی، بلوچی، فارسی، عربی، ترکی، ترکمنی، تالشی و... . اینان هم در استان‌های مختلف مرزی سکونت دارند.

تنوع قومی و نژادی می‌تواند یکی از فرصت‌های سودمند باشد، بخصوص هنگامی که با فرهنگ دینی و بشری هم‌نوا شود و از تعصب و تبعیض پالایش یابد. زیرا این امر باعث می‌شود از فرهنگ‌ها و سلیقه‌های دیگران آگاهی یابند، ملت‌ها و قبایل را بشناسند، از تجربیات و امکانات یک‌دیگر بهره ببرند و میان‌شان تبادلات تجاری و مالی و علمی برقرار گردد. کاش دانشمندان، متخصصان و شخصیت‌های سیاسی، فرهنگی، هنری و علمی، و افراد بانفوذ و با تجربه به این مهم همت گمارند و برای روابط دوستانه یا برگزاری همایش و جلسات دو جانبه جهت شناسایی و شناساندن بکوشند و از برپایی اردوهای تفریحی ـ علمی غافل نشوند!

فصل ششم

آینده‌ی اهل‌سنت ایران؛ چالش‌ها و موانع

یک ـ چالش‌های فکری و فرهنگی
دو ـ چالش‌های اجتماعی و سیاسی
سه ـ چالش‌های اقتصادی و طبیعی

یک ـ چالش‌های فکری و فرهنگی

۱. غفلت از بیداری قرآنی:

هر مسلمانی باور دارد که خداوند قرآن را برای هدایت همگان فرستاده تا بشَارت و رحمت باشد. مسلمان از لحاظ فکری، اعتقادی و فرهنگی از قرآن راهنمایی گرفته و در جهت اجرای فرمان الهی و پرهیز از امور ممنوع می‌کوشد. بی‌گمان هر مسلمانی این را می‌گوید و ادعا دارد و در کلام و اعتقاداتش آن را اثبات می‌کند، ولی آن‌چه در سراسر جهان اسلام و از جمله اهل‌سنت ایران می‌بینیم، شکاف بزرگی میان گفتار وکردار، و ادعا و عمل مشاهده می‌شود. یکی از مهم‌ترین چالش‌های فکری همین نکته است، زیرا بیش‌تر مشکلات و موانع کم و بیش به این مرتبط‌اند. در مباحث پیشین از روی‌آوری اهل‌سنت به دین سخن گفته شد، که خیلی خوب و پسندیده است، اما میان روی‌آوری به دین و بیداری قرآنی تفاوت بسیاری است؛

بیداری اسلامی مبارک است، ولی بیداری قرآنی ضروری است.

در بیداری اسلامی به واقعیت‌ها توجه می‌شود، و در بیداری قرآنی به حقیقت‌ها.

در بیداری اسلامی احساسات و شعار غالب است، و در بیداری قرآنی عقلانیت و تدبیر چیرگی دارد.

در بیداری اسلامی عقل فردی و استعداد شخصی ملاک است، و در بیداری قرآنی خرد جمعی و کار گروهی مطرح است.

در بیداری اسلامی مردم منتظر قهرمانان و رهبران فوق العاده هستند، و در بیداری قرآنی نبوت ختم شده و کارها به شورا و تعقل مشورتی سپرده شده است.

در بیداری اسلامی کارها به خدا سپرده شده و همه منتظر اراده‌ی او هستند، و در بیداری قرآنی از اسباب و علل بهره برده می‌شود تا اراده‌ی خدا اجرا و پیاده شود.

در بیداری اسلامی برای رسیدن به حکومت اسلامی تلاش می‌شود، و در بیداری قرآنی برای مراحل دشوار پس از آن چاره‌جویی می‌شود.

در بیداری اسلامی در مساجد مجلل نماز با جماعت بر پا می‌شود، و در بیداری قرآنی در نمازها قرآن مرور و قرائت می‌شود.

در بیداری اسلامی نماز به عنوان یک فریضه بر پا داشته می‌شود، و در بیداری قرآنی نماز برای قرائت و تدبر قرآن اقامه می‌شود.

در بیداری اسلامی قرآن زینت‌بخش مجالس، منازل، کتب و سخنان است، و در بیداری قرآنی این کتاب، هدایت‌گر، برنامه‌ریز و محور زندگی است.

در بیداری اسلامی از بزرگی، ابهت و بلاغت و اعجاز قرآن سخن به میان می‌آید، و در بیداری قرآنی روی تک تک حروف و کلمات قرآن توجه می‌شود و از حکمت کاربردشان بحث می‌شود.

در بیداری اسلامی احادیث هم‌سنگ قرآن قرار می‌گیرند، و در بیداری قرآنی احادیث با ملاک قرآن سنجیده می‌شوند و برای آن‌ها شاهد و اصل قرآنی جست‌وجو می‌شود.

در بیداری اسلامی روایات بسیاری با اسناد و متون گوناگون به اسلام نسبت داده می‌شود و روی آن‌ها با اخلاص تمام، مانور داده شده و براساس آن نظریه مطرح می‌گردد و دکترینه می‌شود، و در بیداری قرآنی هیچ روایتی بدون اصالت قرآنی روشن پذیرفته نمی‌شود.

در بیداری اسلامی دیدگاه‌ها و سخنان بزرگان دینی عین دین

قلمداد شده و به عنوان یک اصل مسلم پذیرفته می‌شوند، و در بیداری قرآنی صحت و سقم آن‌ها با قرآن سنجیده می‌شود.

در بیداری اسلامی مذاهب دیوار حایل بین مسلمانان‌اند، و در بیداری قرآنی مذهب‌گرایی به تاریخ سپرده می‌شود.

در بیداری اسلامی هرکس فراخور سلیقه و استعدادش از قرآن برداشتی می‌کند و طبق آن مسیری را می‌پیماید، و در بیداری قرآنی برای هر برداشت از قرآن، شاهدی از خود قرآن جست‌وجو می‌شود، زیرا باور قطعی است که مفاهیم یتیم و بی‌اصل و فرع در آن وجود ندارد.

در بیداری اسلامی تعصب و تنازع رواج دارد، و در بیداری قرآنی تعقل و تسامح خریدار دارد.

در بیداری اسلامی آیاتی ناسخ است و آیاتی منسوخ، و در بیداری قرآنی هیچ آیه‌ای منسوخ نیست و به هر یک در موقعیتی عمل می‌شود.

در بیداری اسلامی تکالیف و عبادات بدون پرسش از چرایی آن اجرا می‌شوند، و در بیداری قرآنی از حکمت و نتایج آن پرسیده می‌شود و هویدا می‌گردد که هیچ‌کدام بی‌حکمت و نتیجه نیستند.

در بیداری اسلامی مسلمان روزانه قرآن می‌خواند، و در بیداری قرآنی روزانه در آن تدبر می‌نماید.

در بیداری اسلامی برای آموزش و روخوانی قرآن کلاس تشکیل می‌شود، و در بیداری قرآنی کلاسی این چنین یافت نمی‌شود، چون کسی نیست که نتواند قرآن را با تجویدی نیکو بخواند.

پس برای رسیدن به بیداری قرآنی باید کوشید که راهی بس دراز در پیش داریم، تا مردمانِ بیدار شده، دوباره به خواب نروند یا پس از مدتی احساس روزمرگی، خستگی و افسردگی نکنند. افق‌های

جهانِ قرآن بسیار فراتر از توان و سلیقه‌ی ماست. حقیقتاً امروزه اکثر مسلمانان در خواب قرآنی‌اند، و گرنه این همه مشکل نمی‌داشتند.

۲. ضعف فرهنگ دینی:

یکی از پیامدهای غفلت از قرآن، ضعف فرهنگ دینی است. منظور این نیست که همه‌ی اهل‌سنت ضعف دینی و فرهنگی دارند، نه، هرگز، اما همواره برداشت‌های منفی و ناقص از اسلام و قرآن وجود داشته که به ضعف دینی و فرهنگی منجر شده است. در مثال یک مسلمان سنی‌مذهب را می‌بینی که نماز می‌گزارد، روزه می‌گیرد، حج به جای می‌آورد، بارها عمره می‌رود، ولی زکات نمی‌دهد، یا زکات می‌پردازد اما در طرح‌های اجتماعی و انسان‌دوستانه مشارکت نمی‌کند، یا یتیمان را سرپرستی نمی‌کند، یا به ازدواج جوانان کمک نمی‌کند، یا مستمندان را در طرح‌های مالی واقتصادی و تجاری همکاری نمی‌کند، یا به امور مسلمانان در دیگر کشورها اهتمام نمی‌ورزد، یا اهل غیبت کردن است، یا دروغگو و خیانت‌کار است، یا به ناموس و مال و خون مسلمان تعرض می‌کند، یا مسلمانی را خوار می‌کند، یا انتقام‌جو و بداخلاق است یا ... . البته از مسلمان سنیِ‌مذهبی سخن نمی‌گویم که نماز نمی‌گزارد یا روزه نمی‌گیرد یا زکات نمی‌دهد یا ...، چون مشکلاتش در پیش پای اهل‌سنت بسیار است و خودش باری بر دوش آنان می‌باشد.

در نتیجه برداشت جزئی و فهم ناقص از دین، عامل نادانی و کاستی و سرانجام ضعف فرهنگ دینی است.

۳. کمبود اعتماد به نفس:

در همه‌ی جوامع انسانی اعتماد به نفس یکی از مهم‌ترین عواملِ پیشرفت و توسعه است؛ هر کس به توانایی خویش پی برده و آن را

باور داشته باشد، برای رسیدن به راهکار و درمان می‌کوشد. از دیرباز گفته‌اند: نیاز، اساس اختراع است. و بر عکس، ضعف اعتماد به نفس باعث می‌شود افرادی افسرده، ناامید، مأیوس، منتظر، بی‌کار و بی‌خیال یافت شوند.

ضعف اعتماد به نفس در بین اهل‌سنت، بویژه جوانان، عوامل گوناگونی دارد، از جمله:

- ✓ فراوانی مشکلات و موانع.
- ✓ فشارهای روحی و اجتماعی.
- ✓ وجود تنش و ناآرامی در برخی مناطق.
- ✓ فشارهای سیاسی و مذهبی.
- ✓ تبعیض مذهبی و قومی.
- ✓ ضعف ایمان و توکل.
- ✓ بی‌تابی و کمبود صبر.
- ✓ فراوانی آرزوها و خواسته‌ها.
- ✓ کمبود سرمایه.
- ✓ و... .

ولی وجود این موانع نباید به بی‌اعتمادی به نفس ختم شود؛ ملتی که در انتظار قهرمان است، به قهرمانی نمی‌رسد. پس، باید قهرمان ساخت.

٤. دین‌ستیزی و دین‌هراسی:

یکی از چالش‌های فراروی جامعه‌ی ایرانی، خواه شیعه و خواه سنی، دین‌گریزی و دین‌ستیزی است. بسیاری از جوانان، بخصوص دانش‌آموختگان دانشگاهی، فرهنگیان و فرهیختگان، سکولاریسم را به عنوان یک اصل پیشرفته و امروزی پذیرفته‌اند و با دین سر ستیز

دارند. آنان بر این باورند که دین نمی‌تواند به نیازهای معاصر و خواسته‌های بشر کنونی پاسخ دهد و دوران دین گذشته است. یا خواهان به زاویه‌رفتن و پستونشینی دین هستند. شعار جدایی دین از دولت یکی از نمادهای این‌گونه افراد است.

البته نباید فراموش کرد که سکولاریسم به طیف‌های گوناگونی تقسیم می‌شود و همه در یک تقسیم‌بندی نمی‌گنجند؛ برخی با اصل دین مشکل داشته و آن را زاییده‌ی افکار خرافی و برگرفته از جهل بشری می‌دانند. گروهی فقط خواهان جدایی دین از دولت‌اند، آن هم به خاطر حفظ دین از آلودگی‌های سیاسی و تناقضات کرداری سیاستمداران. و گروهی بر این باورند که دین توانایی مدیریت جوامع پیشرفته و مدرن امروزی را ندارد و کارآیی دین تنها در عرصه‌ی اخلاقی و فردی است. و... . در این مقال فرصت بررسی این دیدگاه‌ها نیست.

دین‌ستیزی خاستگاه‌های گوناگونی دارد:

- ✓ ضعف عملی مسلمانان و عقب‌ماندگی صنعتی، سیاسی و اجتماعی آنان.
- ✓ پیشرفت و توسعه‌ی همه جانبه‌ی کشورهای غربی، خصوصاً پس از رهاسازی دین مسیحیت.
- ✓ اشتباهات زیادی که علمای دینی و اسلام‌گرایان پس از رسیدن به حکومت مرتکب شده‌اند.
- ✓ جالب بودن دیدگاه‌های وارداتی از غرب سکَولار.
- ✓ پاسخ‌گو نبودن روحانیون مذهبی در برابر پرسش‌های سهمگین و پیوسته‌ی تحصیل‌کردگان و روشنفکران.
- ✓ و... .

۵. انسداد درب اجتهاد:

قرآن کریم در آیات زیادی مسلمان را به تفکر و تدبر در جهان هستی و کلام خدا توصیه می‌کند، در مثال:

﴿وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنْ خَلَقَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَٰجًا لِّتَسْكُنُوٓاْ إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَّوَدَّةً وَرَحْمَةً ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾ وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦ خَلْقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَٱخْتِلَٰفُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَٰنِكُمْ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّلْعَٰلِمِينَ ﴿٢٢﴾ وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦ مَنَامُكُم بِٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ وَٱبْتِغَآؤُكُم مِّن فَضْلِهِۦٓ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٢٣﴾ وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦ يُرِيكُمُ ٱلْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنَزِّلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَيُحْىِۦ بِهِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَآ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٢٤﴾﴾[1] **(و از نشانه‌هایش آن است که برای‌تان از خودتان همسرانی آفرید تا به آن‌ها آرام گیرید و بین شما دوستی و مهربانی مقرر داشت. بی‌گمان در این برای گروهی که می‌اندیشند، مایه‌های عبرتی است. و از نشانه‌هایش، آفرینش آسمان‌ها و زمین وگونه‌گونی زبان‌ها و رنگ‌های‌تان است. بی‌گمان در این برای دانشوران مایه‌های عبرتی است. و از نشانه‌هایش، خفتن‌تان در شب و روز و روزی جستن‌تان از فضل اوست. بی‌گمان در این برای گروهی که گوش شنوا دارند، مایه‌های عبرتی هست. و از نشانه‌های اوست که برای بیم و امید برق را به شما می‌نمایاند و از آسمان آبی نازل می‌کند، آن‌گاه از آن، زمین را پس از پژمردنش زنده می‌گرداند. بی‌گمان در این برای گروهی که خرد می‌ورزند، مایه‌های عبرتی است).**

﴿وَٱلَّذِينَ ٱجْتَنَبُواْ ٱلطَّٰغُوتَ أَن يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ لَهُمُ ٱلْبُشْرَىٰ ۚ فَبَشِّرْ عِبَادِ ﴿١٧﴾ ٱلَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ ٱلْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُۥٓ ۚ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ

۱. روم/ ۲۱-۲۴.

هَدَىٰهُمُ ٱللَّهُ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمْ أُوْلُواْ ٱلْأَلْبَٰبِ ﴿١٨﴾[1] **(و آنان که از طاغوت دوری گزیده‌اند از آن‌که آن را بپرستند و رو به سوی خدا آورده‌اند، مژده دارند. پس به بندگانم مژده ده. کسانی‌که سخن را می‌شنوند، آن‌گاه از بهترین‌اش پیروی می‌کنند. اینان‌اند کسانی که خداوند هدایت‌شان کرده و ایشان‌اند خردمندان).**

﴿بِٱلْبَيِّنَٰتِ وَٱلزُّبُرِ ۗ وَأَنزَلْنَآ إِلَيْكَ ٱلذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤٤﴾[2] **(با دلایل و کتاب‌ها [فرستادیم]، و به تو قرآن نازل کردیم تا برای مردم روشن سازی آنچه را که بر آنان فرو فرستاده شده است و باشد که اندیشه کنند).**

﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً ۖ لَّكُم مِّنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ ﴿١٠﴾ يُنۢبِتُ لَكُم بِهِ ٱلزَّرْعَ وَٱلزَّيْتُونَ وَٱلنَّخِيلَ وَٱلْأَعْنَٰبَ وَمِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١١﴾ وَسَخَّرَ لَكُمُ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ وَٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ ۖ وَٱلنُّجُومُ مُسَخَّرَٰتٌۢ بِأَمْرِهِۦٓ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٢﴾ وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي ٱلْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَٰنُهُۥٓ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٣﴾[3] **(او کسی است که از آسمان برای‌تان آبی فرو فرستاده که از آن آشامیدنی‌ای است و از آن درختانی است که در آن‌جا می‌چرانید. با آن برای‌تان کشت و زیتون و خرما و انگور و از همه نوع میوه‌ها می‌رویاند. به راستی در این برای گروهی که اندیشه می‌کنند، مایه‌ی عبرت است. و شب و روز و خورشید و ماه را برای‌تان رام کرد. و ستارگان به فرمان او رام‌اند. در این برای گروهی که خرد می‌ورزند، مایه‌های عبرت است. و آن‌چه را که در زمین برای‌تان آفرید. در این برای گروهی که پند می‌پذیرند، مایه‌ی عبرت است).**

---

۱. زمر/ ۱۷و۱۸.
۲. نحل/ ۴۴.
۳. نحل/ ۱۰-۱۳.

پویایی و حیات یک مسلمان به اندیشه و خرد است؛ آن‌که می‌اندیشد و می‌کاود و جست‌وجو می‌نماید، درهای دانش بسیاری به روی‌اش گشوده می‌شود. مسلمانان در سده‌های نخستین چنین بودند، ولی پس از مدتی از لحاظ عملی و فکری دروازه‌ی اجتهاد بسته شد. در روزگار کنونی نزد بسیاری از اندیشمندان و علما و فقها بویژه در کشورهای عربی این دروازه گشوده شده است، اما متأسفانه نزد بسیاری از علمای اهل‌سنت ایران هنوز این دروازه، حتی به شکل جزئی، گشوده نشده است. البته وجود شخصیت‌های علمی توانمند و دارای صلاحیت اجتهاد در همه‌ی استان‌ها قابل انکار نیست، اما تعدادشان محدود است. در نتیجه یکی از چالش‌ها و موانع علمی و فکری اهل‌سنت ایران، باور به بستگی دروازه‌ی اجتهاد و بسندگی به تقلید مذهبی است. پس، باید این جمود و رکود فکری شکسته شود و در به روی دانشجویان و طلاب و علمای شایسته و خلاق و نوآور گشوده شود تا از فراورده‌های نگرشی و بینشی‌شان بهره‌مند شویم و همراه عصر کنونی و داده‌های بنیادین آن به پیش رویم.

۶. کمبود اعضای هیئت علمی:

با وجود آن‌که در میان اهل‌سنت افراد زیادی دارای مدارک عالی تحصیلی هستند و از توان علمی و تحقیقی خوبی برخوردارند، اما به دلایل متعددی همانند کمبود دانشگاه، اعلام عدم نیاز از سوی مراکز علمی، تبعیض‌های مذهبی و قومی و... از حضور در هیئت‌های علمی دانشگاه‌ها محروم شده‌اند و به ناچار در سطوحی پایین‌تر به خدمت مشغول‌اند.

۷. فقدان مراکز فرهنگی و فرهنگ‌سراها:

وجود مراکز فرهنگی در هر منطقه نشان پویایی علمی، تحصیلی

و فرهنگی آن‌جاست. در عین حال که این مراکز نقش مهمی در گسترش دانش و فرهنگ منطقه برعهده دارند. اما در مناطق اهل‌سنت فقدان یا کمبود اماکن فرهنگی و فرهنگ‌سراها به شدت احساس می‌شود. ایجاد و پیدایش این‌گونه مراکز به همت مسؤولین، حمایت مادی و معنوی دولت و مردم، عزم جدی نخبگان و فرهیختگان و سعه‌ی صدر و تلاش همگانی نیازمند است.

۸. بی‌سوادی و کم‌سوادی:

طبق آمار رسمی تعداد دانش‌آموزان در سال تحصیلی۹۱ - ۱۳۹۰هـ‌ش حدود شش میلیون نفر در دوره‌ی ابتدایی، بیش از سه میلیون در دوره‌ی راهنمایی، حدود سه میلیون در دوره‌ی دبیرستان، ۵۰۰ هزار تن در پیش‌دانشگاهی و بیش از۸۲ هزار نفر در مدارس استثنایی و خاص به تحصیل اشتغال داشته‌اند.[۱]

میزان بی‌سوادی در ایران بر اساس داده‌های آماری رسمی در سال ۱۳۹۰هـ‌ش، ۱۱/۶٪ در میان مردان، و ۱۸/۵٪ در بین زنان بوده است.[۲] هر چند دولت تلاش‌های فراوان و قابل ستایشی در مسیر براندازی و ریشه‌کنی بی‌سوادی از خود نشان داده است، و تا حدودی هم موفق بوده است، ولی هنوز بی‌سوادی و کم‌سوادی در بسیاری از روستاها و شهرها بویژه مناطق اهل‌سنت وجود دارد. این پدیده در میان افراد کهن‌سال و بزرگ‌سال و روستاها و شهرهای فقیرنشین بیش‌تر به چشم می‌خورد. میزان بی‌سوادی در استان‌های کشور طبق آمار رسمی بدین‌گونه است:[۳]

۱. نگاه: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۶۶۸.
۲. نگاه: همان، ۶۶۸.
۳. همان، ۶۷۴.

۱. آذربایجان شرقی: ۱۷/۹٪
۲. آذربایجان غربی: ۲۱/۲٪
۳. اردبیل: ۱۹/۲٪
٤. اصفهان: ۱۲/۲٪
۵. البرز: ۹/۸٪
٦. ایلام: ۱۷/۷٪
۷. بوشهر: ۱٦/٤٪
۸. تهران: ۹/۵٪
۹. چهارمحال و بختیاری: ۱۷/۵٪
۱۰. خراسان جنوبی: ۱۷/۵٪
۱۱. خراسان رضوی: ۱۳/۷٪
۱۲. خراسان شمالی: ۱۹/۷٪
۱۳. خوزستان: ۱٦/۵٪
۱٤. زنجان: ۱۷/٦٪
۱۵. سمنان: ۱۱/٦٪
۱٦. سیستان وبلوچستان: ۲۸/٤٪
۱۷. فارس: ۱۳/۷٪
۱۸. قزوین: ۱۵/۹٪
۱۹. قم: ۱۳/٤٪
۲۰. کردستان: ۲۲٪
۲۱. کرمان: ۱۷/۸٪
۲۲. کرمانشاه: ۱۸/۳٪
۲۳. کهکیلویه وبویر احمد: ۱۸/۱٪
۲٤. گلستان: ۱۷٪

۲۵. گیلان: ۱۵/۷٪

۲۶. لرستان: ۱۹/۶٪

۲۷. مازندران: ۱۴/۳٪

۲۸. مرکزی: ۱۶/۲٪

۲۹. هرمزگان: ۱۶/۳٪

۳۰. همدان: ۱۷/۴٪

۳۱. یزد: ۱۲/۲٪

۲۵. مجموع: ۱۵/۲٪

متأسفانه می‌بینیم که میزان بی‌سوادی در استان‌های سنی‌نشین سیستان و بلوچستان، کردستان و آذربایجان غربی بیش از ۲۰٪ یا به تعبیری حدود یک‌پنجم و حتی یک‌چهارم جمعیت است. و همین‌گونه است در بسیاری از شهرها و روستاهای هرمزگان، خراسان‌ها، فارس، کرمانشاه، بوشهر، گیلان و اردبیل.

طبق تعریف رسمی: «تمامی کسانی‌که می‌توانند متن ساده‌ای را به فارسی و یا هر زبان دیگری بخوانند و بنویسند، خواه مدرک رسمی داشته یا نداشته باشند، باسواد تلقی می‌شوند».[1]

یعنی بی‌سواد کسی است که نتواند هیچ متنی را بخواند یا بنویسد، نه طبق معیارهای نوین جهانی که هر کس را که نتواند از ابزار جدید ارتباطی مثل رایانه، اینترنت و... استفاده کند، بی‌سواد یا کم‌سواد به شمار می‌آورند، چون این تعریف بسیاری از ایرانیان را شامل می‌شود.

۹. افراط و تفریط:

خداوند فرمود:

﴿يَـٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَـٰبِ لَا تَغۡلُواْ فِي دِينِكُمۡ وَلَا تَقُولُواْ عَلَى ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡحَقَّۚ

---

۱. همان، ۶۶۵.

إِنَّمَا ٱلْمَسِيحُ عِيسَى ٱبْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ ٱللَّهِ وَكَلِمَتُهُۥٓ أَلْقَىٰهَآ إِلَىٰ مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِّنْهُ فَـَٔامِنُوا۟ بِٱللَّهِ وَرُسُلِهِۦ وَلَا تَقُولُوا۟ ثَلَٰثَةٌ ٱنتَهُوا۟ خَيْرًا لَّكُمْ إِنَّمَا ٱللَّهُ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ سُبْحَٰنَهُۥٓ أَن يَكُونَ لَهُۥ وَلَدٌ لَّهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلًا ﴿١٧١﴾»[1] **(ای اهل کتاب، در دین‌تان غلوّ نکنید و درباره‌ی خداوند جز حقّ نگویید. جز این نیست که مسیح، عیسی بن مریم، رسول خدا و کلمه‌ی اوست که آن را به مریم افکند. و روحی از جانب اوست. پس به خداوند و رسولان‌اش ایمان آورید. و مگویید: سه کس‌اند. باز آیید تا برای‌تان بهتر باشد. جز این نیست که خدا معبود یگانه است. از آن‌که فرزندی داشته باشد، پاک است. آن‌چه در آسمان‌ها و آن‌چه در زمین است، از آن اوست. و کارسازی خداوند بس است).**

«قُلْ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ لَا تَغْلُوا۟ فِى دِينِكُمْ غَيْرَ ٱلْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوٓا۟ أَهْوَآءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا۟ مِن قَبْلُ وَأَضَلُّوا۟ كَثِيرًا وَضَلُّوا۟ عَن سَوَآءِ ٱلسَّبِيلِ ﴿٧٧﴾ لُعِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنۢ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ عَلَىٰ لِسَانِ دَاوُۥدَ وَعِيسَى ٱبْنِ مَرْيَمَ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوا۟ وَّكَانُوا۟ يَعْتَدُونَ ﴿٧٨﴾»[2] **(بگو: ای اهل کتاب، در دین‌تان به ناحقّ غلوّ نکنید و از خواسته‌های قومی که از پیش گمراه شدند و بسیاری را به گمراهی کشاندند و از راه راست، به بی‌راهه رفتند، پیروی نکنید.کافران بنی اسرائیل بر زبان داوود و عیسی فرزند مریم لعنت شدند و این از آن بود که نافرمانی کردند و از حد می‌گذشتند).**

در حدیثی رسول‌الله ﷺ فرمود: «**إن الدين يُسرٌ، ولن يُشادَّ الدينَ أحدٌ إلا غَلَبه، فسَدِّدوا وقارِبوا، وأبشِروا، واستعينوا بالغَدوة والرَّوحة وشيء من**

۱. نساء، ۱۷۱.
۲. مائده، ۷۷ و ۷۸.

الدُلجة».[۱] **(حقیقتاً دین آسان است، هر کس در دینداری سخت‌گیری کند، مغلوب می‌شود، پس محکم‌کاری کنید، به معیارها نزدیک شوید، شما را مژده باد، و از لحظات صبحگاهی و شبانگاهی و پاره‌ای از تاریکی شب یاری جویید).**

هم‌چنین: سه نفر به خانه‌های همسران پیامبر ﷺ آمدند تا از عبادت وی بپرسند، هنگامی که به آنان خبر داده شد، گویا آن را کوچک شمردند و گفتند: ما کجا و پیامبر ﷺ کجا! در حالی که گناهان گذشته و آینده‌اش آمرزیده شده است، یکی گفت: من همیشه نماز شب می‌خوانم. دیگری گفت: من در تمام روزگار روزه می‌گیرم و افطار نمی‌کنم. دیگری گفت: من از زنان کناره می‌گیرم و هرگز ازدواج نمی‌کنم. وقتی رسول‌الله ﷺ نزدشان آمدند، فرمودند:

«أنتم الذين قلتم كذا وكذا، أما والله إني لأَخشاكم لله وأتقاكم له، لكني أَصوم وأُفطر، وأُصَلّي وأَرقُد، وأَتَزَوّج النساء، فمن رَغِب عن سنتي فليس مني».[۲] **(شمایید که چنین و چنان گفتید؟ به خدا سوگند، من که از همه‌ی شما از خدا بیش‌تر می‌ترسم و در برابرش تقوای وسیع‌تری دارم، هم روزه می‌گیرم و هم افطار می‌کنم، نماز می‌گزارم و می‌خوابم، با زنان ازدواج می‌کنم، پس هرکس از شیوه‌ی من روی‌گرداند از من نیست).**

برای تفریط و کم‌کاری هم روایاتی وجود دارد، در مثال:

ابوهریره رضی الله عنه از رسول‌الله ﷺ روایت کند که فرمود:

«يأتي على الناس زمان، لا يُبالي المرءُ ما أَخَذَ منه، أمِنَ الحلال أم من الحرام».[۳] **(زمانی بر مردم می‌آید که فرد به آن‌چه به دست می‌آورد، توجه نمی‌کند؛ آیا از حلال است یا حرام).**

---

۱. عسقلانی، فتح الباری، الإیمان(۲)، الدین یسر(۲۹)، ح: ۳۹، ۹۹/۱.
۲. همان، النکاح(۶۷)، الترغیب فی النکاح(۱)، ح: ۵۰۶۳، ۱۰۱/۱۰.
۳. همان، البیوع(۳۴)، من لم یبال من حیث کسب المال(۷)، ح: ۲۰۵۹، ۱۲/۵.

و نیز رسول‌الله ﷺ فرمود: «من حَلفَ يمينَ صَبْرٍ ليقتطع بها مالَ امرِئٍ مسلم، لقيَ‌الله وهو عليه غَضبان».[۱] **(کسی که سوگند سخت و استواری یاد کند تا بدین وسیله مال فرد مسلمانی را بگیرد، در حالی با خدا رو به رو می‌شود که بر او خشگمین است).**

هم‌چنین: «لو يُعطَى الناسُ بدعواهم لَذَهَب دماءُ قومٍ وأموالُهم».[۲] **(اگر طبق ادعای مردم به ایشان داده شود، خون و سرمایه‌ی مردمی دیگر از بین خواهد رفت).**

دین در همه‌ی امورش آسان است وگذشت و تسامح از ویژگی‌های نخستین آن می‌باشد، ولی برخی از مسلمانان می‌پندارند که با سختی و دشواری به پاداش بیش‌تر و دستمایه‌ی فراوان‌تری می‌رسند. این نگرش و بینش و برداشت از دین، اشتباه است. افراط و تفریط در هیچ‌کدام از امور عبادی، اجتماعی، سیاسی و... برای مسلمان شایسته نیست.

تندروی و کندروی یکی از چالش‌های فکری اهل‌سنت است؛ گاهی کسی را می‌بینی که در عبادات فردی‌اش زیاده‌روی می‌کند، در روابط اجتماعی‌اش تندروی به خرج می‌دهد، در دیدگاه‌های سیاسی‌اش سخت‌گیر است و نظریات اجتهادی‌اش با خشونت همراه است. و بر عکس، برخی در باورها، اندیشه‌ها و رفتارشان سهل‌انگارند و برای‌شان فرقی نمی‌کند که به کدام سو گام بگذارند.

۱۰. نداشتن رسانه‌های گروهی فراگیر:

سهم اهل‌سنت از رسانه‌های گروهی فراگیر همانند صدا و سیما، روزنامه‌های پرتیراژ، مجلات وزین علمی و تحقیقی، پایگاه‌های

---

۱. همان، تفسیر القرآن(۶۵)، إن الذين يشترون بعهدالله و... (۳)، ح: ۴۵۴۹، ۵۹/۹.
۲. همان، ح: ۴۵۵۲.

اینترنتی بزرگ و... اندک و بسیار ناچیز است. لذا از وظایف مسؤولان محلی و کشوری است که به حقوق اهل‌سنت توجه کنند و برای این بخش عظیم از جامعه هم سهمی در رسانه‌های ملی سراسری و استانی بخصوص صدا و سیمای استانی در نظر بگیرند و حضورشان را به هفته‌ی وحدت یا مناسبت‌های حکومتی و ملی محدود نکنند تا دیگر هموطنان غیر از آیین‌های قومی و محلی اهل‌سنت، با باورهای مذهبی، نگرش‌های فکری و فرهنگی آنان هم آشنا شوند.

۱۱. بهره‌مندی اندک از امکانات الکترونیکی:

امکانات الکترونیکی تا حدودی برای ایرانیان فراهم است، گرچه اندک است و در مقایسه با آن‌چه در اروپا، آمریکا، کشورهای شرق آسیا، استرالیا و دیگر کشورهای پیشرفته و مدرن استفاده می‌شود، ناچیز و ناتوان به شمار می‌آید. اهل‌سنت نیز می‌توانند از این امکانات برخوردار شوند و در مجموع با مشکل و مانعی روبه‌رو نمی‌شوند بسیاری از علما و شخصیت‌های اهل‌سنت و هم‌چنین مدارس، مساجد و مراکز دینی را فاقد یک پایگاه در اینترنت یا صفحات فیس‌بوک یا توییتر و... می‌بینیم، با این‌که سرمایه و امکان راه‌اندازی هم برای‌شان فراهم است. و حتی کسانی را خواهی یافت که با کامپیوتر و دیگر ابزارها و امکانات نوین آشنایی چندانی ندارند. در مجموع به این امکانات نوین که باعث تسریع، تسهیل، توسعه و پیشرفت کار می‌گردد، بی‌توجهی شده است.

۱۲. مادی‌گرایی:

برخی از اهل‌سنت همانند دیگر ملت‌های اسلامی، گرایش‌هایی مادی دارند و همین باعث می‌شود از تلاش شایسته و لازم برای عمل به امور دینی و یا پرهیز از حرام‌ها بازبمانند. مادی‌گرایی

همواره جذابیت و وسوسه‌ای دارد که فرد را به دنبال خود می‌کشاند تا از امکانات و شهوات دنیا بیش‌تر و بیش‌تر لذت ببرد. یکی از چالش‌های کنونی اهل‌سنت همین امر است، بخصوص هنگامی که پیروان مادیات فراوان گردند، چون فرد مادی‌گرا و شهوت‌پرست، نه دین می‌شناسد و نه مذهب و نه به امور مسلمانان اهتمام می‌ورزد و اولویت اول و اخیرش رسیدن به پول و مادیات بیش‌تر و گسترده‌تر است. مسلمان باید بداند که دنیا محل گذر است نه ماندن. البته ناگفته پیداست که اگر دنیا در جیب باشد، ایرادی ندارد و با آموزه‌های دینی ناسازگار نیست، ولی اگر از جیب گذشت و به دل رسید، آغاز چالش‌های بعدی است.

دو ـ چالش‌های اجتماعی و سیاسی

۱. نداشتن رهبری واحد:

رهبری موفق و مورد توافق همگان یکی از شرایط رستگاری جوامع بشری است، بویژه رهبریتی که از امکانات مادی و معنوی بیش‌تری برخوردار باشد. اهل‌سنت ایران نیز با وجود علما و شخصیت‌های دینی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فراوان و پرتوان در بین‌شان، هنوز رهبر واحدی ندارند که مورد توافق همگان باشد. رهبران توانا، شایسته و کارآمد در استان‌های مختلف وجود دارند، همانند شیخ عبدالکریم محمدی[۱] ؛ شیخ مشایخ اهل‌سنت جنوب، مولوی عبدالحمید اسماعیل‌زهی[۲] ؛ مدیر دارالعلوم زاهدان و امام جمعه‌ی مسجد مکی،

---

۱. وی دانش‌آموخته‌ی دانشگاه اسلامی مدینه‌ی منوره است که به سبب دانش گسترده و مهارت مدیریتی در میان علمای اهل‌سنت ایران، بخصوص در استان‌های جنوبی؛ زادگاه و محل زندگی خویش، نفوذ و محبوبیت فراوانی دارد.
۲. پیش‌تر معرفی شد.

یا ماموستا عبدالرحمن پیرانی[1]؛ دبیر کل جماعت دعوت واصلاح ایران، یا دیگر اساتید و علما و شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی و فکری در سایر مناطق. اما به علت نبودن شوراهای مرکزی هدفمند و برنامه‌ریز، کمبود روابط، اختلاف دیدگاه‌ها، ناشناخته ماندن، عدم شهرت و محبوبیت کافی و... هنوز هیچ‌کدام از این رهبران در همه‌ی اقشار جامعه و در همه‌ی استان‌ها مورد پذیرش عمومی واقع نشده‌اند. هر چند در دنیای کنونی بویژه در جوامع مدرن این احزاب هستند که مدیریت و کنترل افکار عمومی را به دست داشته و آنان را رهبری می‌کنند. ولی در ایران و از جمله اهل‌سنت کشور، هنوز احزاب، کارایی چندانی ندارند.

۲. نداشتن شوراهای مرکزی و مدیریتی:

اقلیت‌ها باید مرکزی برای مدیریت، برنامه‌ریزی و مشورت داشته باشند تا کارها را برای‌شان آسان کند، از حقوق‌شان دفاع نماید، برنامه‌ریزی کند و راه‌کار و مسیر نشان دهد. اهل‌سنت چنین مجالس و مراکزی ندارند یا به ندرت تشکیل می‌شود و یا محدود به اقشار خاصی است. پس باید برای رسیدن و تشکیل شوراهای مرکزی، رهبری و مدیریتی بکوشند تا خلأ را پر کند، بخصوص اگر در مراکز استانی و شهرستانی از شاخه و شعبه برخوردار باشند. این شوراها می‌توانند در جهان کنونی جایگزین خوبی برای رهبران فردی شوند، چون خرد گروهی و تصمیم جمعی جانشین عقل فردی می‌شود و قدرت ارتباط و کنترل گسترده‌تری خواهند داشت و آفات آن هم

---

۱. یکی از شخصیت‌ها و رهبران بارز اهل‌سنت ایران است که به علت گسترش جماعت دعوت واصلاح در استان‌های مختلف بویژه استان‌های غربی، دانش، درایت، شهرت و مدیریتش مورد توافق نسبی است.

کم‌تر خواهد بود. در مجموع بشر امروزی، شورای رهبری را بهتر از رهبری فردی می‌پسندد.

۳. کمبود احزاب و جنبش‌های فعال:

آن‌گونه که در فصل سوم و بخش نخست گفته شد، جنبش‌ها و گروه‌های فکری و سیاسی مختلفی در میان اهل‌سنت ایران فعالیت می‌کنند. ولی تعدادشان اندک است و فعالیت آنان نسبت به رخدادها و نیازهای جوامع معاصر بویژه اهل‌سنت کشور محدود است. هر چند در مجموع در ایران، احزاب و جمعیت‌های فعال و پویا کم‌تر یافت می‌شود و بیش‌تر فعالیت این گروه‌ها در ایام انتخابات یا صدور بیانیه در مناسبت‌های مذهبی و ملی به چشم می‌خورد. البته در اکثر جوامع شرقی و اسلامی وضعیت به همین‌گونه است.

پس باید احزاب فعال و پویا گسترش یابند و زمینه‌ی مناسب برای کار گروهی فراهم گردد، چون جهان کنونی، احزاب را بیش از افراد می‌شناسد و با وجود گروه‌های هوشمند و هدفمند است که نتایج اجتماعی، سیاسی، دینی و فرهنگی به دست می‌آید، بخصوص زمانی که حزب از روحیه‌ی گذشت، تسامح، انعطاف و قدرت مدیریتی شایسته و خوب برخوردار باشد. البته نباید فراموش کنیم مشکلات و موانعی را که پیش پای احزاب و هواداران کار گروهی وجود دارد، عدم رسمیت، کمبود سرمایه، نبودن زمینه‌ی مناسب در جامعه، تعصب حزبی پیروان و اعضا، خدشه‌دار بودن چهره و عدم همراهی عمومی.

٤. تفرقه:

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَٱعۡتَصِمُواْ بِحَبۡلِ ٱللَّهِ جَمِيعٗا وَلَا تَفَرَّقُواْۚ وَٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ كُنتُمۡ أَعۡدَآءٗ فَأَلَّفَ بَيۡنَ

قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِۦٓ إِخْوَٰنًا وَكُنتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ ٱلنَّارِ فَأَنقَذَكُم مِّنْهَا ۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمْ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٠٣﴾[1] **(و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، که دشمنان هم‌دیگر بودید، آن‌گاه بین دل‌های شما الفت داد، تا به نعمت او دوست شدید و بر لبه‌ی گودالی از آتش بودید، و شما را از آن باز رهانید، خداوند بدین‌سان آیاتش را برای شما روشن می‌سازد، باشد که راه یابید).**

﴿وَلَا تَكُونُوا۟ كَٱلَّذِينَ تَفَرَّقُوا۟ وَٱخْتَلَفُوا۟ مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلْبَيِّنَٰتُ ۚ وَأُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٠٥﴾﴾[2] **(و مباشید مانند آنان که پراکنده شدند و پس از آن‌که روشنگری‌ها برای‌شان آمد اختلاف ورزیدند، و اینان عذابی بزرگ در پیش دارند).**

﴿وَمَا تَفَرَّقُوٓا۟ إِلَّا مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلْعِلْمُ بَغْيًۢا بَيْنَهُمْ ۚ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّقُضِىَ بَيْنَهُمْ ۚ وَإِنَّ ٱلَّذِينَ أُورِثُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ مِنۢ بَعْدِهِمْ لَفِى شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ ﴿١٤﴾﴾[3] **(جز پس از آن‌که دانش یافتند از روی حسد در میان خود، پراکنده نشدند. و اگر نبود سخنی از پیش صادر شده از خدایت که تا زمانی معیّن مهلت یابند، به یقین در میان آنان داوری می‌شد و کسانی‌که پس از آنان، کتاب به آنان میراث داده شد، در حقیقت از آن در شکّی قوی هستند).**

رسول‌الله ﷺ فرمود: «**إنّ المؤمن للمؤمن کالبنیان یشُدُّ بعضُه بعضاً**» **وشبّك أصابعه.**[4] **(مؤمن برای مؤمن همانند ساختمان است که قسمت‌های**

---

۱. آل عمران، ۱۰۳.

۲. آل عمران، ۱۰۵.

۳. شوری، ۱۴.

۴. عسقلانی، فتح الباری، الأدب(۷۸)، تعاون المؤمنین بعضهم بعضا(۳۶)، ح: ۶۰۲۶، ۵۱/۱۲.

مختلف آن هم‌دیگر را استوار می‌گرداند). و انگشتانش را به هم بست.

هم‌چنین گفته است: «**تَرَى المؤمنين في تراحُمِهم وتَوادِّهم وتعاطُفِهم، كمثل الجسد، إذا اشتكى عضواً تداعَى له سائر جسده بالسَهَر والحُمّى**».[1]

(مؤمنان را در مهربانی، دوستی و توجه به هم‌دیگر همانند پیکر می‌بینی؛ هرگاه عضوی را به ناله آورد، دیگر اندام‌هایش با بیدارخوابی و تب او را همراهی می‌کنند).

تفرقه و جدایی و درگیری‌های درونی، یکی از چالش‌های سنگین پیش روی اهل‌سنت ایران است، هر چند زیاد نیست، ولی از موانعی است که نباید در بین اقلیت‌های مذهبی یا نژادی باشد، چون کیان و موجودیت آنان را تهدید و نابود می‌کند. تفرقه عواملی دارد: درگیری‌های خانوادگی، قومی، محلی، مالی، فرهنگی و... که اساس آن عدم تسامح و دوری از فرهنگ اختلاف و تعامل است. این درگیری‌های فکری و اجتماعی اگر ریشه‌کن نشود، پایه‌های جامعه را سست و نابود می‌کند. با کوشش علما و اندیشمندان و برنامه‌ریزی شخصیت‌های پرنفوذ می‌توان این درگیری‌ها را کاهش داد یا از بین برد.

۵. کمبود روابط:

پراکندگی جغرافیایی، گسترش محیطی، دوری اقلیمی و تنوع زبانی و قومی یکی از مهم‌ترین عواملی است که روابط دوجانبه، دوستانه و تبادلات صمیمانه‌ی اهل‌سنت را کاهش داده است. در موارد بعدی و هنگام سخن از چالش‌های اقتصادی و طبیعی، به برخی از مسافت‌های طولانی و دور میان شهرها و مناطق اهل‌سنت اشاره خواهد شد.

---

۱. همان، الأدب(۷۸)، رحمة الناس والبهائم(۲۷)، ح: ۶۰۱۱، ۱۲/۴۰.

هم‌چنین مراکز و شوراهایی وجود ندارد که باعث ایجاد روابط و تبادل و پیوند سراسری گردد. هر چند پاره‌ای از مدارس دینی، مراکز، احزاب و جریانات فکری چنین روابط و پیوندهایی را ایجاد کرده‌اند که در خور ستایش است، ولی نسبت به نیاز و ضرورت، ناچیز و اندک است.

٦. مواد مخدر و قاچاق کالا:

زندگی مرزی و همسایگی با کشورهایی مثل پاکستان و افغانستان که از خاستگاه‌های اصلی مواد مخدر در جهان‌اند، به رواج فروش مواد مخدر در استان‌های شرقی، بویژه خراسان رضوی و جنوبی، و سیستان و بلوچستان منجر شده است. هم‌جواری با ترکیه، عراق و کشورهای عربی به قاچاق کالا و مواد غیر مجاز در استان‌های غربی و جنوبی انجامیده است. این امر اسبابی دارد، از جمله:

- ✓ نبودن کارگاه‌ها و کارخانه‌های بزرگ و صنایع سنگین در منطقه.
- ✓ کمبود شغل و رواج بی‌کاری.
- ✓ کم‌سوادی و بی‌سوادی و ضعف فرهنگی.
- ✓ خشک‌سالی و کمبود بارش.
- ✓ و... .

مواد مخدر و قاچاق کالا مشکلات بسیاری را ایجاد کرده و جان، مال، خانواده، اخلاق و فرصت‌های فراوانی را هدر داده است. باید برنامه‌های متعدد، هدفمند و سودمندی از سوی حکومت و ملت فراهم گردد و باید هر دو طرف بدانند که این چالش با زور اسلحه و خشونت حل نخواهد شد؛ کار فرهنگی و برنامه‌ریزی اقتصادی راه‌کار مناسبی است.

۷. اعتیاد:

یکی از نخستین پیامدهای فروش مواد مخدر در ایران به طور کلی، و در خراسان‌ها و بلوچستان به طور خاص اعتیاد می‌باشد. متأسفانه این معضل خانمان‌سوز بسیاری از جوانان اهل‌سنت و خانواده، اخلاق، دین و اموال‌شان را هدر داده است، که چندین عامل دارد:

- ✓ ضعف دینی، فرهنگی و آموزشی.
- ✓ فراوانی تنش، فشار و مشکلات مالی در خانواده و جامعه.
- ✓ بی‌کاری.
- ✓ فقدان یا کمبود برنامه‌ریزی‌های کلان و ثابت از سوی دولت.
- ✓ پذیرش رشوه از سوی برخی از مسؤولان مرزی و یا سهیم بودن‌شان در قاچاق.
- ✓ و... .

۸. شیوع طلاق:

متأسفانه یکی از پدیده‌های نامیمون و رایج در جامعه‌ی ایران، طلاق است که طبق آمارهای رسمی در هر سه دقیقه یک طلاق در کشور اتفاق می‌افتد. اهل‌سنت هم از این قاعده مستثنی نبوده و میان آنان هم طلاق شایع شده است، گرچه در برخی استان‌های سنی‌نشین همانند سیستان و بلوچستان این پدیده اندک است، ولی باز هم به مشکل بزرگی در بین خانواده‌ها تبدیل گشته است. بنابراین از وظایف خطیر علما و دست‌اندرکاران امور دینی و مذهبی است که ضمن تشریح عواقب زشت طلاق، مردم را به پای‌بندی به دستورات شرعی توصیه کرده و از گناهان پرهیز دهند، زیرا عامل بسیاری از طلاق‌ها ضعف التزام افراد به بایدها و نبایدهای اسلامی و نیز رواج

مادی‌گرایی، فساد، تنش‌های اجتماعی و فکری، فشارهای اقتصادی، نداشتن شکیبایی، چشم و هم‌چشمی‌های مالی و... است.

۹. حاشیه‌نشینی:

مهاجرت از روستا به شهر یا از شهرهای کوچک به بزرگ جزو معضلات جوامع شرقی و اسلامی است. روستانشینان به دلایل اقتصادی و معیشتی بویژه خشک‌سالی و نداشتن شغل مناسب، به اجبار به سوی شهرهای بزرگ کوچ می‌کنند. از آن سو، چون امکان خرید مسکن در مراکز اصلی شهر و مناطق مناسب شهری برای‌شان فراهم نیست، لذا به حاشیه‌ها پناه برده و در محلات ارزان اقامت می‌گزینند. مشکل اصلی این‌گونه مناطق کمبود شدید امکانات معیشتی و آموزشی، به رسمیت شناخته نشدن از سوی سازمان‌ها و ادارات دولتی، آمیختگی ملیتی و قومیتی، تنوع شدید فرهنگی، رواج فساد و اعتیاد و... است. بخشی از این حاشیه‌نشینان اهل‌سنت هستند.

۱۰. پراکندگی در شهرهای بزرگ:

پیش‌تر گفته شد که در شهرهای بزرگ ایران، همانند تهران، مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز و... تعداد زیادی از اهل‌سنت سکونت دارند. ویژگی بارز این اقلیت، پراکندگی است، زیرا هیچ‌کدام در این شهرها اصالت ندارند، بومی به حساب نمی‌آیند و از مناطق مجاور به این شهرها مهاجرت کرده‌اند. در نتیجه به دلایل گوناگونی به طور پراکنده زندگی می کنند، همانند عدم اطلاع از وجود یکدیگر، نداشتن تناسب فکری و فرهنگی، عدم تمایل به یک‌جانشینی، فقدان مدیریت، نداشتن مساجد و مراکز و... . بنابراین تأسیس مساجد و ایجاد مراکز فرهنگی و علمی و نیز مدیریت درست می‌تواند نقطه‌ی مشترکی برای گردآوری اهل‌سنت در شهرهای بزرگ باشد.

این پراکندگی گاهی باعث ذوب شدن مذهبی و دینی نیز گشته است.

۱۱. مهاجرت دسته جمعی:

در برخی از مناطق اهل‌سنت، مهاجرت‌های خانوادگی و فامیلی از گذشته تا کنون وجود داشته و دارد. به عنوان مثال، در حدود هشتاد سال پیش شهر بندرلنگه در استان هرمزگان یک‌صد هزار نفر جمعیت داشته است، اما به دلایل گوناگونی همانند مقرر شدن قانون اصلاحات اداری و گمرکی دوران رضاشاه، بی‌رونق شدن تجارت مروارید، درگیری‌های شدید مذهبی، بروز ناامنی اقتصادی و اجتماعی و...، اندک اندک جمعیت اهل‌سنت از این شهر به سوی کشورهای خلیج بخصوص امارات، قطر، عمان و کویت کوچ کرده‌اند، به گونه‌ای که اکنون جمعیت سنی‌مذهبان این شهر کمتر از ده هزار نفر است. منازل اعیانی قدیمی ولی خالی از سکنه، مساجد ویران شده، اراضی متروکه و محله‌های متراکم فرسوده از مناظر این شهر است.

۱۲. عدم برخورداری از شبکه‌های تلویزیونی، رادیویی و ماهواره‌ای:

اهل‌سنت ایران در داخل کشور هیچ شبکه‌ی تلویزیونی، رادیویی و ماهواره‌ای ندارند تا در موضوعات گوناگون، بیانگر دیدگاه‌ها و باورهای‌شان باشد یا آنان را راهنمایی کند. امکان استفاده از شبکه‌های داخلی و ملی نیز برای‌شان در جهت ترویج مسائل مذهبی یا آموزش اعتقادات و نظرات فراهم نیست، نه در استان‌ها و نه در شبکه‌های ملی و سراسری که شبانه‌روز پخش می‌شوند. جز آن‌چه از آداب محلی و رسوم قومی ایشان که در مناسبت‌ها و مراسم خاصی همانند هفته‌ی وحدت یا ایام میلاد رسول‌الله ﷺ یا در رمضان، نوروز و...

گاهی نشان داده یا بیان می‌گردد. بنا بر این یکی از خواسته‌های جدی و همیشگی اهل‌سنت از دولت و حکومت فراهم‌سازی امکان بهره‌مندی از شبکه‌های سراسری یا استانی یا گشایش شبکه‌های مستقل و ویژه می‌باشد.

شایان یادآوری است که حدود ۸۰ کانال تلویزیونی و رادیویی در داخل کشور و استان‌ها به صورت رسمی و قانونی به فعالیت مشغول‌اند. «در سال ۱۳۹۰ش میزان تولید برنامه‌های رادیویی در شبکه‌های درون مرزی و برون مرزی صدای جمهوری اسلامی ایران حدود ۲۴۰ هزار ساعت بوده که نسبت به سال قبل ٤/۳ درصد افزایش داشته است. هم‌چنین در سال مذکور میزان تولید برنامه‌های تلویزیونی در شبکه‌های درون مرزی و برون مرزی سیمای جمهوری اسلامی ایران حدود ۹۸ هزار ساعت بوده که نسبت به سال قبل ۱۵/۳ درصد افزایش داشته است». این آمار در سال‌های بعدی بسیار افزایش یافته است.

در شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی ایران به بیش از ۳۰ زبان برنامه تولید می‌شود، همانند زبان‌های عربی، انگلیسی، ژاپنی، فرانسوی، ترکی، عبری، هندی و... .[۱]

سه ـ چالش‌های اقتصادی و طبیعی

۱. دوری مناطق و بُعد مسافت:

پیش‌تر گفته شد که پراکندگی جغرافیایی و دوری اقلیمی به کاهش روابط اهل‌سنت انجامیده است و این یکی از چالش‌های اجتماعی و سیاسی به شمار آمد. این‌جا افزوده می‌شود که این پراکندگی و جدایی از موانع اقتصادی نیز می‌باشد، زیرا از توانایی‌ها، نیازها و امکانات طبیعی و مالی خویش شناخت مناسبی ندارند تا به تبادلات

۱. نگاه: همان، ۷۶۴.

مادی سودمند اقدام کنند. پس باید فعالان اقتصادی و خبرگان بازار، این عرصه‌ها را کشف کرده و برایش برنامه‌ریزی مالی داشته باشند و از تجارب علما و کارشناسان فرهنگی و مذهبی و علمی بهره ببرند تا در نتیجه، اینِ چالش را به یک فرصت مهم اقتصادی و متنوع و گسترده تبدیل کنند.

به عنوان نمونه به برخی از مسافت‌ها و فاصله‌های طولانی میان شهرها و مناطق سنی‌نشین اشاره می‌شود:[1]

از شهر	در استان	تا شهر	در استان	مسافت(کیلومتر)
ارومیه	آذربایجان غربی	بندرعباس	هرمزگان	۱۹۸۷
بندرترکمن	گلستان	بندرعباس	هرمزگان	۱۶۵۹
بیرجند	خراسان جنوبی	بندرعباس	هرمزگان	۱۰۵۳
چابهار	بلوچستان	ارومیه	آذربایجان غ	۲۶۵۶
زاهدان	بلوچستان	بندرعباس	هرمزگان	۷۲۹
زاهدان	بلوچستان	ارومیه	آذربایجان غ	۲۲۰۴
مشهد	خراسان رضوی	بندرعباس	هرمزگان	۱۳۸۳
مشهد	خراسان رضوی	مهاباد	آذربایجان غ	۱۵۷۲
مشهد	خراسان رضوی	ارومیه	آذربایجان غ	۱۶۵۹
سنندج	کردستان	بندرعباس	هرمزگان	۱۶۶۷
سنندج	کردستان	زاهدان	بلوچستان	۱۸۶۲
مشهد	خراسان رضوی	زاهدان	بلوچستان	۹۴۴
مشهد	خراسان رضوی	گرگان	گلستان	۵۸۸
گرگان	گلستان	زاهدان	بلوچستان	۱۴۴۵
کرمانشاه	کرمانشاه	زاهدان	بلوچستان	۱۷۶۱

۱. مؤسسه‌ی جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، نقشه‌ی کامل ایران امروز، شماره‌ی ۳۷۳، چ۳، هامون، ۱۳۹۰ش/۲۰۱۱م.

بی‌گمان بین برخی از شهرها، بویژه در استان‌های همسایه مانند استان‌های غربی یا شمالی یا شرقی و جنوبی این فاصله کم‌تر است.

۲. فقر و تهی‌دستی:

در ایران منابع اقتصادی غنی و سرچشمه‌های مالی گسترده‌ای وجود دارد، همانند نفت، گاز، معادن، ذخایر، امکانات طبیعی گردشگری جذاب، جنگل، دشت، بیابان، کوهستان، دریا، جزیره و...، ولی متأسفانه درآمد و سرانه‌ی ملی نسبت به بسیاری از کشورها و حتی همسایگان پایین است. «در سال ۲۰۰۹م محصول ناخالص داخلی سرانه در ایران ٤٨٦٣ دلار بوده است. نروژ با ٨٧٦٧٤ دلار بیش‌ترین مقدار محصول ناخالص داخلی سرانه را داشته است. قطر، سوئیس، دانمارک، امارات متحده‌ی عربی، ایرلند، هلند، استرالیا، اتریش، ایالات متحده‌ی امریکا وفنلاند جزو کشورهایی با بالاترین مقدار محصول ناخالص داخلی سرانه در جهان هستند و زیمبابوه، افغانستان، بورکینافاسو، بنگلادش، تاجیکستان، عراق و قرقیزستان کشورهایی با کم‌ترین میزان محصول ناخالص داخلی سرانه در جهان می‌باشند».[۱]

طبق تعریف رسمی، درآمد ناخالص ملی سرانه یعنی: «کل درآمد اقتصادی یک شخص، بر اساس تولید و مالکیت عوامل تولید منهای مبلغ پرداخت شده برای استفاده از عوامل تولید بقیه‌ی افراد بر حسب واحد پولی دلار آمریکا از طریق نرخ‌های قدرت برابریِ خرید (ppp) تقسیم بر متوسط جمعیت».[۲]

مهم‌ترین عوامل کاهش سرانه‌ی داخلی و رواج تهی‌دستی

---

۱. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۹۱۴.
۲. همان، ۹۱۲.

عبارت‌اند از:

- ✓ عدم برنامه‌ریزی درست و ثابت.
- ✓ کمبود نظارت جدی.
- ✓ اسراف جمعی و فردی.
- ✓ سپردن کار به نااهلان و ضعف در گزینش و استخدام نیرو.
- ✓ فهم اشتباه از مقوله‌ی توکل.
- ✓ اختلاس، فساد و دزدی‌های کلان و خرد.
- ✓ تنبلی و راحت‌طلبی.
- ✓ فقدان استعداد مالی.
- ✓ و ... .

در نتیجه فقر از چالش‌های مهم اهل‌سنت در بسیاری از مناطق بویژه در استان‌های بلوچستان، خراسان و کردستان است.

۳. مرزنشینی:

پیش‌تر از مرزها و بازارچه‌های مرزی و آزاد به عنوان یک عرصه‌ی مناسب و مفید یاد شد، ولی این بدان معنا نیست که مشکلی ندارد، زیرا زندگی حاشیه‌ای و مرزنشینی ویژگی‌ها و موانعی دارد که به برخی اشاره می‌شود:

- ✓ قید و بندهای دولتی و حکومتی در بسیاری از عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی.
- ✓ ممنوعیت رفت و آمد و مسافرت در برخی مناطق در ساعاتی از شبانه‌روز.
- ✓ گسترش قاچاق و مواد مخدر.
- ✓ توطئه‌های بیگانگان و وسوسه‌های‌شان و گول زدن برخی از مردم.

✓ دوری از پایتخت و مراکز دولتی و در نتیجه محرومیت از امکانات فراوان.

✓ درگیری مرزی میان دولت و قاچاقچیان و متجاوزان و در نتیجه رنج دیدن و مصیبت‌زدگی مردم.

✓ و... .

٤. عدم توسعه:

توسعه نیافتگی از مشخصات ظاهری شهرهای سنی‌نشین است، با این‌که در این استان‌ها منابع کافی، معادن غنی، نیروی انسانی توانا و استعداد لازم وجود دارد. بنابراین باید مسؤولان دولتی در تقسیم بودجه توسعه و برنامه‌ریزی صنعتی دقت بیش‌تری به خرج داده و همواره منابع مالی را صرف کلان‌شهرها نکنند. مردم نیز با همدلی و سعه‌ی صدر می‌توانند با تأسیس شرکت‌های سهامی عام و خاص زمینه‌های توسعه را فراهم آورند.

۵. نبودن کارخانه‌های بزرگ و صنایع سنگین:

یکی از عواملی که به فقر و بی‌کاری و در نتیجه شیوع مواد مخدر و قاچاق کالا در مناطق مرزی منجر شده است، فقدان یا کاهش صنایع و کارخانه‌های بزرگ است. استان‌های سنی‌نشین جزو تهی‌دست‌ترین مناطق از لحاظ تعداد کارخانه و صنایع سنگین است.[1] بی‌گمان گسترش صنایع و کارخانه‌های کوچک و بزرگ به کار و اشتغال بسیاری از مردم و در نتیجه شکوفایی منطقه، شهر و استان منجر می‌شود. پس باید همکاری، هماهنگی و همنوایی میان دولت و مردم، بخصوص سرمایه‌داران و کارشناسان برای ایجاد کارخانه و کارگاه توسعه یابد تا بسیاری از مفاسد و موانع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

---

۱. نگاه: سالنامه آماری کشور، ۳۴۲، ۲۴۷ و ... .

کاهش یابد و سهم این استان‌ها در محصول ناخالص داخلی فزونی گیرد.

سهم استان‌های سنی‌نشین در محصول ناخالص داخلی:[۱]

استان	سهم استان در محصول ناخالص داخلی	سهم استان در جمعیت کل کشور
آذربایجان غربی	٪۱/۸۷	٪۴/۰۴
بلوچستان	٪۱/۰۵	٪۳/۶۶
کردستان	٪۰/۹۵	٪۱/۹۶
گلستان	٪۱/۲۶	٪۲/۲۶
هرمزگان	٪۱/۷۷	٪۲/۰۹

مشاهده می‌شود که میان دو سهم، توازن برقرار نیست و سهم محصول ناخالص داخلی کم‌تر از سهم استان در جمعیت کل کشور است. و این یعنی فرصت کار، تولید و مشارکت در محصول ناخالص داخلی در این استان‌ها اندک است، و جمعیت بیش از آن‌چه تولید کند، مصرف می‌نماید.

در دو جدول زیر بالاترین و پایین‌ترین سهام مذکور در برخی از استان‌های کشور را می‌بینیم:[۲]

اول ـ بالاترین سهم:

۱. نگاه: همان، ۸۸۶.
۲. نگاه: همان، ۸۸۶.

استان	سهم استان در محصول ناخالص داخلی	سهم استان در جمعیت کل کشور
تهران	٪۲۸/۲	٪۱۹/۸
خوزستان	٪۱۲/۹٤	٪۵/۹۸
اصفهان	٪٦/۲۲	٪٦/٤۳
خراسان رضوی	٪۵/۱٦	٪۷/۹۵

دوم ـ پایین‌ترین سهم:

خراسان جنوبی	٪۰/۵۱	٪۰/۹۱
خراسان شمالی	٪۰/٦۵	٪۱/۱۲
چهارمحال و بختیاری	٪۰/٦۷	٪۱/۱۹
سمنان	٪۰/۸٤	٪۰/۸٤

۷. بی‌کاری و ترک وطن برای یافتن شغل:

یکی از پیامدهای فقر و نبودن کارخانه و صنایع، بی‌کاری و در نتیجه ترک وطن و خانواده برای یافتن کار و شغل است. بسیاری از جوانان اهل‌سنت خانه و خانواده را رها کرده و برای رسیدن به فرصت شغلی مناسب و لقمه‌نان به شهرهای غریبه و حتی خارج از کشور مهاجرت می‌کنند. این امر مخصوص یک یا دو استان نیست؛ در مثال، بسیاری از جوانان کُرد به شهرهای تهران، تبریز، زنجان، اصفهان، بندرعباس، جزایر قشم و کیش و حتی ترکیه و عراق می‌روند. نیروهای زیادی از خراسان و بلوچستان جلای‌وطن شده و به شهرهای شمالی و

تهران یا جنوب می‌روند. کارگران جنوبی نیز معمولا به کشورهای خلیج و عربی با چنین هدفی مسافرت می‌کنند. ترکمن‌ها، ترک‌ها و عرب‌ها نیز همین گونه‌اند. حتی بسیاری از نیروهای اهل‌سنت به اروپا، آمریکا، استرالیا، چین و... مهاجرت کرده‌اند.

این رفتن و آن یافتن پیامدها و نتایجی داشته است؛ بسیاری از این کارگران با خانواده‌ها و شهرهای‌شان ارتباط دارند و با رفت وآمد پیوند خویشاوندی را نمی‌گسلند و در نتیجه اخلاق و دین‌شان حفظ شده و از مبانی اعتقادی و فکری و قومی خویش پاسداری می‌کنند. این گروه جز دوری و غربت، و رفت وآمدهای زیاد که گاهی باعث بیماری‌هایی نیز می‌شود و فرصت‌ها و سرمایه‌هایی را هدر می‌دهد، مشکل دیگری ندارند. ولی برخی از این کارگران و جوانان از لحاظ اخلاقی، مذهبی و تدین دگرگون می‌گردند و بعضی هیچ‌گاه به وطن خویش باز نمی‌گردند که همین امر باعث مشکلاتی برای خانواده‌های‌شان می‌شود، مثل طلاق، جدایی، اختلاف و تفرقه. البته برخی هم در سرزمین جدید به جایگاه بالاتری از لحاظ مالی، تحصیلی، سیاسی، اجتماعی و... رسیده‌اند.

طبق آمارهای رسمی در سال ۱۳۹۰ش[۱]، میزان مشارکت اقتصادی و نیز بی‌کاری در استان‌های سنی‌نشین بدین‌گونه بوده است:

استان	مشارکت اقتصادی	بی‌کاری
آذربایجان غربی	٪۴۱/۹	٪۱۳
بلوچستان	٪۲۶/۱	٪۹/۹
کردستان	٪۳۹/۹	٪۱۴
گلستان	٪۳۸/۶	٪۸/۷
هرمزگان	٪۳۲/۸	٪۱۱

۸. خشک‌سالی و قحطی:

خشک‌سالی و قحطی بر همه‌ی استان‌ها اثر می‌گذارد، چه سبز و پر باران و چه بیابانی و خشک یا کوهستانی و...، ولی تأثیرش بر بلوچستان، خراسان‌ها، هرمزگان و فارس بیش‌تر است، به علت کمی آب و چشمه و رودخانه. پیش‌تر گفته شد که استان‌های کرد، ترکمن و ترک از باران فراوان و رودخانه‌های پرآب بهره می‌برند و خشک‌سالی و قحطی در آن‌ها اندک است، ولی در بلوچستان، خراسان، هرمزگان، فارس و بوشهر گاهی تا سال‌های پیاپی خشک‌سالی ادامه دارد.

۱۷۱.در جدول زیر به برخی از آمارهای بارندگی و میزان درجات حرارت و برودت اشاره می‌شود:[۲]

۱. نگاه: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۱۷۷.
۲. نگاه: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، ۶۹.

شهر	استان	درجه‌ی حرارت (سانتی‌گراد)		بارندگی سالانه (میلی‌متر)
		حداقل مطلق	حداکثر مطلق	
زاهدان	بلوچستان	-۱۱/٦	+٤٠/٥	٤٦/٧١
بندرعباس	هرمزگان	٤/٦	٤٥	٥٧/٨٢
بیرجند	خراسان جنوبی	-۱۳	۳۹/۸	۹٥/۱
گرگان	گلستان	-۳/۲	٤۱/٦	۷۲۳/٥
سنندج	کردستان	۱۱/۸	٤۲/۷	۳۷۲/۷
ارومیه	آذربایجان غربی	-۱٥/٦	۳۸/۲	۳۳۳/۷
رشت	گیلان	-۳/٦	۳۷/۲	۱٦۳٦/۹
ساری	مازندران	-۳/٤	۳۹/۳	۹۱۹/۲
یزد	یزد	-٦	٤٤/٥	۲۱/٥۲

شهرهای زاهدان، یزد، بندرعباس و بیرجند را با شهرهای رشت، ساری و گرگان بخصوص در میزان بارندگی سالانه مقایسه کن.

ولی برنامه‌ریزی یوسف‌گونه و تنظیم دخل و خرج و دوری از اسراف و ول‌خرجی در سال‌های قحطی و خشکی بسیار مؤثر است. و لازم است از امکانات جدید و روش‌های تازه در ابرسازی و باروری ابرها، آبیاری قطره‌ای، جلوگیری از هدررفتن آب و... استفاده شود تا این نعمت خدایی بهتر به خدمت گرفته شود. البته همکاری دولت و ملت در این راستا بسیار سودمند است.

واپسین گفتار

با توفیق خداوند این کتاب به پایان رسید و نتایج زیر به دست آمد:

۱. عموم اهل‌سنت در استان‌های مرزی ایران سکونت دارند؛ در شمال: استان اردبیل(زبان ترکی)، گیلان(تالشی)، مازندران(فارسی، بلوچی و ترکمنی)، گلستان(ترکمنی و بلوچی) و خراسان شمالی(ترکمنی). در شرق: خراسان رضوی(فارسی، ترکمنی، بلوچی و ترکی)، خراسان جنوبی(فارسی، بلوچی و عربی)، سیستان و بلوچستان(بلوچی و فارسی). در جنوب: هرمزگان (فارسی و عربی)، فارس(فارسی)، بوشهر(فارسی و عربی)، خوزستان(عربی). در غرب: آذربایجان غربی(کردی و ترکی)، کردستان(کردی)، کرمانشاه(کردی). و اقلیت‌هایی هم در استان‌های مرکزی بویژه تهران زندگی می‌کنند.

۲. مذهب فقهی رایج در میان بلوچ‌ها و فارسَ‌های خراسانی و ترکمن‌ها، حنفی است. در حالی‌که مذهب شافعی میان کردها، تالشی‌ها، ترک‌ها و فارس‌های جنوبی رواج دارد. در برخی از روستاهای جنوبی هرمزگان چند روستا حنبلی مذهب می‌باشند.

۳. نگارنده به این نتیجه رسید که جمعیت اهل‌سنت ایران حدود ده و نیم میلیون نفر است.

٤. اهل‌سنت حدود ۵۰۰ مدرسه‌ی دینی، ٤٢٠٠٠ طلبه‌ی برادر و خواهر و ۳۰۰۰ مدرس حوزوی و دینی دارند. بیش‌ترین مدارس دینی در مناطق بلوچستان و گلستان و پس از آن در خراسان و کردستان قرار دارد.

۵. اهل‌سنت ایران حدود ۱۰۰ مؤسسه‌ی دینی و انجمن خیریه در استان‌های گوناگون دارند که بیش‌ترین آن در هرمزگان است.

٦. تقریبا ۱۵۰۰۰ مسجد از آن اهل‌سنت است. بزرگ‌ترین مسجدشان، مسجد جامع مکی در زاهدان است که حدود ۱۰۰۰۰۰ نمازگزار گنجایش دارد. مهم‌ترین مساجد، مصلای تاریخی سنندج، مسجد جامع کرمانشاه، مسجد امام شافعی و قدس ارومیه، رسول اکرم شیراز، مسجد جامع تاریخی تربت جام، مسجد النبی بیرجند و جامع اهل‌سنت بندرعباس است.

۷. گروه‌ها و طیف‌های فکری گوناگونی در ایران فعالیت دینی و مذهبی دارند، مانند جماعت تبلیغ، جماعت دعوت واصلاح، سلفیه، صوفیه و مکتب قرآن. نگرش‌های ملی‌گرا، مسلحانه، اجتماعی و... نیز فعالیت می‌کنند.

۸. اهل‌سنت حدود ۲۰ ناشر رسمی دارند که تا کنون ٤٠٠٠ عنوان کتاب به چاپ رسانده‌اند. در کنار این ناشران، کتاب‌فروشی‌های فراوانی نیز به خدمات فرهنگی و علمی همت گماشته‌اند که تعدادشان به صد مرکز می‌رسد.

۹. سهم اهل‌سنت در ایجاد مؤسسات فرهنگی، مراکز دانشگاهی ویژه، مجلات و نشریات الکترونیکی نسبت به دیگران بسیار اندک

است. تعداد اندکی مجله و نشریه وجود دارد که توسط مدارس دینی، گروه‌های فکری و انجمن‌های خیریه صادر می‌شود.

۱۰. از آن‌جا که اقلیت‌های دینی و مذهبی بسیاری در ایران سکونت دارند و با اهل‌سنت نیز ارتباط دارند، روابط اهل‌سنت با آنان بر پایه‌ی آموزه‌های قرآن کریم و سنت نبوی است که انسان را به احترام به بشریت و اخلاق نیکو سفارش می‌کند. اقلیت‌هایی مثل مسیحیت، زرتشتی، بهایی و ... در ایران زندگی می‌کنند اما اکثریت ایرانیان پیرو مذهب شیعه‌ی اثناعشری‌اند.

۱۱. روابط اهل‌سنت با احزاب سیاسی و جنبش‌های مخالف یا موافق حکومت و دولت ایران بسیار ضعیف است، جز در ایام انتخابات و تبلیغات سیاسی، بویژه هنگامی که موضع‌گیری مشترک به وجود آید.

۱۲. برای اهل‌سنت امکان دست‌یابی به پست‌های کلان سیاسی وجود ندارد، همانند رهبری، ریاست جمهوری، ریاست مجلس شورای اسلامی، ریاست قوه‌ی قضائیه و... . هم‌چنین در شورای نگهبان، شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجمع تشخیص مصلحت نظام عضویت ندارند. در مجلس خبرگان رهبری دو نفر و در مجلس شورای اسلامی بیست نفر سنی‌مذهب وجود دارد. تا کنون هیچ فردی از اهل‌سنت به عنوان وزیر و سفیر برگزیده نشده است. سهم اهل‌سنت در مدیریت‌های کلان استانی و شهرستانی بسیار اندک است.

۱۳. اقتصاد اهل‌سنت بر پایه‌ی کشاورزی‌های رایج در ایران استوار است، همانند گندم، جو، چغندر، انواع میوه، سبزی‌جات، صیفی‌جات، حبوب و... . ولی از امکانات معاصر و نوین در این عرصه کم‌تر استفاده می‌شود. پرورش انواع گاو، شتر، پرندگان، ماهی،

زنبورعسل و... رواج دارد. در صنایع سنگین اهل‌سنت نقشی ندارند. بیش‌تر صنایع رایج در بین این اقلیت صنایع سبک است.گروهی هم در امور خدماتی کسب روزی می‌کنند.

۱۴. اهل‌سنت فرصت‌های دینی، علمی و فرهنگی بسیاری برای رشد خویش دارند، همانند مراکز دینی، دانشگاه‌های دولتی، دانشگاه‌ها و مدارس غیرانتفاعی، علما و شخصیت‌های بارز، هیئت‌های فتوا، مساجد جامع و عادی، جلسات آموزش و ذکر، انتشارات، کتاب‌خانه‌ها و کتاب‌فروشی‌ها، مهد کودک‌ها، کلاس‌های تابستانی قرآنی و مکاتب، روی‌آوری به سوی دین، همایش‌ها، کنفرانس‌ها و جلسات دینی، تولیدات فرهنگی و مسابقات قرآنی.

۱۵. فرصت‌های سیاسی‌ای همانند وجود احزاب وگروه‌ها، مجمع نمایندگان اهل‌سنت در مجلس شورای اسلامی، رسانه‌ها و امکانات الکترونیکی برای‌شان تا حدودی فراهم است.

۱٦. در عرصه‌های اجتماعی می‌توان از مؤسسات خیریه و انجمن‌های عام المنفعه، مراکز ترک اعتیاد و مراکز حمایت و سرپرستی از یتیمان نام برد.

۱۷. عرصه‌های طبیعی و اقتصادی زیر نیز فراهم است، همانند توانایی‌های کشاورزی، امکانات طبیعی(دریایی،کوهستانی و بیابانی)، مرزها، بازارچه‌های مرزی و مناطق آزاد، تجارت الکترونیک، مشاغل نوین، شرکت‌های تعاونی و تجاری، بانک‌های خصوصی اسلامی، شرکت‌های بیمه، صنایع محلی و روستایی، مؤسسات زکات و صدقات. در عرصه‌های زیر نیز فرصت فراهم است: توانایی‌های ذهنی و استعداد خدادادی، باشگاه‌های ورزشی، و تنوع قومی و نژادی.

۱۸. اهل‌سنت از چالش‌ها و موانع زیر رنج می‌برند: چالش‌های علمی و فرهنگی؛ غفلت از بیداری قرآنی، ضعف فرهنگ دینی، ضعف اعتماد به نفس، دین‌ستیزی و دین‌گریزی، مسدود دانستن درب اجتهاد، بی‌سوادی و کم‌سوادی، تندروی و کندروی، تبلیغات یک‌جانبه‌ی مخالفان، بهره‌مندی اندک از امکانات الکترونیک و مادی‌گرایی.

۱۹. هم‌چنین چالش‌های اجتماعی و سیاسی: همانند نداشتن رهبری واحد، عدم برخورداری از شوراهای مرکزی و مدیریتی، کمبود احزاب و جنبش‌های فعال، تفرقه، ضعف روابط، مواد مخدر و قاچاق، اعتیاد، فشارهای سیاسی و تبعیض‌های مذهبی، نداشتن شبکه‌های تلویزیونی، رادیویی و ماهواره‌ای.

۲۰. و سرانجام چالش‌های اقتصادی و طبیعی: مثل دوری مناطق و بعد مسافت، فقر و تهی‌دستی، مرزنشینی، نداشتن یا کمبود کارخانجات و صنایع سنگین، ترک وطن برای یافتن شغل، خشک‌سالی و قحطی.

چند توصیه:

به همه‌ی پژوهشگران و علاقه‌مندان بویژه جوانان اهل‌سنت سفارش می‌کنم این مسیر را برای معرفی هم‌مذهبان خویش ادامه دهند؛ ملت کوشا، سرافراز و توانمندی که توانسته است در طول چند قرن از مبانی فکری و اعتقادی خویش پاسداری کند و در اکثریت جامعه ذوب نشود. آن‌چه من نگاشته‌ام قطره‌ای از دریا، گلی از گلستان، و مشتی از خروارهاست، که می‌توان برای هر فصل یا مطلبش یک تحقیق جامع و کامل نوشت. اما چون اصل این کتاب پایان‌نامه‌ی دکترای من بوده است و ماهیت و چارچوب این‌گونه پایان‌نامه‌ها و در این سطح، معمولا با نگارش‌های گزارش‌گونه، خبری، داستانی و آماری سازگار نیست، بنده بنا بر توصیه‌ی اساتید راهنما و مشاور و هم‌چنین علاقه‌ی شخصی خودم کوشیدم در حد توان از جنبه‌ی آماری و گزارشی متن بکاهم و بر شمولیت و تحلیل آن بیفزایم.

نوشتم و نگاشتم، تا آغازی برای یک مسیر طولانی در تحقیقات دانشگاهی و تاریخی باشد. اما هرگز ادعای کمال ندارم و نخواهم داشت، زیرا صاحب کمال و جمال کسی است که آن‌ها را آفریده است

و آغاز و پایان خودش است. ولی اطمینان دارم دیگر پژوهشگران با ابتکار، خلاقیت و استعداد سرشار خویش مباحثی کامل‌تر، جامع‌تر و جالب‌تر خواهند نوشت.

می‌پندارم این کتاب در واقع مقدمه و سرفصلی است برای تحقیقات و مباحث بعدی خودم و دیگران که ـإن‌شاءالله‌ـ در آینده در قالب یک دانشنامه‌ی چند جلدی و تخصصی در موضوعات گوناگون و مربوط به اهل‌سنت ایران به رشته‌ی تحریر درخواهد آمد. در این راستا چند برنامه در پیش دارم و همه‌ی دوستان، همکاران و علاقه‌مندان را به یاری می‌طلبم، از جمله: راه اندازی پایگاه جامع اهل‌سنت ایران، جمع‌آوری اطلاعات کامل‌تر با همکاری همگان، تهیه‌ی مستندات دقیق همانند عکس، بروشور، فیلم، کتاب، جزوه و مصاحبه با تأیید بزرگان و شورای شهر و روستا در هر منطقه.

پیوست‌ها

فهرست آیات

خُذۡ مِنۡ أَمۡوَٰلِهِمۡ صَدَقَةٗ تُطَهِّرُهُمۡ وَتُزَكِّيهِم بِهَا وَصَلِّ عَلَيۡهِمۡۖ إِنَّ صَلَوٰتَكَ سَكَنٞ
لَّهُمۡۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٠٣﴾ ۲۸۷

شَهۡرُ رَمَضَانَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ فِيهِ ٱلۡقُرۡءَانُ هُدٗى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَٰتٖ مِّنَ ٱلۡهُدَىٰ وَٱلۡفُرۡقَانِۚ
فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ ٱلشَّهۡرَ فَلۡيَصُمۡهُۖ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوۡ عَلَىٰ سَفَرٖ فَعِدَّةٞ مِّنۡ أَيَّامٍ
أُخَرَۗ يُرِيدُ ٱللَّهُ بِكُمُ ۲۸۲

فَإِذَا قُضِيَتِ ٱلصَّلَوٰةُ فَٱنتَشِرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَٱبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِ ٱللَّهِ وَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ
كَثِيرٗا لَّعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ﴿١٠﴾ ۲۲۸

فَتَبَارَكَ ٱللَّهُ أَحۡسَنُ ٱلۡخَٰلِقِينَ ﴿١٤﴾ ۱۵ ۵

قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ تَعَالَوۡاْ إِلَىٰ كَلِمَةٖ سَوَآءِۭ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمۡ أَلَّا نَعۡبُدَ إِلَّا ٱللَّهَ وَلَا
نُشۡرِكَ بِهِۦ شَيۡـٔٗا وَلَا يَتَّخِذَ بَعۡضُنَا بَعۡضًا أَرۡبَابٗا مِّن دُونِ ٱللَّهِۚ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقُولُواْ
ٱشۡهَدُواْ بِ ۱۸۰

قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لَا تَغۡلُواْ فِي دِينِكُمۡ غَيۡرَ ٱلۡحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوٓاْ أَهۡوَآءَ قَوۡمٖ قَدۡ ضَلُّواْ
مِن قَبۡلُ وَأَضَلُّواْ كَثِيرٗا وَضَلُّواْ عَن سَوَآءِ ٱلسَّبِيلِ ﴿٧٧﴾ لُعِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۢ بَنِيٓ
إِسۡرَٰٓءِيلَ عَلَىٰ ل ۳۰۴

لَا تَقُمۡ فِيهِ أَبَدٗاۚ لَّمَسۡجِدٌ أُسِّسَ عَلَى ٱلتَّقۡوَىٰ مِنۡ أَوَّلِ يَوۡمٍ أَحَقُّ أَن تَقُومَ فِيهِۚ فِيهِ
رِجَالٞ يُحِبُّونَ أَن يَتَطَهَّرُواْۚ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُطَّهِّرِينَ ﴿١٠٨﴾ ۱۱۲

لا يَرحَمُ الله من لا يَرحَمُ الناسَ ۱۸۶

لَّا يَنۡهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ لَمۡ يُقَٰتِلُوكُمۡ فِي ٱلدِّينِ وَلَمۡ يُخۡرِجُوكُم مِّن دِيَٰرِكُمۡ أَن
تَبَرُّوهُمۡ وَتُقۡسِطُوٓاْ إِلَيۡهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُقۡسِطِينَ﴿٨﴾ ۱۵۸

لَّا يَنۡهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ لَمۡ يُقَٰتِلُوكُمۡ فِي ٱلدِّينِ وَلَمۡ يُخۡرِجُوكُم مِّن دِيَٰرِكُمۡ أَن
تَبَرُّوهُمۡ وَتُقۡسِطُوٓاْ إِلَيۡهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُقۡسِطِينَ ﴿٨﴾ إِنَّمَا يَنۡهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ
قَٰتَلُوكُمۡ فِي ۱۸۱

لَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا رُسُلَنَا بِٱلۡبَيِّنَٰتِ وَأَنزَلۡنَا مَعَهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡمِيزَانَ لِيَقُومَ ٱلنَّاسُ بِٱلۡقِسۡطِۖ
وَأَنزَلۡنَا ٱلۡحَدِيدَ فِيهِ بَأۡسٞ شَدِيدٞ وَمَنَٰفِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعۡلَمَ ٱللَّهُ مَن يَنصُرُهُۥ وَرُسُلَهُۥ

وَقُلِ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ ۖ فَمَن شَآءَ فَلْيُؤْمِن وَمَن شَآءَ فَلْيَكْفُرْ ۚ ۱۶
وَلَا تُجَٰدِلُوٓا۟ أَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ إِلَّا بِٱلَّتِى هِىَ أَحْسَنُ إِلَّا ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ مِنْهُمْ ۖ وَقُولُوٓا۟ ءَامَنَّا
بِٱلَّذِىٓ أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَٰهُنَا وَإِلَٰهُكُمْ وَٰحِدٌ وَنَحْنُ لَهُۥ مُسْلِمُونَ ﴿٤٦﴾

۱۸۲
وَلَا تَكُونُوا۟ كَٱلَّذِينَ تَفَرَّقُوا۟ وَٱخْتَلَفُوا۟ مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلْبَيِّنَٰتُ ۚ وَأُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ
عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٠٥﴾
۳۱۱
وَلِسُلَيْمَٰنَ ٱلرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ ۖ وَأَسَلْنَا لَهُۥ عَيْنَ ٱلْقِطْرِ ۖ وَمِنَ ٱلْجِنِّ
مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِۦ ۖ وَمَن يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ
ٱلسَّعِيرِ ﴿١٢﴾
۲۳۰
وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُۥدَ مِنَّا فَضْلًا ۖ يَٰجِبَالُ أَوِّبِى مَعَهُۥ وَٱلطَّيْرَ ۖ وَأَلَنَّا لَهُ ٱلْحَدِيدَ ﴿١٠﴾ ۲۲۹
وَلَقَدْ مَكَّنَّٰكُمْ فِى ٱلْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَٰيِشَ ۗ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿١٠﴾

۲۲۴
وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا ۖ فَٱسْتَبِقُوا۟ ٱلْخَيْرَٰتِ ۚ أَيْنَ مَا تَكُونُوا۟ يَأْتِ بِكُمُ ٱللَّهُ جَمِيعًا ۚ
إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٤٨﴾
۱۶
وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَٰحِدَةً وَلَٰكِن لِّيَبْلُوَكُمْ فِى مَآ ءَاتَىٰكُمْ ۖ فَٱسْتَبِقُوا۟
ٱلْخَيْرَٰتِ ۚ إِلَى ٱللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٤٨﴾ ۱۷
وَمَا تَفَرَّقُوٓا۟ إِلَّا مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلْعِلْمُ بَغْيًۢا بَيْنَهُمْ ۚ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ
إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّقُضِىَ بَيْنَهُمْ ۚ وَإِنَّ ٱلَّذِينَ أُورِثُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ مِنۢ بَعْدِهِمْ لَفِى شَكٍّ مِّنْهُ
مُرِيب
۳۱۱
وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَن يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَـًٔا ۚ وَمَن قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَـًٔا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ
مُّؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُّسَلَّمَةٌ إِلَىٰٓ أَهْلِهِۦٓ إِلَّآ أَن يَصَّدَّقُوا۟ ۚ فَإِن كَانَ مِن قَوْمٍ عَدُوٍّ لَّكُمْ وَهُوَ
مُؤْمِنٌ فَتَح
۱۸۴
وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنْ خَلَقَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَٰجًا لِّتَسْكُنُوٓا۟ إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُم
مَّوَدَّةً وَرَحْمَةً ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾ وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦ خَلْقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ

وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفُ ۲۹۸

وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَن يُرۡسِلَ ٱلرِّيَاحَ مُبَشِّرَٰتٖ وَلِيُذِيقَكُم مِّن رَّحۡمَتِهِۦ وَلِتَجۡرِيَ ٱلۡفُلۡكُ
بِأَمۡرِهِۦ وَلِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ﴿٤٦﴾ ۲۲۴

وَمِنَ ٱلۡأَنۡعَٰمِ حَمُولَةٗ وَفَرۡشٗاۚ كُلُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ
إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ ﴿١٤٢﴾ ثَمَٰنِيَةَ أَزۡوَٰجٖۖ مِّنَ ٱلضَّأۡنِ ٱثۡنَيۡنِ وَمِنَ ٱلۡمَعۡزِ ٱثۡنَيۡنِۗ قُلۡ
ءَآلذَّكَرَيۡنِ ح ۲۳۶

وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَخۡرَجۡنَا بِهِۦ نَبَاتَ كُلِّ شَيۡءٖ فَأَخۡرَجۡنَا مِنۡهُ خَضِرٗا
نُّخۡرِجُ مِنۡهُ حَبّٗا مُّتَرَاكِبٗا وَمِنَ ٱلنَّخۡلِ مِن طَلۡعِهَا قِنۡوَانٞ دَانِيَةٞ وَجَنَّٰتٖ مِّنۡ أَعۡنَابٖ
وَٱلزَّيۡتُونَ وَٱلرّ ۲۲۳

وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَنشَأَ جَنَّٰتٖ مَّعۡرُوشَٰتٖ وَغَيۡرَ مَعۡرُوشَٰتٖ وَٱلنَّخۡلَ وَٱلزَّرۡعَ مُخۡتَلِفًا
أُكُلُهُۥ وَٱلزَّيۡتُونَ وَٱلرُّمَّانَ مُتَشَٰبِهٗا وَغَيۡرَ مُتَشَٰبِهٖۚ كُلُواْ مِن ثَمَرِهِۦٓ إِذَآ أَثۡمَرَ وَءَاتُواْ
حَقَّهُۥ يَوۡمَ حَصَادِهِۦ ۲۲۳

وَهُوَ ٱلَّذِي مَدَّ ٱلۡأَرۡضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَٰسِيَ وَأَنۡهَٰرٗاۖ وَمِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ جَعَلَ فِيهَا
زَوۡجَيۡنِ ٱثۡنَيۡنِۖ يُغۡشِي ٱلَّيۡلَ ٱلنَّهَارَۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٣﴾ وَفِي
ٱلۡأَرۡضِ قِطَعٞ مُّتَجَٰوِرَٰتٞ ۲۲۴

يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لَا تَغۡلُواْ فِي دِينِكُمۡ وَلَا تَقُولُواْ عَلَى ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡحَقَّۚ إِنَّمَا ٱلۡمَسِيحُ
عِيسَى ٱبۡنُ مَرۡيَمَ رَسُولُ ٱللَّهِ وَكَلِمَتُهُۥٓ أَلۡقَىٰهَآ إِلَىٰ مَرۡيَمَ وَرُوحٞ مِّنۡهُۖ فَـَٔامِنُواْ بِٱللَّهِ
وَرُسُلِهِۦۖ وَ ۳۰۳

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَأُوْلِي ٱلۡأَمۡرِ مِنكُمۡۖ فَإِن تَنَٰزَعۡتُمۡ
فِي شَيۡءٖ فَرُدُّوهُ إِلَى ٱللَّهِ وَٱلرَّسُولِ إِن كُنتُمۡ تُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۚ ذَٰلِكَ خَيۡرٞ
وَأَحۡس ۱۵۷

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَوۡفُواْ بِٱلۡعُقُودِۚ أُحِلَّتۡ لَكُم بَهِيمَةُ ٱلۡأَنۡعَٰمِ إِلَّا مَا يُتۡلَىٰ
عَلَيۡكُمۡ غَيۡرَ مُحِلِّي ٱلصَّيۡدِ وَأَنتُمۡ حُرُمٌۗ إِنَّ ٱللَّهَ يَحۡكُمُ مَا يُرِيدُ ﴿١﴾ ۲۸۱

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَوٰةِ مِن يَوۡمِ ٱلۡجُمُعَةِ فَٱسۡعَوۡاْ إِلَىٰ ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَذَرُواْ

ٱلۡبَيۡعَۚ ذَٰلِكُمۡ خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ﴿٩﴾ ۲۵۱
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَأۡكُلُوٓاْ أَمۡوَٰلَكُم بَيۡنَكُم بِٱلۡبَٰطِلِ إِلَّآ أَن تَكُونَ
تِجَٰرَةً عَن تَرَاضٖ مِّنكُمۡۚ وَلَا تَقۡتُلُوٓاْ أَنفُسَكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِكُمۡ رَحِيمٗا ﴿٢٩﴾

۲۸۱ ۲۲۸

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُحِلُّواْ شَعَٰٓئِرَ ٱللَّهِ وَلَا ٱلشَّهۡرَ ٱلۡحَرَامَ وَلَا ٱلۡهَدۡيَ وَلَا ٱلۡقَلَٰٓئِدَ
وَلَآ ءَآمِّينَ ٱلۡبَيۡتَ ٱلۡحَرَامَ يَبۡتَغُونَ فَضۡلٗا مِّن رَّبِّهِمۡ وَرِضۡوَٰنٗاۚ وَإِذَا حَلَلۡتُمۡ فَٱصۡطَادُواْۚ

و ۲۸۱
يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّا خَلَقۡنَٰكُم مِّن ذَكَرٖ وَأُنثَىٰ وَجَعَلۡنَٰكُمۡ شُعُوبٗا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓاْۚ
إِنَّ أَكۡرَمَكُمۡ عِندَ ٱللَّهِ أَتۡقَىٰكُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٞ ﴿١٣﴾ ۱۵۸ ۱۷
يَمۡحَقُ ٱللَّهُ ٱلرِّبَوٰاْ وَيُرۡبِي ٱلصَّدَقَٰتِۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ﴿٢٧٦﴾ ۲۸۷

فهرست احاديث

فهرست منابع[1]

الف ـ منابع عربی:

۱ـ منابع قدیم:

۱. قرآن کریم.

۲. ابن‌اثیر، ابوالحسن علی بن محمد شیبانی جزری(متوفای ۶۳۰هــق/۱۲۳۲م)، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر، چاپ۱، ۱۴۰۲هـ/۱۹۸۰م، ۱۰جلد.

۳. بخاری، ابوعبدالله محمد بن اسماعیل(۲۵۶هــق/۸۷۰م)، الجامع الصحیح المسند من حدیث رسول‌الله وسننه وأیامه، تحقیق: محمدفؤاد عبدالباقی، ریاض، بیت الأفکار الدولیة، چ۱، ۱۴۱۹هـ/۱۹۹۸م، ۱۷۵۱صفحه.

۴. بغدادی، ابومنصور عبدالقاهر بن طاهر(۴۲۹هــق/۱۰۳۷م)، الفرق بین الفرق، تعلیق: ابراهیم رمضان، بیروت، دارالمعرفة، چ۴،

۱. در این فهرست‌ها منظور از «د.ت»، عدم تاریخ انتشار است، همان‌گونه که «د.م» یعنی عدم مکان نشر و «د.ن» یعنی عدم ناشر می‌باشد. واژگان «ابن، ابو، اُم» در ترتیب حروف الفبا به شمار نیامده است، مثلا ابن خلدون در ردیف «خ» ذکر شده است یا ابوداوود در ردیف «د». علایم دیگر از این قبیل است: ج: تعداد جلد کتاب، ص: تعداد صفحات منبع، چ: نوبت چاپ، هـ: سال هجری قمری، م: سال میلادی، و اعداد مذکور در پرانتز پس از نام مؤلفان، سال وفات آنانَ است. در مجموع مشخصات منابع به این ترتیب ذکر شده است: ۱. نام مشهور برای مؤلفان گذشته و نام خانوادگی برای نویسندگان جدید ۲. نام و نام پدر و سال وفات به قمری و میلادی یا شمسی ۳. نام کتاب ۴. محقق یا معلق ۵. شهر محل نشر ۶. ناشر ۷. نوبت چاپ ۸. سال انتشار کتاب به قمری و میلادی یا شمسی ۹. تعداد جلد کتاب یا شمارگان صفحات آن.

۱۴۲۹هـ/۲۰۰۸م، ۳۲۸ص.
۵. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین خراسانی(۴۵۸هـ/۱۰۶۴م)، السنن الکبری، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة، چ۳، ۱۴۲۴ هـ/۲۰۰۳م، ۱۰ج.
۶. حاکم، ابوعبدالله محمد بن عبدالله نیشابوری(۴۰۵هـ/۱۰۱۳م)، المستدرک علی الصحیحین، محقق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة، چ۱، ۱۴۱۱هـ/۱۹۹۰م، ۴ج.
۷. ابن حبان، ابوحاتم محمد بن حبان بن احمد تمیمی(۳۵۴هـ/۹۶۵م)، صحیح ابن حبان، محقق: شعیب الارنؤوط، بیروت، الرسالة، چ۲، ۱۴۱۴هـ/۱۹۹۳م، ۱۸ج.
۸. ابن حنبل، ابوعبدالله احمد بن محمد شیبانی(۲۴۱هـ/۸۵۴م)، المسند، محقق: احمد معبد عبدالکریم، جده، دارالمنهاج، چ۱، ۱۴۳۲هـ/۲۰۱۱م، ۱۴ج.
۹. خطیب، عبدالکریم یونس(۱۳۹۰هـ/۱۹۶۸م)، التفسیر القرآنی للقرآن، قاهره، دارالفکر العربی، چ۱، د.ت، ۱۶ج.
۱۰. ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن بن محمد اشبیلی(۸۰۸هـ/۱۴۰۴م)، کتاب العبر و دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب والعجم والبربر ومن عاصرهم من ذوی الشأن الأکبر، محقق: خلیل شحاده، بیروت، دارالفکر، چ۲، ۱۴۰۸ هـ/ ۱۹۸۸م، ۸ ج.
۱۱. ابوداود، سلیمان بن اشعث ازدی(۲۷۵هـ/۸۸۸م)، السنن، تعلیق: ناصر الدین آلبانی، مکتبة المعارف، ریاض، چ۱، د.ت، ۹۹۹ص.
۱۲. رازی، ابوبشر محمد بن احمد بن حماد دولابی(۳۱۰هـ/۹۲۱م)، الکنی والأسماء، تحقیق: ابوقتیبه نظرمحمد فاریابی، بیروت، دار ابن حزم، چ۱، ۱۴۲۱ هـ/۲۰۰۰م، ۳ج.

۱۳. زرکلی، خیرالدین، الأعلام؛ قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین والمستشرقین، بیروت، دارالعلم للملایین، چ۶، ۱۴۰۴هـ/ ۱۹۸۴م، ۸ج.

۱۴. سنهوری، عبدالرزاق احمد، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، بیروت، دارإحیاءالتراث العربی، چ۱، ۱۳۸۳هـ/۱۹۶۴م، ۱۰ج.

۱۵. سهمی، ابوالقاسم حمزه بن یوسف بن ابراهیم جرجانی(۴۲۸هـ/۱۰۳۵م)، تاریخ جرجان أو معرفة علماء أهل جرجان، محقق: محمد عثمان، قاهره، مکتبة الثقافة الدینیة، چ۱، ۱۴۳۱هـ/۲۰۱۰م، ۴۸۲ص.

۱۶. شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم(۵۴۸هـ/۱۱۵۲م)، الملل والنحل، محقق: محمد عبدالقادر الفاضلی، بیروت، المکتبة العصریة، چ۱، ۱۴۲۴هـ/۲۰۰۴م، ۲۵۵ص.

۱۷. طبری، ابوجعفرمحمد بن جریر آملی(۳۱۰هـ/۹۲۲م)، تاریخ الرسل والملوک، بیروت، دارالتراث، چ۲، ۱۳۸۷هـ / ۱۹۶۶م، ۱۱ج.

۱۸. ابن عابدین، محمدامین بن عمر(۱۲۵۲هـ/۱۸۳۵م)، ردالمحتار علی الدر المختار المعروف بحاشیة ابن عابدین، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، چ۲، ۱۴۰۷هـ/۱۹۸۵م، ۷ج.

۱۹. ابن عاشور، محمدالطاهر بن محمد بن محمدالطاهر التونسی(۱۳۹۳هـ / ۱۹۷۴م)، التحریر والتنویر «تحریر المعنی السدید وتنویر العقل الجدید من تفسیر الکتاب المجید»، تونس، الدار التونسیة للنشر، ۱۴۰۳هـ/۱۹۸۴م، ۳۰ج.

۲۰. عبدالرزاق، ابوبکر بن همام یمانی صنعانی(۲۱۱هـ / ۸۲۶م)، المصنف، محقق: حبیب الرحمن الأعظمی، بیروت، المکتب الإسلامی، چ۲، ۱۴۰۳هـ /۱۹۸۱م، ۱۱ج.

۲۱. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر(۸۵۲هـ / ۱۴۴۷م)، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، تحقیق: عبدالعزیز بن باز، بیروت، دارالفکر، چ۱، ۱۴۲۷هـ/ ۲۰۰۷م، ۱۵ج.

۲۲. ابن فارس، ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریای رازی(۳۹۵هـ/۱۰۰۴م)، معجم مقاییس اللغة، محقق: ابراهیم شمس الدین، بیروت، دارالکتب العلمیة، چ۲، ۱۴۲۹هـ/۲۰۰۸م، ۱۳۲۸ص.

۲۳. فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب(۸۱۷هـ/۱۴۱۳م)، القاموس المحیط، محقق: ابوالوفاء نصر الهورینی، بیروت، دارالکتب العلمیة، چ۱، ۱۴۲۵هـ/۲۰۰۴م، ۱۴۴۰ص.

۲۴. نیشابوری، ابوالحسین مسلم بن حجاج قشیری(۲۶۱هـ/۸۷۴م)، الجامع الصحیح بشرح النووی، محقق: عصام الصبابطی و...، دار ابی حیان، چ۱، ۱۴۱۵هـ/۱۹۹۵م، ۹ج.

۲ـ منابع جدید:

۲۵. اصفهانی، عبدالحق، أحوال أهل السنة فی إیران، د.م، دارالکتب الأثریة، چ۱، د.ت، ۸۷ص.

۲۶. الهی ظهیر، احسان(۱۴۰۷هـ/۱۹۸۷م)، الإسماعیلیة، ریاض، مکتبة بیت السلام، چ۱، ۱۴۲۹هـ/ ۲۰۰۸م، ۷۴۲ص.

۲۷. امام، عبدالفتاح امام، معجم دیانات وأساطیر العالم، قاهره، مکتبة مدبولی، چ۱، د.ت، ۳ج.

۲۸. بدوی، عبدالرحمن، مذاهب الإسلامیین، بیروت، دارالعلم للملایین، چ۲، ۱۴۲۶هـ /۲۰۰۵م، ۱۲۵۸ص.

۲۹. توکاروف، سرگئی، الأدیان فی تاریخ شعوب العالم، ترجمه: احمد م.فاضل، مسکو، دارالنشر بولیتیزدات، چ۱، ۱۳۹۵هـ/۱۹۷۶م، ۵۶۸ص.

۳۰. جعفر، عبدالسلام، المسلمون والآخر؛ أسس لتبادل الحوار والتعاون السلمی، قاهره، رابطة الجامعات الإسلامیة، چ۱، ۱۴۲۷هـ/ ۲۰۰۶م، ۳۴۵ص.

۳۱. جهنی، مانع بن حماد، الموسوعة المیسرة فی الأدیان والمذاهب والأحزاب المعاصرة، ریاض، دارالندوة العالمیة، چ۴، ۱۴۲۰هـ / ۱۹۹۶م، ۲ج.

۳۲. حاتم، محمد غریب، تاریخ عرب اللهولة، کویت، دارالأمین، چ۱، ۱۴۱۷هـ/۱۹۹۷م، ۲۷۱ص.

۳۳. حمد، محمد عبدالحمید، صابئة حران وإخوان الصفا، دمشق، الأهالی، چ۱، ۱۴۱۸هـ/ ۱۹۹۸م، ۲۳۶ص.

۳۴. خضری، محمد بیک(۱۳۴۵هـ/۱۹۲۷م)، الدولة العباسیة، بیروت، مؤسسة الکتب الثقافیة، چ۱، د.ت، ۴۷۹ص.

۳۵. دانلوب، د.م.، تاریخ یهود الخزر، ترجمه: سهیل زکار، د.م.، دارقتیبة، چ۲، ۱۴۳۱هـ/۲۰۱۰م، ۳۶۵ص.

۳۶. زحیلی، وهبه بن مصطفی، التفسیر المنیر فی العقیدة والشریعة والمنهج، دمشق، دارالفکر المعاصر، چ۲، ۱۴۱۸هـ/۱۹۹۶م، ۳۰ج.

۳۷. زحیلی، وهبه بن مصطفی، الفقه الإسلامی وأدلته، تهران، نشر احسان، چ۳، ۱۴۲۷هـ/۲۰۰۶م، ۱۱ج.

۳۸. زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمرو بن احمد، جارالله(۵۳۸هـ/۱۱۴۳م)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتاب العربی، چ۳، ۱۴۰۷هـ/۱۹۸۵م، ۴ج.

۳۹. ابو زهره، محمد(۱۳۹۴هـ/۱۹۷۴م)، دراسات فی الأدیان، قاهره، دارالفکر العربی، چ۱، د.ت، ۱۷۵ص.

۴۰. سابق، سید(۱۴۲۰هـ/۲۰۰۰م)، فقه السنة، بیروت، دارالکتاب العربی، چ۷، ۱۴۰۵هـ /۱۹۸۳م، ۳ج.

۴۱. سالوس، علی احمد، موسوعة القضایا الفقهیة المعاصرة والاقتصاد الإسلامی، بیروت، مؤسسة الریان، چ۱۱، ۱۴۲۸هـ/۲۰۰۸م، ۹۶۰ص.

۴۲. شاکر، محمود، التاریخ الإسلامی، بیروت، المکتب الإسلامی، چ۸، ۱۴۲۱هـ/ ۲۰۰۰م، ۲۲ج.

۴۳. صدیقی، سیدحبیب‌الله، قبس من مدرسة الشافعیة فی إیران فی القرنین الثالث‌عشر والرابع‌عشر الهجریین(پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی فقه تطبیقی)، استاد راهنما: محمد اسماعیل، طرابلس، دانشگاه الجنان، ۱۴۳۲هـ/۲۰۱۱م.

۴۴. صلابی، علی محمد، الدولة العثمانیة عوامل النهوض وأسباب السقوط، بیروت، دار ابن کثیر، چ۳، ۱۴۲۹هـ/۲۰۰۸م، ۶۴۰ص.

۴۵. عبدالحلیم، محمود، الإخوان المسلمون؛ أحداث صنعت التاریخ، اسکندریه، دارالدعوة، چ۱، ۱۴۲۴هـ/۲۰۰۴م، ۳ج.

۴۶. عبیدلی، خمیس بن احمد، تاریخ القبائل العربیة فی السواحل الفارسیة، دوحه، مطابع الشرق الأوسط، چ۱، ۱۴۰۵هـ/۱۹۸۳م، ۱۵۶ص.

۴۷. علی، صالح حمید، المؤسسات المالیة الإسلامیة، دمشق، دارالنوادر، چ۱، ۱۴۲۹هـ/ ۲۰۰۸م، ۵۵۹ص.

۴۸. علی، صالح حمید، و سمیح الحسن، معالم التأمین الإسلامی، دمشق، دارالنوادر، چ۱، ۱۴۳۱هـ/۲۰۱۰م، ۴۴۴ص.

۴۹. عواجی، غالب بن علی، فرق معاصرة تنتسب إلی الإسلام وبیان موقف الإسلام منها، جده، المکتبة العصریة الذهبیة، چ۴، ۱۴۲۲هـ/۲۰۰۱م، ۳ج.

۵۰. ابوالعینین، بدران، العلاقات الاجتماعیة بین المسلمین وغیرالمسلمین فی الشریعة الإسلامیة والیهودیة والمسیحیة، اسکندریه، مرکز الإسکندریة للکتاب، چ۱، ۱۴۱۵هـ/۱۹۹۵م، ۲۸۷ص.

۵۱. غریب، عبدالله محمد، أحوال أهل السنة فی إیران، پیشاور، دارالسنة، چ۱، ۱۴۰۵هـ/ ۱۹۸۵م، ۱۳۸ص.

۵۲. غوری، عبدالماجد، القادیانی والقادیانیة عند أبی‌الأعلی المودودی، وأبی‌الحسن الندوی، و إحسان إلهی ظهیر، بیروت، دار ابن کثیر، چ۱، ۱۴۲۱هـ/ ۲۰۰۰م، ۴۸۰ص.

۵۳. قاسملو، عبدالرحمن، کردستان ایران، دمشق، دارالشموس، چ۱، ۱۹۹۹م، ۴۳۹ص.

۵۴. قرضاوی، یوسف، الحلال والحرام فی الإسلام، قاهره، مکتبة وهبة، چ۲۹، ۱۴۲۸هـ/۲۰۰۷م، ۲۴۰ص .

۵۵. قرضاوی، یوسف، فی فقه الأقلیات المسلمة؛ حیاة المسلمین وسط المجتمعات الأخری، قاهره، دارالشروق، چ۱، ۱۴۲۲هـ/۲۰۰۱م، ۳۸۷ص.

۵۶. قره داغی، علی، بحوث فی فقه المعاملات المالیة المعاصرة، بیروت، دارالبشائر، ۱۴۲۲هـ/۲۰۰۱م، ۲۸۲ص .

۵۷. کریمی، محمد صالح، کردستان و دورها فی التاریخ الإسلامی، چاپ نشده، ۱۴۲۸هـ/۱۳۸۶ش/ ۲۰۰۵م، ۱۱۰ص.

۵۸. کمال، مجید، تاریخ الأکراد؛ دراسة فی العلاقات العراقیة الإیرانیة الکویتیة، لندن، دارالحکمة، ۱۴۱۸هـ/۱۹۹۷م، ۴۸۹ص.

۵۹. کیوان، مأمون، الیهود فی إیران، بیروت، بیسان، چ۱،۱۴۲۰هـ/۲۰۰۰م، ۱۶۰ص.

۶۰. محمد امین، زکی بیک، خلاصة تاریخ کرد وکردستان، بیروت، الجمعیة الکردیة، چ۱،۱۴۲۳هـ/ ۲۰۰۳م، ۲۸۷ص.

۶۱. ملازاده، عبدالرحیم بن عبدالله بلوچی، تحول الفکر الإسلامی فی إیران من السنة إلی الشیعة خلال العهد الصفوی، پایان نامه‌ی دکتری،

چاپ نشده، ۱۹۹۵م، ۵۰۴ص.

۶۲. نیچه، فردریک (۱۲۵۹-۱۳۱۷هـ/۱۸۴۴-۱۹۰۰م)، هکذا تکلم زرادشت، ترجمه: فلیکس فارس، بیروت، دارالقلم، چ۱، د.ت، ۳۵۱ص.

۶۳. ویلیام، ایگلتون، جمهوریة مهاباد؛ جمهوریة ۱۹۴۶الکردیة، بیروت، دارالطلیعة، چ۱، ۱۳۹۱هـ/۱۹۷۲م، ۴۱۹ص.

۶۴. هلالی، ابواسامه سلیم بن عید، الجماعات الإسلامیة فی ضوء الکتاب والسنة بفهم سلف الأمة، عمّان، الدار الأثریة، چ۱، ۱۴۲۵هـ/۲۰۰۴م، ۶۸۸ص.

۶۵. ابویوسف، أسماء، حقوق الأقلیات المسلمة فی آسیا بین المواثیق الدولیة ومعطیات الواقع، اسکندریه، مکتبة الوفاء القانونیة، چ۱، ۱۴۳۱هـ/۲۰۱۰م، ۴۳۲ص.

۳ـ نشریات:

۶۶. ابراهیم، احمد، بدون عنوان، در مجله‌ی الشبان المسلمین، سال سیزدهم، شماره‌ی۳، سال ۱۹۴۱م، نقل از کتاب الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید.

۶۷. وودروف، مندی، و انسایدر، بیزانس، کیف یفکر الأغنیاء، ترجمه: خطاب، جمال، در مجله‌ی المجتمع، شماره‌ی۲۰۲۳، ۱۴۳۳هـ/۲۰۱۲م.

۴ـ منابع الکترونیک:

۶۸. فتاوای الشبکة الإسلامیة، شماره‌ی فتوا ۳۰۲۶۸ (۳۱۱/۵)، در پایگاه: www. shamela.ws

۶۹. نوشتار سایت، اتباع الادیان والمذاهب فی العالم، در پایگاه: www.wikipedia.ar.org

۷۰. نوشتار سایت، اهل القرآن، در پایگاه: www.ahl-alquran.com (سایت احمد صبحی منصور)

۷۱. نوشتار سایت، اهل القرآن، در پایگاه: www.thekr.net (سایت عدنان رفاعی).

ب ـ منابع فارسی:

۱ـ کتاب‌ها:

۷۲. آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی ـ فارسی، تهران، نی، چ ۱۰، ۱۳۸۸ش/۲۰۰۹م، ۸۰۶ص.

۷۳. احراری رودی، عبدالکریم، خواف در گذر تاریخ، تربت جام، شیخ الاسلام احمد جام، چ ۱، ۱۳۸۴ش/۲۰۰۵م، ۱۸۹ص.

۷۴. افشار سیستانی، ایرج، جغرافیای تاریخی دریای پارس، تهران، حوزه‌ی هنری، چ ۱، ۱۳۷۶ش/ ۱۹۹۸م، ۸۸۷ص.

۷۵. اقتداری لارستانی، احمد، لارستان کهن و فرهنگ لارستانی، د.م، جهان معاصر، چ ۲، ۱۳۷۱ش/ ۱۹۹۳م، ۶۰۳ص.

۷۶. انصاری، مسعود، ترجمه‌ی قرآن کریم،

۷۷. بزرگ زاده، عبدالباسط، و ملازاده، نورالنساء، زندگی‌نامه‌ی حضرت مولانا عبدالعزیز ملازاده، تهران، احسان، چ ۱، ۱۳۸۷ش/۲۰۰۸م، ۲۶۸ص.

۷۸. بوش، ریچارد، و دیگران، جهان مذهبی ادیان در جوامع امروز، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، د.م، چ ۲، ۱۳۷۸ش/۱۹۹۹م، ۱۰۰۸ص.

۷۹. بیانی، شیرین، تاریخ ایران باستان(۲)؛ از ورود آریایی‌ها به ایران تا پایان هخامنشیان، تهران، سمت(سازمان مطالعه وتدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها)، چ ۶، ۱۳۸۹ش/۲۰۱۰م، ۲۳۷ص.

۸۰. جان. دی. استیبل، درون انقلاب اسلامی، ترجمه: منوچهر شجاعی، تهران، مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا، چ ۱، ۱۳۷۷ش/۱۹۹۸م، ۴۶۴ص.

۸۱. حافظ شیرازی، شمس الدین محمد(... ـ ۷۹۲هـ/ ... ـ ۱۳۸۸م)، دیوان حافظ، محقق: قضایی، سیدعبدالهادی، قم، مؤسسه‌ی طوبی، چ ۱، ۱۳۹۱ش/۲۰۱۰م، ۶۲۴ص.

۸۲. حریریان، محمود، و صادق ملک شهمیرزادی، تاریخ ایران باستان(۱)، تهران، د.ن، چ ۷، ۱۳۸۸ش / ۲۰۰۹م، ۱۶۵ص.

۸۳. حقیقت، عبدالرفیع، تاریخ جنبش‌های مذهبی در ایران، تهران، کومش، چ ۱، ۱۳۷۵ش / ۱۹۹۷م، ۵۱۱ص.

۸۴. خنجی، محمدامین(۱۲۸۱ ـ ۱۳۴۴ش/ ۱۹۰۲ ـ ۱۹۶۵م)، مشاهیر نامی خنج، تهران، فرزان روز، چ ۱، ۱۳۸۶ش/۲۰۰۷م، ۳۱۲ص.

۸۵. دهخدا، علی‌اکبر(۱۳۳۴ش/۱۹۵۵م)، لغت‌نامه، تهران، مؤسسه‌ی چاپ و نشر دانشگاه تهران، چ ۱، ۱۳۷۲ش/۱۹۹۳م، ۲۲۸۷۶ص.

۸۶. رسولی، غلام رسول، پنجاه و هشت روز اسارت، تربت جام، خواجه عبدالله انصاری، چ ۱، ۱۳۸۷ش/۲۰۰۸م، ۱۰۵ص.

۸۷. رشید یاسمی، غلام رضا، کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او، د.م، ابن سینا، چ ۳، د.ت. ۳۹۷ص.

۸۸. رضی، هاشم، حکمت خسروانی، د.م، بهجت، چ ۲، ۱۳۸۰ش/۲۰۰۱م، ۷۱۸ص.

۸۹. رضی، هاشم، دانشنامه‌ی ایران باستان، تهران، سخن، چ ۱، ۱۳۸۱ش / ۲۰۰۲م، ۵ج.

۹۰. رفیعی، حمیدالله، و ضیایی، رحمت‌الله، تصوف؛ پرسمان دینی، قم، مرکز مدیریت حوزه‌ی علمیه، چ ۱، ۱۳۸۸ش/۲۰۰۹م، ۱۸۰ص.

۹۱. زرین‌کوب، عبدالحسین(۱۳۰۱ـ ۱۳۷۸ش/۱۹۲۲ـ ۱۹۹۹م)، و زرین‌کوب، روزبه، تاریخ ایران باستان(۴)؛ تاریخ سیاسی ساسانیان، تهران، سمت(سازمان مطالعه وتدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها)، چ۶، ۱۳۸۹ش/۲۰۱۰م، ۱۱۷ص.

۹۲. زنگنه قاسم‌آبادی، ابراهیم، تاریخ رجال شرق خراسان(خواف، زوزن، تربت حیدریه، باخرز، جام، سرخس و قهستان)، مشهد، خاطره، چ۱، ۱۳۸۱ش/ ۲۰۰۲م، ۸ج.

۹۳. زنگنه قاسم‌آبادی، ابراهیم، سرزمین جام و رجال آن، تربت جام، شیخ الاسلام، چ۱، ۱۳۸۴ش/۲۰۰۵م، ۳۱۳ص.

۹۴. سارلی، اراز محمد، دیوان مختوم‌قلی فراغی(۱۱۴۶ـ ۱۲۰۵هـ/۱۷۳۱ـ ۱۷۸۸م)، د.م، انتشارات مختوم‌قلی، چ۲، ۱۳۹۰ش/ ۲۰۱۱م، ۵۷۰ص.

۹۵. سامینورسکی، ولادیمیر، کرد؛ تاریخ، زبان و فرهنگ، ترجمه: محمد رئوف یوسفی نژاد، تهران، سهیل، چ۱، ۱۳۷۸ش/۱۹۹۹م، ۴۵۶ص.

۹۶. سربازی، عبدالصمد(۱۹۰۲ـ۱۹۷۵م)، بلوچ و بلوچستان، ترجمه: محمد سلیم آزاد، زاهدان، گوربام، چ۲، ۱۳۸۶ش/ ۲۰۰۷م، ۲۸۰ص.

۹۷. سعدی شیرازی، مصلح بن عبدالله(... ـ۶۹۱هـ/ ... ـ ۱۲۹۰م)، بوستان سعدی، محقق: کاظم عابدینی مطلق، قم، کومه، چ۷، ۱۳۸۹ش/۲۰۱۰م، ۱۹۲ص.

۹۸. سعدی شیرازی، مصلح بن عبدالله(... ـ۶۹۱هـ/ ... ـ ۱۲۹۰م)، گلستان سعدی، محقق: کاظم عابدینی مطلق، قم، نگاران قلم، چ۱۰، ۱۳۹۰ش/۲۰۱۱م، ۱۴۸ص.

۹۹. سعیدیان، عبدالحسین، مردمان ایران(مردم شناسی و آداب و رسوم اقوام ایرانی)، د.م، علم و زندگی، چ۱، ۱۳۷۵ش/۱۹۹۶م، ۹۳۰ص.

۱۰۰. سعیدیان، عبدالحسین، سرزمین و مردم ایران، د.م، علم و زندگی، چ۱، ۱۳۷۸ش/ ۱۹۹۹م، ۸۶۴ص.

۱۰۱. صابر مقدم، فرامرز، مجموعه‌ی معماری-آرامگاهی مزار شیخ احمد جام، مشهد، سنبله، چ۱، ۱۳۸۳ش/۲۰۰۴م، ۱۲۰ص.

۱۰۲. طاهری، ابوالقاسم، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران؛ از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ۳، ۱۳۸۰ش/۲۰۰۱م، ۴۸۷ص.

۱۰۳. عباسی، محمد ابراهیم، جناح؛ اجداد و نیاکان خود را بازشناسیم، د.م، د.ن، چ۱، ۱۳۸۶ش/۲۰۰۷م، ۴۳۴ص.

۱۰۴. فداکار، نورقلیج، نقد و تحلیل آثار و احوال مخدوم‌قلی فراغی(۱۱۴۶- ۱۲۰۵هـ/۱۷۳۱- ۱۷۸۸م)، تهران، احسان، چ۲، ۱۳۸۶ش/۲۰۰۷م، ۴۳۰ص.

۱۰۵. فرزندی، عباس علی، همگرایی جهان اسلام در اندیشه‌ی امام خمینی ومقام معظم رهبری، تهران، شورای برنامه ریزی مدارس علوم دینی اهل‌سنت، چ۱، ۱۳۹۰ش/۲۰۱۰م، ۳۹۲ص.

۱۰۶. فرمانیان، مهدی، آشنایی با فرق تسنن، قم، مرکز مدیریت حوزه‌ی علمیه، چ۲، ۱۳۸۹ش/۲۰۱۰م، ۲۳۲ص.

۱۰۷. فرمانیان، مهدی، و دیگران، فرق تسنن(مجموعه مقالات)، قم، ادیان، چ۱، ۱۳۸۶ش/ ۲۰۰۷م، ۷۲۸ص.

۱۰۸. فضایی، یوسف، شیخی‌گری، بابی‌گری، بهایی‌گری، تهران، آشیانه‌ی کتاب، چ۲، ۱۳۸۴ش/۲۰۰۵م، ۲۹۲ص.

۱۰۹. فضایی، یوسف، مذاهب اهل‌سنت و فرقه‌ی اسماعیلیه، تهران، آشیانه‌ی کتاب، چ۱، ۱۳۸۳ش/۲۰۰۴م، ۴۱۶ص.

۱۱۰. فلاح زاده، محمد هادی، جمهوری اسلامی ایران، تهران، مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، چ۲، ۱۳۸۶ش/۲۰۰۷م، ۲۸۲ص.

۱۱۱.قاسمی، کامله بنت عبدالله بن علی، تاریخ بندرلنگه، د.م، د.ن، چ۱، ۱۴۱۳هـ/۱۹۹۳م، ۲ج.

۱۱۲. قدمی، محمد، کردستان و مناطق اهل‌سنت؛ استحقاق‌ها و عملکردها، تهران، آنا، چ۱، ۱۳۸۲ش/۲۰۰۳م، ۴۱۱ص.

۱۱۳. قرضاوی، یوسف، اخوان المسلمین هفتاد سال دعوت، تربیت و جهاد، ترجمه: عبدالعزیز سلیمی، تهران، نشر احسان، چ۱، ۱۳۸۱ش/ ۲۰۰۲م، ۵۴۶ص.

۱۱۴. قطب، سیدابراهیم حسین شاربی(۱۳۸۵هـ/۱۹۶۴م)، فی ظلال القرآن، ترجمه: مصطفی خرمدل، قاهره، دارالشروق، چ۱۷، ۱۴۱۲هـ/۱۹۹۰م، ۶ج.

۱۱۵. قیم، عبدالنبی، فرهنگ معاصر عربی ـ فارسی، تهران، فرهنگ معاصر، چ۴، ۱۳۸۴ش/ ۲۰۰۵م، ۱۲۷۰ص.

۱۱۶. کبابی، محمد علی سدیدالسلطنه(۱۳۲۰ش/۱۹۴۲م)، بندرعباس و خلیج فارس، تحقیق: احمد اقتداری، تهران، دنیای کتاب، چ۲، ۱۳۶۳ش/۱۹۸۵م، ۷۸۰ص.

۱۱۷.کوزیجگین، ولادیمیر، کا.ک.ب در ایران، ترجمه: اسماعیل زند و حسین ابوترابیان، تهران، حکایت، چ۴، ۱۳۷۶ش/۱۹۹۷م، ۶۶۵ص.

۱۱۸. گروه مذاهب اسلامی، اسماعیلیه، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چ۱، ۱۳۸۱ش/۲۰۰۲م، ۶۹۶ص.

۱۱۹. گلی، امین، تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن‌ها، د.م، نشر علم، چ ۱، ۱۳۶۶ش /۱۹۸۷م، ۳۸۰ص.

۱۲۰.مبلغی‌آبادانی، عبدالله، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، د.م، انتشارات حر، چ ۲، ۱۳۷۶ش /۱۹۹۷م، ۴۴۸ص.

۱۲۱. متقی‌زاده، زینب، جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه‌ی خلیج فارس، قم، شیعه‌شناسی، چ ۱، ۱۳۸۴ش /۲۰۰۵م، ۲۲۴ص.

۱۲۲. محمودی لاری، ایوب، گله‌دار درگذر تاریخ، شیراز، ایلاف، چ ۱، ۱۳۸۶ش /۲۰۰۷م، ۱۹۰ص.

۱۲۳. مرکز آمار ایران، سالنامه‌ی آماری کشور ۱۳۹۰، تهران، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، چ ۱، ۱۳۹۰ش / ۲۰۱۱م، ۱۰۰۶ص.

۱۲۴. مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، تهران، معاونت برنامه‌ریزی ونظارت راهبردی ریاست جمهوری، چ ۱، ۱۳۹۰ش /۲۰۱۱م، ۶۹۴ص.

۱۲۵. مشکور، محمد جواد، فرهنگ فرق اسلامی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس، چ ۴، ۱۳۸۴ش /۲۰۰۵م، ۵۸۲ص.

۱۲۶. معروف، یحیی، فرهنگ لغات و اصطلاحات فارسی به عربی، تهران، یادواره‌ی کتاب، چ ۲، ۱۳۸۶ش /۲۰۰۷م، ۴۱۶ص.

۱۲۷. منصور، جهانگیر، متن کامل قانون اساسی، تهران، دیدار، چ ۱۰۴، ۱۳۹۲ش / ۲۰۱۳م، ۵۰ص.

۱۲۸. مهرنوس، دانا، کردها و اسلام؛ ستیز یا سازش، سنندج، آراس، چ ۱، ۱۳۹۰ش / ۲۰۱۱م، ۳۳۴ص.

۱۲۹. ناردو، دان، امپراتوری ایران، ترجمه: مرتضی ثاقب فر، تهران، ققنوس، چ ۱۰، ۱۳۸۶ش / ۲۰۰۷م، ۱۵۲ص.

۱۳۰. ندوی، ابوالحسن(۱۴۱۹هـ/۱۹۹۹م)، مولانا محمد الیاس و نهضت دعوت و تبلیغ، ترجمه: محمد قاسم قاسمی، تربت جام، شیخ الاسلام احمد جام، چ۲، ۱۳۸۷ش/ ۲۰۰۸م، ۲۰۸ص.

۱۳۱. نوربخش، حسین، بندرلنگه بر ساحل خلیج فارس، هرمزگان، نشر اداره‌ی کل فرهنگ و هنر، چ۱، ۱۳۵۸ش/۱۹۸۰م،۴۰۹ص.

۱۳۲. واسیلی، نیکمتین، کرد وکردستان، ترجمه: محمد قاضی، تهران، نیلوفر، چ۱، ۱۳۶۶ش/۱۹۸۷م، ۳۵۶ص.

۱۳۳. وثوقی، محمد باقر، تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، تهران، سمت، چ۱، ۱۳۸۴ش/ ۲۰۰۵م، ۵۹۱ص.

۱۳۴. وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مباحث کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، تهران، چ۱، ۱۳۷۶ش/ ۱۹۹۷م، ۷۳ج.

۱۳۵. وزارت آموزش و پرورش، جغرافیای آذربایجان شرقی، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۹۱ش/ ۲۰۱۲م، ۷۶ص.

۱۳۶. وزارت آموزش و پرورش، جغرافیای آذربایجان غربی، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۹۱ش/۲۰۱۲م، ۶۸ص.

۱۳۷. وزارت آموزش و پرورش، جغرافیای اردبیل، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۹۱ش/۲۰۱۲م، ۸۰ص.

۱۳۸. وزارت آموزش و پرورش، جغرافیای بوشهر، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۹۱ش/۲۰۱۲م، ۶۵ص.

۱۳۹. وزارت آموزش و پرورش، جغرافیای خراسان جنوبی، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۹۱ش/۲۰۱۲م، ۷۶ص.

۱۴۰. وزارت آموزش و پرورش، جغرافیای خراسان رضوی، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران،۱۳۹۱ش/۲۰۱۲م، ۸۹ص.

۱۴۱. وزارت آموزش و پرورش، جغرافیای خراسان شمالی، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۹۱ش/۲۰۱۲م، ۷۴ص.
۱۴۲. وزارت آموزش و پرورش، جغرافیای خوزستان، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۹۱ش/۲۰۱۲م، ۷۹ص.
۱۴۳. وزارت آموزش و پرورش، جغرافیای سمنان، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۹۱ش/۲۰۱۲م، ۸۱ص.
۱۴۴. وزارت آموزش و پرورش، جغرافیای سیستان و بلوچستان، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران،۱۳۹۱ش/۲۰۱۲م، ۷۶ص.
۱۴۵. وزارت آموزش و پرورش، جغرافیای فارس، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۹۱ش/۲۰۱۲م، ۸۹ص.
۱۴۶. وزارت آموزش و پرورش، جغرافیای کردستان، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۹۱ش/۲۰۱۲م، ۷۴ص.
۱۴۷. وزارت آموزش و پرورش، جغرافیای کرمانشاه، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۹۱ش/۲۰۱۲م، ۷۹ص.
۱۴۸. وزارت آموزش و پرورش، جغرافیای گلستان، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۹۱ش/۲۰۱۲م، ۷۳ص.
۱۴۹. وزارت آموزش و پرورش، جغرافیای گیلان، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۹۱ش/۲۰۱۲م، ۷۸ص.
۱۵۰. وزارت آموزش و پرورش، جغرافیای هرمزگان، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۹۱ش/۲۰۱۲م، ۸۰ص.
۱۵۱. ولدبیگی، برهان‌الدین، نگاهی به جاذبه‌های گردشگری اورامان، تهران، احسان، چ۲، ۱۳۸۸ش/ ۲۰۰۹م، ۱۸۰ص.
۱۵۲. وهبه، توفیق علی، سفر به ایران در راستای وحدت اسلامی،

ترجمه: وحید عباسی، مجمع تقریب مذاهب اسلامی، تهران، چ۱، ۱۳۸۹ش/۲۰۱۰م، ص۱۶۸.

۱۵۳.ویشر، ویلیام بین، تاریخ ایران کمبریج جلد اول سرزمین ایران، ترجمه: تیمور قادری، تهران، امیرکبیر، چ۱، ۱۳۸۶ش/۲۰۰۷م، ۹۷۱ص.

۱۵۴. هینلز، جان راسل، راهنمای ادیان زنده، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، قم، بوستان کتاب، چ۱، ۱۳۸۵ش/۲۰۰۶م، ۲ج، ۱۶۰۰ص.

۲ـ نشریات:

۱۵۵. امینی، حسن، اهل‌سنت، مجله‌ی راه ما (نشریه‌ی داخلی مکتب قرآن کردستان)، ۱۲(۱۸، ۱۳۹۱ش/۲۰۱۱م)، ۱۲-۱۳.

۱۵۶. امینی، محمد علی، روایتی از نهضت بیداری دینی اهل‌سنت جنوب ایران، مجله‌ی ندای اسلام، ۱۲(۴۶، ۱۳۹۰ش/۲۰۱۱م)، ۲۵ ـ ۲۸.

۱۵۷. اسماعیل‌زهی، عبدالحمید، سه دهه‌ی گذشته‌ی انقلاب اسلامی و چشم انداز دهه‌ی چهارم، مجله‌ی ندای اسلام، ۹ و ۱۰(۳۶ و ۳۷، ۱۳۸۸ش/۲۰۰۹م)، ۲۱ ـ ۲۶.

۱۵۸. اسماعیل‌زهی، عبدالحمید، تقویت وحدت ملی با مشارکت گسترده‌ی اهل‌سنت، مجله‌ی ندای اسلام، ویژه نامه‌ی نهمین انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۸۴ش/۲۰۰۵م، ۵ـ ۸.

۱۵۹. ایرانی، عبدالله، مصاحبه با ماموستا ایرانی، مجله‌ی برایه‌تی، ۱۱(۴۲، ۱۳۹۱ش/۲۰۱۲م)،۵۳ ـ ۶۰.

۱۶۰. بخشی، ایوب، آشنایی با مناطق سنی‌نشین در استان اردبیل، مجله‌ی ندای اسلام، ۵(۱۷، ۱۳۸۳ش/ ۲۰۰۴م)، ۷۵.

۱۶۱. پیک تقریب (از نشریات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی)، شماره‌های ۱۳۷ تا ۱۴۵، ۱۳۹۰ـ ۱۳۹۲ش/ ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲م.

۱۶۲. تاج زاده، سیدمصطفی، درباره‌ی اهل‌سنت، مجله‌ی ندای اسلام،۳(۱۰، ۱۳۸۲ش/۲۰۰۳م) ۶۷ - ۷۰.

۱۶۳. جزایری، ابوبکر، سخنی روشن پیرامون نهضت جماعت تبلیغ، ترجمه: عبدالقادر دهقان، مجله‌ی ندای اسلام، ۱۲(۴۷ و۴۸، ۱۳۹۰ش/ ۲۰۱۱م)، ۳۰ـ ۳۳.

۱۶۴. خاص‌احمدی، احمد، شهرستان تربت جام، مجله‌ی جاده‌ی ابریشم، ویژه نامه‌ی تربت جام، (۴۹، ۱۳۸۱ش/ ۲۰۰۲م، ۲۸ـ ۲۹.

۱۶۵. فرزندی، عباس علی، وحدت و انسجام اسلامی، مجله‌ی حبل المتین، ۱(۱، ۱۳۹۱ش/۲۰۱۲م)، ۱۳۶ـ ۱۵۵.

۱۶۶. مرادزهی خاشی، عبدالمجید، وضعیت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی اهل‌سنت در ایران، مجله‌ی ندای اسلام، ویژه نامه‌ی نهمین انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۸۴ش/۲۰۰۵م، ۱۵ ـ ۱۹.

۱۶۷. ملازهی، پیرمحمد، وحدت و امنیت پایدار در گرو مشارکت اهل‌سنت، مجله‌ی ندای اسلام، ویژه‌نامه‌ی نهمین انتخابات ریاست جمهوری، ۱۳۸۴ش/ ۲۰۰۵م، ۹ـ ۱۴.

۱۶۸. نشریه‌ی مدارس علوم دینی اهل‌سنت کشور، اهل‌سنت ایران ده هزار مسجد دارند، ۱(۱، ۱۳۸۹ش/ ۲۰۱۰م)، ۲۹.

۱۶۹. نشریه‌ی وفاق، ویژه‌ی مدارس علوم دینی اهل‌سنت کشور، شماره‌های ۸ تا ۱۳، ۱۳۹۰ ـ ۱۳۹۲ش/۲۰۱۱ـ ۲۰۱۲م.

۱۷۰. نیک پسند، سهراب، بزرگ‌ترین مساجد جهان اسلام، روزنامه‌ی خراسان ـ جیم،۶۴ (شماره‌ی ۱۸۱۹۹، ۱۳۹۱ش/ ۲۰۱۲م)، پنج‌شنبه ۲/ ۶/ ۱۳۹۱ش.

۱۷۱. هوشمند، احسان، نگاه ملی به حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی، مجله‌ی ندای اسلام، ویژه‌نامه‌ی نهمین انتخابات ریاست

جمهوری، ۱۳۸۴ش/ ۲۰۰۵م، ۲۲ ـ ۳۰.

۱۷۲. وحیدی، بهنام، اهل‌سنت در خراسان شمالی، مجله‌ی وفاق، ۲(۱۳، ۱۳۹۱ش/۲۰۱۰م، ۴۴ ـ ۴۵.

۳ـ منابع الکترونیک:

۱۷۳. ارباب، محمد یوسف، اهل سنت کرمان، در تاریخ ۱۳۹۳/۸/۵ش، www.islahweb.org (پایگاه رسمی اطلاع رسانی جماعت دعوت و اصلاح).

۱۷۴. حمیدی، ابراهیم (رئیس کل دادگستری استان سیستان و بلوچستان)، اهل‌سنت از حقوق خویش برخوردارند، در ۱۳۹۲/۱۲/۱۹ش = ۲۰۱۴/۳/۹م، www.dadgostari-sb.ir (پایگاه رسمی دادگستری استان سیستان و بلوچستان).

۱۷۵. خیرخواه، محمد حسن(ریاست توسعه و نظارت بر سازمان‌های غیردولتی)، سازمان های غیر دولتی در ایران، در سایت های: www.irna.ir و www.yjc.ir

۱۷۶. دانشی، عباس(از مسؤولان سازمان تبلیغات اسلامی در سیستان و بلوچستان)، مساجد اهل‌سنت در ایران، در سایت : www.irna.ir (خبرگزاری ایرنا).

۱۷۷. عرب نیا، محمد صادق(مدیر کل شورای برنامه‌ریزی مدارس اهل‌سنت)، اهل‌سنت در ایران، در سایت: www.tabnak.ir (تابناک)

۱۷۸. فرازی، عباس(از مسؤولان شورای برنامه‌ریزی مدارس اهل‌سنت)، طلاب و مدارس اهل‌سنت، در سایت: www.irna.ir (خبرگزاری ایرنا).

۱۷۹. کرمی، جواد(مسؤول دفتر رهبری در استان کرمانشاه)، اهل‌سنت کرمانشاه، در سایت: www.mehrnews.ir (خبرگزاری مهر).

۱۸۰. ناصری، فریدون(کارشناس علوم اسلامی در مرکز بزرگ غرب کشور)، اهل‌سنت در کردستان، در سایت : www.isna.ir (خبرگزاری ایسنا).

۱۸۱. نوشتار سایت، آشنایی با مکتب قرآن، در سایت: .www islamkurd.com (پایگاه رسمی مکتب قرآن کردستان).

۱۸۲. نوشتار سایت، آشوریان و کلدانیان مسیحی در ایران،

۱۸۳.در سایت: www. mazaheb-adyan.blogfa.com

۱۸۴. نوشتار سایت، آمار لحظه‌ای جمعیت کشور، در سایت: .www.amar.org.ir

۱۸۵. نوشتار سایت، اخبار اهل‌سنت کشور، در سایت: www. taghrib.urd.ac.ir

۱۸۶. نوشتار سایت، اساس‌نامه ومرام‌نامه جماعت دعوت واصلاح، در سایت:

۱۸۷. www. islahweb.org

۱۸۸. نوشتار سایت، ایران و تاریخ آن، در سایت: www.fa.wikipedia.org

۱۸۹. نوشتار سایت، برگزاری جلسات ختم قرآن در مساجد و نمازخانه‌های مشهد، در سایت‌های: ، www.daralolom.persianblog.ir www.daralolom.com

۱۹۰. نوشتار سایت، تصوف در کردستان، در سایت: www.ostan–kd.ir (پایگاه استانداری کردستان).

۱۹۱. نوشتار سایت، تعداد اعضای شوراهای اسلامی شهر و روستا، در سایت: www.shora–gc.ir (پایگاه رسمی شورای نگهبان قانون اساسی).

۱۹۲. نوشتار سایت، روستاهای شگفت انگیز ایران، در سایت: www.topnaz.com

۱۹۳. نوشتار سایت، روستاهای شگفت انگیز ایران، در سایت: www.wikiroosta.ir

۱۹۴. نوشتار سایت، زندیه، در پایگاه:www.fa.wikipedia.org

۱۹۵. نوشتار سایت، سلسله‌ی پهلوی، در پایگاه:.www.fa.wikipedia org

۱۹۶. نوشتار سایت، سلسله‌ی نعمت‌اللهی وگنابادی، در سایت: www.akhlagh.porsemani.ir

۱۹۷. نوشتار سایت، شورای عالی انقلاب فرهنگی، در سایت: www.sccr.ir

۱۹۸. نوشتار سایت، فتوای شیخ بن باز درباره‌ی جماعت تبلیغ، در سایت: www.salafi-saravan.persianblog.ir

۱۹۹. نوشتار سایت، فرق شیعه؛ اسماعیلی، شیخی، زیدی، و... در ایران، در سایت: www.mazaheb–adyan.blogfa.com

۲۰۰. نوشتار سایت، فرق شیعه؛ اسماعیلی، شیخی، زیدی، و... در إیران، در سایت: www.porseman.org

۲۰۱. نوشتار سایت، قاجاریه، در پایگاه:www.fa.wikipedia.org

۲۰۲. نوشتار سایت، متن کامل قانون اساسی به عربی، در سایت‌های : www.ansarh.cc، www.arabi–maleki.blogfa.com

۲۰۳. نوشتار سایت، معرفی استان‌های ایران، در پایگاه: www.istta.ir(مرکز گردشگری، علمی و فرهنگی دانشجویان ایران).

۲۰۴. نوشتار سایت، معرفی اعضای مجلس خبرگان، در سایت: www.majlesekhobregan.ir

۲۰۵. نوشتار سایت، معرفی مصطفی طباطبایی، در سایت:
www.tabatabaie.net

۲۰۶. نوشتار سایت، معرفی مصلای امام خمینی در تهران، در سایت:
www.musalla.ir (پایگاه مصلای امام خمینی در تهران).

۲۰۷. ولی نژاد، نورالله، وحدت در گلستان، در سایت:
yjc.ir.www: وwww.taghrib.urd.ac.ir

۲۰۸. یونسی، علی، مساجد اهل‌سنت، در سایت:
www.javanonline.ir (جوان آنلاین).

۴ـ بروشورها و کتابچه‌ها:

۲۰۹. معرفی مجتمع دینی بستک، سال ۱۳۸۹ش/۲۰۱۰م، ۱۸ص.

۲۱۰. معرفی مجتمع علمی فرهنگی سلطان العلماء ـ بندرلنگه، ۸۹–۱۳۸۸ش/۲۰۱۰م، ۴۹ص.

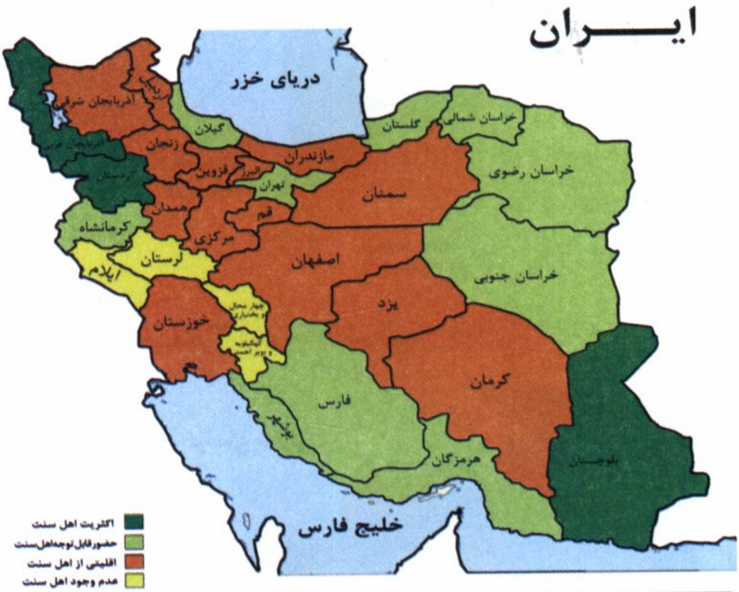
۲۱۱. معرفی مدرسه‌ی علوم دینی اهل‌سنت و جماعت بندرعباس، سال ۱۳۹۰ش/ ۲۰۱۱م، ۴ص.

۵ـ نقشه:

۲۱۲.مؤسسه‌ی جغرافیایی وکارتوگرافی گیتاشناسی، نقشه‌ی کامل ایران امروز، شماره‌ی ۳۷۳، چ۳، هامون، ۱۳۹۰ش/۲۰۱۱م.

تصاویری از ایران و استان‌های سنی‌نشین[1] و پوشش‌های محلی:

پیوست شماره‌ی ۱: (نقشه‌ی ایران با مشخصات استان‌های سنی‌نشین)



---

۱. توضیح واژگان به کار رفته در نقشه‌ها: ۱. اکثریت اهل‌سنت: استان‌ها و شهرستان‌هایی که بیش از ۵۰٪ ساکنان‌شان سنی‌مذهب‌اند. ۲. حضور قابل توجه: اماکنی که جمعیت اهل‌سنت در آن‌ها به ۵۰٪ کل ساکنان نمی‌رَسد، ولی به علت برخورداری از مراکز دینی و مساجد یا نمازخانه‌های فعال، حضورشان قابل توجه است و نام و نشان دارند. ۳. اقلیت: منظور جاهایی است که درصد جمعیت اهل‌سنت بسیار پایین است و به طور کل در معادلات منطقه به شمار نمی‌آیند، هرچند از مساجد اندکی بهره ببرند. ۴. عدم وجود: گرچه ممکن است به طور پراکنده تعداد اندکی از اهل‌سنت در چنین اماکنی زندگی کنند، ولی به علت نداشتن هیچ مرکز یا مسجد و نشانه‌ای، وجودشان نادیده گرفته شده است.

پیوست شماره‌ی ۲: (استان اردبیل)

اردبیل



پیوست شماره‌ی ۳: (خراسان شمالی)

خراسان شمالی



پیوست شماره‌ی ٤: (گلستان)



پیوست شماره‌ی ٥: (پوشش ترکمنی)



پیوست شماره‌ی۶: (گیلان)

گیلان

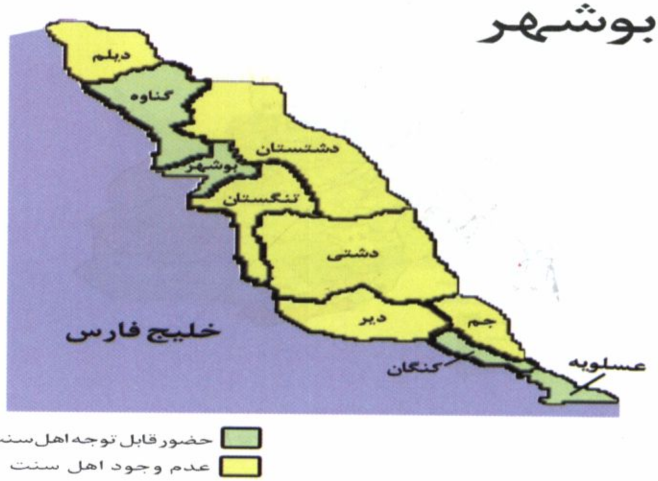


پیوست شماره‌ی۷: (مازندران)

مازندران



پیوست شماره‌ی۸: (بوشهر)

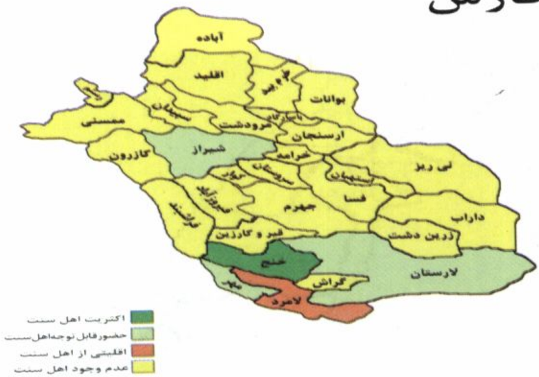


پیوست شماره‌ی۹: (خوزستان)

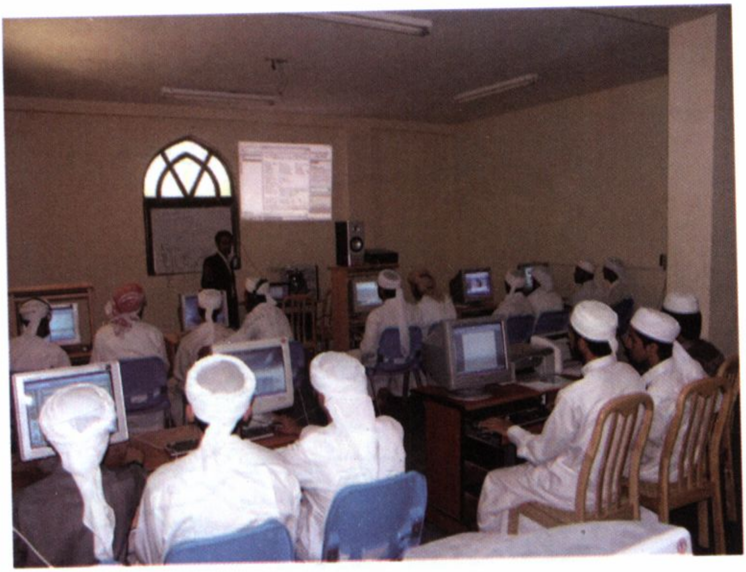


پیوست شماره‌ی ۱۰: (فارس)

فارس



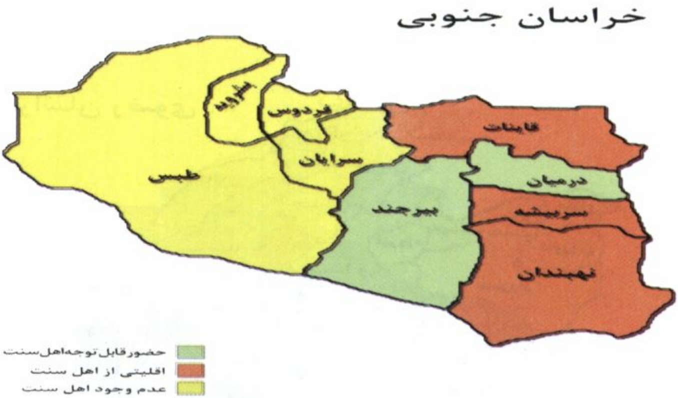
پیوست شماره‌ی ۱۱: (پوشش عربی)



پیوست شماره‌ی ۱۲: (هرمزگان)

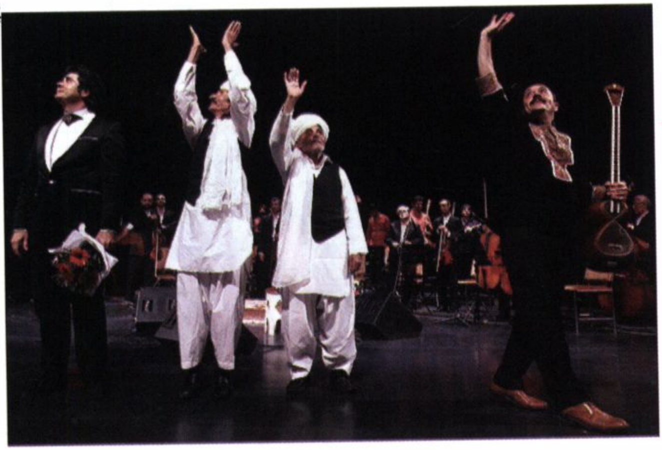


پیوست شماره‌ی ۱۳: (خراسان جنوبی)



پیوست شماره‌ی ۱۴: (لباس محلی خراسان رضوی و جنوبی - وسط تصویر)

پیوست



شماره‌ی ۱۵: (خراسان رضوی)



پیوست شماره‌ی۱۶: (لباس بلوچی)



پیوست شماره‌ی۱۷: (سیستان و بلوچستان)



پیوست شماره‌ی۱۸: (آذربایجان غربی)



پیوست شماره‌ی۱۹: (لباس کردی)

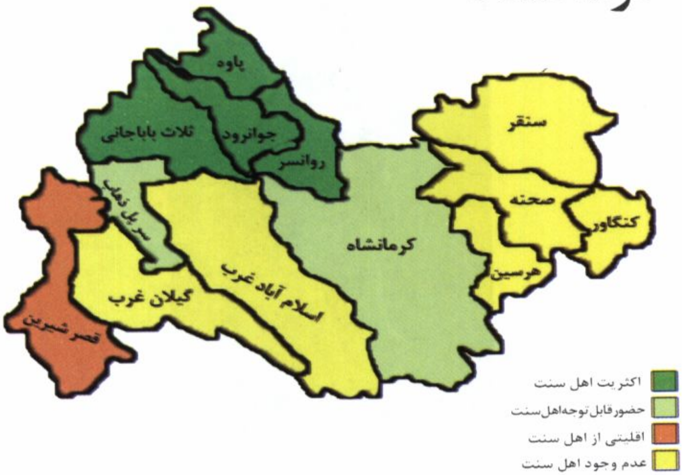


پیوست شماره‌ی۲۰: (کردستان)



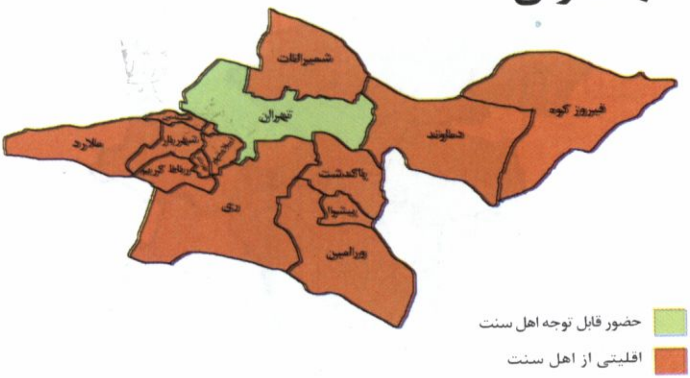
پیوست شماره‌ی ۲۱: (کرمانشاه)

کرمانشاه



پیوست شماره‌ی ۲۲: (تهران)

تهـــــران



پیوست شماره‌ی۲۳: (البرز)



پیوست شماره‌ی۲٤: (حوزه‌های علمیه‌ی اهل‌سنت ترکمن)

الف. حوزه‌ی علمیه‌ی سلطان احمد آخوند ـ گنبد کاووس ـ گلستان



ب. مدرسه‌ی احمدیه‌ی قوجمز ـ کلاله ـ گلستان



ج. حوزه‌ی علمیه‌ی فاروقیه ـ گالیکش ـ گلستان



د. حوزه‌ی علمیه‌ی اعظمیه ـ بندرترکمن ـ گلستان



پیوست شماره‌ی ۲۵: (مدارس دینی اهل‌سنت فارس و هرمزگان)

الف. معهد عالی ـ اوز ـ فارس



ب. مجتمع دینی ـ بستک ـ هرمزگان



ج. مدرسه‌ی دینی سلطان العلماء ـ بندرلنگه ـ هرمزگان

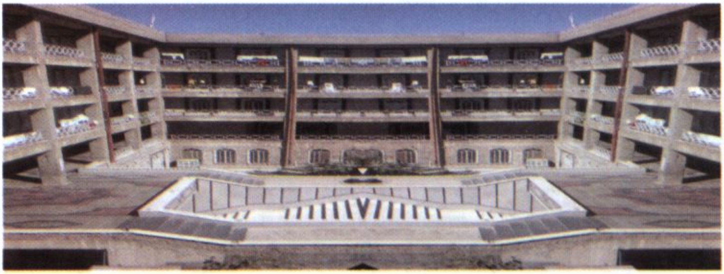


د. مدرسه‌ی دینی ـ بندرعباس ـ هرمزگان

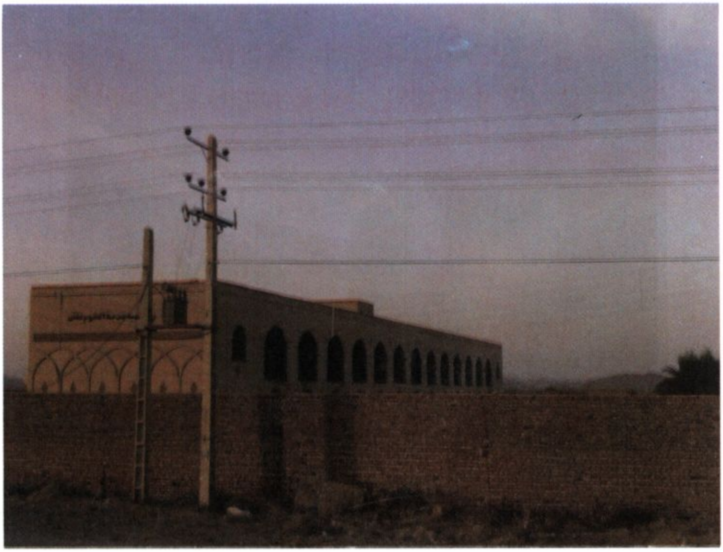


پیوست شماره‌ی۲۶: (حوزه‌های علمیه‌ی بلوچستان)

الف. دارالعلوم ـ مکی ـ زاهدان ـ سیستان و بلوچستان

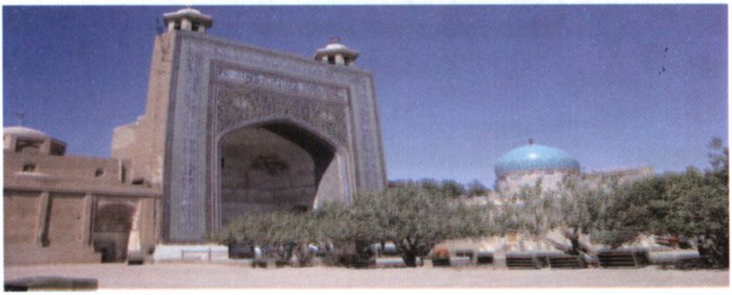


ب. حوزه‌ی علمیه‌ی مدینة العلوم ـ خاش ـ سیستان و بلوچستان

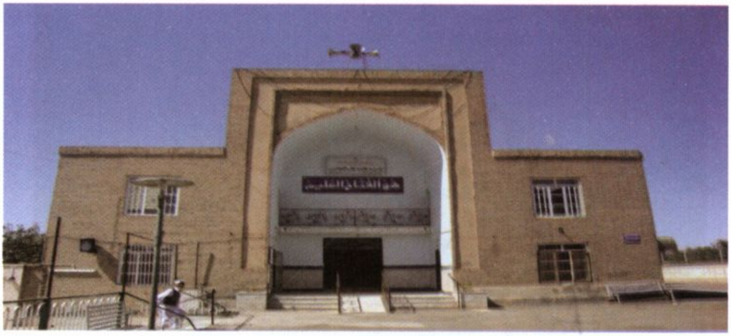


پیوست شماره‌ی ۲۷: (حوزه‌های علمیه خراسان)

الف. حوزه‌ی علمیه‌ی احمدیه ـ تربت جام ـ خراسان رضوی

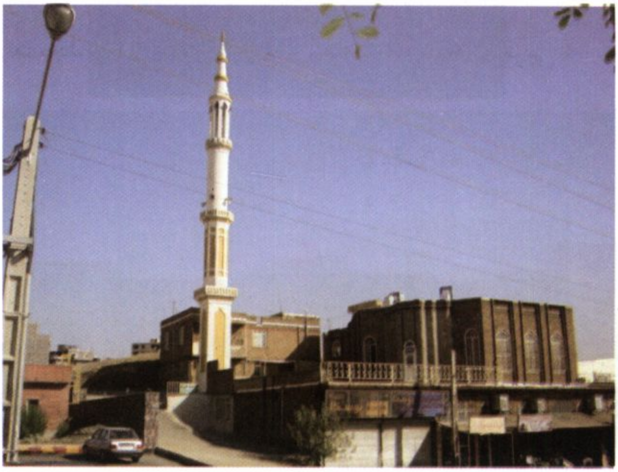


ب. حوزه‌ی علمیه‌ی فخرالمدارس ـ تربت جام ـ خراسان رضوی

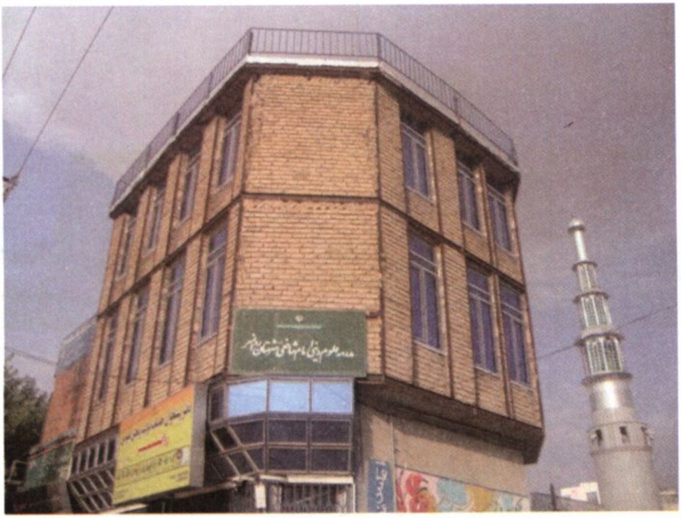


پیوست شماره‌ی۲۸: (حجره‌ها و مدارس استان‌های غربی)

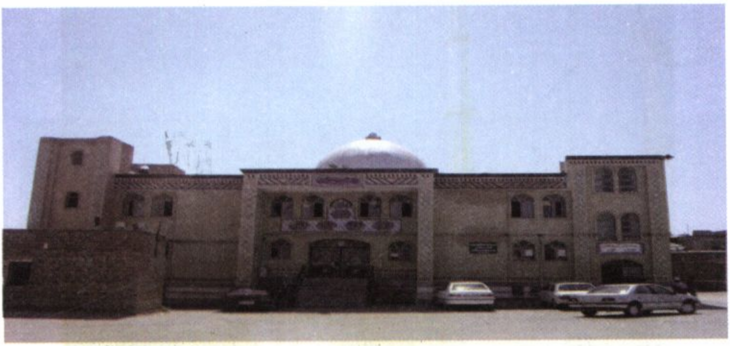
الف. مسجد و حجره‌ی سراج ـ سنندج ـ کردستان



ب. مسجد و مدرسه‌ی امام شافعی ـ روانسر ـ کرمانشاه



ج. مسجد و مدرسه‌ی نور ـ ارومیه ـ آذربایجان غربی



پیوست شماره‌ی۲۹: (مساجد گلستان)

الف. مسجد ابوبکر صدیق ـ بندرترکمن



ب. مصلای جمعه ـ گنبد کاووس ـ گلستان



ج. مسجد جامع خوجه احمد یسوی ـ گرگان ـ گلستان



د. مسجد خاتم الانبیاء ـ بجنورد ـ خراسان شمالی



پیوست شماره‌ی ۳۰: (مساجد گیلان)

الف. مسجد جامع فاروق اعظم ـ اسالم ـ تالش ـ گیلان



ب. مسجد عباس آباد ـ آستارا ـ گیلان



ج. مسجد و حوزه‌ی علمیه‌ی محمدیه ـ تالش ـ گیلان

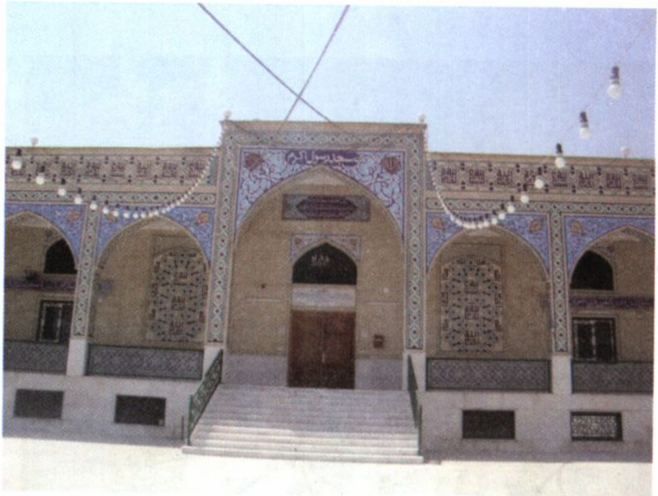


پیوست شماره‌ی ۳۱: (مساجد استان‌های جنوبی)

الف. مسجد جامع بندرعباس ـ هرمزگان



ب. مسجد رسول اکرم ـ شیراز ـ فارس



ج. مسجد جامع بستک ـ هرمزگان

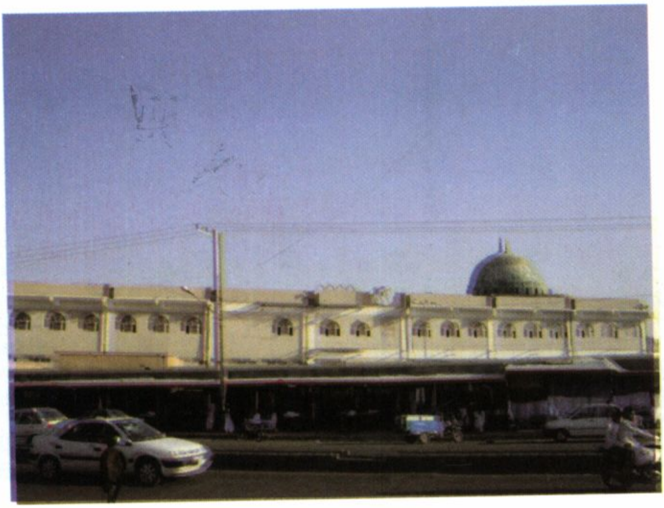


پیوست شماره‌ی ۳۲: (مساجد بلوچستان)

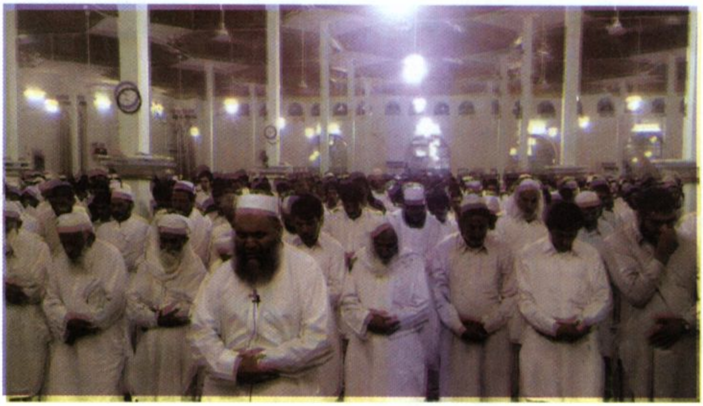
الف. مسجد جامع مکی ـ زاهدان



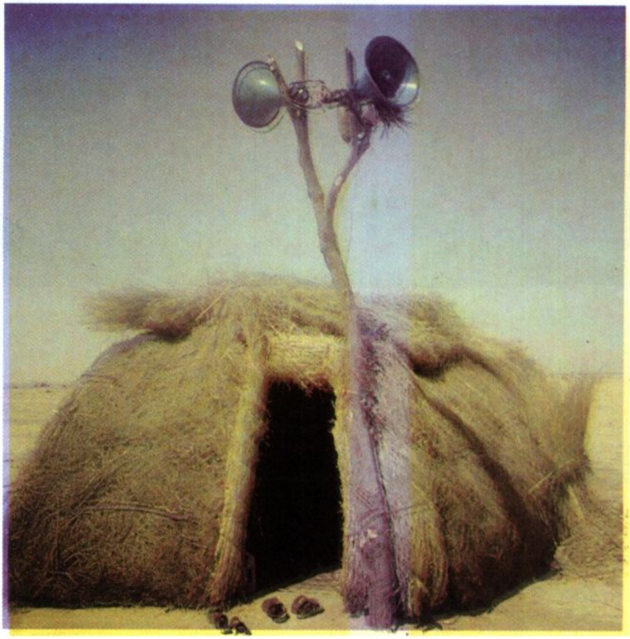
ب. مسجد توحید ـ مرکز جماعت تبلیغ ـ زاهدان

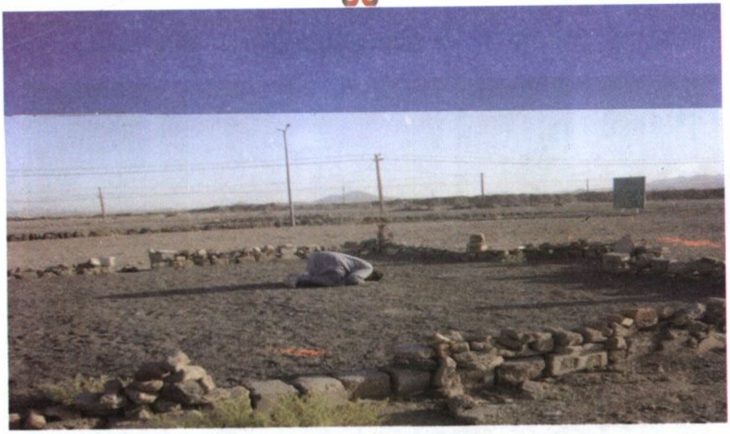


ج. مسجد جامع سراوان ـ بلوچستان



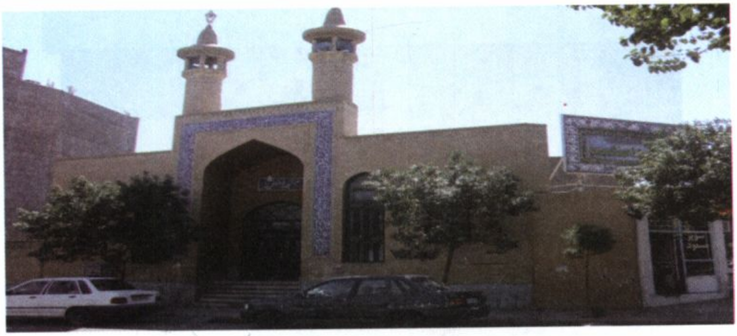
د. مساجد بیابانی و میان‌راهی ـ بلوچستان





پیوست شماره‌ی۳۳: (مساجد خراسان رضوی و جنوبی)

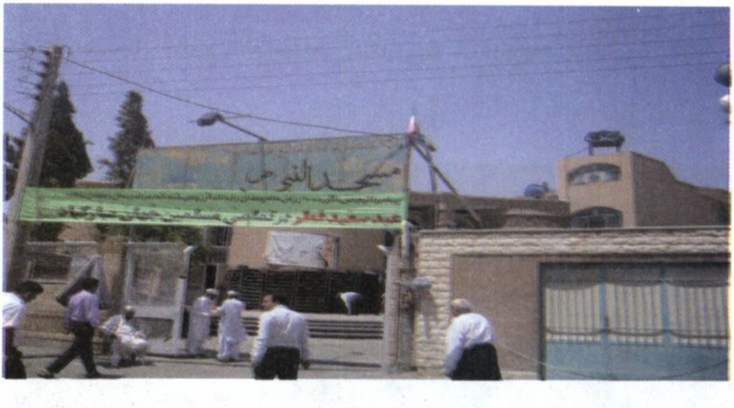
الف. مسجد اعظمیه ـ تربت جام ـ خراسان رضوی



ب. مصلای جمعه ـ خواف ـ خراسان رضوی



ج. مسجد النبی ـ بیرجند ـ خراسان جنوبی

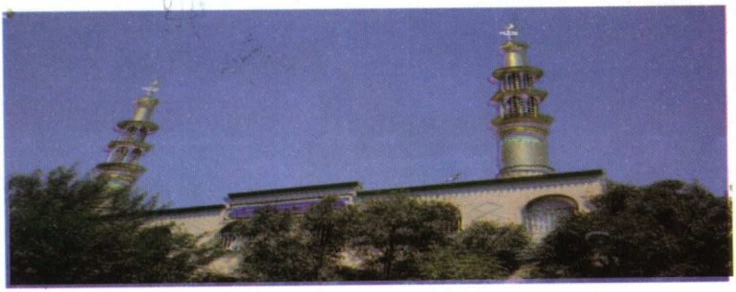


پیوست شماره‌ی ۳۴: (مساجد استان‌های غربی)

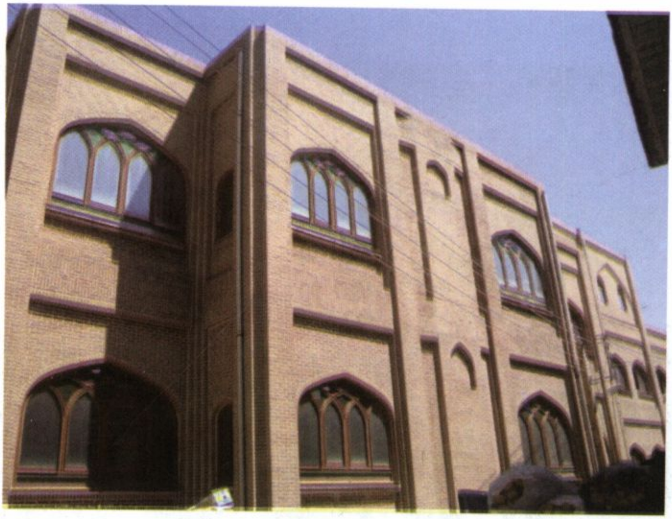
الف. مصلای جمعه ـ سنندج ـ کردستان



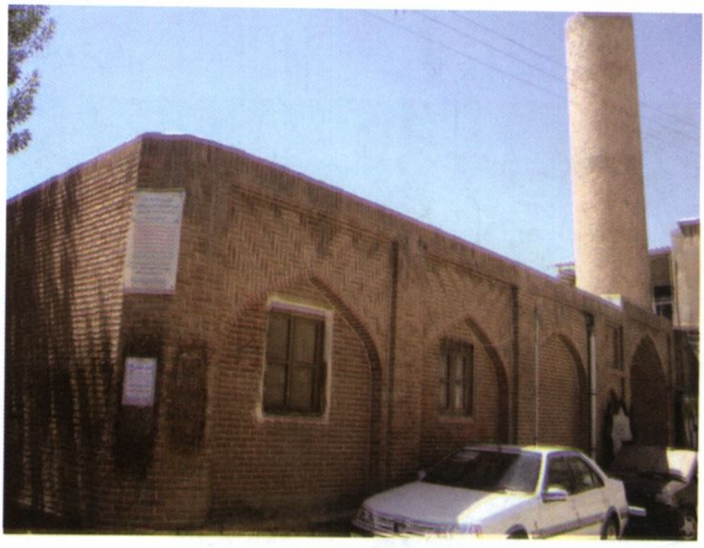
ب. مسجد جامع امام شافعی ـ ارومیه ـ آذربایجان غربی



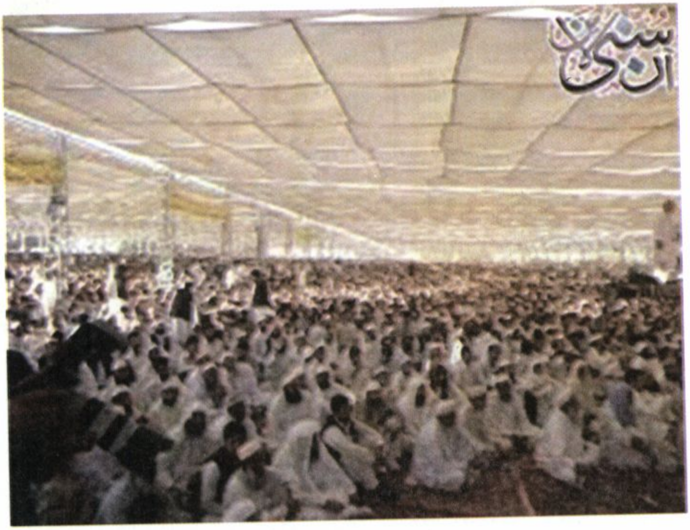
ج. مسجد جامع سردشت ـ آذربایجان غربی



د. مسجد جامع مهاباد ـ آذربایجان غربی



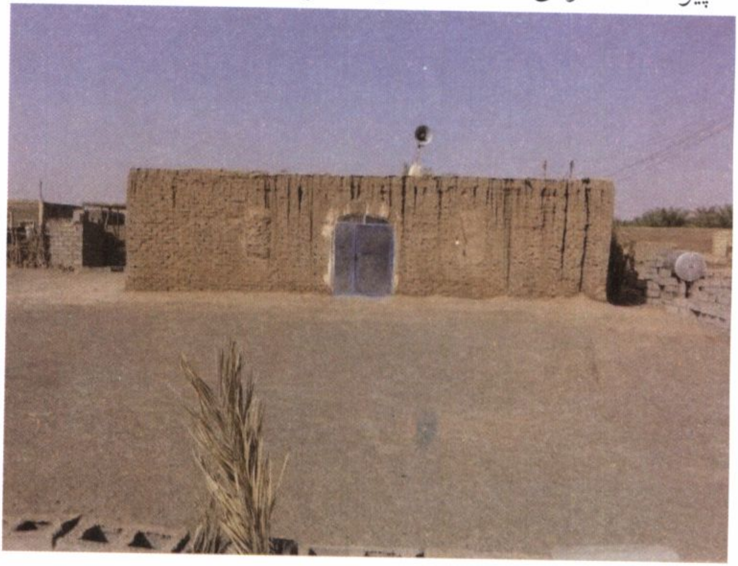
پیوست شماره‌ی۳۵: (همایش بزرگ دانش‌آموختگان ـ ختم بخاری ـ زاهدان)

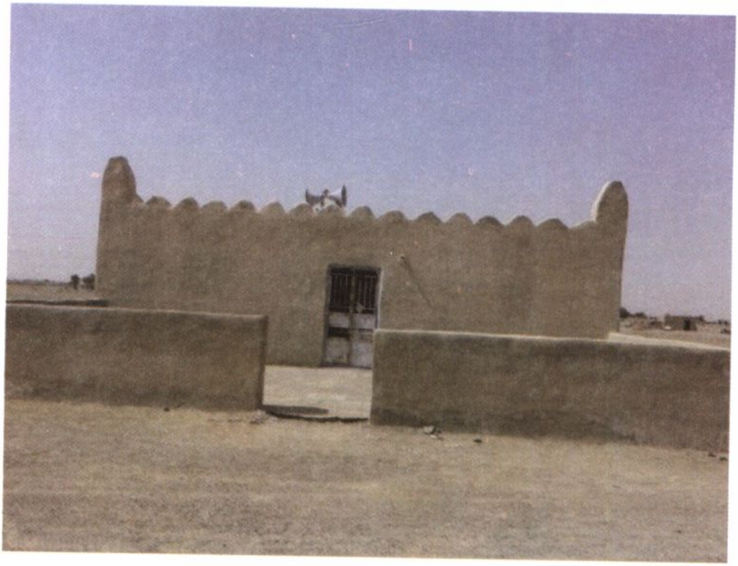


پیوست شماره‌ی۳۶: (همایش بزرگداشت مختوم‌قلی فراغی ـ گنبدکاووس)



پیوست شماره‌ی ۳۷: (مساجدی در کرمان)





«هرکه کتابی سازد و یا چیزی بر جایی نویسد، لابد در دل کند که این سخن را قومی فراستانند و قومی رد کنند و اگر نه چنین کند، رنجور گردد و جمله کارها هم‌چنین است؛ حق و باطل از هر نوعی که باشد، قومی فراستانند و قومی رد کنند. پس دل از گفت مردمان فارغ می‌باید داشت و حق می‌باید گفت آن‌چه دانی تا رستگار باشی».

....شیخ احمد جامی

ISBN:978-600-7682-35-7
9 786007 682357

تایباد. میدان سعدی
۰۵۱۵ ۴۵۳ ۵۳ ۱۰
۰۹۱۵۱۲۶۱۳۹۹
انتشارات حافظ ابرو